



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

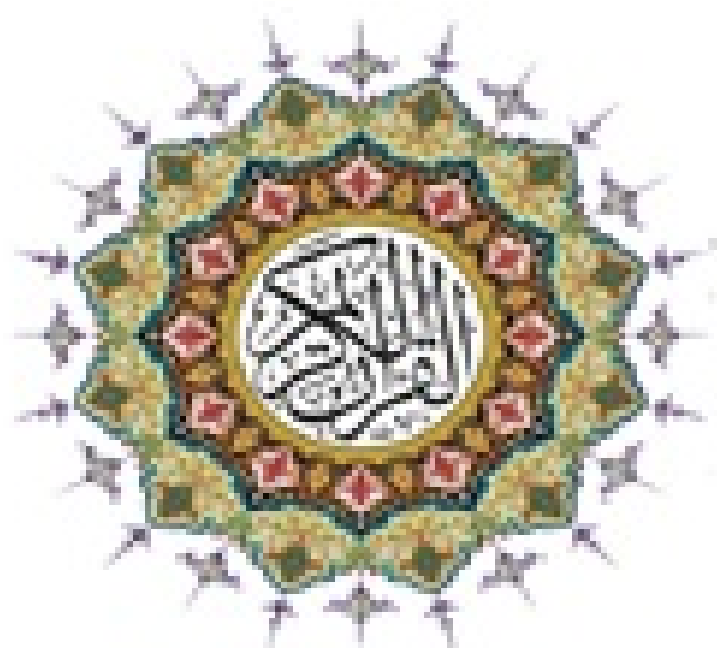
.com

.org

.net

.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۶۴

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 64

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۴۴	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۶۴
۴۴	مشخصات کتاب
۴۴	۱- صفات
۴۴	۱- آثار جهل به صفات خدا
۴۴	۲- آثار شناخت صفات خدا
۴۴	۳- آثار صفات اخلاقی
۴۶	۴- آثار صفات انسان
۴۶	۵- احکام اسما و صفات
۴۶	۶- اختلاف در صفات خدا
۴۸	۷- اسما و صفات در دعا
۴۸	۸- انذار از صفات ناپسند
۴۹	۹- اهمیت صفات جمال
۵۰	۱۰- ایمان به صفات خدا
۵۰	۱۱- بهترین صفات
۵۲	۱۲- بی نظیری صفات خدا
۵۲	۱۳- پاسخ شبهات اسما و صفات
۵۳	۱۴- پرسش از صفات خدا
۵۴	۱۵- تجلی صفات خدا
۵۴	۱۶- تذکر صفات ناپسند
۵۴	۱۷- تعدد اسما و صفات
۵۵	۱۸- تغییر صفات انسان
۵۶	۱۹- تقدیر صفات جسمانی انسان
۵۶	۲۰- تکذیب صفات خدا

- ۵۶ ..... ۲۱- توسل به اسما و صفات
- ۵۷ ..... ۲۲- خدا و صفات ناپسند
- ۵۸ ..... ۲۳- دلایل صفات جلال
- ۵۸ ..... ۲۴- ذکر صفات جلال
- ۵۸ ..... ۲۵- ذکر صفات خدا
- ۶۰ ..... ۲۶- ذکر صفات خدا هنگام تلاوت قرآن
- ۶۰ ..... ۲۷- زمینه ادراک صفات خدا
- ۶۰ ..... ۲۸- زمینه تنزیه اسما و صفات
- ۶۱ ..... ۲۹- شناخت صفات خدا
- ۶۲ ..... ۳۰- صفات آتش جهنم
- ۶۲ ..... ۳۱- صفات ابابیل
- ۶۴ ..... ۳۲- صفات ابراهیم(ع)
- ۶۶ ..... ۳۳- صفات اخرویمناقان
- ۶۶ ..... ۳۴- صفات اشراف
- ۶۶ ..... ۳۵- صفات اشراف قوم نوح
- ۶۶ ..... ۳۶- صفات اصحاب شمال
- ۶۸ ..... ۳۷- صفات امت ها
- ۶۸ ..... ۳۸- صفات انبیا
- ۷۲ ..... ۳۹- صفات انسان
- ۹۲ ..... ۴۰- صفات اولوا الالباب
- ۹۲ ..... ۴۱- صفات اولیاء الله
- ۹۴ ..... ۴۲- صفات اهل عذاب
- ۹۴ ..... ۴۳- صفات اهل کتاب
- ۹۴ ..... ۴۴- صفات اهل ناصره
- ۹۶ ..... ۴۵- صفات اهل یقین
- ۹۶ ..... ۴۶- صفات بخیل

- ۴۷- صفات برادران یوسف ..... ۹۶
- ۴۸- صفات بندگان خدا ..... ۹۶
- ۴۹- صفات بنی اسرائیل ..... ۱۰۴
- ۵۰- صفات بهشت ..... ۱۰۶
- ۵۱- صفات بهشت آدم(ع) ..... ۱۱۲
- ۵۲- صفات بهشتیان ..... ۱۱۲
- ۵۳- صفات بیماردلان ..... ۱۱۳
- ۵۴- صفات پدیده ها ..... ۱۱۴
- ۵۵- صفات پسندیده ..... ۱۱۴
- ۵۶- صفات پسندیده زن ..... ۱۲۶
- ۵۷- صفات پسندیده زنان ..... ۱۲۶
- ۵۸- صفات پسندیده مؤمنان ..... ۱۲۶
- ۵۹- صفات پیروان انبیا ..... ۱۲۸
- ۶۰- صفات پیروان شیطان ..... ۱۲۸
- ۶۱- صفات جامهای بهشت ..... ۱۲۸
- ۶۲- صفات جسمانی شتر صالح(ع) ..... ۱۲۹
- ۶۳- صفات جسمانی قوم عاد ..... ۱۳۰
- ۶۴- صفات جسمی زن ..... ۱۳۰
- ۶۵- صفات جسمی قوم عاد ..... ۱۳۰
- ۶۶- صفات جلال ..... ۱۳۲
- ۶۷- صفات جلال خدا ..... ۱۷۴
- ۶۸- صفات جمال ..... ۱۷۴
- ۶۹- صفات جمال خدا ..... ۱۸۳
- ۷۰- صفات جن ..... ۱۸۴
- ۷۱- صفات جهنم ..... ۱۸۴
- ۷۲- صفات جهنمیان ..... ۱۹۰

- ۱۹۰- صفات حورالعین ..... ۷۳
- ۱۹۱- صفات حیوانات ..... ۷۴
- ۱۹۲- صفات خدا ..... ۷۵
- ۱۹۶- صفات خدا در دعا ..... ۷۶
- ۱۹۶- صفات خواهر موسی(ع) ..... ۷۷
- ۱۹۶- صفات داود(ع) ..... ۷۸
- ۱۹۸- صفات درختان بهشت ..... ۷۹
- ۱۹۸- صفات دشمنان انبیا ..... ۸۰
- ۱۹۸- صفات دنیاطلبان ..... ۸۱
- ۲۰۰- صفات دود آتش جهنم ..... ۸۲
- ۲۰۰- صفات ذات خدا ..... ۸۳
- ۲۰۰- صفات رستگاران ..... ۸۴
- ۲۰۰- صفات رهبران دینی ..... ۸۵
- ۲۰۲- صفات رهبران مستکبر ..... ۸۶
- ۲۰۲- صفات رهبری ..... ۸۷
- ۲۰۳- صفات زلیخا ..... ۸۸
- ۲۰۴- صفات زنان شایسته ..... ۸۹
- ۲۰۴- صفات زنان صالح ..... ۹۰
- ۲۰۴- صفات زندان یوسف(ع) ..... ۹۱
- ۲۰۵- صفات شقاوتمندان ..... ۹۲
- ۲۰۶- صفات شیاطین ..... ۹۳
- ۲۰۶- صفات شیطان ..... ۹۴
- ۲۰۸- صفات شیطانی ..... ۹۵
- ۲۰۸- صفات صحابه ..... ۹۶
- ۲۰۸- صفات ظالمان ..... ۹۷
- ۲۰۸- صفات عبدالله بن ام مکتوم ..... ۹۸



- ۲۱۰ - صفت عرش ۹۹- صفت عرش
- ۲۱۰ - صفت علما ۱۰۰- صفت علما
- ۲۱۱ - صفت عیسی(ع) ۱۰۱- صفت عیسی(ع)
- ۲۱۲ - صفت غافلان ۱۰۲- صفت غافلان
- ۲۱۲ - صفت فاسقان ۱۰۳- صفت فاسقان
- ۲۱۲ - صفت فرزند صالح ۱۰۴- صفت فرزند صالح
- ۲۱۲ - صفت فرعون ۱۰۵- صفت فرعون
- ۲۱۶ - صفت فرعونیان ۱۰۶- صفت فرعونیان
- ۲۱۷ - صفت قرآن ۱۰۷- صفت قرآن
- ۲۱۸ - صفت قلب بیمار ۱۰۸- صفت قلب بیمار
- ۲۱۸ - صفت قوم ثمود ۱۰۹- صفت قوم ثمود
- ۲۲۰ - صفت قوم عاد ۱۱۰- صفت قوم عاد
- ۲۲۰ - صفت قوم نوح ۱۱۱- صفت قوم نوح
- ۲۲۰ - صفت قیامت ۱۱۲- صفت قیامت
- ۲۲۲ - صفت کافران ۱۱۳- صفت کافران
- ۲۲۸ - صفت کافران صدراسلام ۱۱۴- صفت کافران صدراسلام
- ۲۳۰ - صفت کافران مکه ۱۱۵- صفت کافران مکه
- ۲۳۰ - صفت کفران کنندگان ۱۱۶- صفت کفران کنندگان
- ۲۳۰ - صفت گاو بنی اسرائیل ۱۱۷- صفت گاو بنی اسرائیل
- ۲۳۴ - صفت گناهکاران ۱۱۸- صفت گناهکاران
- ۲۳۴ - صفت متقین ۱۱۹- صفت متقین
- ۲۴۲ - صفت مجاهدان ۱۲۰- صفت مجاهدان
- ۲۴۴ - صفت محسنان ۱۲۱- صفت محسنان
- ۲۴۴ - صفت محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۲۲- صفت محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۴۸ - صفت مخلصین ۱۲۳- صفت مخلصین
- ۲۴۸ - صفت مرد ۱۲۴- صفت مرد

۲۴۸	۱۲۵- صفات مرفهان
۲۵۰	۱۲۶- صفات مرفهان کافر
۲۵۰	۱۲۷- صفات مستکبران
۲۵۰	۱۲۸- صفات مسرفان
۲۵۲	۱۲۹- صفات مسلمانان
۲۵۲	۱۳۰- صفات مسلمانان صدراسلام
۲۵۲	۱۳۱- صفات مسیحیان
۲۵۳	۱۳۲- صفات مشرکان
۲۵۵	۱۳۳- صفات مشرکان صدراسلام
۲۵۶	۱۳۴- صفات معبود راستین
۲۵۶	۱۳۵- صفات مغضوبان خدا
۲۵۷	۱۳۶- صفات مفسدان
۲۵۸	۱۳۷- صفات مکذبان آخرت
۲۵۸	۱۳۸- صفات مکذبان قرآن
۲۵۸	۱۳۹- صفات مکذبان قیامت
۲۵۹	۱۴۰- صفات مکذبان کیفر اخروی
۲۶۰	۱۴۱- صفات مکذبان کیفرهای خدا
۲۶۰	۱۴۲- صفات مکذبان معاد
۲۶۰	۱۴۳- صفات ملائکه
۲۶۲	۱۴۴- صفات منافقان
۲۷۵	۱۴۵- صفات موجودات
۲۷۶	۱۴۶- صفات موحدان
۲۷۶	۱۴۷- صفات موسی(ع)
۲۷۸	۱۴۸- صفات مؤمنان
۲۹۸	۱۴۹- صفات مؤمنان به نظارت خدا
۲۹۸	۱۵۰- صفات مؤمنان راستین

- ۱۵۱- صفات مهاجران ..... ۲۹۸
- ۱۵۲- صفات مهتدین ..... ۳۰۰
- ۱۵۳- صفات ناپسند ..... ۳۰۰
- ۱۵۴- صفات نوح(ع) ..... ۳۰۳
- ۱۵۵- صفات نهرهای بهشت ..... ۳۰۴
- ۱۵۶- صفات نیکان ..... ۳۰۴
- ۱۵۷- صفات هدایتگران ..... ۳۰۴
- ۱۵۸- صفات همسر ..... ۳۰۶
- ۱۵۹- صفات همسران بهشتی ..... ۳۰۶
- ۱۶۰- صفات یهود ..... ۳۰۹
- ۱۶۱- صفات یهود دوران مریم(ع) ..... ۳۱۴
- ۱۶۲- عینیت صفات خدا ..... ۳۱۵
- ۱۶۳- مراتب صفات خدا ..... ۳۱۶
- ۱۶۴- مسیحیان و صفات صحابه ..... ۳۱۶
- ۱۶۵- مسیحیان و صفات محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۳۱۶
- ۱۶۶- ملاک صفات خدا ..... ۳۱۶
- ۱۶۷- منشأ صفات پسندیده ..... ۳۱۸
- ۱۶۸- نامگذاری با اسما و صفات ..... ۳۱۸
- ۱۶۹- نقش صفات اخلاقی ..... ۳۱۸
- ۱۷۰- ویژگیهای صفات خدا ..... ۳۲۰
- ۱۷۱- هماهنگی با صفات خدا ..... ۳۲۰
- ۱۷۲- یهود و صفات صحابه ..... ۳۲۰
- ۱۷۳- یهود و صفات محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۳۲۰
- ۱۷۴- {صفات ارزشمند} ..... ۳۲۲
- ۱۷۵- {صفات جلال} ..... ۳۲۲
- ۱۷۶- دلایل صفات جلال ..... ۳۲۲

- ۱۷۷- ذکر صفات جلال ..... ۳۲۳
- ۱۷۸- صفات جلال ..... ۳۲۴
- ۱۷۹- صفات جلال خدا ..... ۳۶۶
- ۲- صلاح ..... ۳۶۷
- ۱- آثار صلاح ..... ۳۶۷
- ۲- آثار گرایش به صلاح ..... ۳۶۷
- ۳- آثار گرایش به صلاح ..... ۳۶۹
- ۴- اهمیت صلاح ..... ۳۶۹
- ۵- حقیقت صلاح ..... ۳۷۰
- ۶- زمینه صلاح ..... ۳۷۱
- ۷- زمینه صلاح اخروی ..... ۳۷۱
- ۸- زمینه صلاح جن ..... ۳۷۱
- ۹- عوامل صلاح ..... ۳۷۳
- ۱۰- منافقان و صلاح ..... ۳۷۳
- ۳- صلاحیت ..... ۳۷۴
- ۱- آثار صلاحیت ..... ۳۷۴
- ۲- آثار صلاحیت ادریس(ع) ..... ۳۷۴
- ۳- آثار صلاحیت اسماعیل(ع) ..... ۳۷۶
- ۴- آثار صلاحیت پدر ..... ۳۷۶
- ۵- آثار صلاحیت ذوالکفل(ع) ..... ۳۷۶
- ۶- آثار صلاحیت لوط(ع) ..... ۳۷۶
- ۷- آثار صلاحیت ها ..... ۳۷۸
- ۸- صلاحیت انبیا ..... ۳۷۸
- ۹- صلاحیت انسان ها ..... ۳۷۸
- ۱۰- صلاحیت برای نعمت ..... ۳۷۸
- ۱۱- صلاحیت پدران مؤمنان ..... ۳۸۰

- ۳۸۰ ..... ۱۲- صلاحیت فرزندان مؤمنان
- ۳۸۰ ..... ۱۳- صلاحیت همسران مؤمنان
- ۳۸۰ ..... ۱۴- منشأ صلاحیت ابراهیم(ع)
- ۳۸۰ ..... ۱۵- منشأ صلاحیت اسحاق(ع)
- ۳۸۲ ..... ۱۶- منشأ صلاحیت یعقوب(ع)
- ۳۸۲ ..... ۱۷- نقش صلاحیت ها
- ۳۸۴ ..... ۱۸- آثار صلاحیت ها
- ۳۸۴ ..... ۱۹- نقش صلاحیت ها
- ۳۸۷ ..... ۴- صلح
- ۳۸۷ ..... ۱- صلح
- ۳۸۷ ..... ۲- آثار صلح حدیبیه
- ۳۹۵ ..... ۳- احکام صلح
- ۳۹۷ ..... ۴- اسلام و صلح
- ۳۹۷ ..... ۵- اهداف صلح با کافران
- ۳۹۷ ..... ۶- اهمیت صلح
- ۴۰۰ ..... ۷- اهمیت صلح حدیبیه
- ۴۰۱ ..... ۸- بسمله در صلح نامه حدیبیه
- ۴۰۱ ..... ۹- تقدم صلح بر جنگ
- ۴۰۱ ..... ۱۰- توکل بر خدا در صلح
- ۴۰۳ ..... ۱۱- دشمنان صلح
- ۴۰۳ ..... ۱۲- ذکر خدا در صلح
- ۴۰۳ ..... ۱۳- رسول الله در صلح نامه حدیبیه
- ۴۰۳ ..... ۱۴- زمان صلح حدیبیه
- ۴۰۵ ..... ۱۵- زمینه صلح
- ۴۰۵ ..... ۱۶- زمینه صلح حدیبیه
- ۴۰۵ ..... ۱۷- سرزمین های صلح

- ۴۰۵ ..... ۱۸- شرایط صلح
- ۴۰۷ ..... ۱۹- شرایط صلح با کافران
- ۴۰۹ ..... ۲۰- صلح با غیر مسلمانان
- ۴۰۹ ..... ۲۱- صلح با کافران
- ۴۱۱ ..... ۲۲- صلح با مشرکان
- ۴۱۱ ..... ۲۳- صلح با مؤمنان
- ۴۱۱ ..... ۲۴- صلح بهشتیان
- ۴۱۳ ..... ۲۵- صلح در بهشت آدم(ع)
- ۴۱۳ ..... ۲۶- صلح طلبی ملکه سبأ
- ۴۱۳ ..... ۲۷- صلح طلبی منافقان
- ۴۱۴ ..... ۲۸- صلح کافران
- ۴۱۵ ..... ۲۹- عبرت از صلح حدیبیه
- ۴۱۵ ..... ۳۰- عوامل صلح
- ۴۱۷ ..... ۳۱- فسخ معاهده صلح
- ۴۱۷ ..... ۳۲- فلسفه صلح حدیبیه
- ۴۱۷ ..... ۳۳- قصه صلح حدیبیه
- ۴۲۵ ..... ۳۴- معاهده صلح
- ۴۲۵ ..... ۳۵- معاهده صلح در صدر اسلام
- ۴۲۶ ..... ۳۶- مغضوبیت صلح ناعادلانه
- ۴۲۷ ..... ۳۷- مکر در صلح
- ۴۲۷ ..... ۳۸- منشأ صلح اهل مکه
- ۴۲۹ ..... ۳۹- منشأ صلح حدیبیه
- ۴۲۹ ..... ۴۰- نعمت صلح با اهل مکه
- ۴۳۰ ..... ۴۱- نعمت صلح حدیبیه
- ۴۳۱ ..... ۴۲- نقش صلح حدیبیه
- ۴۳۱ ..... ۴۳- نقض معاهده صلح

- ۴۴- { صلح حدیبیه } ..... ۴۳۲
- ۴۵- آثار صلح حدیبیه ..... ۴۳۳
- ۴۶- اهمیت صلح حدیبیه ..... ۴۴۱
- ۴۷- زمان صلح حدیبیه ..... ۴۴۱
- ۴۸- زمینه صلح حدیبیه ..... ۴۴۱
- ۴۹- عبرت از صلح حدیبیه ..... ۴۴۲
- ۵۰- فلسفه صلح حدیبیه ..... ۴۴۳
- ۵۱- قصه صلح حدیبیه ..... ۴۴۳
- ۵۲- منشأ صلح حدیبیه ..... ۴۵۰
- ۵۳- نعمت صلح حدیبیه ..... ۴۵۱
- ۵۴- نقش صلح حدیبیه ..... ۴۵۲
- ۵۵- بسمله در صلح نامه حدیبیه ..... ۴۵۳
- ۵۶- رسول الله در صلح نامه حدیبیه ..... ۴۵۳
- ۵۷- { صلح نامه حدیبیه } ..... ۴۵۳
- ۵۸- بسمله در صلح نامه حدیبیه ..... ۴۵۵
- ۵۹- رسول الله در صلح نامه حدیبیه ..... ۴۵۵
- ۵- صلّه رحم ..... ۴۵۶
- ۱- آثار قطع رحم ..... ۴۵۶
- ۲- اهمیت صلّه رحم ..... ۴۵۶
- ۳- زیان قطع صلّه رحم ..... ۴۵۸
- ۴- سرزنش قطع رحم ..... ۴۵۸
- ۵- عوامل قطع رحم ..... ۴۵۹
- ۶- قطع رحم در ادیان ..... ۴۶۰
- ۷- گناه قطع رحم ..... ۴۶۰
- ۶- صنعت ..... ۴۶۱
- ۱- اهمیت صنعت ..... ۴۶۱

- ۲- اهمیت صنعت کشتی سازی ..... ۴۶۱
- ۳- تاریخ ..... ۴۶۱
- ۴- تاریخ صنعت ..... ۴۶۲
- ۵- صنعت در دوران سلیمان(ع) ..... ۴۶۴
- ۶- صنعت ذوب فلز ..... ۴۶۴
- ۷- صنعت سد سازی ..... ۴۶۵
- ۸- عوامل موثر در انتقال صنعت ..... ۴۶۶
- ۹- منشأ رشد صنعت ..... ۴۶۶
- ۷- صورت ..... ۴۶۷
- ۱- برپایی صورت جهنمیان ..... ۴۶۷
- ۲- پیدایش صورت انسان ..... ۴۶۷
- ۳- چرخش صورت کافران ..... ۴۶۷
- ۴- حساسیت صورت ..... ۴۶۷
- ۵- درخشندگی صورت در قیامت ..... ۴۶۹
- ۶- درخشندگی صورت مؤمنان ..... ۴۶۹
- ۷- رنگ صورت گناهکاران ..... ۴۶۹
- ۸- زشتی صورت کافران ..... ۴۷۱
- ۹- زشتی صورت مکذبان معاد ..... ۴۷۱
- ۱۰- زیبایی صورت ابرار ..... ۴۷۱
- ۱۱- سوزاندن صورت بدکاران ..... ۴۷۱
- ۱۲- شستن صورت در وضو ..... ۴۷۳
- ۱۳- صورت اخروی انسان ..... ۴۷۳
- ۱۴- صورت اخروی پاکان ..... ۴۷۳
- ۱۵- صورت اخروی خداترسان ..... ۴۷۳
- ۱۶- صورت اخروی کافران ..... ۴۷۵
- ۱۷- صورت اخروی مکذبان معاد ..... ۴۷۵



- ۴۷۵ ..... ۱۸- صورت اخروی موعظه پذیران
- ۴۷۷ ..... ۱۹- صورت اخروی مؤمنان
- ۴۷۷ ..... ۲۰- صورت اخروی مهتدین
- ۴۷۷ ..... ۲۱- صورت انسان
- ۴۷۷ ..... ۲۲- صورت انسان ها در قیامت
- ۴۷۹ ..... ۲۳- صورت جهنمیان
- ۴۷۹ ..... ۲۴- صورت دهی به انسان
- ۴۸۰ ..... ۲۵- صورت مشرکان
- ۴۸۱ ..... ۲۶- صورت مؤمنان
- ۴۸۱ ..... ۲۷- ضربه بر صورت منافقان
- ۴۸۲ ..... ۲۸- ضربه به صورت کافران
- ۴۸۳ ..... ۲۹- نشانه های صورت گناهکاران
- ۴۸۳ ..... ۳۰- نقش صورت در قیامت
- ۴۸۳ ..... ۳۱- نورانیت صورت ابرار
- ۴۸۵ ..... ۳۲- ورود با صورت در جهنم
- ۴۸۶ ..... ۸- صومعه ها
- ۴۸۶ ..... ۱- احترام صومعه ها
- ۴۸۶ ..... ۲- محافظت از صومعه ها
- ۴۸۷ ..... ۹- صید
- ۴۸۷ ..... ۱- اجتناب از صید ماهی
- ۴۸۷ ..... ۲- احکام صید
- ۴۹۳ ..... ۳- استفاده از صید حرام
- ۴۹۳ ..... ۴- امتحان با صید
- ۴۹۳ ..... ۵- انگیزه صید
- ۴۹۵ ..... ۶- اهمیت ترک صید
- ۴۹۵ ..... ۷- بسمله در صید

- ۴۹۶ ..... ۸- پرنده صید
- ۴۹۷ ..... ۹- تقسیم صید
- ۴۹۷ ..... ۱۰- تقوا در صید
- ۴۹۷ ..... ۱۱- شرایط حلیت صید
- ۴۹۹ ..... ۱۲- شرایط صید
- ۵۰۱ ..... ۱۳- صید باز شکاری
- ۵۰۱ ..... ۱۴- صید تفریحی
- ۵۰۱ ..... ۱۵- صید جایز
- ۵۰۳ ..... ۱۶- صید حرام
- ۵۰۹ ..... ۱۷- صید حرام بر یهود
- ۵۰۹ ..... ۱۸- صید حلال
- ۵۱۱ ..... ۱۹- صید حیوانات شکاری
- ۵۱۱ ..... ۲۰- صید خشکی
- ۵۱۳ ..... ۲۱- صید در احرام
- ۵۱۶ ..... ۲۲- صید در حج
- ۵۱۷ ..... ۲۳- صید در حرم
- ۵۱۸ ..... ۲۴- صید در حرم مکه
- ۵۱۹ ..... ۲۵- صید دریایی
- ۵۱۹ ..... ۲۶- صید دریایی در احرام
- ۵۲۰ ..... ۲۷- صید دوزیستان
- ۵۲۱ ..... ۲۸- صید سگ شکاری
- ۵۲۵ ..... ۲۹- صید شیر شکاری
- ۵۲۵ ..... ۳۰- صید ماهی
- ۵۲۵ ..... ۳۱- صید ماهی در ایله
- ۵۲۵ ..... ۳۲- صید ماهی در شنبه
- ۵۲۸ ..... ۳۳- صید ماهی در یهود

۵۲۹	۳۴- صید ممنوع
۵۲۹	۳۵- صید وحوش در حج
۵۲۹	۳۶- صید یوزپلنگ شکاری
۵۳۰	۳۷- کفاره صید
۵۳۱	۳۸- کفاره صید آهو
۵۳۱	۳۹- کفاره صید الاغ وحشی
۵۳۲	۴۰- کفاره صید در احرام
۵۳۴	۴۱- کفاره صید در حرم
۵۳۵	۴۲- کفاره صید شتر مرغ
۵۳۵	۴۳- کفاره صید گاو وحشی
۵۳۵	۴۴- کیفر صید در شنبه
۵۳۷	۴۵- گناه صید در حرم
۵۳۸	۱۰- صیحه آسمانی
۵۳۸	۱- آثار صیحه آسمانی
۵۳۸	۲- ترسناکی صیحه آسمانی
۵۴۰	۳- حتمیت صیحه آسمانی در قیامت
۵۴۰	۴- حقایق صیحه آسمانی
۵۴۰	۵- صیحه آسمانی در قیامت
۵۴۲	۶- عذاب با صیحه آسمانی
۵۴۸	۷- عظمت صیحه آسمانی
۵۴۸	۸- عظمت صیحه آسمانی در قیامت
۵۴۸	۹- نقش صیحه آسمانی
۵۵۰	۱۰- ویژگیهای صیحه آسمانی
۵۵۱	۱۱- ضرر
۵۵۱	۱- آثار ضرر
۵۵۱	۲- تشخیص ضرر

- ۳- دفع ضرر ..... ۵۵۱
- ۴- دفع ضرر در ولی ..... ۵۵۳
- ۵- ضرر خمر ..... ۵۵۳
- ۶- ضرر قمار ..... ۵۵۳
- ۷- ضرر و رفع تکلیف ..... ۵۵۴
- ۸- عوامل دفع ضرر ..... ۵۵۵
- ۹- عوامل ضرر ..... ۵۵۵
- ۱۰- منشأ ضرر ..... ۵۵۵
- ۱۲- ضعف ..... ۵۵۶
- ۱- آثار ضعف ..... ۵۵۶
- ۲- آثار ضعف ایمان ..... ۵۵۶
- ۳- آثار ضعف روحیه ..... ۵۵۸
- ۴- آثار ضعف علمی ..... ۵۵۸
- ۵- آثار ضعف مسلمانان ..... ۵۵۸
- ۶- آرزوی ضعف مسلمانان ..... ۵۶۰
- ۷- آغاز ضعف جسمانی ..... ۵۶۰
- ۸- اظهار ضعف در دعا ..... ۵۶۰
- ۹- اظهار ضعف یهود ..... ۵۶۰
- ۱۰- اعتراف به ضعف ..... ۵۶۱
- ۱۱- تبیین ضعف دشمنان ..... ۵۶۲
- ۱۲- خدا و ضعف ..... ۵۶۲
- ۱۳- دقت در ضعف قوای ادراکی ..... ۵۶۴
- ۱۴- سوء استفاده از ضعف مردم ..... ۵۶۴
- ۱۵- شدت ضعف جهنمیان ..... ۵۶۴
- ۱۶- ضعف آوری بارداری ..... ۵۶۴
- ۱۷- ضعف ابداعات انسان ..... ۵۶۶

- ۱۸- ضعف ابلیس ..... ۵۶۶
- ۱۹- ضعف اخروی ظالمان ..... ۵۶۶
- ۲۰- ضعف اصحاب کهف ..... ۵۶۶
- ۲۱- ضعف امکانات مادی ..... ۵۶۷
- ۲۲- ضعف انبیا ..... ۵۶۸
- ۲۳- ضعف انسان ..... ۵۶۸
- ۲۴- ضعف انسان ها ..... ۵۷۶
- ۲۵- ضعف ایمان ..... ۵۷۶
- ۲۶- ضعف ایمان در مسلمانان ..... ۵۷۸
- ۲۷- ضعف بادیه نشینان ..... ۵۷۸
- ۲۸- ضعف بنی اسرائیل ..... ۵۷۸
- ۲۹- ضعف تارکان انفاق ..... ۵۸۰
- ۳۰- ضعف تدبیر انسان ها ..... ۵۸۰
- ۳۱- ضعف جادو ..... ۵۸۱
- ۳۲- ضعف جامعه دینی ..... ۵۸۲
- ۳۳- ضعف جسمانی انسان ..... ۵۸۲
- ۳۴- ضعف جهان بینی مسیحیان ..... ۵۸۳
- ۳۵- ضعف حواس ..... ۵۸۴
- ۳۶- ضعف در پیری ..... ۵۸۴
- ۳۷- ضعف در مسلمانان ..... ۵۸۶
- ۳۸- ضعف در نوزادی ..... ۵۸۸
- ۳۹- ضعف دشمنان ..... ۵۸۸
- ۴۰- ضعف دشمنان در غزوه بدر ..... ۵۹۰
- ۴۱- ضعف دنیاطلبان ..... ۵۹۰
- ۴۲- ضعف شعیب(ع) ..... ۵۹۰
- ۴۳- ضعف شیطان ..... ۵۹۰

- ۴۴- ضعف علمی کافران ..... ۵۹۲
- ۴۵- ضعف علمی مخالفان انبیا ..... ۵۹۲
- ۴۶- ضعف علمی مکذبان معاد ..... ۵۹۲
- ۴۷- ضعف عیسی(ع) ..... ۵۹۲
- ۴۸- ضعف فرعون ..... ۵۹۴
- ۴۹- ضعف فرعونیان ..... ۵۹۴
- ۵۰- ضعف فکری مخالفان انبیا ..... ۵۹۴
- ۵۱- ضعف فهم مشرکان ..... ۵۹۴
- ۵۲- ضعف فهم یهود ..... ۵۹۶
- ۵۳- ضعف قابیل ..... ۵۹۶
- ۵۴- ضعف قدرت غیر خدا ..... ۵۹۷
- ۵۵- ضعف قوای ادراکی ..... ۵۹۸
- ۵۶- ضعف کافران ..... ۵۹۸
- ۵۷- ضعف کافران در غزوه بدر ..... ۶۰۰
- ۵۸- ضعف کفران کنندگان ..... ۶۰۰
- ۵۹- ضعف لوط(ع) ..... ۶۰۰
- ۶۰- ضعف مادر در بارداری ..... ۶۰۱
- ۶۱- ضعف مالی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۰۲
- ۶۲- ضعف مالی مؤمنان صدر اسلام ..... ۶۰۲
- ۶۳- ضعف مجاهدان غزوه بدر ..... ۶۰۲
- ۶۴- ضعف مخالفان نوح(ع) ..... ۶۰۳
- ۶۵- ضعف مرد ..... ۶۰۴
- ۶۶- ضعف مرفهان ..... ۶۰۴
- ۶۷- ضعف مریم(س) ..... ۶۰۴
- ۶۸- ضعف مسلمانان ..... ۶۰۶
- ۶۹- ضعف مسلمانان در غزوه بدر ..... ۶۰۶

- ۶۰۶- ..... ۷۰- ضعف مسیحیان
- ۶۰۷- ..... ۷۱- ضعف مسیحیت
- ۶۰۸- ..... ۷۲- ضعف مشرکان
- ۶۰۸- ..... ۷۳- ضعف مشرکان در غزوه بدر
- ۶۰۸- ..... ۷۴- ضعف مشرکان قریش
- ۶۱۰- ..... ۷۵- ضعف معبودان باطل
- ۶۱۱- ..... ۷۶- ضعف منافقان
- ۶۱۲- ..... ۷۷- ضعف منافقان صدر اسلام
- ۶۱۲- ..... ۷۸- ضعف منحرفان
- ۶۱۲- ..... ۷۹- ضعف موجودات
- ۶۱۴- ..... ۸۰- ضعف نظامی مؤمنان
- ۶۱۴- ..... ۸۱- ضعف هارون (ع)
- ۶۱۴- ..... ۸۲- ضعف یاوران گمراهان
- ۶۱۵- ..... ۸۳- ضعف یهود
- ۶۱۶- ..... ۸۴- ضعف یهودیت
- ۶۱۶- ..... ۸۵- عوامل ضعف انسان
- ۶۱۸- ..... ۸۶- عوامل ضعف جامعه اسلامی
- ۶۱۸- ..... ۸۷- عوامل ضعف کافران
- ۶۱۸- ..... ۸۸- عوامل ضعف مادر
- ۶۱۸- ..... ۸۹- عوامل ضعف مسلمانان
- ۶۲۰- ..... ۹۰- موانع احساس ضعف رهبران دینی
- ۶۲۰- ..... ۹۱- موانع ضعف در عمل به تکلیف
- ۶۲۰- ..... ۹۲- موجبات ضعف قدرت نظامی
- ۶۲۰- ..... ۹۳- نشانه های ضعف ایمان
- ۶۲۶- ..... ۹۴- نشانه های ضعف روحیه
- ۶۲۶- ..... ۹۵- آغاز ضعف جسمانی

- ۹۶- ضعف جسمانی انسان ..... ۶۲۶
- ۹۷- آثار ضعف روحیه ..... ۶۲۸
- ۹۸- نشانه های ضعف روحیه ..... ۶۲۸
- ۹۹- احسان به ضعفا ..... ۶۲۸
- ۱۰۰- امداد به ضعفا ..... ۶۳۰
- ۱۰۱- اهمیت حفظ مال ضعفا ..... ۶۳۰
- ۱۰۲- اهمیت رعایت مصالح ضعفا ..... ۶۳۰
- ۱۰۳- حقوق ضعفا ..... ۶۳۰
- ۱۰۴- کفالت بر ضعفا ..... ۶۳۰
- ۱۰۵- کفیل ضعفا ..... ۶۳۲
- ۱۰۶- معذوریت ضعیفان ..... ۶۳۲
- ۱۳- ضمان ..... ۶۳۳
- ۱- احکام ضمان ..... ۶۳۳
- ۲- تاریخ ضمان ..... ۶۳۵
- ۳- تعیین طلبکار در ضمان ..... ۶۳۵
- ۴- رضایت طلبکار در ضمان ..... ۶۳۵
- ۵- شرایط صحت ضمان ..... ۶۳۵
- ۶- ضمان در دوران یوسف(ع) ..... ۶۳۷
- ۷- عقد ضمان ..... ۶۳۷
- ۸- مشروعیت ضمان ..... ۶۳۷
- ۱۴- ضیق صدر ..... ۶۳۹
- ۱- آثار ضیق صدر ..... ۶۳۹
- ۲- ضیق صدر حق ناپذیران ..... ۶۳۹
- ۳- ضیق صدر کافران ..... ۶۴۱
- ۴- ضیق صدر کافران مکه ..... ۶۴۱
- ۵- ضیق صدر مشرکان مکه ..... ۶۴۱



- ۶- ضیق صدر موسی(ع) ..... ۶۴۱
- ۷- عوامل ضیق صدر ..... ۶۴۲
- ۱۵- طارق ..... ۶۴۴
- ۱- ابزار شناخت ستاره طارق ..... ۶۴۴
- ۲- سوگند به ستاره طارق ..... ۶۴۴
- ۳- عظمت ستاره طارق ..... ۶۴۴
- ۴- فلسفه نامگذاری طارق ..... ۶۴۶
- ۵- مراد از طارق ..... ۶۴۶
- ۶- نورانیت ستاره طارق ..... ۶۴۶
- ۷- ویژگیهای ستاره طارق ..... ۶۴۶
- ۱۶- طاغوت ..... ۶۴۹
- ۱- آثار اجتناب از طاغوت ..... ۶۴۹
- ۲- آثار اجتناب از عبادت طاغوت ..... ۶۴۹
- ۳- آثار پیروی از طاغوت ..... ۶۴۹
- ۴- آثار حاکمیت طاغوت ..... ۶۴۹
- ۵- آثار عبادت طاغوت ..... ۶۵۰
- ۶- آثار قبول طاغوت ..... ۶۵۰
- ۷- آثار قضاوت طاغوت ..... ۶۵۰
- ۸- آثار گرایش به طاغوت ..... ۶۵۲
- ۹- اجتناب از طاغوت ..... ۶۵۲
- ۱۰- استهزای طاغوت پرستان ..... ۶۵۳
- ۱۱- اطاعت از طاغوت ..... ۶۵۴
- ۱۲- اهل کتاب و طاغوت ..... ۶۵۴
- ۱۳- اهمیت اجتناب از طاغوت ..... ۶۵۴
- ۱۴- ایمان به طاغوت ..... ۶۵۴
- ۱۵- تقویت طاغوت ..... ۶۵۶

- ۶۵۶ ..... ۱۶- توطئه طاغوت
- ۶۵۶ ..... ۱۷- جایگاه طاغوت پرستان
- ۶۵۸ ..... ۱۸- جنگ با طاغوت
- ۶۵۸ ..... ۱۹- جنگ در راه طاغوت
- ۶۵۸ ..... ۲۰- حاکمیت طاغوت
- ۶۶۰ ..... ۲۱- دوستان طاغوت
- ۶۶۰ ..... ۲۲- سبیل الله و طاغوت
- ۶۶۱ ..... ۲۳- شیطنت طاغوت
- ۶۶۲ ..... ۲۴- طاغوت پرستان در جهنم
- ۶۶۲ ..... ۲۵- طاغوت پرستی اهل کتاب
- ۶۶۲ ..... ۲۶- ظلم طاغوت
- ۶۶۴ ..... ۲۷- فضایل معرضان از طاغوت
- ۶۶۴ ..... ۲۸- قبول قضاوت طاغوت
- ۶۶۵ ..... ۲۹- قضاوت طاغوت
- ۶۶۶ ..... ۳۰- کافران و طاغوت
- ۶۶۷ ..... ۳۱- کفر به طاغوت
- ۶۷۰ ..... ۳۲- گمراهی طاغوت پرستان
- ۶۷۰ ..... ۳۳- گناه اطاعت از طاغوت
- ۶۷۰ ..... ۳۴- مبارزه با طاغوت
- ۶۷۰ ..... ۳۵- مراجعه به طاغوت
- ۶۷۲ ..... ۳۶- مصادیق طاغوت
- ۶۷۲ ..... ۳۷- منافقان و طاغوت
- ۶۷۲ ..... ۳۸- موارد طاغوت
- ۶۷۴ ..... ۳۹- نقش طاغوت
- ۶۷۴ ..... ۴۰- ولایت طاغوت
- ۶۷۵ ..... ۴۱- استهزای طاغوت پرستان

- ۴۲- جایگاه طاغوت پرستان ..... ۶۷۶
- ۴۳- طاغوت پرستان در جهنم ..... ۶۷۶
- ۴۴- گمراهی طاغوت پرستان ..... ۶۷۶
- ۴۵- آثار ثروت طاغوتیان ..... ۶۷۷
- ۴۶- امکانات مادی طاغوتیان ..... ۶۷۸
- ۱۷- طالوت ..... ۶۷۹
- ۱- اطاعت از طالوت ..... ۶۷۹
- ۲- برتری طالوت ..... ۶۷۹
- ۳- برگزیدگی طالوت ..... ۶۷۹
- ۴- پیروزی سپاه طالوت ..... ۶۸۲
- ۵- جهاد طالوت ..... ۶۸۳
- ۶- دعای سپاه طالوت ..... ۶۸۳
- ۷- رهبری طالوت ..... ۶۸۴
- ۸- سپاه طالوت ..... ۶۸۶
- ۹- علم طالوت ..... ۶۸۸
- ۱۰- فرماندهی طالوت ..... ۶۸۹
- ۱۱- قدرت طالوت ..... ۶۸۹
- ۱۲- قصه طالوت ..... ۶۸۹
- ۱۸- طائف ..... ۶۹۲
- ۱- اهمیت طائف ..... ۶۹۲
- ۲- تاریخ طائف ..... ۶۹۲
- ۳- توقع نبوت اشراف طائف ..... ۶۹۲
- ۱۹- طبقات اجتماعی ..... ۶۹۳
- ۱- طبقات اجتماعی ..... ۶۹۳
- ۲- طبقات اجتماعی ..... ۶۹۵
- ۳- طبقات اجتماعی اقوام پیشین ..... ۶۹۶

- ۴- طبقات اجتماعی در صدر اسلام ..... ۶۹۷
- ۵- طبقات اجتماعی صدر اسلام ..... ۶۹۷
- ۶- طبقات اجتماعی صدر اسلام ..... ۶۹۹
- ۷- طبقات اجتماعی قوم ثمود ..... ۶۹۹
- ۸- طبقات اجتماعی قوم عاد ..... ۶۹۹
- ۹- طبقات اجتماعی قوم نوح ..... ۷۰۱
- ۱۰- طبقات اجتماعی مسلمانان صدر اسلام ..... ۷۰۴
- ۱۱- طبقات اجتماعی مصریان باستان ..... ۷۰۵
- ۱۲- طبقات اجتماعی یهود ..... ۷۰۵
- ۱۳- منشأ طبقات اجتماعی ..... ۷۰۵
- ۲۰- طبیعت ..... ۷۰۶
- ۱- طبیعت ..... ۷۰۶
- ۲- آثار اعتدال طبیعت ..... ۷۰۶
- ۳- آثار تفکر در طبیعت ..... ۷۰۸
- ۴- آثار توجه به تحولات طبیعت ..... ۷۰۸
- ۵- آثار ذکر استحکام طبیعت ..... ۷۰۸
- ۶- آثار مطالعه طبیعت ..... ۷۰۸
- ۷- آثار ذکر تسخیر طبیعت ..... ۷۱۱
- ۸- ابداع طبیعت ..... ۷۱۲
- ۹- ابزار استفاده از طبیعت ..... ۷۱۲
- ۱۰- ارزش طبیعت ..... ۷۱۲
- ۱۱- استفاده از طبیعت ..... ۷۱۴
- ۱۲- انسان و طبیعت ..... ۷۱۶
- ۱۳- انقیاد طبیعت ..... ۷۱۶
- ۱۴- اهمیت تحولات طبیعت ..... ۷۱۸
- ۱۵- اهمیت تعقل در طبیعت ..... ۷۱۸

- ۱۶- اهمیت تفکر در طبیعت ..... ۷۱۸
- ۱۷- اهمیت مطالعه طبیعت ..... ۷۲۰
- ۱۸- تأثیرپذیری موجودات طبیعت ..... ۷۲۰
- ۱۹- تسخیر طبیعت ..... ۷۲۰
- ۲۰- تشبیه به طبیعت ..... ۷۲۲
- ۲۱- تشویق به طبیعت شناسی ..... ۷۲۳
- ۲۲- تعقل در طبیعت ..... ۷۲۴
- ۲۳- تغییرپذیری طبیعت ..... ۷۲۶
- ۲۴- تفکر در طبیعت ..... ۷۲۶
- ۲۵- خالق طبیعت ..... ۷۲۷
- ۲۶- خدا شناسی در طبیعت ..... ۷۲۸
- ۲۷- خدانشناسی در طبیعت ..... ۷۲۹
- ۲۸- خدانشناسی طبیعت ..... ۷۳۰
- ۲۹- خشیت طبیعت ..... ۷۳۰
- ۳۰- خلقت طبیعت ..... ۷۳۰
- ۳۱- دعوت به مطالعه طبیعت ..... ۷۳۱
- ۳۲- زمینه تحولات طبیعت ..... ۷۳۲
- ۳۳- زیبایی طبیعت اقوام پیشین ..... ۷۳۲
- ۳۴- زیباییهای طبیعت ..... ۷۳۲
- ۳۵- شعور طبیعت ..... ۷۳۴
- ۳۶- عبرت از طبیعت ..... ۷۳۴
- ۳۷- علاقه به طبیعت ..... ۷۳۶
- ۳۸- عوامل مؤثر در تحولات طبیعت ..... ۷۳۶
- ۳۹- عوامل مؤثر در طبیعت ..... ۷۳۶
- ۴۰- فرجام زیباییهای طبیعت ..... ۷۳۶
- ۴۱- فلسفه تبیین تحولات طبیعت ..... ۷۳۸

۷۳۸	۴۲- فلسفه تحولات طبیعت
۷۳۸	۴۳- فلسفه تسخیر طبیعت
۷۳۸	۴۴- فلسفه خلقت طبیعت
۷۴۰	۴۵- قانونمندی طبیعت
۷۴۰	۴۶- گرایش به طبیعت
۷۴۲	۴۷- متفکران و طبیعت
۷۴۲	۴۸- مطالعه تحولات طبیعت
۷۴۲	۴۹- مطالعه طبیعت
۷۴۳	۵۰- مقهوریت طبیعت
۷۴۴	۵۱- منشأ تحولات در طبیعت
۷۴۴	۵۲- منشأ تحولات طبیعت
۷۴۴	۵۳- منشأ تسخیر طبیعت
۷۴۵	۵۴- منشأ حاکمیت بر طبیعت
۷۴۶	۵۵- موجودات مخرب در طبیعت
۷۴۶	۵۶- ناپایداری زیباییهای طبیعت
۷۴۶	۵۷- نظم طبیعت
۷۴۶	۵۸- نعمت طبیعت
۷۴۸	۵۹- نقش زیباییهای طبیعت
۷۴۸	۶۰- نقش طبیعت
۷۵۲	۶۱- ویژگیهای خلقت طبیعت
۷۵۲	۶۲- هماهنگی طبیعت و نیازها
۷۵۳	۶۳- تشویق به طبیعت شناسی
۷۵۴	۲۱- طعام
۷۵۴	۱- آداب طعام
۷۵۴	۲- استفاده از طعام اهل کتاب
۷۵۴	۳- اهمیت پاکیزگی طعام

- ۴- تأمین طعام مریم(س) ..... ۷۵۶
- ۵- تنوع طعام های لذیذ ..... ۷۵۶
- ۶- حق طعام ..... ۷۵۶
- ۷- حلیت طعام اهل کتاب ..... ۷۵۷
- ۸- خدا و طعام ..... ۷۵۸
- ۹- درخواست طعام ..... ۷۵۸
- ۱۰- درخواست طعام موسی(ع) ..... ۷۵۹
- ۱۱- ذخیره طعام در قحطی ..... ۷۶۰
- ۱۲- طعام آدم(ع) ..... ۷۶۰
- ۱۳- طعام آسمانی ..... ۷۶۰
- ۱۴- طعام اخروی اصحاب شمال ..... ۷۶۰
- ۱۵- طعام اخروی کافران ..... ۷۶۲
- ۱۶- طعام انبیا ..... ۷۶۲
- ۱۷- طعام اهل کتاب ..... ۷۶۲
- ۱۸- طعام بنی اسرائیل ..... ۷۶۳
- ۱۹- طعام حلال ..... ۷۶۴
- ۲۰- طعام حوا ..... ۷۶۴
- ۲۱- طعام حواریون ..... ۷۶۴
- ۲۲- طعام خطاکاران ..... ۷۶۶
- ۲۳- طعام خوردن انبیا ..... ۷۶۶
- ۲۴- طعام در بهشت آدم(ع) ..... ۷۶۶
- ۲۵- طعام عیسی(ع) ..... ۷۶۶
- ۲۶- طعام مریم(س) ..... ۷۶۸
- ۲۷- طعام مسلمانان ..... ۷۶۸
- ۲۸- طعام موسی(ع) ..... ۷۶۸
- ۲۹- طعام یوشع(ع) ..... ۷۷۰

- ۳۰- مسؤؤل طعام موسى(ع) ..... ۷۷۰
- ۳۱- ملائكه و طعام ابراهيم(ع) ..... ۷۷۰
- ۳۲- نياز به طعام ..... ۷۷۲
- ۳۳- وقت طعام ..... ۷۷۲
- ۲۲- طعن ..... ۷۷۴
- ۱- آثار طعن ..... ۷۷۴
- ۲- طعن بر اسلام ..... ۷۷۴
- ۳- طعن بر مؤمنان ..... ۷۷۴
- ۴- طعن به انفاقگران ..... ۷۷۶
- ۵- طعن به دين ..... ۷۷۶
- ۶- طعن به محمد(صلى الله عليه و آله) ..... ۷۷۶
- ۷- طعن به مسلمانان ..... ۷۷۷
- ۸- طعن به مؤمنان ..... ۷۷۸
- ۹- طعن به مؤمنان فقير ..... ۷۷۸
- ۱۰- طعن كافران ..... ۷۷۸
- ۱۱- طعن مخالفان محمد(صلى الله عليه و آله) ..... ۷۸۰
- ۱۲- طعن مشركان در قيامت ..... ۷۸۰
- ۱۳- طعن منافقان ..... ۷۸۰
- ۱۴- طعن منافقان مدينه ..... ۷۸۱
- ۲۳- طغیان ..... ۷۸۳
- ۱- آثار اجتناب از طغیان ..... ۷۸۳
- ۲- آثار اخروی طغیان ..... ۷۸۳
- ۳- آثار طغیان ..... ۷۸۳
- ۴- آثار طغیان يهود ..... ۷۹۳
- ۵- اجتناب از طغیان ..... ۷۹۳
- ۶- ازدياد طغیان منافقان ..... ۷۹۳



- ۷- اعراض از طغیان ..... ۷۹۳
- ۸- افراط در طغیان ..... ۷۹۵
- ۹- اقرار به طغیان ..... ۷۹۵
- ۱۰- اهمیت اجتناب از طغیان ..... ۷۹۵
- ۱۱- اهمیت مبارزه با طغیان ..... ۷۹۷
- ۱۲- زمینه اجتناب از طغیان ..... ۷۹۷
- ۱۳- زمینه ازدیاد طغیان ..... ۷۹۷
- ۱۴- زمینه زوال طغیان ..... ۷۹۸
- ۱۵- زمینه طغیان ..... ۷۹۹
- ۱۶- زمینه طغیان فرعون ..... ۸۰۴
- ۱۷- زمینه طغیان یهود ..... ۸۰۵
- ۱۸- سرزنش طغیان ..... ۸۰۵
- ۱۹- طغیان آب در طوفان نوح(ع) ..... ۸۰۵
- ۲۰- طغیان اصحاب الجنه ..... ۸۰۷
- ۲۱- طغیان اکثریت ..... ۸۰۷
- ۲۲- طغیان اهل کتاب ..... ۸۰۷
- ۲۳- طغیان ثروتمندان ..... ۸۰۷
- ۲۴- طغیان حق ناپذیران مکه ..... ۸۰۹
- ۲۵- طغیان دریا ها ..... ۸۰۹
- ۲۶- طغیان علیه رسولان خدا ..... ۸۰۹
- ۲۷- طغیان فرعون ..... ۸۱۱
- ۲۸- طغیان قابیل ..... ۸۱۱
- ۲۹- طغیان کافران ..... ۸۱۱
- ۳۰- طغیان کافران مکه ..... ۸۱۱
- ۳۱- طغیان مشرکان ..... ۸۱۳
- ۳۲- طغیان مکذبان قرآن ..... ۸۱۳

۸۱۳	۳۳- طغیان منافقان
۸۱۴	۳۴- طغیان نمرود
۸۱۵	۳۵- طغیان یهود
۸۱۶	۳۶- عوامل اجتناب از طغیان
۸۱۷	۳۷- عوامل ازدیاد طغیان
۸۱۷	۳۸- عوامل طغیان
۸۱۹	۳۹- قرآن و ازدیاد طغیان
۸۱۹	۴۰- کیفر طغیان
۸۱۹	۴۱- گناه طغیان
۸۱۹	۴۲- مراتب طغیان
۸۲۱	۴۳- مکذبان کیفر طغیان
۸۲۱	۴۴- ممانعت از طغیان فرعون
۸۲۱	۴۵- موارد طغیان
۸۲۴	۴۶- موانع طغیان
۸۲۷	۴۷- موانع طغیان دریا
۸۲۷	۴۸- ناپسندی طغیان
۸۲۸	۴۹- نجات معرضان از طغیان
۸۲۹	۵۰- نشانه های طغیان
۸۲۹	۵۱- نگرانی از طغیان فرعون
۸۲۹	۵۲- اضطراب طغیانگر
۸۳۱	۵۳- ایمان کافران طغیانگر
۸۳۱	۵۴- {طغیانگران}
۸۳۱	۵۵- آثار پیروی از طغیانگران
۸۳۱	۵۶- احساس بی نیازی طغیانگران
۸۳۲	۵۷- استهزاهای طغیانگران
۸۳۳	۵۸- استهزای طغیانگران

- ۵۹- اقرار پیروان طغیانگران ..... ۸۳۳
- ۶۰- امکان تزکیه طغیانگران ..... ۸۳۳
- ۶۱- اندوه بر طغیانگران ..... ۸۳۳
- ۶۲- اهمیت مبارزه با طغیانگران ..... ۸۳۵
- ۶۳- بینش پیروان طغیانگران ..... ۸۳۵
- ۶۴- بینش طغیانگران ..... ۸۳۶
- ۶۵- بینش غلط طغیانگران ..... ۸۳۷
- ۶۶- پرسش طغیانگران ..... ۸۳۷
- ۶۷- پیروان طغیانگران در جهنم ..... ۸۳۷
- ۶۸- تبری از طغیانگران ..... ۸۳۹
- ۶۹- تبری پیروان طغیانگران ..... ۸۳۹
- ۷۰- تبرئه پیروان طغیانگران ..... ۸۳۹
- ۷۱- تبرئه طغیانگران ..... ۸۴۰
- ۷۲- تشنگی اخروی طغیانگران ..... ۸۴۱
- ۷۳- تعجب طغیانگران ..... ۸۴۱
- ۷۴- تکبر طغیانگران ..... ۸۴۱
- ۷۵- تکذیبگری طغیانگران ..... ۸۴۱
- ۷۶- توصیه به طغیانگران ..... ۸۴۳
- ۷۷- تهدید طغیانگران ..... ۸۴۵
- ۷۸- تهمتهای طغیانگران ..... ۸۴۵
- ۷۹- جایگاه اخروی طغیانگران ..... ۸۴۵
- ۸۰- حتمیت دشمنی طغیانگران ..... ۸۴۵
- ۸۱- حتمیت عذاب طغیانگران ..... ۸۴۷
- ۸۲- حتمیت منازعه طغیانگران ..... ۸۴۷
- ۸۳- حسرت طغیانگران ..... ۸۴۷
- ۸۴- خضوع اخروی طغیانگران ..... ۸۴۷

- ۸۵- خواسته های پیروان طغیانگران ..... ۸۴۹
- ۸۶- دشمنی طغیانگران ..... ۸۴۹
- ۸۷- دنیاطلبی طغیانگران ..... ۸۴۹
- ۸۸- ذلت اخروی طغیانگران ..... ۸۵۱
- ۸۹- روش برخورد طغیانگران ..... ۸۵۱
- ۹۰- روش مبارزه با طغیانگران ..... ۸۵۲
- ۹۱- زمینه عذاب طغیانگران ..... ۸۵۳
- ۹۲- سرزنش پیروان طغیانگران ..... ۸۵۳
- ۹۳- سرزنش طغیانگران ..... ۸۵۳
- ۹۴- سرزنشهای پیروان طغیانگران ..... ۸۵۵
- ۹۵- سرزنشهای طغیانگران ..... ۸۵۵
- ۹۶- سرگردانی طغیانگران ..... ۸۵۶
- ۹۷- سیمای اخروی طغیانگران ..... ۸۵۷
- ۹۸- شدت عذاب طغیانگران ..... ۸۵۷
- ۹۹- شرایط مبارزه با طغیانگران ..... ۸۵۷
- ۱۰۰- شک طغیانگران ..... ۸۵۹
- ۱۰۱- طغیانگران در جهنم ..... ۸۵۹
- ۱۰۲- طغیانگران در قیامت ..... ۸۶۳
- ۱۰۳- طغیانگران و مؤمنان ..... ۸۶۵
- ۱۰۴- طغیانگران و مهتدین ..... ۸۶۵
- ۱۰۵- طغیانگران و نمازگزاران ..... ۸۶۵
- ۱۰۶- عجز طغیانگران ..... ۸۶۶
- ۱۰۷- عذاب اخروی طغیانگران ..... ۸۶۷
- ۱۰۸- عذاب طغیانگران ..... ۸۶۷
- ۱۰۹- علایق اخروی طغیانگران ..... ۸۶۹
- ۱۱۰- عوامل ذلت طغیانگران ..... ۸۶۹

- ۱۱۱- فرجام اخروی طغیانگران ..... ۸۶۹
- ۱۱۲- فرجام پیروان طغیانگران ..... ۸۶۹
- ۱۱۳- فرجام شوم طغیانگران ..... ۸۷۱
- ۱۱۴- فرجام طغیانگران ..... ۸۷۱
- ۱۱۵- فلسفه عجز طغیانگران ..... ۸۷۲
- ۱۱۶- کیفر اخروی طغیانگران ..... ۸۷۳
- ۱۱۷- کیفر طغیانگران ..... ۸۷۳
- ۱۱۸- گناه طغیانگران ..... ۸۷۵
- ۱۱۹- مبارزه با طغیانگران ..... ۸۷۵
- ۱۲۰- محرومیت اخروی طغیانگران ..... ۸۷۵
- ۱۲۱- محرومیت طغیانگران ..... ۸۷۷
- ۱۲۲- مخالفت طغیانگران ..... ۸۷۷
- ۱۲۳- مدت تشنگی اخروی طغیانگران ..... ۸۷۷
- ۱۲۴- مدت توقف طغیانگران در جهنم ..... ۸۷۹
- ۱۲۵- مدت محرومیت اخروی طغیانگران ..... ۸۷۹
- ۱۲۶- مراحل عذاب طغیانگران ..... ۸۷۹
- ۱۲۷- منازعه پیروان طغیانگران ..... ۸۸۰
- ۱۲۸- منازعه طغیانگران ..... ۸۸۱
- ۱۲۹- مهلت به طغیانگران ..... ۸۸۱
- ۱۳۰- نفرین بر طغیانگران ..... ۸۸۱
- ۱۳۱- نفرین پیروان طغیانگران ..... ۸۸۱
- ۱۳۲- نقش پیروان طغیانگران ..... ۸۸۲
- ۱۳۳- نقش طغیانگران ..... ۸۸۳
- ۱۳۴- نواهی طغیانگران ..... ۸۸۳
- ۱۳۵- هدایت طغیانگران ..... ۸۸۳
- ۱۳۶- هشدار به طغیانگران ..... ۸۸۵

- ۸۸۵ ..... ۱۳۷- هلاکت طغیانگران
- ۸۸۵ ..... ۱۳۸- آثار طغیانگری قارون
- ۸۸۵ ..... ۱۳۹- آثار طغیانگری قوم ثمود
- ۸۸۷ ..... ۱۴۰- آثار طغیانگری قوم لوط
- ۸۸۷ ..... ۱۴۱- آثار طغیانگری کافران
- ۸۸۷ ..... ۱۴۲- آثار طغیانگری مشرکان
- ۸۸۹ ..... ۱۴۳- آثار طغیانگری مکذبان معاد
- ۸۸۹ ..... ۱۴۴- تبری از طغیانگری
- ۸۸۹ ..... ۱۴۵- طغیانگری انسان
- ۸۸۹ ..... ۱۴۶- طغیانگری دشمنان اسلام
- ۸۹۱ ..... ۱۴۷- طغیانگری دشمنان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۹۱ ..... ۱۴۸- طغیانگری فرعون
- ۸۹۳ ..... ۱۴۹- طغیانگری قارون
- ۸۹۳ ..... ۱۵۰- طغیانگری قوم ثمود
- ۸۹۵ ..... ۱۵۱- طغیانگری قوم عاد
- ۸۹۷ ..... ۱۵۲- طغیانگری قوم نوح
- ۸۹۷ ..... ۱۵۳- طغیانگری مشرکان
- ۸۹۹ ..... ۱۵۴- طغیانگری مکذبان دین
- ۸۹۹ ..... ۱۵۵- طغیانگری مکذبان متقین
- ۸۹۹ ..... ۱۵۶- طغیانگری مکذبان معاد
- ۸۹۹ ..... ۱۵۷- عوامل طغیانگری قارون
- ۹۰۱ ..... ۱۵۸- عوامل طغیانگری مشرکان
- ۹۰۱ ..... ۱۵۹- کیفر اخروی طغیانگری
- ۹۰۱ ..... ۱۶۰- ممانعت از طغیانگری فرعون
- ۹۰۱ ..... ۱۶۱- نشانه های طغیانگری
- ۹۰۲ ..... ۱۶۲- نشانه های طغیانگری قوم ثمود

- ۱۶۳- نگرانی از طغیانگری فرعون ..... ۹۰۳
- ۲۴- طلا ..... ۹۰۴
- ۱- آثار زینت با طلا ..... ۹۰۴
- ۲- فواید طلا ..... ۹۰۴
- ۳- نقش طلا ..... ۹۰۴
- ۴- کیفر طلاندوزی ..... ۹۰۶
- ۲۵- طلاق ..... ۹۰۷
- ۱- آثار طلاق ..... ۹۰۷
- ۲- آداب طلاق ..... ۹۰۷
- ۳- احکام سه طلاق ..... ۹۰۹
- ۴- احکام طلاق ..... ۹۰۹
- ۵- احکام طلاق رجعی ..... ۹۲۵
- ۶- احکام عده طلاق ..... ۹۲۵
- ۷- اختیار همسران محمد(صلی الله علیه و آله) در طلاق ..... ۹۳۳
- ۸- اخلاص در گواهی طلاق ..... ۹۳۳
- ۹- اهمیت طلاق ..... ۹۳۴
- ۱۰- اهمیت عده طلاق ..... ۹۳۵
- ۱۱- تشریح طلاق ..... ۹۳۵
- ۱۲- تشویق به طلاق ..... ۹۳۵
- ۱۳- تقوا در طلاق ..... ۹۳۵
- ۱۴- تهدید به طلاق ..... ۹۳۷
- ۱۵- زمینه طلاق ..... ۹۳۷
- ۱۶- سوگند به طلاق همسر ..... ۹۳۷
- ۱۷- شرایط طلاق ..... ۹۳۷
- ۱۸- شمارش عده طلاق ..... ۹۳۹
- ۱۹- طلاق باین ..... ۹۴۱

- ۹۴۱ ..... ۲۰- طلاق پس از آمیزش
- ۹۴۲ ..... ۲۱- طلاق پسندیده
- ۹۴۳ ..... ۲۲- طلاق خلع
- ۹۴۴ ..... ۲۳- طلاق در جاهلیت
- ۹۴۵ ..... ۲۴- طلاق رجعی
- ۹۴۹ ..... ۲۵- طلاق قبل از آمیزش
- ۹۴۹ ..... ۲۶- طلاق همسر زید بن حارثه
- ۹۵۰ ..... ۲۷- طلاق همسران محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۹۵۱ ..... ۲۸- عدالت گواهان طلاق
- ۹۵۱ ..... ۲۹- عده طلاق
- ۹۵۲ ..... ۳۰- عده طلاق باردار
- ۹۵۳ ..... ۳۱- عده طلاق غیرحائض
- ۹۵۵ ..... ۳۲- عده طلاق یائسه
- ۹۵۵ ..... ۳۳- عوامل طلاق
- ۹۵۵ ..... ۳۴- فلسفه طلاق
- ۹۵۵ ..... ۳۵- فلسفه عده طلاق
- ۹۵۷ ..... ۳۶- گواهی در طلاق
- ۹۵۸ ..... ۳۷- محمد(صلی الله علیه و آله) و طلاق همسران
- ۹۵۹ ..... ۳۸- مراد از عده طلاق
- ۹۶۰ ..... ۳۹- ممانعت از طلاق
- ۹۶۱ ..... ۴۰- موانع طلاق
- ۹۶۱ ..... ۴۱- ناپسندی طلاق
- ۹۶۳ ..... ۴۲- نیت در طلاق
- ۹۶۴ ..... ۲۶- طمع
- ۹۶۴ ..... ۱- آثار طمع
- ۹۶۶ ..... ۲- آثار طمع آدم(ع)



- ۳- اجتناب از طمع - ۹۶۶
- ۴- انصار و طمع - ۹۶۶
- ۵- اهمیت اجتناب از طمع - ۹۶۸
- ۶- دفع طمع کافران - ۹۶۸
- ۷- سرزنش طمع - ۹۶۸
- ۸- طمع اصحاب الجنه - ۹۷۰
- ۹- طمع انسان - ۹۷۰
- ۱۰- طمع به ثروتمندان - ۹۷۲
- ۱۱- طمع به غنایم غزوه بنی نضیر - ۹۷۲
- ۱۲- طمع در انفاق - ۹۷۲
- ۱۳- طمع علمای بهبود - ۹۷۲
- ۱۴- طمع مخالفان محمد(صلی الله علیه و آله) - ۹۷۴
- ۱۵- طمع منازعان قصه داود(ع) - ۹۷۴
- ۱۶- طمع منافقان - ۹۷۴
- ۱۷- طمع منافقان صدر اسلام - ۹۷۴
- ۱۸- طمع ولید بن مغیره - ۹۷۶
- ۱۹- موانع طمع - ۹۷۶
- ۲۰- ناپسندی طمع - ۹۷۸
- ۲۷- طواف - ۹۷۹
- ۱- آداب طواف - ۹۷۹
- ۲- احکام طواف - ۹۷۹
- ۳- تأخیر طواف در حج - ۹۷۹
- ۴- طواف در حج - ۹۷۹
- ۵- طواف در دین ابراهیم(ع) - ۹۸۱
- ۶- طواف در مسجد الحرام - ۹۸۱
- ۷- طواف کعبه - ۹۸۲

- ۸- طواف نساء ..... ۹۸۳
- ۹- مقامات طواف کنندگان ..... ۹۸۳
- ۱۰- نماز طواف ..... ۹۸۵
- ۲۸- طهارت ..... ۹۸۶
- ۱- احکام طهارت ..... ۹۸۶
- ۲- ارزش طهارت ..... ۹۸۸
- ۳- اهمیت طهارت قلب ..... ۹۸۹
- ۴- رعایت طهارت قرآن ..... ۹۹۰
- ۵- طهارت اهل بیت(ع) ..... ۹۹۰
- ۶- طهارت اهل کتاب ..... ۹۹۰
- ۷- طهارت عیسی(ع) ..... ۹۹۲
- ۸- طهارت قلب ..... ۹۹۲
- ۹- طهارت مسجد الحرام ..... ۹۹۲
- ۱۰- طهارت مؤمنان ..... ۹۹۳
- ۱۱- طهارت همسران بهشتی ..... ۹۹۴
- ۱۲- عبادت و طهارت ..... ۹۹۴
- ۱۳- مبطلات طهارت ..... ۹۹۴
- ۱۴- نواقض طهارت ..... ۹۹۵
- ۱۵- طهر غیر مواقع ..... ۹۹۶
- ۲۹- طیبات ..... ۹۹۷
- ۱- اجتناب از طیبات ..... ۹۹۷
- ۲- اجتناب مسیحیان از طیبات ..... ۹۹۷
- ۳- اجتناب یهود از طیبات ..... ۹۹۷
- ۴- ارزش طیبات ..... ۹۹۷
- ۵- استفاده از طیبات ..... ۹۹۹
- ۶- اسلام و طیبات ..... ۱۰۰۳

- ۷- انبیا و استفاده از طیبات ..... ۱۰۰۴
- ۸- تحریم طیبات ..... ۱۰۰۵
- ۹- ترک استفاده از طیبات ..... ۱۰۰۷
- ۱۰- حلیت طیبات ..... ۱۰۰۸
- ۱۱- طیبات بنی اسرائیل ..... ۱۰۰۹
- ۱۲- عوامل تشخیص طیبات ..... ۱۰۰۹
- ۱۳- کافران و طیبات ..... ۱۰۱۰
- ۱۴- گرایش به طیبات ..... ۱۰۱۱
- ۱۵- مبدأ طیبات ..... ۱۰۱۱
- ۱۶- محرومیت از طیبات ..... ۱۰۱۱
- ۱۷- مراد از طیبات ..... ۱۰۱۳
- ۱۸- ملاک تشخیص طیبات ..... ۱۰۱۳
- ۱۹- موارد طیبات ..... ۱۰۱۳
- ۲۰- نعمت طیبات ..... ۱۰۱۳
- درباره مرکز ..... ۱۰۱۶

## مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 64

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

### 1- صفات

#### 1- آثار جهل به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 13

13- برخی شبهه های عقیدتی انسان ، ناشی از عدم شناخت عمیق صفات الهی است .

و لم یروا أن الله الذی .. قادر علی أن یخلق مثلهم

از اینکه خداوند، برای رفع شبهه منکران معاد، آنان را به قدرت عظیم خویش توجه داده، نکته فوق قابل استفاده است.

#### 2- آثار شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 10

10- شناخت خداوند و صفات او، مایه امیدواربودن به رحمت و یاری اوست .

و أعلم من الله ما لاتعلمون .. ولاتأیسوا من روح الله

#### 3- آثار صفات اخلاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 12

12 - تأثیر خصلت های درونی و روحیات انسان ، در دیدگاه و شناخت وی

کذلک زین لفرعون سوء عمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 56 - 9

9 - انگیزه ها و خصلت های درونی انسان ها ، عامل تأثیرگذار در مجموعه رفتار ها و شکل دهنده چگونگی آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتِيهِمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ

ص: 1

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 33 - 7

7- ویژگی ها و خصایل اخلاقی ( چون صبر و شکر ) ، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

#### 4- آثار صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 15

15- رفتار انسان متأثر از خصلت های درونی اوست .

لَأَمْسِكْتُمْ... وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا

#### 5- احکام اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 14

14- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

چنان که گفته شد، «سمی» به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند - هر چند اعتباری بیش نیست - ولی کاری ناروا است.

#### 6- اختلاف در صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 10

10 - اختلاف اهل کتاب با مسلمانان ، درباره خدا و صفات او \*

و الذین یحاجّون فی اللّٰه

بنابراین که مراد از «الذین» اهل کتاب و «فی اللّٰه» خداوند و صفات او باشد، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

ص: 2

## 7- اسما و صفات در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 38 - 3

3- ذکر صفت های خداوند (صفات کمال و جمال) از آداب دعا به درگاه اوست .

رَبَّنَا إِنِّكَ تَعْلَمُ مَا نَخْفَىٰ وَ مَا نَعْلَنُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 4، 1

1- جواز خواندن خدا به هر یک از نام ها و اوصاف متعدد او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

4- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

إيَّامًا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 89 - 13

13- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

وَأنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به «بهترین وارث بودن» یاد کرد.

## 8- انذار از صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور تذکر و هشدار به انسان ها نسبت به خصلت های نفسانی ناروای آنان



قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربّي إذا لمسكتن

## 9- اهمیت صفات جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 34 - 5

5- برطرف ساختن افکار انحرافی مردم در باره خداوند ، مقدم بر بیان صفات ثبوتی او است .

کی نسبحک کثیراً . و نذکرک کثیراً

در کلام موسی (ع)، تسبیح - که ابطال عقاید ناروا است - بر ذکر خدا مقدم شده است، بنابراین رتبه تخلیه، مقدم بر تخلیه است.

ص: 3

## 10- ایمان به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 7

7- ایمان به خدا و صفات او ، مایه باور به حضور همگان در پیشگاه اوست .

الحمد لله رب العلمین . . . ایاک نعبد

تغییر اسلوب کلام در سوره حمد، یعنی التفات از غیبت به خطاب حاوی نکاتی است، از جمله اینکه آدمی پیش از آگاه شدن به صفات خدا - مانند ربوبیت او بر هستی و . . . - گویا احساس نمی کند که خداوند بر همه چیز حاضر و ناظر است؛ ولی پس از باور به ربوبیت او و سایر صفاتش، خود و دیگران را در محضر خدا می یابد و او را در همه شؤونات حاضر می بیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 6 - 8

8- ایمان به خدا و صفاتش ، « صراط مستقیم » است .

الحمد لله رب العلمین . . . إهدنا الصراط المستقیم

از حقایقی که «الصراط المستقیم» می تواند به آنها اشاره داشته باشد، ایمان به خدا و ربوبیت او و . . . است که از «الحمد لله» تا «مالک یوم الدین» به دست می آید.

## 11- بهترین صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 60 - 8,9,10

8- تنها خداوند ، عالی ترین صفات را داراست .

ولله المثل الأعلى

9- واجد عالی ترین صفات بودن ، دلیل تنزیه خداوند از نسبت های ناروای مشرکان

و يجعلون لما لا يعلمون نصیبًا مما رزقنهم . . . کنتم تقفرون . و يجعلون لله البنت

10- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذين لا يؤمنون بالأخرة مثل السوء

عبارت «و لله المثل الأعلى» در مقام جواب به نسبت ناروایی است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست؛ در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 5

5- تنها خداوند ، دارای اسمای حسنی ( بهترین نام ها ) و برخوردار از برترین صفات

أَيُّهَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 4

3 - بهترین نام ها و اوصاف ، از آن خدای یگانه و زیننده او است .

له الأسماء الحسنى

«الأسماء» جمع با الف و لام است و افاده عموم می کند و «الحسنى» اسم تفضیل است و مفاد آیه این است که تمامی نام های بهتر و نیکوتر، مخصوص خداوند است. توصیف اسم ها به حسن و خوبی، حکایت از آن دارد که مقصود نام هایی است که در اصطلاح صرفی، صفت نامیده می شود، مانند: رازق، شکور و رحیم، زیرا اسمی که معنای وصفی ندارد، تنها برای اشاره به ذات است و زشتی و زیبایی در باره آن معنا ندارد.

## 12- بی نظیری صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 14، 12، 7

7 - در نظر همه کائنات ، خداوند ، دارای صفات والا و بی مانند است .

وله المثل الأعلى فی السموت و الأرض

مراد از «المثل» صفات و شؤون و کمالات است.

12 - عزت و حکمت خداوند ، مظهر عالی ترین صفات او است .

وله المثل الأعلى . . . و هو العزیز الحکیم

14 - عالی ترین صفات را داشتن ، دلیل توانایی خداوند بر بازآفرینی آسان انسان هادر قیامت است .

ثمّ يعيده و هو أهون علیه و له المثل الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 19

19 - شریک قرار دادن موجودات مخلوق برای خداوند ، با بی همتایی او و داشتن عالی ترین صفات ، ناسازگار است .

وله المثل الأعلى . . . ضرب لكم مثلاً . . . هل لكم من ما ملکت أیمانکم من شرکاء . . .

## 13- پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

#### 14- پرسش از صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 5

1 - بقره - 2 - 186 - 2

2 - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألك عبادي عني فإني قريب

### 15- تجلی صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 24

24 - قابلیت، شرط بهره مندی از تجلی صفات الهی

و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً

جمله «لوجدوا الله» به این معناست که اگر بندگان گنهکار توبه و استغفار نکنند، یعنی قابلیت در آنان نباشد، «تواب» و «رحیم» بودن خداوند را نمی یابند و شامل حال آنان نمی شود؛ نه اینکه خداوند «تواب» و «رحیم» نیست.

### 16- تذکر صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور تذکر و هشدار به انسان ها نسبت به خصلت های نفسانی ناروای آنان

قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربّي إذاً لمسكتن

### 17- تعدد اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 110 - 3

3- صفات و اسمای متعدد خداوند، به تعدد در مسمی و به شرک در ذات او منجر نمی شود.

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أيّما تدعوا فله الأسماء الحسنى

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که آیه، درصدد جواب مشرکان باشد که خوانده شدن خداوند با «الله» یا «رحمان» را، به معنای تعدد در مسمی و ذات او می گرفتند.

## 18- تغییر صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 5

5 - خداوند ، می تواند انسان ها را خوی فرشتگی بخشد و آنان را مطیع و فرمانبر خویش قرار دهد .

ص: 6

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة فى الأرض يخلفون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از «لجعلنا منكم ملائكة» این باشد که، می توانیم خوی عصیان و طغیان را از شما باز گیریم و شما را همانند ملائکه مطیع و فرمانبردار خود قرار دهیم. علامه در «المیزان» این احتمال را پذیرفته اند.

### 19- تقدیر صفات جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 6

6 - توانمندی های انسان و ویژگی های جسمی ، اخلاقی و رفتاری او ، دارای میزانی تعیین شده از سوی خداوند

فقدّره

حدّ نهایی و اندازه هر چیزی را «قدر» آن می گویند (مقایس اللغه). بنابراین، تقدیر؛ یعنی، اندازه و مقدار چیزی را مشخص ساختن.

### 20- تکذیب صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 10

10 - شرک ، در حقیقت کفر به خدا و انکار صفات کمالی او است .

و من یدع مع الله . . . إته لا یفلح الکفرون

«کافرون» می تواند در مقابل «مؤمنون» باشد و یا در مقابل «شاکرون». برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

### 21- توسل به اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 19

19 - توسل به اسما و صفات الهی ، از آداب نیایش و زمینه اجابت دعا \*

ربّنا إتك رءوف رحیم

ذکر اوصاف متعدد خداوند (ربّ، رؤوف و رحیم) در این آیه - که رهنمودی است به دعا کنندگان - بیانگر مطلب یاد شده است.



## 22- خدا و صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلیٰ - 87 - 1 - 1،4

ص: 7

1 - تسبیح خداوند و دور نگه داشتن نام های او از اوصاف ناروا ، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سَبِّحْ

4 - نام خداوند ، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته ، همراه شود .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: 1. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ 2. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ 3. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ 4. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ 5. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

### 23- دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 3

3- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سرتاسر هستی ، دلیل منزّه بودن او از نسیان

و ما كان ربك نسيًا . ربّ السموت والأرض و ما بينهما

### 24- ذکر صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 10

10- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی ، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما كان ربك نسيًا . ربّ السموت ... فاعبده واصطبر لعبدته

تفریح لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

### 25- ذکر صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 17

17 - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او، پیش از اظهار حاجت، امری شایسته و از آداب دعا است.

قل اللهم فاطر السموت... علم... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 2,6

2 - ذکر اوصاف خداوند و توجه همیشگی به آنها، از آثار ترکیه است.

تزکی . و ذکر اسم ربّه فصلی

ص: 8

شناخت اسم، بدون شناخت مسمی حاصل نمی شود (مفردات راغب) و نمی توان تکلم به الفاظی را که ذهن برای آن معنایی تصور نکرده است، «ذکر اسم» نامید. بنابراین یاد نام های خداوند، ملازم با یاد محتوای آنها است که بر ویژگی های او دلالت دارند. عطف این آیه بر «تزکی» در آیه قبل، بیانگر مقدمه بودن تزکیه برای «ذکر اسم» است.

6- یاد نام و اوصاف خداوند، سوق دهنده انسان به عبادت و نماز است.

و ذکر اسم ربّه فصلی

## 26- ذکر صفات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 1 - 9

9- لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند، هنگام قرائت قرآن

اقراً باسم ربّک

حرف «باء» در «باسم ربّک»، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

## 27- زمینه ادراک صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 50 - 13

13 - مطالعه جهان طبیعت، زمینه پرورش روح توحیدی و درکی ژرف از صفات خداوند است.

فانظر إلیء اثر رحمت اللّٰه... و هو علی کلّ شیء قدير

## 28- زمینه تنزیه اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 5

5- باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است.

سبّح اسم... الذی خلق فسوّی

## 29- شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 9

5- میسر بودن شناخت صفات و افعال خداوند ( چون رازقیت او ) برای انسان ها

أولم يعلموا أن الله ييسط الرزق لمن يشاء و يقدر

از سرزنش شدن کسانی که مشیت خداوند در روزی را نشناخته اند، برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا سرزنش از انجام ندادن کاری، نشان دهنده آن است که آن کار برای انسان مقدور و میسر است.

### 30- صفات آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 2

2- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لا یسمعون حسیسها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 7 - 4، 2

2- آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهیقاً

مطلب یاد شده، از «لام» اختصاص در «لها» استفاده شده است.

4- آتش دوزخ ، دارای فوران و جوشش

و هی تقور

### 31- صفات ابابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 3 - 5

5- « عن أبي مریم عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن قول الله عزوجل « وأرسل عليهم طيراً أبابیل . ترمیهم بحجاره من سجّیل » قال : كان طیر سافّ جاءهم من قبل البحر رؤوسهم كأمثال رؤوس السباع و أظفارها كأظفار السباع من الطیر مع کلّ طائر ثلاثة أحجار فی رجلیه

حجران و فی منقاره حجر فجعلت ترمیهم بها حتی جُدِرَتْ أجسادهم فقتلهم [ فقتلتهم خل ] بها . . . ؛

ابی مریم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «و أرسل علیهم طیراً أبابیل . ترمیهم بحجاره من سجیل» سؤال کردم حضرت فرمود: پرنده‌گانی که در سطح پایین پرواز می کردند از جانب دریا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درندگان و چنگال های آنها نیز مثل چنگال های پندگان درنده بود و با هر پرنده سه سنگ [بود]؛ دو سنگ در پاهایش و سنگی در منقارش با آن سنگ ها [سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا این که در بدن های آنان آبله پدیدار شد که با همان سنگ ها آنان را نابود کردند».

ص: 10

## 32- صفات ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 135 - 7,8

7 - ابراهیم (ع) ، انسانی حق گرا و گریزان از باطل

مله ابرهیم حنیفاً

«حنیف» به کسی گفته می شود که از ضلالت روی برتابد و به طریق مستقیم روی آورد. (مفردات راغب)

8 - ابراهیم (ع) ، هرگز به شرک گرایش پیدا نکرد و از مشرکان نبود .

و ما کان من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 114 - 15

15 - ابراهیم (ع) ، اهل دعا و نیایش بسیار و شخصیتی حلیم و بردبار بود .

إن ابرهیم لأوّه حلیم

در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: «لأوّه الدعاء»: یعنی اوّاه کسی است که بسیار دعا و نیایش کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 5

5- پذیرش مهمان - هر چند که ناشناس باشد - از خلق و خوی ابراهیم (ع) بود .

و تبتّهم عن ضیف ابرهیم . إذ دخلوا علیه ... قال إنا منکم وجلون

ترس و اضطراب ابراهیم(ع) از حضور مهمانان (إنا منکم وجلون) نشان می دهد که آنان برای ابراهیم(ع) ناشناخته بودند و اگر آن حضرت آنان را می شناخت هراس برنمی داشت. پذیرش مهمان ناشناخته گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 57 - 6



6- حضرت ابراهیم (ع) از جهت فرایند جسمی و حالات روحی و نیز در روابط موجود میان انسان ها ، همانند سایر مردم بود .

و تَبَّهْمَ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . . . قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ . . . مَسْنَى الْكَبِيرِ . . . قَالَ فَمَا خَطْبِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 121 - 1

1- شکرگزاری در برابر نعمت های الهی ، از اوصاف و ویژگی های حضرت ابراهیم (ع)

إِن إِبْرَاهِيمَ كَانَ . . . شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 83 - 2

2- ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ

ص: 11

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لازمه پیرو بودن ابراهیم(ع) در سیر و سلوک زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوک نوح پیامبر(ع) است.

### 33- صفات اخرویمنافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 18 - 6

6 - ثابت ماندن روحیه نفاق برای منافقان در قیامت

یوم یبعثهم الله جميعًا فيحلفون له كما يحلفون لكم

### 34- صفات اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 83 - 6

6 - تجلی خوی استکباری، در موضع گیری اشراف علیه دعوت انبیا

لقد وعدنا .. . إن هذا إلا أسطير الأولین

به ریشخند گرفتن دعوت پیامبران و افسانه خواندن آن، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 35- صفات اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 3

3 - کفرورزی و حق ناپذیری، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملوأ الذین کفروا

### 36- صفات اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 92 - 3

3 - تكذيب و گمراهی ، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف «المكذبین الضالین» آمده است.

ص: 12

### 37- صفات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 3

3 - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

كَلَّ مَا جَاءَ أُمَّهَ رَسُولَهَا كَذَّبُوهُ

### 38- صفات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 67 - 14,15

14 - پیامبران ، از مسخره کردن و به بازیچه گرفتن مردم ، منزهند .

قال أعوذ باللّٰه أن أكون من الجهلین

15 - پیامبران ، منزه از کردار های جاهلانه هستند .

قال أعوذ باللّٰه أن أكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 3

3 - همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربّنا اغفر لنا ذنوبنا . . . و انصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 1

1 - ساحت پیامبران ، پاک و منزّه از هر گونه خیانت است .

و ما كان لنبیّ ان یغلّ

«یغلّ» از ماده غلول و غلّ، به معنای خیانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 17، 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

يَا اَنَا اسْتَغْفِرُ لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي

17- امیدوار ساختن مردم به مغفرت و رحمت الهی و بخشوده شدن گناهانشان ، شیوه ای پسندیده و از خصلت های پیامبران است .

سوف أستغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 13

14- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمتک واهجرنی . . . سأستغفر لک ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 87 - 4

4- پیامبران ، برخوردار از خصلت های بشری

إذ ذهب مغضبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 103 - 5

5- تسلیم و انقیاد در برابر فرمان های خداوند ، صفتی بس ارزشمند و پیامبرگونه

فلما أسلما و تله للجبین

برداشت یادشده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام تمجید از دو انسان والا و پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 112 - 5

5- صالح بودن ، برجسته ترین صفت پیامبران الهی

نبیًا من الصالحین

توصیف اسحاق(ع) به صالح بودن - در حالی که پیامبران دارای اوصاف پسندیده دیگری نیز هستند - می رساند که صالح بودن مهم ترین و برجسته ترین صفت برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 171 - 3

3- عبودیت و بندگی خدا ، برجسته ترین صفت رسولان الهی

و لقد سبقتمنا لعبادنا المرسلين

یاد کردن از پیامبران با صفت «عبادنا» پیش از صفت «مرسلین»، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 30 - 2

2- پیامبران ، از نظر خصوصیات و ویژگی های انسانی همانند دیگر انسان ها هستند .

إِنك مِيتَ وَإِنهَم مِيتُونَ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که یادآوری رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله)، می تواند به خاطر این باشد که برخی از مردم، عقیده داشتند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) نباید بمیرد و باید حیات جاودانه و یا عمر طولانی داشته باشد. بر این اساس آیه شریفه، پیام آور این حقیقت کلی و عام است که همه انسان ها - حتی پیامبران - از نظر خصوصیات انسانی مانند روبه رو شدن با مرگ یکسان اند.

ص: 14

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 33 - 8

8 - ایمان به هدف و پایبندی به آرمان های خویش ، از خصوصیات پیامبران است .

و الذی جاء بالصدق و صدق به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 11

11 - شهامت و شجاعت در ابلاغ رسالت ، از صفات برجسته پیامبران الهی

و لقد أرسلنا .. فقال إني رسول ربّ العلمین

از این که موسی (ع) در کانون قدرت ستمگر عصر خویش ، یک تنه نوای توحید سر می دهد و نیز با الغای خصوصیت از مورد ، مطلب بالا استفاده می شود.

### 39- صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 38 - 6

6- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز در خواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و . . .)

خلق الإنسن من عجل . . . یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «و یقولون متی . . .» عطف بر جمله «سأوریکم . . .» باشد و این دو جمله ، با جمله «خلق الإنسان من عجل» - که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است - مرتبط باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 10

10 - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

و لاتتبعوا خطوت الشیطن



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 195 - 8

8 - انسان ، موجودی برخوردار از اختیار انتخاب راه نجات یا هلاکت خویش

و لاتلقوا بأیدیکم إلى التهلکة

آوردن کلمه «بأیدیکم» (با دستان خویش) رسای به این است که آدمی در نجات و هلاکت خویش، برخوردار از انتخاب و اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 205 - 8

8 - قدرت و حکومت ، خصلت های درونی انسان را نمایان می سازد .

ص: 15

و اذا تولى سعى فى الأرض ليفسد فيها و يهلك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 245 - 6

6 - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خداوند و کار های خیر

من ذا الذى يقرض الله .. فيضاعفه له اضعافاً كثيرة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 286 - 16

16 - محدودیتِ توانِ انسان

و لا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 63 - 11

11 - احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعاً و خفيه لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 11 - 5

5 - بشر در دستیابی به خواسته ها و تمایلات خود ، موجودی عجول و ناشکیباست .

و لو يعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

«الخير» به معنای هر چیز خوب و دلخواه است و «استعجال» منصوب به نزع خافض می باشد و تقدیر آن «كاستعجالهم بالخير» است؛ یعنی، اگر خداوند نیز همانند انسانها - که در رسیدن به خواسته های خود عجول و ناشکیبا هستند - بی درنگ به مجازات بزهکاران می پرداخت و ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - یونس - 10 - 21 - 3

3 - انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

وإذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

مفهوم آیه این است که: انسانها به جای شکر و سپاسگزاری در برابر نعمتهایی که به ایشان عطا کرده ایم، با آیات و نشانه های ما به نیرنگورزی و توطئه برخاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 5، 4، 3

3 - انسان ، موجودی ناسپاس در برابر دستگیری های خداوند

فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغير الحق

4 - انسان ، عنصری سست پیمان و عهدشکن

ص: 16

لئن أنجبتنا من هذه لنكوننّ من الشكرين. فلما أنجبتهم إذا هم ييغون في الأرض بغير ال

5- انسان ، موجودی بیدادگر و خودکامه

إذا هم ييغون في الأرض بغير الحق

«بغی بنا حق» کنایه از ستم کردن به دیگران و تجاوز به حقوق آنان است. به کارگیری فعل مضارع (ییغون) - که مفید استمرار است - بیانگر وجود خوی خودکامگی و قانع نبودن به حق خود و تجاوز به حقوق دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 9 - 6، 5، 2

2- آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

ولئن أذقنا الإنسن . . . إته لیئوس کفور

«کفور» می تواند از کفر - که به معنای انکار است - گرفته شده باشد. بر این اساس جمله «إنه ... کفور» اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلهای و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

5- علاقه و دلبستگی شدید انسان به نعمتهایی که در اختیار دارد .

ثم نزعنها منه

کلمه «نزع» به معنای کندن است. به کارگیری این کلمه در سلب نعمت ، برای رساندن دلبستگی شدید انسان به موهبت های دنیوی است.

6- انسان از نظر روحی و روانی ، موجودی ضعیف و ناتوان است .

ولئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه إته لیئوس کفور

ذوق (ریشه لغوی أذقنا) به معنای چشیدن غذا برای درک مزه آن است. قرآن، اعطای نعمت را به چشاندن غذا تشبیه کرده است تا به این نکته اشاره کند که: انسان از نظر روحی و روانی، ضعیف است به گونه ای که حتی با دستیابی به اندکی از موهبت های دنیوی و از دست دادن آن، نمی تواند خویشتن داری کند و سرانجام به کفر و ناامیدی کشیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 13، 14

13- انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّلم كفّار

«ظلموم» و «کفّار» صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

14- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّلم كفّار

مقصود از «ظلموم» بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 4 - 5، 4

4- انسان ، موجودی مجادله گر و ستیزه جو درباره خالق خویش است .

فإذا هو خصيم

ص: 17

«خصم» (مصدر «خصيم») به معنای جدال و منازعه است (لسان العرب). درباره متعلق «خصيم» دو احتمال وجود دارد: 1- متعلق آن خداوند باشد. 2- حذف متعلق قرينه عمومیت و اطلاق باشد؛ یعنی، خصيم بودن از خصوصیات انسان است. برداشت فوق - به قرينه صدر آیه گذشته که از خداوند خالق سخن می گوید - بنابر احتمال اول است.

5- جدال و ستیزه جویی ، از جمله ویژگی های انسان است .

فإذا هو خصيم مبين

برداشت فوق، بر طبق احتمال دوم در متعلق خصيم است؛ یعنی، متعلق خصيم حذف شده تا دلالت کند که انسان پیوسته سعی در جدال و ستیزه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 58 - 3,7

3- انسان ، در برابر خبر های ناگوار انفعال پذیر است .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً

7- توانمندی انسان بر فرو خوردن خشم و کنترل احساسات خویش

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 4,1

1- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و يدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از «دعا» مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

4- سرشت انسان ، آمیخته با عجله و شتابزدگی است .

و كان الإنسن عجولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 37 - 4

4- خصلت های درونی آدمی ، پایه رفتار و کردار اوست .

و لاتمش فی الأرض مرحاً

«مرحاً» حال برای ضمیر فاعلی «لاتمش» است و بر تأثیر آن حالت، در رفتار و راه رفتن دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 10، 9

9- انسان ، موجودی بس ناسپاس و حق ناشناس

و كان الإنسن كفوراً

«کفور» صیغه مبالغه و برای مبالغه در کفران نعمت (نادیده گرفتن نعمت) است.

10- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم و كان الإنسن كفوراً

جمله «و كان الإنسان کفوراً» - که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست - به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

ص: 18

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 6، 1

1- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و ثنا بجانبه

«ثنا» به معنای «بَعْد» (دوری می شود) است و «أعرض و ثنا بجانبه» (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

6- انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسّأ

تعبیر از گرفتار شدن به شرّ و سختی به «مسّه الشرّ» (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 4، 5، 13، 14

4- انسان ها ، حتی با مالک بودن تمامی خزاین رحمت پروردگار ، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی دستی خویشند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربّی إذا لأمسکتُم خشیه الإنفاق

با توجه به اینکه خداوند، خصلت بخل را برای تمامی انسانها دانسته است (و کان الإنسان قتورا) احتمال دارد که مخاطب (لو أنتم تملکون) تمامی انسانها باشند.

5- انسان ها ، هر چند دارای ثروت و مکنت فراوان باشند ، باز هم گرفتار بخل بوده و دست از آن بر نمی دارند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربّی إذا لأمسکتُم خشیه الإنفاق

13- انسان ها ، دارای روحیه خست و بخلند .

و کان الإنسان قتورا

«قتور» صیغه مبالغه از «قتر» به معنای خودداری از پرداخت نفقه و اکتفا کردن به حداقل و قوت ناچیز است (مفردات راغب).

14- بخل ، دارای ریشه در نهاد بشر و خصلتی نیرومند در نوع انسانها



6- انسان ، مجادلگرتترین موجود هستی است .

و كان الإنسان أكثر شيء جدلاً

«جدل» یعنی: «گفتوگو به گونه نزاع و برتری طلبی» (مفردات راغب). البته، غالباً، جدال، در جایی به کار می رود که این نزاع و گفتوگو، با سخنان باطل و بی اساس باشد.

7- انسان ، موجودی مباحثگر و نیازمند مشاهده دلایل و بیان های مختلف برای پذیرش حق است .

ولقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من كلّ مثل و كان الإنسان أكثر شيء جدلاً

بیان مجادلگری انسان، پس از اشاره به ارائه مثال ها و بیان های مختلف در قرآن، گویا به این نکته اشاره دارد که برای این موجود مجادلگر، سخن بسیار و با طرح های مختلف باید گفته شود تا اوقاع شده و به راه هدایت، رهنمون گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 37 - 1,2

1- طبیعت آدمی ، بسیار عجول و شتابزده است .

خلق الإنسن من عجل

تعبیر «انسان از شتاب آفریده شده» کنایه از این است که شتاب در سرشت آدمی عجین شده است؛ وگرنه انسان از نطفه و .. آفریده شده است؛ نه از شتاب.

2- آدمی تحت تأثیر گرایش های طبیعی انسانی قرار دارد؛ نه صرفاً متأثر از شرایط بیرونی .

خلق الإنسن من عجل

از این که خلقت بشر از خمیر مایه عجله و شتاب دانسته شده است، استفاده می شود که انسان ها فقط از شرایط و محیط خارجی (جامعه، تربیت و ..) تأثیر نمی پذیرند، بلکه غرایز انسانی نیز در آنان مؤثرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 46 - 7

7- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبّه می شوند؛ نه از منطق و برهان .

و لئن مستهم نفحه من عذاب ربک ليقولنّ یوینا اِنّا کنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 5

5- انسان ، آفریده ای بسیار ناسپاس در برابر خداوند

و هو الذی أحیاکم . . . إنّ الإنسن لکفور

«کفور» صیغه مبالغه و مشتق از ریشه «کفر» است. «کفر» گاهی در مقابل ایمان به کار می رود و گاهی در مقابل شکر. بنابراین «کفور» در جمله یاد شده، می تواند در مقابل «شکور» (بسیار سپاس گزار) و به معنای بسیار ناسپاس باشد. هم چنین می تواند به معنای بسیار بی ایمان باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- انسان ، موجودی نیکوگزين و در اندیشه به دست آوردن بهترين ها

قل أذلک خير أم جتّه الخلد التي وعد المتّقون

خداوند، مردم را به گزينش بهترين راه و روش زندگي، با مقايسه ميّان دو نوع طرز تفکر و روش زيستن، فراخوانده است. اين فراخواني، گويای اين نکته است که گزينش بهترين و برترين، امري طبيعي و مشترک ميّان همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - روم - 30 - 51 - 10

10 - شادمانی ، در شرايط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . . . إذا هم يستبشرون ... ولئن أرسلنا ريحًا ... من بعده يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 20

2- انسان ، طالب خیر و دنبال بهترین ها برای خویش است .

أذلك خیر نزلاً أم شجره الزقوم

از پرسش درباره خوب یا خوب تر بودن دو نوع زندگی، می توان استفاده کرد که انسان طبیعتاً طالب خیر و به دنبال بهترین ها است؛ ولی در تشخیص آن ممکن است دچار خطا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 5, 4

4- انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منیباً إليه

«إنابه» (مصدر «منیباً») به معنای رجوع است و «منیباً إليه»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

5- انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

و إذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه منیباً إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 4

4- انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 13

13 - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصیلتی مشترک میان آنان

إنّ الله لذو فضل علی الناس و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون

تصریح به لفظ «ناس» در جمله «و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون» به جای ضمیر «هم» - که به «الناس» قبل بازمی گردد - می تواند گویای

برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 49 - 4

4 - سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها ( شرور )

و إن مسّه الشّرّ فیئوس قنوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 1

1 - غرور و خودبینی آدمی ، پس از رفع گرفتاری و رسیدن به کمترین رفاه

و لئن أذقنه رحمه متّاً من بعد ضرّاء مسّته ليقولنّ هذا لی

«رحمت» - به قرینه «ضرّاء» - کنایه از رفاه و آسایش است. از تنکیر «رحمه» - که برای تقلیل است - و نیز از واژه «أذقنا» (چشانندیم) مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 21

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 6

6 - انسان ، موجودی کم ظرفیت در ملایمات و ناملایمات

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض . . . و إذا مسه الشرّ فذو دعاء عريض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 15، 16

15 - انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوتاه بین و ناسپاس است .

و إنّ إذا أذقنا . . . و إن تصبهم ... الإنسان كفور

این که انسان در برخورد با اندک نعمت و یا سختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کوتاه نظری او است.

16 - انسان ، گرفتار تناقض در مواجهه با خوشی ها و ناخوشی ها

إذا أذقنا الإنسان منّا رحمه فرح بها و إن تصبهم سيئه . . . فإنّ الإنسان كفور

از مضمون آیه شریفه چنین استفاده می شود که انسان، در حال رفاه و آسایش یادی از خدا نمی کند؛ گویی منشأ آن نعمت ها کسی غیر خداوند است؛ ولی زمانی که ناگواری به او رو می آورد، خدا را متهم کرده و ناسپاسی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 8 - 9

9 - خصلت های روحی انسان ، دارای تأثیر عمیق بر شناخت های وی \*

مستكبرًا كأن لم يسمعها

تعبیر «مستکبراً»، در صورتی که مشعر به علیت باشد، می فهماند که «کبر» به عنوان یک روحیه و خصلت بر دریافت های معرفتی و حسّی انسان تأثیر می گذارد و چه بسا آن را خنثی می کند (کأن لم يسمعها).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 32 - 4

4- انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرونهادن مسؤولیت ها \*

لکلّ اَوَاب حَفِیْظ

واژه «اَوَاب» در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد و نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 4

4- لزوم توجه به روحیه تنوع طلب انسان ، در راستای انگیزش او به سوی ارزش ها \*

ذواتا اَفْنَان

از این که خداوند برای ترغیب انسان ها به ایمان و حق پذیری، بر نعمت های متنوع تکیه کرده است، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

ص: 22

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 18 - 8

8 - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

و أقرضوا الله . . . يضعف لهم و لهم أجر كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 4

4 - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . . . و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 19 - 2، 1

1 - انسان ، موجودی بس بی صبر و ناشکیبا

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا

«هلوع»، در دو معنا به کار می رود: 1- جزوع (بی صبر و ناشکیبا); 2- حریص و آزمند (العین). برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

2 - انسان ، موجودی حریص و آزمند

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 20 - 2، 1

1 - انسان هنگام مبتلا شدن به شرّ و بدی ، بسیار بی صبر و ناشکیبا است .



إذا مسّه الشرّ جزوعاً

«جزع» ضد صبر است؛ یعنی، بی صبری و ناشکیبایی (العین و قاموس المحيط).

2- بی صبری و ناشکیبایی در برابر بدی ها و شرور ، از ویژگی های انسان است .

إذا مسّه الشرّ جزوعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 21 - 2، 1

1 - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعاً

2- بخلورزی و خودداری از رسیدن خیر به دیگران ، از ویژگی های انسان

و إذا مسّه الخیر منوعاً

ص: 23

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 2

2 - انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثمّ یطمع أن أزید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 15 - 6

6 - انسان ها ، هنگام برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزّت مند و با کرامت می پندارند .

فأما الإنسان إذا .. نعمة فيقول ربّي أكرمن

اکرام در فعل های «اکرمه» و «اکرمن»، به یک معنا نیست؛ زیرا لحن آیه شریفه گوینده «ربّي أكرمن» را نکوهش کرده؛ با آن که اکرام را در «اکرمه» پذیرفته است. بنابراین در «اکرمه» مراد «رساندن نفع بدون خواری و ذلت» است - که در «مفردات راغب» از معانی اکرام شمرده شده - و در «اکرمن» مقصود «با عظمت شمردن و بی عیب دانستن» است که در «قاموس» آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 5 - 1

1 - رفتار برخی از انسان ها ، بسان کسی است که خود را شکست ناپذیر و تواناترین موجود می پندارد .

أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

فاعل «یحسب» ضمیری است که به «الإنسان» در آیه قبل برمی گردد و به قرینه آیات بعد، روی سخن با مؤمنان حقیقی نیست؛ بلکه کافران و یا آنها و منافقان مورد نظر هستند. بنابراین باید گفت: عموم «الإنسان»، یا عموم عرفی است و مراد بیشتر مردمی است که در زمان نزول این آیات، در مکه بوده و از زمره مؤمنان حقیقی نبودند و یا ارجاع ضمیر به آن، به صورت استخدام بوده و تنها بخشی از افراد مرجع ضمیر، مقصود هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 1، 10

1 - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسان لریبّ لکنود

«ال» در «الإنسان» برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. «کنود»، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای «عاصی» به کار می‌برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان‌ها به آن است.

10 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : « إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ » قال : لكفور الذی يأكل وحده ، و يضرب عبده و يمنع رفده ؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) [آیه] «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» را تلاوت کرده فرمود: [«لکنود» یعنی] ناسپاس، همان‌که به تنهایی غذا می‌خورد و غلام خود را می‌زند و از بخشش امتناع می‌ورزد».

ص: 24

## 40- صفات اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 7

7- شرح صدر و برخورداری از نور و برهان های الهی ، از اوصاف صاحبان عقل و خردناب است .

لكن الذين اتقوا .. إن في ذلك لذكرى لأولى الألباب . أفمن شرح الله صدره للإ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که آیه شریفه، تفریع بر دو آیه پیشین بوده و بیان برای آن دو باشد که در اوصاف تقوایستگان و صاحبان عقل و خردناب است.

## 41- صفات اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 63 - 1

1- ایمان و تقوایستگی ، از صفت اولیای خداست .

ألا إن أولیاء الله .. الذین ءامنوا و كانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 3

3- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لا تأخذنی بما نسیت .. فانطلقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 20

20- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إنهم كانوا یسرعون فی الخیرت و یدعوننا رغباً و رهباً و كانوا لنا خشعین

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این

سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 6 - 4،5

4 - نرسیدن از مرگ و مشتاق لقای خدا بودن ، نشان اولیا و دوستان خداوند است .

فتمنوا الموت

5 - خداوند توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود ( این که آنان دوستان خداوند ) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یا ایها الذین هادوا.. فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

ص: 25

## 42- صفات اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 77 - 1

1 - دل‌بستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از رویه رو شدن با عذاب دوزخ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم... إِذَا هُمْ فِيهِ مَبْلُوسُونَ

«حَتَّىٰ» غایت برای «ما یتضرَّعون» و «فتح» (مصدر «فتحنا») به معنای گشودن است. «إِبْلَاسُ» (مصدر «مبلسون») نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم - مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه - به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی‌کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] انومید خواهند شد.

## 43- صفات اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 2,3,4

2 - شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله میثاق... و لا تکتمونه... لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما اتوا

برخی برآنند که مراد از «الذّین»، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از «ما اتوا» (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

3 - خودپسندی و شهرت طلبی عالمان اهل کتاب

لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما اتوا و یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

4 - شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما اتوا

مراد از «ما اتوا»، می‌تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه «و اشتروا به ثمنًا»، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

## 44- صفات اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 5

5- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی، دور بودند.

فأبوا أن یضیتوہما

ص: 26

## 45- صفات اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 15

15 - تنها اهل یقین ( کسانی که از عنادورزی و لجاجت پیراسته اند )، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بیّننا الآیة لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در «لقوم» لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

## 46- صفات بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 5

5 - فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون . . . و یکتُمون ما اتیهم اللّٰه من فضله

## 47- صفات برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 8 - 12 - 10

10 - برادران یوسف، گروهی نیرومند، کارآمد و عهده دار رتق و فتق امور پدرشان یعقوب بودند .

و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

«عصبه» به جماعتی گفته می شود که تعداد آنان از ده نفر افزون تر باشد و با یکدیگر پیوند داشته و هم دیگر را پشتیبانی کنند. لازمه این معنا نیرومند و کارآمد بودن آن گروه است. رابطه جمله «و نحن عصبه» با خطا پنداشتن محبت افزون تر یعقوب به یوسف و بنیامین، گویای این است که: برادران یوسف، نیرو و توان خویش را در جهت منافع یعقوب (ع) به کار می بردند و امور او را سامان می دادند.

## 48- صفات بندگان خدا



1 - بندگان خالص خدا، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: 1- «عباد» (جمع «عبد») به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. 2- «هون» به دو معنا آمده است:

ص: 27

الف) سکینه و وقار (قاموس المحيط); که در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن; یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). 3- «هوناً» مصدر و صفت برای «مشی» بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

2- مشی و راه رفتن بندگان خالص خدا، در کمال وقار و آرامی، و به دور از سرعت و شتابزدگی است.

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً

3- بندگان خالص خدا، مظهر مدارا و نرمی و منزّه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 64 - 1

1 - بندگان خالص خدا، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

«بیتوته» (مصدر «بیتون») به معنای شب زنده داری است; چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 65 - 6,8

6- بندگان خالص خدا، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

ربّنا اصرف عتّاً عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که بندگان خالص خدا، با آن که مردمی شب زنده دار و عابداند، اما باز از عذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

8- بندگان خالص خدا، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عتّاً عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غراماً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند - هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد - بسیار نگران و مضطرب اند.

1 - بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند .

و عباد الرحمن . . . و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه «انفاق» به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است «اسراف» (مصدر «یسرفوا») به معنای زیاده روی در مصرف اموال و «قتر» (مصدر «یقتروا») به معنای سخت گیری در مصرف است.

2 - رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

«ذلک» اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و افتتار) و «قوام» به معنای عدل و راه میانه و

وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 68 - 3,7

3 - بندگان خالص خدا، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لا يقتلون النفس التي حرم الله إلا بالحق

7 - بندگان خالص خدا، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آیند .

و لا یزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 1,3,5,7,9

1 - بندگان خالص خدا، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد، هرگز حضور نمی یابند .

و عباد الرحمن . . . و الذین لایشهدون الزور

فعل «شهد» گاهی در معنای «حضر» (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای «أخبر عن الشيء و شهده» (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است. «زور» نیز به معنای دروغ و باطل است.

3 - بندگان خالص خدا، هرگز به باطل و دروغ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

5 - بندگان خالص خدا، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

7 - بندگان خالص خدا، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

9 - زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 73 - 1,2,3

1 - بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی، مانند کران و کوران، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند.

و الذین إذا ذكروا بآيت ربهم لم يخروا عليها صمًا وعميانًا

فعل «خَرَّ» در معنای «سقط» به کار می رود که به معنای فرود از بالا به پایین است (لسان العرب) و «صمًا» و «عميانًا» حال برای فاعل «يخروا» است. گفتنی است فعل «لم يخروا» در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است؛ زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

2 - پندپذیری و درس آموزی از آیات الهی، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا ذكروا بآيت ربهم لم يخروا عليها صمًا وعميانًا

ص: 29

3 - حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخزوا علیها صمًا و عمیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 1,4,13,14,16

1 - بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزوجنا و ذریّتنا قرّه أعین

درباره «من» در «من أزوجنا..» دو احتمال وجود دارد: 1- «من» ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد». 2- «من» بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: «به ما روشنی چشمان - که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

4 - بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند .

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزوجنا و ذریّتنا قرّه أعین

13 - بندگان خالص خدا ، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانمان ، الگو و مقتدای مردم تقوایسته باشند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

14 - رسیدن به اوج مرتبه تقوایستگی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

درخواست الگو و مقتدای تقوایستگان شدن از سوی عباد الرحمن - که خود از ایمان و تقوای بالای برخوردارند - حاکی از آن است که آنان خواستار بالاترین مرتبه تقوایستگی اند، تا برای الگو و مقتدا شدن دیگر تقوایستگان، شایسته باشند.

16 - بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند .

و اجعلنا للمتّقین إمامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از «امام» امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

«طاغوت» در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن یعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

4 - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلى الله

«إنابه» (مصدر «أنابوا») به معنای رجوع است و «أنابوا إلى الله»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

ص: 30

## 49- صفات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 7

7 - بنی اسرائیل عصر بعثت، ویژگی ها و خصوصیات روحی اسلاف و گذشتگان خویش را دارا بودند.

إذ قلتُم یموسیٰ لن نصبر علی طعام وحد

نسبت دادن کردارها و گفتارهای گذشتگان بنی اسرائیل به بنی اسرائیل عصر بعثت و گفتن «إذ قلتُم» به جای «إذ قالوا» گویای این است که: بنی اسرائیل عصرهای بعد در روحيات و رفتارهای اجتماعی، همسان گذشتگان خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 24

24 - شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا، عادت روزمره بنی اسرائیل است.

وأنتم معرضون

برخی از مفسران برآنند که جمله «وأنتم معرضون» (شما [از عهدها و پیمانها [روگردان هستید) جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 8

8 - قوم موسی، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تستلوا رسولکم کما سئل موسیٰ من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبران داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 23 - 10، 11

10 - قوم موسی (ع)، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند



«من الذين يخافون» می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی (ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی (ع) را اطاعت نکردند.

11 - گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) ( ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران )

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. قال رجالان من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 24 - 7

7 - قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذكروا نعمه الله عليكم .. قالوا يموسى إِنَّا لَنَدْخُلُهَا اَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا

ص: 31

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 70 - 7

7 - بنی اسرائیل ، مردمی پیمان شکن و هواپرست

لقد اخذنا ميثق بني اسرائيل . . . كلما جاءهم رسول بما لا تهوى انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 8

8 - بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

بینی اسرائیل قد أنجینکم . . . أضللهم السامری . . . ألم يعدکم ربکم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است؛ به نظر می رسد آنان از بیئش و ایمان سستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 4

4 - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ؛ نه حقیقت طلب .

لن نبرح . . . حتی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

## 50- صفات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 4

4 - بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقوایندگان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطہرہ و رضوان من اللّٰہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 133 - 2،12

2 - ضرورت شتاب برای نیل به بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است .

و سارعوا .. و جنّہ عرضها السّموات و الارض

12 - بهشت موعود اهل تقوا ، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّہ عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از «عرض»، وسعت باشد، نه عرض مقابل طول.

ص: 32

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 136 - 10.12

10 - بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

12 - آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 65 - 11

11 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

«نعیم» به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 3,4,5

3- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّات تجری من تحتها الأنهر

«جنات» به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن «جنات» هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

4- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . \*

جنّات تجری من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن «جنات» می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

5- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 5

5- بهشت ، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جنّ-ت عدن . . . لهم فيها ما يشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 17 - 10

10 - « عن أبي عبد الله (ع) . . . قال : إنّ الله خلق الجنّه . . . ولم ترها عين ولم يطلع عليها مخلوق . . . وهو قول الله تعالى : « فلاتعلم نفس ما أخفى لهم من قرّه أعين » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: خداوند، بهشت را آفرید و هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ مخلوقی از آن آگاه نگشته است . . . و آن، این سخن خداوند است که می فرماید: فلاتعلم نفس ما أخفى لهم من قرّه أعين».

ص: 33

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 7

7 - اطلاع فرشتگان از بهشت برین و خصوصیات آن

تَنْزِلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ .. وَأُشْرُوا بِالْجَنَّةِ ... و لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 4

4- جریان نهرها در زیر قصرها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جَنّات تجري من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 1

1 - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما يشاءون فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 7

7 - بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 2

2 - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دَانِيَةٍ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا

«دانیه» از ریشه «دُنُو» (قرب و نزدیکی) است و «دانیه علیهم ظلالها»؛ یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 6

6 - بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّ -ت تجرى من تحتها الأنهر

حرف «من» برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه «اشجار»، مراد از «من تحتها»، «من تحت اشجارها» باشد.

ص: 34

## 51- صفات بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 8

8 - حسین بن میسرقال: سألت أبا عبد الله (ع) عن جنة آدم (ع) فقال: جنة من جنات الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر ولو كانت من جنات الآخرة ما خرج منها أبدا.

حسین بن میسر گوید از امام صادق(ع) درباره بهشت آدم سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که خورشید و ماه در آن طلوع می کرد و اگر از باغهای بهشتی بود، هرگز آدم(ع) از آن خارج نمی شد.

## 52- صفات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 13

13 - عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 5

5- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای «عشیّ» نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: «بین ظهر تا غروب» و «آخر روز» (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 1

1 - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان



### 53- صفات بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 26 - 6

6- بیمار دلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض.. قالوا للذین کرهوا... سنطیعکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیمار دلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

ص: 35

## 54- صفات پندیده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 11

11 - عن الرضا(ع): إن إبراهيم(ع) وقع إلى ثلاثة اصناف، صنف يعبد الزهره . . . «فلما جن عليه الليل» فرأى الزهره، قال «هذا ربي» على الانكار والاستخبار «فلما افل» الكوكب «قال لا احب الآفلين» لأن الافول من صفات المحدث لا من صفات القدم . . .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . . . ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد؛ گروهی که ستاره زهره را می پرستیدند . . . «چون شب، ابراهیم(ع) را فروگرفت» و ستاره زهره را دید، به عنوان استفهام انکاری گفت: «این پروردگار من است» و چون ستاره غروب کرد گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم»؛ زیرا غروب کردن از صفات موجود حادث است نه قدیم . . .

## 55- صفات پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 15، 9

9- تهیه غذا برای مهمانان، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

15- مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان، از خصلت های نیکو و پسندیده است .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 75 - 5

5- بردباری، تأسف و تأثر بر مشکلات مردم و توجه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او، صفات و خصلتهایی نیکو و پسندیده است .

إن إبراهيم لحنيد أوه منيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 18 - 13

13- صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصیر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که «صبر» مبتدا و «جمیل» خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 6

6- رعایت عفت و پرهیز از خیانت به ویژه در نهان و به دور از چشم مردم ، خصلتی ارزشمند و نیکوست .

ص: 36

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

«بالغيب» (در نهران) مى تواند حال براى ضمير فاعلى و نيز براى ضمير مفعولى در «لم أخنه» باشد. بنا بر اين «لم أخنه بالغيب» ؛ يعنى، به او خيانت نكردم آن گاه كه وى [از چشم ما] نهران بود و يا من از او در نهران بودم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 59 - 11

11- مهمان نوازی، خصلتی نیک و ارزشمند است.

ألا ترون . . . أنا خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 83 - 10

10- صبر و شكيبايی در برابر مشكلات و حوادث تلخ، خصلتی زيباست.

فصبر جميل

برداشت فوق، بر اساس اين احتمال است كه «صبر» مبتدا و «جميل» خبر آن باشد. احتمال ديگر در تركيب «فصبر جميل» اين است كه «صبر» خبر براى مبتدایى محذوف و جميل صفت براى «صبر» باشد ؛ يعنى، [امرى] صبر جميل و يا [صبرى] صبر جميل و يا ... .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 92 - 9

9- گذشت از خطاكاران و دعا براى آمرزش آنان، خصلتی نيكو و از صفات محسنان است.

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين . . . لا تثرى عليكم اليوم يغفر الله لكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 93 - 11

11- ياری به خویشان و وابستگان، خصلتی نيكو و از ویژگی های نيكوکاران است.

وأتونى بأهلكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

يَا اَنَا اسْتَغْفِرُ لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 27

27- گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطاهای ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزع الشيطان بيني وبين إخوتي

ص: 37

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 22 - 14، 12، 10

10- انفاق کردن خصلتی نیکوست چه پنهانی انجام گیرد و چه آشکارا .

أنفقوا مما رزقنهم سرًا و علانیه

12- انجام دادن کار های شایسته به جبران بدی ها و گناهان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. والذین ... یدرءون بالحسنه السیئه

«درأ» (مصدر یدرءون) به معنای دفع کردن و برطرف کردن است. مراد از «السیئه» می تواند بدیها و گناهانی باشد که شخص نیکوکار مرتکب شده و محتمل است مقصود از آن بدیها و ستمهایی باشد که دیگران در حق او انجام داده اند، برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

14- خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذین ... یدرءون بالحسنه السیئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره 12 آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 2

2- سلام کردن به هنگام ملاقات و وارد شدن بر یکدیگر ، از آداب و اخلاق پسندیده

و تبئهم عن ضیف إبرهیم . إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 26

26- مواسات و بهرهوری گروهی ، از اموال هم ، از اوصاف پسندیده مردان الهی است .

بورقکم هذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

23- یاد خداوند ، در صورت فراموش کردن کاری و انتظار کمک از او برای شناسایی و انجام دادن کاری بهتر ، خصلتی پسندیده و مورد فرمان او است .

وَأذْكَرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِن هَذَا رَشَدًا

«هذا» - در برداشت بالا - اشاره به مفعول محذوف «نسیت» است و مفاد آیه، این است که: «هرگاه، کاری را فراموش کردی، یاد خدا کن و بگو: «امید است که پروردگارم، مرا، به کاری مفیدتر از این، راهنمایی کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشان و پذیرش مسؤلیت عملکرد خود ، از صفات ارزشمند و شایسته است .

إِن سَأَلْتكَ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤلیت عمل خود را بر عهده

گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 14

14- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است.

لَأَرْجَمَنَّكِ وَأَهْجُرَنِي . . . سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 54 - 6

6- صداقت در وعده، خصلتی نیکو و بسیار ارزشمند است.

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ . . . إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ

ستودن اسماعیل به «صادق الوعد» بودن علاوه بر تمجید از موصوف، تمجید از وصف نیز به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 115 - 5

5- عزم و تصمیم جدی برای عمل به توصیه های خداوند، خصلتی ارزشمند است.

وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ . . . فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

تعبیر «نیافتیم» به جای «نبود»، گویای آن است که در این موارد، وجود عزم، مطلوب و مورد انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 1 - 5

5- ترس از عذاب اخروی، خصلتی ارزشمند و مورد توصیه خداوند

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 32 - 8



8- تقوا و خداترسی ، خصلتی ارزشمند در پیشگاه الهی

فإنها من تقوی القلوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 35 - 2

2- ترس و خشیت از خدا ، خصلتی ارزشمند در بیش قرآنی

الذین إذا ذکر الله وجلت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 2 - 5

5- داشتن خشوع و تذلل در نماز ، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

ص: 39

قد أفلح المؤمنون . الذين هم في صلاتهم خشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 5

5 - حکمت و سنجیده کاری ، خصلتی پسندیده و ارجمند در پیشگاه خداوند

و الذين هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 11

11 - مهمان نوازی ، خصلتی نیکو و خلقی الهی است .

و أنت خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 57 - 2

2 - ترس از خدا ، خصلتی ارجمند در نزد پروردگار

إن الذين هم من خشية ربهم مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 3

3 - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 30

30 - عفت و پاکدامنی برای زنان ، صفتی بس ارزشمند و پسندیده

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 63 - 8

8 - جایگاه ویژه صفت تواضع و فروتنی و رفق و مدارا ، در مقایسه با دیگر اوصاف پسندیده و ارزشمند ، در نگاه وحی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

آمدن صفت تواضع و فروتنی به عنوان نخستین صفت از سلسله اوصاف «عباد الرحمن» - که در چند آیه از آنها یاد شده است - می تواند گویای برداشت فوق باشد.

ص: 40

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 6

6 - گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 73 - 4

4 - پندپذیری و حرف شنوی ، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین إذا ذُکِّرُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ یَخْرُوْا عَلَیْهَا صَمًّا وَعُمَیَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 84 - 4

4 - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت «قلب سلیم» اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 24 - 4

4 - اجلال و گرامی داشت میهمانان ، خصلتی پسندیده و پیامبرگونه

حدیث ضیف ابرهیم المکرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 27 - 3

3 - هراس و نگرانی از عذاب الهی ، خصلتی شایسته و عملی بایسته

و الذین هم من عذاب ربهم مشفقون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تمجید از مؤمنانی است که دارای چنین خصلت ها و اوصافی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 32 - 2

2- امانت داری و پایبندی به عهد و پیمان، از خصلت های شایسته و بایسته

و الذین هم لأمن - تهمة و عهدهم رعون

ص: 41

## 56- صفات پسندیده زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 48 - 6

6 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 5

5 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

## 57- صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5 - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

## 58- صفات پسندیده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 101 - 1

1- خداوند، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند ( مؤمنان راستین )، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

«الحسنی» مؤنث «أحسن» و صفت برای موصوف محذوفی چون «المنزله» و «الخصله» است و به قرینه مقابله با آیه قبل - که در باره کافران و مشرکان بود - آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

ص: 42

## 59- صفات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 16

16 - ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الی اللّٰه . . . امنا باللّٰه و اشهد باآنا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 84 - 7

7 - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعتہ لإبرہیم . إذ جاء ربّہ بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

## 60- صفات پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 22 - 8

8- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی

«سلطان» به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن برطرف مقابل است.

## 61- صفات جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 3

3 - ظرف ها و جام های بهشتیان ( ابرار و . . . ) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .



نصب «تقدیراً» به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل «قدروا» است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

## 62- صفات جسمانی شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 28 - 5

5 - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب \*

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

ص: 43

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

### 63- صفات جسمانی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 69 - 13، 14

13 - قوم عاد برخوردار از اندامی بزرگتر و نیرومندتر نسبت به دیگر اقوام

و زادکم فی الخلق بصطه

14 - برخورداری قوم عاد از اندامی درشت و نیرومند ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

و اذکروا إذ . . . و زادکم فی الخلق بصطه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 20 - 3

3 - قوم عاد ، مردمانی تناور و بلند قامت بودند . \*

کأنهم أعجاز نخل منقعر

تشبیه قوم عاد به «نخل» می تواند نظر به مطلب بالا داشته باشد.

### 64- صفات جسمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 3

3 - زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

### 65- صفات جسمی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 7 - 6

6 - قوم عاد ، مردمی بلندقامت و پر قدرت \*

إرم ذات العماد

چنانچه «ارم» نام قوم عاد باشد، توصیف آنان به «ستون دار»، کنایه از نیرومندی و قامت رشید آنان خواهد بود. گفتنی است که در این برداشت، «عماد» به معنای عمود و ستونی گرفته شده است که خانه را بر آن استوار می کنند. (لسان العرب)

ص: 44

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 5

5 - قوم عاد ، مردمی بی نظیر در قدرت و قامت \*

ذات العماد . الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

در برداشت یاد شده، «ارم» نام قوم عاد گرفته شده است؛ در نتیجه «الّتی...» توصیف گر آن قبیله، به نبود امثال آنها در شهرها خواهد بود.

## 66- صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 3

2 - خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنک

3 - خداوند ، منزّه از آن است که به اسرار و نهران موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء... قالوا سبحنک

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه «سبحانک» و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن «سبحانک» ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 1,4,7,9,13

1 - خداوند ، منزّه از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

4 - گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند ، نقص است .

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

«سبحان» به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ یعنی: «سبحت الله تسبیحاً». کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

7 - خداوند، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد.

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم «له» بر «ما فی السماوات . . .» به دست می آید - استفاده می شود.

9 - مالکیت خدا بر هستی، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموت و الأرض

جمله «له ما فی السماوات . . .» برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

13 - عبادت و اطاعت هستی برای خدا، دلیل منزه بودن او از داشتن فرزند است.

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل . . . کل له قنتون

ص: 45

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 5

5 - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که «بدیع السماوات ..» همانند جمله «له ما فی السماوات ...»، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 139 - 7

7 - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 13

13 - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 21

21 - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 6

6 - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نیست .

و ما اللّٰه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 11

11 - خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

أَنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

«حمید» در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 19

19 - قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

ص: 46

بيدك الخير اترك على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 108 - 7

7 - خداوند ، مُنزه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما الله يريد ظلماً للعالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 109 - 4،10

4- مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين. ولله ما في السموات وما في الارض

10 - بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين . . . و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 14

14 - ارتداد و کفر افراد ، زبانی به خداوند نمی رساند .

و من ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 1،9،15

1 - پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از «الذين قالوا»، یهودیان هستند.

9 - خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان



انّ الذّين .. انّ الله فقير و نحن اغنياء سنكتب ما قالوا

15 - همسنگی گناه و زشتی فقير پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبيا

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبياء بغير حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 182 - 6

6 - نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

وانّ الله ليس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 17،24،25،27

17 - پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عيب و نقصی ، نشانه خردمندی

ص: 47

لایات لاولی الالباب. الذین ... ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

24 - خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

25 - خردمندان ، خداوند را از هر کاستی مبرّا و منزّه می دانند .

لایات لاولی الالباب. الذین ... سبحانک

27 - منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن بیهودگی در آفرینش او

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 36,39

36 - مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن او

سبحنه ان یکون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله «له ما فی السموت . . .» دلیل و برهانی است برای جمله «سبحنه ان یکون له ولد» یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

39 - کفایت خداوند برای تدبیر هستی ، دلیل وحدانیت او و منزّه بودنش از داشتن شریک و فرزند

انما الله اله وحد سبحنه ان یکون له ولد . . . کفی بالله وکیلا

جمله «کفی . . .» دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 116 - 7

7 - خداوند منزّه از هرگونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر

از صفات «قاهر»، «حکیم» و «خبیر»، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 100 - 9، 6

6 - شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

9 - خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزّه است.

و خرقوا له بنین و بنت . . . سبحنه و تعلی عما یصفون

10 - خداوند منزّه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

ص: 48

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 3,4,6,11

3 - خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أني يكون له ولد ولم تكن له صاحبه

4 - وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أني يكون له ولد ولم تكن له صاحبه

6 - ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلى عما يصفون. بدیع السموت و الأرض

11 - انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أني يكون له ولد... و خلق كل شیء و هو بكل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 103 - 5

5 - خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدركه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه مبرا بودن او از خصوصیات جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 131 - 1

1 - خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 51 - 2,5

2- کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّٰه لیس بظلم للعبید

5- خداوند منزّه از اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن اللّٰه لیس بظلم للعبید

با توجه به اینکه «أن الله . . .» در مقام استدلال بر این حقیقت است که گرفتاری کافران به عذاب حریق ستمی به آنها نیست، باید مراد از ظلام نبودن خدا، نفی کمترین ظلم از ساحت قدس وی باشد، و گر نه استدلال تمامی نیست. و بسیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 60 - 17

17 - خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

ص: 49

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 4

4 - خدا، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 15، 16، 17

15 - خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

16 - خداوند، منزّه و فراتر از داشتن شریک است.

سبحنه و تعلی عما یشرکون

17 - از علی (ع) روایت شده که فرمود: «اما ما لا یعلمه اللّهُ، فلا یعلم اللّهُ أن له شریکاً ولا وزیراً ولا صاحبه ولا ولداً و شرحه فی القرآن: «قل اتبئون اللّهُ بما لا یعلم» ...»

... اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی) خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟» ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 44 - 6، 1

1 - خداوند، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد.

إن اللّهُ لا یظلم الناس شیئاً

6 - از امام هادی (ع) روایت شده است: «... من زعم ان اللّهُ عزوجل أجبر العباد علی المعاصی و عاقبهم علیها... فقد ظلّم اللّهُ فی حکمه و کذبّه و ردّ علیه قوله: «... إن اللّهُ لا یظلم الناس شیئاً» ...»

... هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: «خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند» رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 13

13 - در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 3

3 - برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ، مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنی

ص: 50

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 2

2- ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إِيَّاهُمْ يَتُوبُونَ صدورههم لیستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 1,2

1- خداوند ، بر بندگانش ستم نمی کند .

و ما ظلمنهم

2- خداوند ، مردمان را به طرف گناهان ( شرکوری ، انکار پیامبران و . . . ) سوق نمی دهد .

و ما ظلمنهم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شرک و ..) و انمی دارد. بنابراین عذابهای نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 117 - 1,5

1- خداوند ، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم

حرف «باء» در «بظلم» برای ملابست است. براین اساس جمله «ما كان...» چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

5- ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 10

10- خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربك بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 108 - 12

12- خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک میراست .

و سبحن الله و ما أنا من المشركين

«سبحان» به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبیح و یا نسبیح) می باشد ; یعنی: اسبیح و یا نسبیح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله «سبحان الله» عطف بر «هذه سبیلی» است ; یعنی: «قل سبحان الله».

ص: 51

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 6

6- خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسَّبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ

«تسبیح» (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 57 - 3,4,5

3- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و یجعلون لله البنات سبحانه

4- فرزند ( دختر ) داشتن برای خداوند نقص است .

و یجعلون لله البنات سبحانه

ذکر تنزیه «سبحانه» برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

5- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و یجعلون لله البنات سبحانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 118 - 7

7- خداوند در تکالیف دینی ، از بی عدالتی و ظلم به بندگان مبرا است .

و علی الذین هادوا حرمنا ... و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 4

4- خداوند، برخلاف پندار واهی مشرکان، هیچ گاه برای آنان، پسر برنگزیده و برای خود دختر به فرزندی نگرفته است.

أفأصفيكم ربكم بالبنين واتخذ من الملائكة إنثاً

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توبيخ و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 43 - 3، 1

1- خداوند، بسیار برتر و منزّه تر از شریک داشتن است.

سبحنه و تعلى عما يقولون علواً كبيراً

3- خداوند، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود.

أفأصفيكم ربكم بالبنين واتخذ من الملائكة إنثاً . .. سبحنه و تعلى عما يقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 52

12- خداوند ، منزّه از تحيز ، جسميت و قابل رؤيت بودن و ديگر اوصاف ماده است .

أو تأتي بالله .. قل سبحان ربّي

چون درخواست مشركان از پيامبر (صلى الله عليه و آله) (أو تأتي بالله) مستلزم جسمانيت، جا به جايي و قابل رؤيت بودن خداوند بود، جمله «سبحان ربّي» می تواند چنين درخواست غير منطقي باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1- پروردگار ، منزّه از هر كاستي و نقص در بينش آگاهان به معارف آسماني

إن الذين أوتوا العلم من قبله .. يقولون سبحن ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5- خداوند ، هيچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شريك و حماينگر ، مبرا و بی نیاز است .

لم يتخذ ولداً ولم يكن له شريك .. ولم يكن له ولي

8- خداوند ، تنها فرمانروای هستی و مبرا از داشتن هرگونه شريك در جهانداري

و لم يكن له شريك في الملك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16- خداوند ، در قيامت ، به هيچ كس ، ظلمي روا نخواهد داشت .

و لا يظلم ربك أحداً

17- حضور نفس اعمال انسان در قيامت ، پشتوانه اجرای عدالت و نفی كمترين ظلم از ساحت خداوند است .

و وجدوا ما عملوا حاضراً و لا يظلم ربك أحداً

بیان حضور اعمال و تجسّم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن احکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

18- مبرّا بودن خداوند از هرگونه ظلم و بی عدالتی، مقتضای ربوبیت او است.

و لا یظلم ربّک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 16

16- خداوند، پاک و منزّه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أن سبّحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 3,5,6

3- خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است.

ص: 53

ذلك عيسى ابن مريم . . . ما كان لله أن يتخذ من ولد

«ولد» نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. «من» زائده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با تأکید است.

5- خداوند ، منزّه از هرگونه نقص و نیاز است .

ما كان لله أن يتخذ من ولد سبحانه

6- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 40 - 6

6- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

ما كان لله أن يتخذ من ولد . . . إنا نحن نرث الأرض و من عليها

در آیات قبل، سخن از پندار فرزندى عيسى (ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 60 - 11

11- خداوند ، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی دارد .

و لا يظلمون شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 64 - 8،10

8- خداوند ، از هرگونه فراموشی منزّه است .

و ما كان ربك نسيّاً

«نسيّاً» صیغه مبالغه است و مبالغه در کلام منفی، به اصل نفی مربوط می شود. بنابراین در جمله «و ما كان...» مراد این است که: خداوند

هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش کار نیست.

10- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما ننتزل إلا بامر ربك . . و ما كان ربك نسياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 91 - 2,4

2- مبرابودن خداوند از داشتن فرزند، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تکاد السموت يتفطرن . . أن دعوا للرحمن ولداً

4- فرزند داشتن خداوند، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولداً

گزینش وصف «الرحمان» (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت «أن دعوا. .» دلیل در آن کنجانده است؛ زیرا همه موجودات - از جمله فرزندهای پنداری - مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او

ص: 54

تلقى شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 92 - 4، 1

1- فرزندگزینی خداوند، کاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ینبغی للرحمن . . . ولدًا

زمانی از کلمه «إِنْبَغَى» استفاده می شود می شود که کاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و «ما ینبغی» امکان آن را نفی می کند.

4- فرزندگزینی، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن مبرّا است .

و ما ینبغی للرحمن أن یتَّخِذَ ولدًا

گزینش فرزند با فراگیری رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 4

4 - خداوند، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق «أسماء حسنی» نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 52 - 8، 7

7 - خداوند، منزّه از هرگونه فراموشی است .

و لاینسی

8 - ربوبیت خداوند بر هستی، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است .



لا یضلل ربی و لا ینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 5

5- بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیوم

«قیوم» به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 4,6

4- منزّه بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و برگزیدن فرزندان

قالوا اتّخذ الرحمن ولداً سبحنه

ص: 55

«سبحانه» مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون «سبحوه») است.

6- رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سَبِحْنَه

«رحمان» صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و گستردگی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 47 - 5

5- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . . . فلا تظلم نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 3

3- وجود شریک برای خداوند ، امری ممتنع و محال است .

لو كان هؤلاء آلهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد «لو» امتناعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 10 - 5 - 3

3 - کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندهگان

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ-م للعبید

5 - خدا ، پروردگاری عادل و مبرّا از ستم کردن به بندگان خود

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ-م للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 17 - 6

6 - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقتش

و ما کتّا عن الخلق غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 62 - 6

6 - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب . . . و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 8، 2، 1

1 - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ص: 56

ما اتخذ الله من ولد

2 - خدا، میرزا از شریک و همتا

و ما كان معه من إله

8 - ساحت خدای یگانه هستی، میرزا از نسبت های ناروای مشرکان

سبحن الله عما يصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 92 - 4

4 - ساحت خدای یگانه، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند.

فتعلی عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 3

3 - حاکمیت خدا بر هستی، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً .. فتعلی الله الملك الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 16 - 6

6 - خداوند، از هر عیب و نقصی منزّه است.

سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 9

9 - خدا و رسول او، در داوری و حکمشان به احدی، حتی منافقان، ستم روا نمی دارند.

أم يخافون أن يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 5,8

5 - خداوند ، هیچ کسی را به فرزندی برنگزیده است .

لم يتخذ ولداً

«ولداً» نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

8 - پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم يتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 57

4 - خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الحیّ الذی لایموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 209 - 4,7

4 - ساحت خداوندی ، مبرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنا ظلمین

7 - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما اهلکنا من قریه .. ذکرى و ما کنا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان «قبیح عقاب بلا بیان» است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 10,11

10 - خدا ، منزّه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن اللّٰه ربّ العلمین

11 - خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزّه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

أن بورک من فی النار .. و سبحن اللّٰه ربّ العلمین

مطرح شدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسی این نشانه را با پدیدآورنده نشانه، اشتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 1

1 - ستایش ها ، همه از آن خداوند است .

«ال» در «الحمد لله» جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین «الحمد لله»؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 68 - 9،10

9 - خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

10 - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزّه و برتر است .

و ربّك يخلق .. سبحن الله و تعلى عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 23

23 - ساحت قدس الهی، به دور از هرگونه ظلم و ستم است .

ص: 58

فما كان الله ليظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 10

10 - تنها خداوند ، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

و أنّ الله هو العليّ الكبير

ضمیر فصل «هو» و «ال» جنس در «العلیّ» و «الکبیر» - که هر دو خبر «انّ» هستند - دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 1,5

1 - ساحت خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

سبحن الذی

5 - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 83 - 1,4

1 - ساحت مقدس خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

فسبحن الذی

4 - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به «در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان»، به دست می آید.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 159 - 1,2

1 - خداوند ، منزّه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بينه وبين الجنّة نسبًا .. سبحن الله عمّا يصفون

2 - ساحت خداوند ، منزّه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه ( شریک بودن ) با جن

أصطفى البنات .. و جعلوا بينه وبين الجنّة نسبًا ... سبحن الله عمّا يصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 4 - 6

ص: 59

6 - منزه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا . . . سبحانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 10،11

10 - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

11 - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزه و برتر است .

تعلی عما یشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 3

3 - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 3

3 - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 31 - 10

10 - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواسته و در حق آنان روا نداشته است .

و ما اللّٰه یرید ظلماً للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، میرا از هر شریک و همانند

قل أئنکم لتکفرون . . . تجعلون له أنداداً

از استفهام در «أئنکم» مطلب بالا استفاده می شود.

14 - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أنداداً ذلک ربّ العلمین

تعبیر «ذلک» که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

ص: 60

و ما ربك بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 9

9 - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ... و لئن أذقنه رحمه... و إذا أنعمنا علی الإنسان... و إذا مس

از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده؛ ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 7

7 - لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 5

5 - بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات ، امری شگفت و متناقض

و الذی خلق الأزوج کلّها... و جعلوا له من عباده جزءاً

عبد و مخلوق خداوند، نمی تواند جزء وجود او به حساب آید؛ زیرا هیچ موجودی نمی تواند خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود باشد. بنابراین دو تعبیر «عباده» و «جزءاً»، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 3

3 - فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند ؛ و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 5

5- عارض نكشتن كم ترين ضعف و خستگي بر خداوند ، در نتيجه آفرينش آسمان ها و زمين

و لم يعى بخلقهنّ

مفاد جمله «لم يعى بخلقهنّ» راه نيافتن تعب و خستگي در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 12

12 - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقّروه و تسبّحوه

ص: 61

«توقیر» به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. «تسبیح» به معنای منزّه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 1

1- راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفَعیننا بالخلق الأول

از استفهام انکاری (أفَعیننا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 29 - 4,5,6,7

4- خداوند ، منزّه از کم ترین ظلم و اعمال کیفر های ناروا ، بر بندگان

و ما أنا بظلمٍ - م للعبيد

5- کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید . . . و ما أنا بظلمٍ - م للعبيد

6- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند \*

وقد قدّمت إلیکم بالوعید . . . و ما أنا بظلمٍ - م للعبيد

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر «قد قدّمت . . .» باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

7- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا \*

ما یبدّل القول لدیّ و ما أنا بظلمٍ - م للعبيد

برداشت بالا- بدان احتمال است که «و ما أنا بظلامٍ . . .» تعلیل «ما یبدّل . . .» باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی - چون ظلمی نیست - تبدیل قول هم نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- آفرینش جهان، با همه گستردگی و عظمت آن، فاقد کم‌ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

«لغوب» به معنای تعب و خستگی می‌باشد.

6- خلقت آسمان‌ها و زمین بدون کم‌ترین زحمت و دشواری، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می‌تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 62

18 - رحمن - 55 - 27 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

و یقی وجه ربک ذو الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذوالجلال»، ناظر به صفات جلال و «الإکرام»، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

تبرک اسم ربک ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذی الجلال» اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و «الإکرام» بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 60 - 3,4

3 - ساحت خداوند ، میرا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسبوقین

4 - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه و میرا از هر عیب و نقص

فسبح باسم ربک العظیم

«تسبیح» به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

«تسبیح»، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- فرمانروایی خداوند بر هستی، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است.

الملک القدّوس

وصف «القدّوس»، در پی «الملک»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرّا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - هر یک از مظاهر هستی، گواهی بر مبرّا بودن آفریدگار آن، از هر عیب و کاستی

یسّبح له ما فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از «تسبیح»، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ساحت خداوند، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است.

یسّبح لله ما فی السموت و ما فی الأرض

«تسبیح» (مصدر «یسّبح») به معنای تنزیه و مبرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - ساحت خداوند، مبرّا از هر نقص و عیب

یسّبح لله ما فی السموت و ما فی الأرض

«تسبیح» (مصدر «یسّبح») به معنای تنزیه و مبرّا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 3 - 4، 2

2 - خدا، نه دارای همسر است و نه فرزند .

ما اتَّخَذَ صَاحِبَهُ وَ لَا وَلَدًا

4 - همسرگزینی و فرزندداری، دون شأن و منزلت والای خداوند است .

و أَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَهُ وَ لَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 5

5 - ساحت خداوند، منزّه از هر عیب و نقص

و سَبَّحَهُ

«تسبیح» (مصدر «سَبَّحَهُ») به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

ص: 64

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 9

9 - « علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عز وجل « و جاء ربك و الملك صفافاً » فقال : إن الله تعالى لا يوصف بالمجىء و الذهاب تعالى عن الانتقال إنما يعنى بذلك و جاء أمر ربك و الملك صفافاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند «و جاء ربك و الملك صفافاً» پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 3

3 - خداوند ، میرا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 6,9,11,15,16

6 - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

الله الصمد

«صمد»؛ یعنی، «مُصَمَّت» و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

9 - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

الله الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه «صمد» باشد.

11 - « قال الباقر (ع) حدّثنی اُبی زین العابدین عن اُبیّه الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهی سُؤددهُ و الصمد الذی لا یأکل و لا یشرب و الصمد الذی لا ینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لا یزال ;

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود».

15 - « سأل رجل علياً (ع) عن تفسير هذه السورة فقال: . . . الصمد بلا تبعيض بدد ;

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . . . صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است».

16 - « قال وَهَبُ بْنُ وَهَبِ الْقُرَشِيُّ وَ حَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةِ كَتَبُوا إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ . . . ان الله سبحانه قد فسّر الصمد فقال: « الله أحد . الله الصمد » ثم فسره فقال « لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد » . . . هو الله الصمد الذي لا من شيء و لا في شيء و لا على شيء ;

وهب بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند؛ امام به آنان نوشت: . . . به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده «الله أحد . الله صمد»، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: «لم يلد و لم يولد . و

لم یکن له کفواً أحد» ... او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 2، 1

1 - خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

2 - خداوند ، فرزند کسی نیست .

ولم یولد

### 67- صفات جلال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 26، 11، 7

7 - هیچگاه خواب سبک ( چُرت ) و سنگین ، خداوند را فرامی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

11 - ناسازگاریِ غفلت از تدبیرِ عالم با قیومیت خداوند .

الحيّ القيوم لا تأخذه سنه و لا نوم

جمله «لا تأخذه ...» به منزله بیانی است برای صفت «قیوم».

12 - هیچ دگرگونی و تغییری در ساحتِ قدسِ خداوندی راه ندارد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

26 - عدم غفلت در تدبیرِ عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیومیتِ خداوند

الحيّ القيوم .. . وسع کرسیه السموات و الارض

تمام مطالبی که پس از صفت «القیوم» آمده است، می تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

### 68- صفات جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 110 - 13

13 - خداوند ، بی نیاز از اعمال خیر بندگان ( اقامه نماز ، پرداخت زکات و . . . )

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

هدف از آوردن قید «لأنفسكم» (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبادا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 5,9

ص: 66

5- آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که «بدیع السماوات ..» همانند جمله «له ما فی السماوات...»، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

9- خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 13

13 - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 3

3 - خداوند حقیقتی است بی همتا و بی مانند

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 9

9- بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگان آزاررسان

قول .. و الله غنیّ حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 2 - 7

7- خداوند ، بی نیاز از دیگران



اللّٰه... الحىّ القيوم

قيوم (قائم به ذات)، يعنى كفايت ذات در قوام خویش؛ و این معنا مستلزم بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 16

16 - بی نیازی مطلق خداوند از جهانیان

فانّ اللّٰه غنیّ عن العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 126 - 4، 7، 12

4 - فتح و پیروزی بر دشمنان، تنها از جانب خدای « عزیز و حکیم »

ص: 67

و ما التَّصَرُّفُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

7- انحصار پیروزی آفرینی به خداوند، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما التَّصَرُّفُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

12- خداوند، « عزیز » ( پیروز شکست ناپذیر ) و « حکیم » است .

من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 4

4- خدا، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 4

4- خداوند، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق «أسماء حسنی» نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 11

11 - خداوند، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ . . . و أنّ الله هو العلیّ الکبیر

«حقّ» به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و «العلیّ» مفید صفات سلبی و «الکبیر» افاده کننده سعه وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بِحمد ربِّهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 2

2 - خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

ص: 68

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 36 - 5

5 - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 83 - 4

4 - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به «در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان»، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 1

1 - خداوند ، بی نیاز از انسان ها است .

إن تکفروا فإنّ اللّهُ غنی عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 2

2 - بی نیازی مطلق خداوند ، از عبادت انسان ها

فإن استکبروا فالذین عند ربّک یسبحون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 12

12 - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقّروه و تسبّحوه

«توقیر» به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. «تسبیح» به معنای منزه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

و یبقی وجه ربّک ذو الجلال و الإکرام

ص: 69

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذوالجلال»، ناظر به صفات جلال و «الإکرام»، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

تبرک اسم ربّک ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذی الجلال» اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و «الإکرام» بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 8

8 - تمامی صفات کمال ، در والاترین مرتبه آن مخصوص ذات خدا است .

له الأسماء الحسنی

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که تقدم «له» که افاده حصر می کند و واژه «حسنی» - که افعال تفضیل است - بیانگر مرحله عالی و برتر صفات و کمالات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 15، 10

10 - خداوند ، بی نیاز از ایمان انسان ها

و استغنی الله

متعلق و مورد استغناى خداوند در آیه شریفه، می تواند دو چیز باشد: 1- استغناى خداوند از ایمان انسان ها به او؛ 2- استغناى الهی از این که پس از ارائه معجزات و دلایل روشن از سوی پیامبران، باز هم معجزات و دلایل دیگری به بشر عرضه دارد؛ زیرا همین مقدر برای هدایت بشر کافی است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

15 - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

و الله غنی حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «حمید»، صفت برای «غنی» باشد؛ نه صفت مستقل برای «الله».

## 69- صفات جمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 6.8

6 - بی نیازی مطلق خداوند از غیر

هو الحي القيوم

برخی در معنای کلمه «قیوم» گفته اند: «هو القائم بذاته». (روح المعانی) و لازمه قیام به ذات، بی نیازی از غیر است.

8 - خداوند ، لحظه ای از تدبیر و قوام بخشیدن به عالم هستی غافل نیست .

الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم

ص: 70

## 70- صفات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 13 - 4

4- جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

## 71- صفات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 206 - 13

13 - جهنم ، بد جایگاهی است .

فحسبه جهنم و لبس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 41 - 3

3- دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه «غواش» و مقید کردن آن به «من فوقهم» حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 2

2- جهنم ، دارای منظره ای بس هول انگیز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



9- ابراهیم - 14 - 17 - 4

4- جهنم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 29 - 4

4- دوزخ ، چاهی است عمیق .

جهنم یصلونها

ص: 71

«جهنّم» معرب «جهنّام» و به معنای چاهی عمیق است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 8 - 10

10- جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للكفرین حصیرًا

«الحصر» در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 23

23 - دوزخ ، دارای آتشی شعله‌ور و فروزان

عذاب الجحیم

«جحیم» اسم مکان از «جحمه» (شعله و افروزدگی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعله‌ور و افروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 24

24 - جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 47 - 4,5

4- منطقه مرکزی دوزخ ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به «سواء الجحیم»، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ، با نقطه مرکزی آن از نظر شدت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

5- مکان های مختلف دوزخ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 30 - 6

6- طبع دوزخ، همچون طبع دنیاطلبان، فزون طلب و زیاده خواه \*

یوم نقول . . . و نقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم «ناسوت» تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 16

ص: 72

16 - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

عذاب السعیر

«سعیر»، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول «ال» کمالیه بر «سعیر»، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 10 - 9

9 - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

أصحاب السعیر

«سعیر»، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول «ال» کمالیه بر «سعیر»، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 11 - 5

5 - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعله‌ور است.

لأصحاب السعیر

«سعیر»، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول «ال» کمالیه بر «سعیر»، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 10 - 5

5 - «حریق» از اوصاف جهنم\*

و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 10 - 2

2 - عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما ادریک ماهیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 11 - 1

1 - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

«هاویه»، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است؛ به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست.  
«حَمِیَّتِ النَّارِ»؛ یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 73

3- دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعله‌ور و متراکم

لترونّ الجحیم

«جحیم»، به معنای آتشی است که سخت شعله‌ور بوده و زیانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

## 72- صفات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 10

10 - ستمگری ، ویژگی مشترک همه دوزخیان است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 10 - 4

4 - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

وقالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 17 - 3

3 - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

یودّ المجرم .. تدعوا من أدبر و تولّی

## 73- صفات حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایندگان ( حوریان ) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

#### 74- صفات حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 74

9- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

13- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن، شیوه ای حیوانی است. \*

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

14- سود جستن از امکانات زندگی، بدون هدفی متعالی و احساس مسئولیت، عملی حیوانی \*

یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

## 75- صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 21

21 - علم و حکمت گسترده خداوند، پایه و اساس مشیت و اراده او

إن شاء إنَّ اللهَ علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 8

8- خداوند، بخشاینده گناهان و ستم کاری های مردم است.

و إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 9 - 2

2- خداوند ، حقیقتی بزرگ و بلند مرتبه است .

الكبير المتعال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 60 - 8،9،10،12

8- تنها خداوند ، عالی ترین صفات را داراست .

ولله المثل الأعلى

9- واجد عالی ترین صفات بودن ، دلیل تنزیه خداوند از نسبت های ناروای مشرکان

ص: 75

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم . . . كنتم تقترون . و يجعلون لله البنت

10- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذين لا يؤمنون بالأخرة مثل السوء

عبارت «و لله المثل الأعلى» در مقام جواب به نسبت ناروایی است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست؛ در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

12- عزّت و حکمت ، مظهر عالی ترین صفات خداوند

و لله المثل الأعلى و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 75 - 17

17- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لا يعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 17

17 - خداوند ، هیچ گونه ترسی از بندگان خود ندارد .

ضرب لكم مثلاً . . . تخافونهم كخيفتكم أنفسكم

این که در مثل، برای نفی شریک از خداوند، موضوع ترس انسان ها را از هم و نترسیدن آنها را از بندگان شان مطرح کرده است، می تواند رساننده نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 11

11 - خداوند ، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ . . . و أنّ الله هو العلیّ الكبير

«حقّ» به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و «العلیّ» مفید صفات سلبی و «الکبیر» افاده کننده سعه وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 5

5 - خالقیت و رازقیت ، دو صفت جداناپذیر خداوند

هل من خلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

از این که در آیه شریفه، خالق که روزی دهنده نباشد، نفی شده است؛ به دست می آید که میان دو صفت «خالقیت» و «رازقیت» ارتباط ناگسستگی وجود دارد و ممکن نیست خدایی خالق باشد؛ ولی رازق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 76

5- ربوبیت ، خالقیت ، الوهیت و یکتایی ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

ذلکم اللّٰه ربّکم خلق کلّ شیء لا إله إلاّ هو

### 76- صفات خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 3

3- ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزّلین

«منزل» در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله «و أنت خیر المنزّلین» (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 118 - 7

7- التّجابه ربوبیت الهی و برشمردن صفات رحمت آفرین او ، از آداب دعا و نیایش

و قل ربّ اغفر وارحم و أنت خیر الرّحمین

### 77- صفات خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 9

9- خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلکم علی من یکفله

### 78- صفات داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- داوود (ع)، پیامبری جنگجو و رزمنده در میدان های جنگ حق علیه باطل \*

داود .. و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آموزش صنعت اسلحه سازی و ساختن زره از سوی خداوند به داوود(ع)، حاکی از این است که آن حضرت، اهل رزم بوده و در میدان های جنگ حضور می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 77

8 - داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

و اذکر عبدنا داود ذا الأید

«أید» به معنای قوت و شدت است و «ذا الأید»؛ یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

### 79- صفات درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 11

11 - عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله أخبرنی عن الشجرة التي اكل منها آدم و حوا ما كانت؟ فقد اختلف الناس فيها فمنهم من یروی انها الجنيه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجرة الحسد، فقال(ع): كل ذلك حق. قلت: فما معنی هذه الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا أبا الصلت ان شجرة الجنة تحمل انواعا فكانت شجرة الحنطة و فيها عنب و لیست كشجرة الدنيا . . . .

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یا بن رسول الله(صلی الله علیه و آله) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند؛ عده ای می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد؛ یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست . . . .

### 80- صفات دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 31 - 2

2 - دشمنان پیامبران ، همواره از سنخ مجرمان و تبه کاران بودند .

لكلّ نبیّ عدوًّا من المجرمین

### 81- صفات دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 30 - 6

6- طبع دوزخ، همچون طبع دنیاطلبان، فزون طلب و زیاده خواه \*

یوم نقول . . . و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم «ناسوت» تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

ص: 78

## 82- صفات دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 31 - 1

1 - دود سایه مانند دوزخ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست.

لاظلیل و لایغنی من اللهب

«لاظلیل» صفت برای «ظَلَّ» در آیه پیش است و «ظَلَّ ظلیل» به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغة). بر این اساس «ظَلَّ...» «لاظلیل» کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و «لهب» به معنای شعله خالص و بدون دود است.

## 83- صفات ذات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 5

5 - خداوند، قائم به ذات خویش و دارای حیات ازلی

إن الله له ملك السموت والأرض یحیی و یمیت

تنها مالک، فرمانروا و حیات بخش جهان هستی خداوند است؛ پس جز او عاملی برای حیات وجود ندارد و در نتیجه ذات او قائم به خویش و حیات او ازلی است.

## 84- صفات رستگاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عصر - 103 - 3 - 10

10 - امر به معروف، پنددهی و پندپذیری، از خصلت های برجسته انسان های کامیاب

لفی خسر. إلا الذین... تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

«تواصوا»، از باب تفاعل و بیانگر آن است که مؤمنان، در کنار توصیه به دیگران، از توصیه های آنان نیز بهره می برند.

## 85- صفات رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



9 - گوش فرادادن به سخنان همه طیف های جامعه و داشتن سعه صدر در برابر آنان ، خصلتی شایسته و بایسته برای رهبران و مسؤولان جامعه اسلامی

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

ص: 79

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 6

6- محبت و دل سوزی عمیق نسبت به دیگران ، از ضروری ترین و مطلوب ترین صفات رهبران الهی است .

و حنائاً من لدنا

با توجه به این که «حنائاً» اولین صفتی است که پس از «آئیناه الحکم» ذکر شده است، مطلب فوق از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 62 - 8

8 - اطمینان و تزلزل ناپذیری در بحران ها ، از صفات ضروری رهبر جامعه ایمانی

قال أصحاب موسى إنا لمدركون . قال كلاً إن معي ربي سيهدين

### 86- صفات رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 21 - 19

19- رهبران مستکبر حتی در قیامت هم از خوی استکباری خویش دست برنخواهند داشت .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا لو هدینا الله لهدینکم

مفسران برای هدایت در این آیه دو احتمال ذکر کرده اند: یکی هدایت در برابر گمراهی و دیگری راهنمایی جهت نجات از عذاب. برداشت فوق با توجه به احتمال دوم است؛ به اضافه اینکه مستکبران به جای اینکه نجات پیروان خود را به خدا موکول کنند، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات خود آنها را نیز نجات خواهند داد.

### 87- صفات رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 8

8 - لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

## 88- صفات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 18

18- زلیخا، زنی زیرک، طراح و هوشیار بود.

ص: 80

فلما سمعت بمكرهن أرسلت إليهنّ . . . وءاتت كل وحده منهنّ سكّيناً . . . فلما رأينه

### 89- صفات زنان شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 6

6 - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزواجًا خیرًا منکنّ مسلمت مؤمنت قنتت تبت عبت سئحت

«قنوت» (مصدر «قانتات») به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). «سیاحت» (ماده «سائحات») به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان «سائح» می گویند (برگرفته از لسان العرب).

### 90- صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 8

8 - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری \*

خیرًا منکنّ . . . سئحت

مقصود از «سائحات» می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

### 91- صفات زندان یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 8

8- زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغرين) به منزله نتیجه ای برای عبارت «زندانی خواهد شد» (لیسجنن) است؛ زیرا یوسف (ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان - در آیه بعد - سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

## 92- صفات شقاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 81

8 - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند.

سیدگر... ویتجنبها الأشقی

فعل «سیدگر» در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل «یتجنّب» - بدون حرف «سین» - درباره شقاواتمندان آمد تا بر عجلولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

### 93- صفات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 82 - 5

5- شیاطین، موجوداتی قابل رام شدن و فرمان بری برای انسان ها.

و سخرنا... من الشیطین من یغوصون له

### 94- صفات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 10

10 - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است.

ولا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 6

6 - شیطان، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

وإن یدعون شیطاناً مریداً

مرید از مصدر «مروء» به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع البیان). مفردات راغب «مرید» را به معنای عاری از خیر دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- تزین ضد ارزش ها، برای متمایل ساختن انسان ها به آن، خصلتی شیطانی است.

الشیطن سؤل لهم و أملی لهم

چنانچه «تسویل» به معنای زیبا نمایش دادن زشتی ها باشد.

ص: 82

## 95- صفات شیطانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 15

15 - خود بزرگ بینی از خصلت های نکوهیده و شیطانی

ابی و استکبر

## 96- صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 29,32

29- بیان اوصاف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

32- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت \*

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار «مثلهم»، اشاره به تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر «مثلهم فی التوراه» خبر برای «ذلک» و «کزرع...» خبر برای «مثلهم فی الإنجیل» است.

## 97- صفات ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 3

3 - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و ترهیم ... خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

## 98- صفات عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - ابن ام مکتوم مسلمانی خداترس بود و خطر محرومیت از تزکیه او را نگران ساخته بود .

و هو یخشی

حذف بعضی از قیدهای کلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق «خشیت» در این آیه گویا به همین منظور ذکر نشده است تا احتمالاتی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق تزکیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم کند.

ص: 83

## 99- صفات عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 129 - 13

13 - حنان بن سدیر گوید: «سألت ابا عبد الله عن العرش و الكرسي فقال: إن للعرش صفات كثيرة مختلفه . . . فقوله: «رب العرش العظيم» يقول: الملك العظيم»

از امام صادق (ع) درباره عرش و کرسی سؤال کردم، فرمود: برای عرش صفات مختلف زیادی است . . . قول خدا که می فرماید: «رب العرش العظيم» مقصود، ملک عظیم است».

## 100- صفات علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 146 - 2

2 - عالمان ، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین ، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کائین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی «ربیون» را به معنای عالمان تقوایبشه و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 6

6 - خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إِثْمًا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 1، 11، 13

1 - انس با قرآن و تلاوت مستمر آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إِثْمًا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ . . . إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ...» در مقام بیان جمله «إِثْمًا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ» است؛ یعنی،

در توصیف عالمان خداترس می باشد.

11 - اخلاص و انگیزه خدایی داشتن ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ ... وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا

13 - امید داشتن به رحمت و پاداش الهی - نه خود را مستحق آن شمردن - از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

### 101- صفات عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 84

6 - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) \*

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی (ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

### 102- صفات غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 28 - 4

4- انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذكر الله تطمئن القلوب

### 103- صفات فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 16

16 - انسان های فاسق ، دارای قلب های منحرف

أزاع الله قلوبهم و الله لا يهدى القوم الفسقين

### 104- صفات فرزند صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 6

6- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

يبدلهما ربهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

### 105- صفات فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 1

1 - فرعون ، مردی طغیان گر و سرکش در برابر خداوند بود .

اذهب إلى فرعون إنه طغی

مراد از «طغیان فرعون» به قرینه رسالت موسی (ع)، سرکشی او در برابر خدا است.

ص: 85

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 1

1 - فرعون ، مردی سرکش و خدانشناس بود .

اذهبا إلی فرعون إته طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 56 - 4

4 - فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرینه ءایتنا کلها فکذب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 71 - 6

6 - فرعون ، حاکمی مستبد ، مغرور و متکبر بود .

قبل أن ءاذن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 41 - 2

2 - فرعون ، دارای طبعی خسیس و سخت گیر در اعطای مال و منال به خدمتگذاران و حامیان خود

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنا نحن الغلین

شرط ساحران مبنی بر دریافت مزد و پاداش از فرعون، در مقابل دفاع از او، می تواند به خاطر مشاهده روح خست و تنگ نظری در وجود وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 31 - 5

5- مشابهت پیکره نظام فرعونی با شخص فرعون در خصلت های منفی

إنه كان عاليًا من المسرفين

برداشت بالا بنابراین نکته است که «المسرفين» نظر به اسراف گران جامعه فرعونى داشته باشد که فرعون سرکرده آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 17 - 1

1 - فرعون زمان موسى (ع)، مردى طغیان گر و فرورفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلى فرعون إنه طغى

«طغیان»؛ یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از «طغیان فرعون» - به قرینه «تزگی» و «فتخشی» در آیات بعد - ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

ص: 86

## 106- صفات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 62 - 3

3- فرعونیان، برای تصمیم در باره امور مهم و اساسی، روش مشورتی داشتند.

فتنزعوا أمرهم بینهم

بروز تنازع در میان فرعونیان، نشان از آن دارد که آنان خود را تابع بی چون و چرای فرعون نمی دانستند؛ بلکه در امور مهم برای خود حق نظر و رأی، قائل بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 7

7- فرعونیان در عصر موسی (ع)، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

از مصداق های بارز «مصرفان»، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 31 - 5

5- مشابهت پیکره نظام فرعونی با شخص فرعون در خصلت های منفی

إِنَّهٗ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ

برداشت بالا بنابراین نکته است که «المصرفین» نظر به اسراف گران جامعه فرعونی داشته باشد که فرعون سرکرده آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 42 - 6

6- فرعونیان، دارای اقتدار و توان بالا

فَأَخَذْنَاهُم أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ



آورده شدن اوصاف «عزیز» و «مقتدر» برای خداوند در این آیه، تعریض به قدرت ظاهری فرعونیان دارد.

## 107- صفات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 27 - 3

3 - تنها وصف شایسته برای قرآن، وصف «تذکردهنده» است؛ نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون... و ما هو بقول شیطن... إن هو إلا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 21 - 3

ص: 87

3- قرآن، کتابی شریف و پرفایده است.

قرآن مجید

«مجید»، به معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزّت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از «مَجَدَّتِ الْاِبِل» گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

### 108- صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 5

5- وابستگی به بیگانگان کافر، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اقسموا باللّٰه جهد ایمنهم انهم لمعکم

### 109- صفات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 65 - 4

4- قوم ثمود، مردمی سخت دل بسته به دنیا و تمتعات آن

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

روشن است که مقصود صالح(ع) از این فرمان (تمتعوا...) این نیست که قوم ثمود را به بهره برداری از تمتعات دنیا فراخواند؛ بلکه به قرینه جمله بعد، اعلام سه روز مهلت است. بیان مهلت سه روزه به سه روز بهره گیری از تمتعات دنیا، اشاره به رویه قوم ثمود دارد؛ یعنی، آنچه خواهان آن هستید و بدان دل بسته اید و به خاطر آن به آیین الهی نمی گرایید، تنها تا سه روز دیگر ادامه خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 67 - 4

4- کشتن ناقه صالح، از ستمگری های قوم ثمود بود.

و أخذ الذین ظلموا الصبیحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود، معلوم می شود ظلم در «الذین ظلموا» اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

3- اصحاب حجر (قوم ثمود)، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند.

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود؛ چنان که آمدن جمله «فکانوا عنها معرضین» به جای «فأعرضوا عنها» - که نشان دهنده این است که اعراض آنان از

دیر باز وجود داشته است - می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

### 110- صفات قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 12

12 - قوم عاد ، مردمی مغرور ، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأنتا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 12

12 - قوم عاد ، مردمی قوی و نیرومند بودند .

و یزدکم قوه إلى قوتکم

### 111- صفات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 7 - 8

8 - قوم نوح ، دچار خوی استکبار و خودبرتربینی

و استکبروا استکبارًا

### 112- صفات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 37 - 3

3 - قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهيم - 14 - 21 - 13

13- جهنم يان در آخرت يکديگر را شناخته و حوادث دنيا را به خاطر خواهند آورد .

و يروزوا لله جميعاً فقال الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعاً فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - ابراهيم - 14 - 22 - 6

ص: 89

6- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

وبرزوا لله جميعاً . . . سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ... إن الله وعدكم وعد الحق و

### 113- صفات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 4

4 - کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 69 - 4

4 - اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 126 - 8

8 - درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم کفرون. أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام ... ثم لا یتوبون و لا هم یدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 7 - 7

7 - دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . . . ورضوا بالحویه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 38 - 3

3- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شک و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . . . و ما أظنّ ... لکنّا هو الله ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی ، در آیه ، همواره ، تردید را با خود همراه دارد ، لذا در نقل سخن او ، دو بار واژه «ظنّ» و یک بار نیز «لئن» به کار گرفته شده ، ولی مردِ سمبل ایمان ، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 46 - 7

7- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبّه می شوند ؛ نه از منطق و برهان .

ص: 90

و لئن مستهم نفحه من عذاب ربك ليقولنّ يويلنا إنّنا كنا ظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 63 - 4

4 - کافران ، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

و لهم أعمال من دون ذلك هم لها عملون

«ذلک» اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أولئك یسارعون فی الخیرات); یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 77 - 1

1 - دل‌بستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از رویه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّی إذا فتحنا علیهم . . . إذا هم فیہ مبلسون

«حتّی» غایت برای «ما یتضرّعون» و «فتح» (مصدر «فتحنا») به معنای گشودن است. «إبلاس» (مصدر «مبلسون») نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم - مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه - به کار رفته است; یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] نومید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - یس - 36 - 52 - 11

11 - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . . . قالوا یویلنا . . . هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 9

9 - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .



و لا تتبّع الهوى فيضلّك عن سبيل الله . . . بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 32 - 2

2- دروغ بستن به خدا و تكذيب قرآن و دين حق ، از خصوصيات كافران است .

فمن أظلم ممّن كذب على الله و كذّب بالصدق

مخاطبان آيه شريفه - به قرينه ذيل آيه (مَثْوًى للكافرين) - كافران مى باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 72 - 5

5- كافران ، گروهى خود بزرگ بين و متكبراند .

ص: 91

حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكُفْرِيِّنَ . . . فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 51 - 2

2- کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

«أشيع» جمع «شيعه» است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است؛ یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 14 - 5

5- عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أَنَا مِّنَ الْمَسْلُومِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

با توجه به معنای «قَسَطٌ» (جور) و نیز تقابل «قاسطون» با «مسلمون»، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 21 - 2

2- دلبستگی به دنیا و رها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ . وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 31 - 1، 2

1 - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى

2- صدقه ندادن و انفاق نکردن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فَلَا صَدَقَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که «صدق» از ماده «صدقه» باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است؛ یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است؛ مانند: «ماسلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلین . ولم نک نطعم المسکین»، (سوره مدثر، آیات 42 - 44).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 32 - 1

1 - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

ولکن کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 33 - 1

1 - تبختر و به خودبالیدن، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ص: 92

ثم ذهب إلى أهله يتمطي

مفسر آن واژه «یتمطی» را به معنای «تبختر» دانسته اند؛ زیرا این واژه یا از ماده «مط» (کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده «مط» (پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخر فروشی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 27 - 1

1 - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لا تطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . . . إن هؤلاء یحبون العاجله و یذرون وراءهم یومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 2

2 - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلاً

«کلاً» می تواند برای ردع و باز داشتن از توهمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. «کلاً» دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

#### 114- صفات کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 57 - 7

7 - کفر پیشگان و تکذیب گران صدر اسلام ، مردمانی بودند خود بزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا . . . عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 2 - 2

2 - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدر اسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 21 - 3

3 - کافران صدر اسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

«عتوّ» به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از «نفور» (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

ص: 93

## 115- صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 15 - 2

2- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیہ یعرجون . لقالوا إنما سگرت أبصرنا

## 116- صفات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 4

4- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن یخسف بکم .. أم أمتم أن یعیدکم فیہ

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صیرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

## 117- صفات گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 68 - 3,4,6,8

3 - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

4 - میانسال بودن - نه گوساله جوان و نه گاوی پیر - از مشخصه های تعیین شده برای گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

إنها بقره لافارض و لابکر عوان بین ذلک

«فارض» به معنای پیر و بزرگ سال است. «بقره بکر» یعنی، ماده گاوی جوان که هنوز باردار نشده است (لسان العرب). «عوان» هم به معنای میانسال است.

6 - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

جمله «فافعلوا ما تؤمرون» (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح «مأمور به» آنان، ذبح گاو میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

8 - از امام صادق (ع) درباره آیه «قال إنه يقول إن ها بقره لافارض و لابکر» روایت شده که فرموده اند: و «الفارض» التي قد ضربها الفحل و لم تحمل و «البکر» التي لم يضربها الفحل . . . ;

«فارض» گاو ماده ای است که جفت گیری کرده ولی باردار نشده است و «بکر» گاو ماده ای است که جفت گیری نکرده است . . .».

1 - قوم موسی، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند.

فاعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربك بين لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی (ع) با جمله «فاعلوا ما تؤمرون» به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند؛ ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

4 - تأکید موسی (ع) بر اینکه، صفات بیان شده برای گاوی که باید ذبح شود، صفاتی تعیین شده از جانب خداوندست نه از ناحیه خود او

قالوا إنه يقول

1 - قوم موسی، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند.

قالوا ادع لنا ربك بين لنا ما لونها

2 - قوم موسی، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد.

إن البقر تشبه علينا

«تشابه» به معنای همانند بودن است و چون با «علی» متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین «إن البقر...»؛ یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسالی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

9 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که: «أنهم أمروا بأدنی بقره و لكنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد الله علیهم و ایم الله لو لم یستثوا ما بینت لهم، إلی آخر الأبد...»؛

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند؛ لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان «إن شاء الله» نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد...».



1 - گاوی که برای شخم زنی رام نشده و برای کشتزاران آبکشی نکرده ، از ویژگی های گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

قال إنه يقول بقره إنَّها بقره لا ذلول تثير الأرض و لا تسقى الحرث

«ذلول» به معنای رام و مطیع است. «إثارة» (مصدر تثير) به معنای زیر و رو کردن می باشد. مراد از زیر و رو کردن زمین به وسیله گاو، شخم زدن آن است.

2- گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود.

مسلمه لاشیه فیها

«مسلمه» یعنی دارای سلامت و سلامت به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. «شیه» به هر رنگی گفته می شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین «لاشیه فیها» یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که «شیه» از ماده «وشی» است و «هاء» آخر عوض واو محذوف می باشد.

3- قوم موسی، آخرین علایم تعیین شده را (رام نشده برای شخم و...) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند.

قالوا الثن جئت بالحق

«حق» در جمله فوق به معنای ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در «الحق» برای استغراق خصایص افراد است؛ یعنی، حق کامل و تمام.

6- قوم موسی، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند.

قالوا الثن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن...؛ هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

## 118- صفات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 27 - 1

1 - محبت و دل بستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است.

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا... إن هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یوم

## 119- صفات متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 3 - 1

1 - ایمان به غیب (خدا و...)، اقامه نماز و انفاق از صفات اهل تقواست.

هدى للمتقين. الذين يؤمنون ... ينفقون

«غیب» به معنای پنهان و ناپیداست و چون ایمان به آن ارزشهای دینی شمرده شده، مقصود از «غیب» هر پنهان و نهانی نیست، بلکه مراد از آن، به مناسبت فرازهای بعد، خدا و فرشتگان و مانند آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 4 - 5، 2، 1

1 - ایمان به قرآن و معارف و احکام نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از صفات متقین است .

ص: 96

هدى للمتقين . . الذين يؤمنون بما انزل إليك

2- تقوا پیشگان ، مؤمن به کتاب های آسمانی ادیان گذشته و معارف و احکام آنها

و الذين يؤمنون بما انزل إليك و ما انزل من قبلك

5- یقین به جهان آخرت از صفات اهل تقواست .

و بالأخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 29,30,31

29- آنان که ابعاد اعتقادی دین را باور دارند و از اموال خویش برای دستگیری مستمندان بهره می گیرند و وظایف عبادی و اجتماعی خویش را انجام می دهند ، تقوای پیشگان حقیقی هستند .

ولكن البر من ءامن . . . و أولئك هم المتقون

30- کسانی که علی رغم فقر و تنگدستی و گرفتار بودن به مشکلات ، بر ایمان خویش استوارند ، تقوای پیشگان حقیقی هستند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء . . . أولئك هم المتقون

31- مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقوای پیشگان حقیقی هستند .

الصبرین . . . حین البأس . . . أولئك هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 241 - 6

6- تقوای پیشگان ، رعایت کنندگان حقوق زنان مُطلّقه در میان افراد جامعه

حقاً علی المتّین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است ؛ ولی حکم را بر متّین بار نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 15 - 2

2- تقوایندگان ، فریفته تمایلات شهوانی و مادی نیستند .

زین .. . ذلك متاع الحیوه الدنیا .. للذین اتقوا عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 16 - 3، 2، 1

1- اقرار به ایمان و دعای مستمر تقوایندگان به درگاه خداوند

للذین اتقوا .. الذین یقولون ربنا

استمرار، از فعل مضارع «یقولون» برداشت شده است. و «الذین یقولون»، بیان ویژگیهای «الذین اتقوا» است.

2- تقوایندگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصونیت از عذاب دوزخند .

للذین اتقوا .. فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

«الذین یقولون»، بیان ویژگیهای «الذین اتقوا» است.

3- نگرانی دائمی متّین ، از کردار خویش و عذاب الهی

ص: 97

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. يَقُولُونَ رَبَّنَا ... فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

استمرار و دوام، از فعل مضارع «يقولون» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 17 - 8، 9، 7، 1

1 - صبر و راستی در گفتار، خضوع در برابر خداوند، انفاق و استغفار در سحرگاهان، از صفات متّین

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. الصَّابِرِينَ ... بِالْأَسْحَارِ

آیه فوق (الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ ..)، بیان و توضیح دیگری برای «لَّذِينَ اتَّقَوْا» است.

7 - دوام سحرخیزی، از شیوه های تقواییشانگان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

کلمه «الأسحار»، جمع و دارای الف و لام استغراق است و بر این معنا دلالت می کند که تقواییشانگان، در تمامی سحرها استغفار می کنند.

8 - هفتاد مرتبه استغفار در سحرگاهان، شیوه تقواییشانگان.

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

امام صادق (ع): من قال في وتره اذا أوتر «استغفر الله ربّي واتوب اليه» سبعين مرّة .. كتبه الله عنده من المستغفرين بالأسحار ...

---

من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 309، ح 4؛ خصال صدوق، ص 581، ح 3، باب السبعين؛ نورالثقلين، ج 1، ص 321، ح 62.

9 - نماز خواندن در سحرگاهان، از اوصاف متّین

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

امام صادق (ع) درباره «والمستغفرين بالاسحار» فرمود: المصلّين وقت السحر.

---

مجمع البيان، ج 2، ص 714؛ نورالثقلين، ج 1، ص 321، ح 60.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 115 - 7

7 - قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقوای پیشگان

امّه قائمه یتلون آیت الله . . . و الله علیم بالمتّقین

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متّقین کرده، پس آن خصلتها از آن متّقین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 134 - 1,2,3,4

1 - انفاق در حال توانمندی و تنگدستی ، از ویژگی های تقوای پیشگان

اعدت للمتّقین. الذین ینفقون فی السّرّاء و الضّرّاء

مراد از «فی السّرّاء و الضّرّاء»، حالت تنگدستی و توانمندی است، و در برداشت فوق، توصیف انفاق کننده گرفته شده است، نه وصف برای مورد انفاق.

ص: 98

2 - انفاق در حالت رفاه و آسایش و نیز رنج و سختی جامعه ، از ویژگی های تقوای پیشگان

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

بنابر اینکه مراد از «السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ» بیان حالت جامعه و مردم، یعنی مورد انفاق باشد، نه بیان حالت انفاق کننده.

3 - فرو بردن خشم و گذشت از لغزش های مردم ، از ویژگی های اهل تقوا

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ . . . وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

4 - تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يَنْفِقُونَ ... وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 135 - 8

1 - یاد خدا و طلب آمرزش ( توبه ) شیوه پارسایان ، در صورت ارتکاب کاری ناشایست ( زنا یا مطلق گناه کبیره ) و یا ستم بر خویش

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ . . . وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

برخی گفته اند مراد از «فاحشه»، زنا و مقصود از ظلم در این آیه، سایر گناهان - چه صغیره و چه کبیره - است. برخی دیگر گفته اند که مراد از «فاحشه»، گناهان کبیره و مقصود از ظلم، گناهان صغیره است.

8 - عدم عناد و اصرار آگاهانه تقوای پیشگان ، بر گناه

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً . . . لَمْ يَصْرَوْا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

چون به مجرد ذکر خدا توبه می کنند، معلوم می شود گناهشان از روی عناد نیست، بلکه به جهت غفلت از یاد پروردگارشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 1

1 - عبادت خالصانه خدا ، اجتناب از عبادت طاغوت ، توبه ، پیروی از بهترین سخن و خردورزی ، از اوصاف تقوای پیشگان

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ . . . الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ .

«الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ» بیان تفصیلی برای آن دسته از افراد مؤمنی است که در آیات قبل توصیف شده اند؛ یعنی، «الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ. . .»



الذین یستمعون القول...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 34 - 10

10 - احسان ، نشانه اصلی تقوا و صفت برجسته تقواییشان است .

أولئك هم المتقون . . . ذلك جزاء المحسنين

توصیف تقواییشان به صفت احسان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 2

2 - متقین ، در عین اعتقاد به رحمانیت خداوند ، بیمناک از مخالفت با او \*

من خشى الرحمن بالغيب

ص: 99

از این که وصف «الرحمان» مفعول «خشی» قرار گرفته است، می توان به مطلب فوق ره برد؛ زیرا در نظر ابتدایی، وصف «منتقم، قهار و...» متناسب با خشیت است و این که وصف «رحمت» به کار گرفته شده است، می رساند که رجای متقین آنان را به گناه نمی کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 19 - 4

4 - براءت ذمه از حقوق دیگران، از نشانه های تقوای پیشگان است .

الأتقی . الذی ... و ما لأحد عنده من نعمه تجزی

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال مستأنفه بودن این آیه است که در این صورت بر اوصاف پیشین، وصف جدیدی را افزوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 20 - 1

1 - برخورداران درجه والای تقوا، تنها برای جلب توجه و عنایت خداوند، اموال خود را انفاق می کنند .

الأتقی . . . إلا ابتغاء وجه ربّه

استثنا در این آیه، منقطع است؛ یعنی، حق نعمتی بر گردن او نیست؛ لکن «ابتغاء» وجود دارد؛ یعنی، شخص «أتقی» در انفاق خود، نمی خواهد پاسخ نعمت دیگران را داده باشد. او تنها به این انگیزه انفاق می کند که خداوند، به او رو کرده و وی را مورد لطف خود قرار دهد. «وجه» به معنای «صورت و چهره» و کنایه از توجه و عنایت است.

## 120- صفات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 2

2 - امید داشتن به رحمت الهی - نه خود را مستحق آن شمردن - ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران مجاهد

انّ الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّٰه اولئک یرجون رحمت اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 3

3 - آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 112 - 2

2 - توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، ركوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منكر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن الله اشترى من المؤمنين .. . الثّبتون ... و الحفظون لحدود الله

ص: 100

## 121- صفات محسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 22

22 - جان فشانی و تحمل هر گونه سختی ( تشنگی ، گرسنگی و حرارت های جبهه جنگ ) در راه خدا ، از نشانه ها و اوصاف محسان است .

لا يرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ .. في سبيل الله ... إن اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 92 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين . . لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 4 - 11، 1

1 - اقامه همواره نماز ، و پرداخت مداوم زکات و یقین به آخرت ، از صفات محسان است .

هدی و رحمه للمحسنين . الذین یقیمون ... و هم بالأخره هم یوقنون

فعل های مضارع «یقیمون» و «یؤتون» دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که «زکات» در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اعانه های مالی است. گفتمی است در صورتی که جمله «الذین یقیمون...» جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

11 - توجّه به خدا و بر طرف ساختن نیاز های نیازمندان ، دو خصلت همگام در وجود محسان است .

الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

## 122- صفات محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای اخلاقی خوش و اهل مدارا با مردمان ، به دور از هر گونه سنگدلی و خشونت

فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظًا غليظ القلب

کلمه «لنت» از مصدر «لین» به معنای مهربانی و خوشخویی است و «فظًا» به معنای جفاکار و بد خلق است و «غلیظ القلب» به معنای سنگدل و بی رحم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 5,6

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) جویای رضایت و خشنودی خداوند

ص: 101

و ما كان لنبی ان یغلّ .. افمن اتبع رضوان الله

به دلیل آیه قبل (و ما كان لنبی ان یغلّ)، از مصادیق بارز و مورد نظر برای «افمن اتبع ..»، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

6 - جویای رضای الهی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما كان لنبی ان یغلّ .. افمن اتبع رضوان الله

جمله «افمن اتبع رضوان الله» به منزله دلیل و تعلیل برای جمله «و ما كان لنبی ان یغلّ» است؛ یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 18

18 - امر به معروف و نهی از منکر، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

جمله های «یأمرهم و ..» حال برای ضمیر مفعولی در «یجدونه» است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 5,7

5 - گوش فرادادن به سخنان گوناگون مردم، با شکیبایی و سعه صدر کامل، از خصلت های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و یقولون هو اذن قل اذن خیر لکم

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنوای سخنان نیک و ارزنده و نه سخنان باطل و بیهوده

و یقولون هو اذن قل اذن خیر لکم

برداشت فوق بر این اساس است که: اضافه «اذن» به «خیر» اضافه حقیقی باشد؛ نه از باب اضافه موصوف به صفت یعنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنوای سخنان خیر است نه شنوای هر سخنی هر چند باطل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- رأفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به همه مردم و تلاش آن حضرت برای هدایت همگان

إن تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم

لحن سخن الهی، حاکی از تمایل آن حضرت به استغفار برای منافقان است. استغفار برای مردمانی چون منافقان، نشانگر رأفت و رحمت گسترده آن حضرت نسبت به عموم مردم و تلاش او برای هدایت همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از میان خود انسان ها و دارای خصلت های طبیعی یک انسان

رسول من أنفسکم

تعبیر «من أنفسکم» به جای «منکم» می تواند اشاره به این جهت باشد که نه تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) از میان شماست؛ بلکه او

برخوردار از نفس و روح انسانی همانند دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 32، 29

29- بیان اوصاف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

32- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت \*

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

تکرار «مثلهم»، اشاره به تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر «مثلهم فی التوراه» خبر برای «ذلک» و «کزرع...» خبر برای «مثلهم فی الإنجیل» است.

### 123- صفات مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 128 - 3

3 - تقوا، یکتاپرستی و دوری از شرک ، از اوصاف بندگان مخلص

أَلَا تَتَّقُونَ . أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ . اللَّهُ رَبُّكُمْ ... إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ

### 124- صفات مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 6

6 - بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أَوْ مِنْ يَنْشَأُوا فِي الْحَلِيهِ

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نیستند.

### 125- صفات مرفهان



13 - انسان رفاه مند سرمست ، موجودی خودخواه و طلبکار از خداوند

و لئن رجعت إلى ربِّي إنّ لي عنده للحسنى

تعبیر «انّ لی عنده» نشان می دهد که انسان سرمست و رفاه مند حقی برای خود نزد خدا قائل است؛ نه این که صرفاً امید به تفضل، انعام و مغفرت الهی داشته باشد.

ص: 103

## 126- صفات مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 67 - 4

4 - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمرًا تهجرون

## 127- صفات مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 77 - 1

1 - دلپستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّٰی إذا فتحنا علیهم .. إذا هم فیه مبلسون

«حتّٰی» غایت برای «ما یتضرّعون» و «فتح» (مصدر «فتحنا») به معنای گشودن است. «إبلاس» (مصدر «مبلسون») نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم - مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه - به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] نومید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 8 - 8

8 - تأثیر مقطعی و ناپایدار آیات الهی بر روح مستکبران \*

تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا کأن لم یسمعها

بنابراین که واژه «ثمّ» دال بر تراخی زمانی باشد، می توان چنین برداشت کرد که آیات الهی، تأثیر گذرا و مقطعی در کافران دارد؛ اما در نهایت انگیزه های استکباری آنان، مانع از تأثیرگذاری آن آیات در وجود آنها می شود.

## 128- صفات مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون

ص: 104

## 129- صفات مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 32 - 35 - 9

9- پیشتازان در انجام خیرات، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 14 - 5

5- عدالت خواهی و حق طلبی، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق، از اوصاف کافران

وَأَنَا مِّنَ الْمَسْلُومِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

با توجه به معنای «قَسَطٌ» (جور) و نیز تقابل «قاسطون» با «مسلمون»، مطلب یاد شده به دست می آید.

## 130- صفات مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 10

10- وجود روحیه تحقیق و بررسی بین مسلمانان صدر اسلام

و یس-لونک

## 131- صفات مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 18

18- یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لا يكونوا كالذين أوتوا الكتب . . . فقسست قلوبهم

## 132- صفات مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 96 - 10

10 - مشركان ، به زندگى دنيا حريص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس . . . و من الذين أشركوا

ص: 105

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 11

11 - مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان غير هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 3

3 - لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آنان بود .

إن كاد ليضلننا عن الهتتنا لولا أن صبرنا عليها

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر (صلی الله علیه و آله)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 28 - 3

3 - پندارگری و گمان محوری ، شالوده هویت مشرکان بی باور به آخرت

إن الذين لا يؤمنون بالآخرة... إن يتبعون إلا الظنّ

با توجه به حصر در «إن يتبعون إلا الظنّ»، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 1 - 4

4 - مشرکان ، مستورسازنده حقیقت اند .

قل يأيها الكفرون

به کار بردن عنوان «کافر» - که به معنای پوشاننده و انکارکننده امری معلوم است - تعریض به مخاطبان است که بین من و شما، این شما

هستید که حقیقت را پوشانده اید.

### 133- صفات مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 13 - 3

3 - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذكروا لا يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 3

ص: 106

3- ایمان نداشتن به جهان آخرت ، از اوصاف مهم و شناخته شده مشرکان صدر اسلام

الذین لایؤمنون بالأخره

توصیف مشرکان به ایمان نداشتن به آخرت و انتخاب این وصف از میان اوصاف دیگر آنان، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

### 134- صفات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 17

17 - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی ( الله ) است .

الله ربکم

«ربکم» صفت برای «الله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب ... لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 5

5 - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

### 135- صفات مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 5

5 - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند ( یهودیان )



قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ

شاید منظور از «یأس از آخرت» ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق «مغضوب علیهم» اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

### 136- صفات مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 107

2- روح آلوده و فسادگر، افزون طلب و اشباع ناپذیر است . \*

و لقد رودوه عن ضیفه

با این که تمامی قوم لوط، مبتلا به فساد اخلاق بودند و برای انجام اعمال زشت و انحراف جنسی خویش، محدودیتی نداشتند؛ با این حال چشم از میهمانی تازه وارد بر پیامبری که همواره در ستیز با ایشان بود، برنداشتند.

### 137- صفات مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 3

3- منکران آخرت شرّ و بدی را بسان خیر و خوبی خواستارند .

و أن الذین لایؤمنون بالأخره . . . و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مقصود از «الإنسان» مطلق انسانها نباشد - چنانکه برخی از مفسران گفته اند -؛ بلکه الف و لام «الإنسان» برای عهد ذکری است و اشاره به منکران معاد می باشد که در آیه قبل (الذین لایؤمنون بالأخره . . .) آمده است.

### 138- صفات مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 57 - 7

7- کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بـایتنا . . . عذاب مهین

### 139- صفات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 8

8- تکذیب گران روز جزا، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ویل یومئذ للمکذبین . . . إنّ المتّیین . . . إنّ کذلک نجزی المحسنین

از تقابل تکذیب گران با تقوایپیشگان و محسنان در آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

#### **140- صفات مکذبان کیفر اخروی**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 108

1 - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود، از کسی سر می زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

«ذلک»، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. «دَعَّ» (مصدر «یَدُعُّ»)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر «ذلک الذی...» - که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد - بیانگر حصر است.

#### 141- صفات مکذبان کفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 3 - 1

1 - تکذیب کنندگان مجازات های الهی، نه خود به تغذیه مسکینان کمک می کنند و نه دیگران را به آن وادار می سازند .

و لایحصن علی طعام المسکین

تعبیر «حصنه علی الامر»؛ یعنی، او را بر آن کار وادار ساخت (مصباح). مراد از «طعام المسکین»، «بذل طعام المسکین» است و ممکن است طعام [اسم مصدر و] به معنای اطعام باشد؛ مانند «عطاء» به معنای «اعطاء». (البحرالمحیط)

#### 142- صفات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 9

9 - منکران معاد، گرفتار خود بزرگ بینی و استکبار در درون جان خویش

وقال الذین لایرجون لقاءنا .. لقد استکبروا فی أنفسهم

#### 143- صفات ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 4

4 - در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که «مَثَل» در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 6

6 - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) \*

ص: 109

و لو نشاء ليجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی (ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

#### 144- صفات منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 9 - 1

1 - منافقان مردمی نیرنگباز و فریبکارند .

يخضعون لله و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 12 - 6، 1

1 - منافقان ، مردمی فسادپیشه و تبهکارند .

ألا إنهم هم المفسدون

6 - اهل ایمان ، باید منافقان را همواره مفسده گر و تبهکار بدانند .

ألا إنهم هم المفسدون

بیان فسادگری منافقان با جمله اسمیه مقرون به حرف تنبیه (ألا = آگاه باشید) و نیز حرف تأکید (إنّ)، گویای این است که منافقان با دروغ پردازیهها مسلمانهایی را به این پندار رسانده بودند که ایشان مردمی اصلاح طلب هستند. بنابراین می توان گفت از اهداف جمله «ألا» این است که: مسلمانان هرگز در مفسده گر بودن منافقان، تردید نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 5، 8، 10

5 - خود بزرگ بینی و تحقیر مؤمنان راستین ، از صفات اهل نفاق است .

أنؤمن كما ءامن السفهاء

8 - منافقان ، خود مردمی سفیه و بی خردند .

مقرون بودن خبر به «ال» و نیز وجود ضمیر فصل در جمله «ألا إنهم . . .» از حصر حکایت دارد و این حصر به اصطلاح «حصر» اضافی است. بنابراین معنای جمله چنین است: منافقان بی خردند، نه مؤمنان راستین.

10 - منکر شمردن معروف ها و معروف دانستن منکرات ، از ویژگی های منافقان

إذا قيل . . . و إذا قيل لهم ءامنوا . . . قالوا أنؤمن كما ءامن السفهاء

از اینکه فساد را اصلاح گری می شمردند و ایمان را سفاقت می پندارند، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 206 - 1

1 - سرسختی ، تکبر و غرور ریاکاران مدعی اصلاح ( منافقان ) ، در مقابل دعوت به تقوا

و من الناس من يعجبك . . . و اذا قيل له اتق الله اخذته العزه بالاثم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 4,6

4 - دوگانگی برخوردار منافقان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی، به هنگام سختی ها و آسایشها

فکیف اذا . . . ثم جاؤک یحلفون بالله ان اردنا الا احساناً

منافقان تا قبل از گرفتاری، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعراض کرده و به طاغوتها می گریند، و آنگاه که به مشکلات برخوردند، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) عذرخواهی می کنند.

6 - دروغ، سوگند به خدا، توجیه اعمال ناروا و عذرتراشی، از شگرد های منافقان

یصدون عنک صدوداً . . . ثم یحلفون بالله ان اردنا الا احساناً و توفیقاً

به دلیل «یصدون عنک» معلوم می شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذرتراشی برای اعمال ناروایشان بوده است؛ نه پی بردن به اشتباه و عذرخواهی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 2

2 - فرصت طلبی، طمعکاری و برخوردار های طلبکارانه، از ویژگی های اهل نفاق است.

الذین یتربصون بکم فإن کان لکم فتح من الله . . . و نمنعکم من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 11, 14, 9

9 - سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا کسالی

«کسالی» جمع «کسلان» است؛ و کسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله «قاموا إلى الصلوة» است، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

11 - ریاکاری در نماز و عبادت، از صفات منافقان و نشانه نفاق



وإذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى يراءون الناس

14 - غفلت از خداوند و کم به یاد او بودن ، از صفات منافقان

و لا یذکرون اللہ إلاّ قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 143 - 1، 13

1 - منافقان ، متحیر و سرگردان میان کفر و ایمان

مذبذبین بین ذلک لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء

«ذلک» اشاره به ایمان و کفر است. «مذبذب» به شیء معلق گفته می شود که دایم به این سو و آن سو حرکت می کند و استقراری ندارد.

13 - تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین ، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

ص: 111

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... یظهرون الايمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم اللّٰه.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 282، ح 294؛ نورالثقلین، ج 1، ص 565، ح 631.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 5

5 - منافقان، گروهی فرصت طلبند.

إن تصبک حسنه تسوهم و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و بتولوا و هم فر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 62 - 9

9 - منافقان، دارای روحیه ای شرک آلود

یحلفون باللّٰه لکم لیرضوکم و اللّٰه و رسوله أحق أن یرضوه

کوشش منافقان در جلب رضایت مردم (لیرضوکم) و غفلت از رضایت خدا (و اللّٰه و رسوله أحق أن یرضوه)، نشانگر روحیه شرک آلود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 65 - 8

8 - بی شرمی منافقان و اصرار آنان بر دروغ پردازی و تزویر، حتی پس از افشای اسرار درونی و توطئه های آنان

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أباللّٰه و ءآیته و رسوله کنتم تستهزءو

جمله «قل أباللّٰه ...» می تواند رد ادعای منافقان در مورد «نخوض و نلعب» باشد؛ یعنی، آنان هنوز هم با این سخنان در مقام تزویرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 17، 10

10 - منافقان، مردمی دارای خصلت بخل و امتناع از انفاق در راه خدا

المنفقون و المنفقت . . . و يقبضون أيديهم

17 - ترویج زشتی ها و فساد ( منکر ) و پیشگیری از تحقق نیکی ها و ارزش ها و فراموشی خدا و فرمان های او ، از عملکرد ها و اوصاف منافقان

المنفقون . . . يأمرون بالمنكر و ينهون عن المعروف و يقبضون أيديهم نسوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 69 - 4

4 - اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

كانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 112

7 - توبه - 9 - 71 - 15

15 - عملکرد، مواضع اجتماعی و خصلت های مؤمنان و منافقان، کاملاً متفاوت و متضاد است .

المنفقون و المنفقت ... یأمرون بالمنکر ... و المؤمنون و المؤمنات ... یأمرون بالمع

با توجه به تقابل این آیه با آیه 67 - که در مورد خصلتهای منافقان بود - برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 12

12 - خیانت در برابر خدمت، از خصلت های منافقان است .

و ما نقموا إلا أن أغنیهم الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 75 - 4,6

4 - مشروط نمودن انجام فرایض و صالح شدن، به برخورداری از مال و ثروت، خصلتی است منافقانه .

و منهم من عهد الله ... لنكونن من الصالحین

6 - اقرار منافقان صدر اسلام به ناخالصی و صالح نبودن خویش

و منهم من عهد الله ... لنكونن من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 8

8 - دروغ گویی، شیوه مستمر منافقان

و بما كانوا یكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 79 - 7

7 - طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان، از خصلت منافقان است .

الذین یلمزون المطّوعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 12، 3

3 - خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

12 - منافقان ، دارای روحیه رفاه طلبی

وقالوا لا تنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 83 - 3

3 - تظاهر به آمادگی برای جهاد و فداکاری ، پس از پایان یافتن دشواری های نبرد ، خصلتی است منافقانه .

ص: 113

فإن رجعت الله إلى طائفه منهم فاستتذنوك للخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 8

8 - منافق ، دارای خصلت حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 19

19 - دروغ گویی ، خصلت منافقان است .

و الله یشهد انهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 126 - 8

8 - درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم کفرون. أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام... ثم لا یتوبون و لا هم یدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 47 - 6

6 - نافرمانی و روی گردانی از خدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و یقولون ءامنّا بالله .. ثم یتولّی فریق منهم من بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 48 - 3

3 - پذیرفتن داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 49 - 4

4 - اندیشه سودجویانه ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . وإن يكن لهم الح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 1,2,4,7,10

1 - منافقان صدر اسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفي قلوبهم مرض

ص: 114

همزه در «أفی» برای استفهام است؛ ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

2- بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

4- شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

7- گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله

10- نسبت دادن جرم و گناه خویش به دیگران و چهره مظلومانه به خود گرفتن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون

منافقان خدا و رسول او را به ستم و اجحاف کردن در داوری هایشان متهم می کردند. در مقابل خداوند نیز با تأکید فراوان، آنان را ظالم معرفی کرده است این مطلب می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 3

3- استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

و أقسموا بالله جهد أیمانهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 26 - 6

6- بیمار دلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض. .. قالوا للذین کرهوا ... سنطیعکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیمار دلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 19

19 - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرکم بالله الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 18 - 9

9 - منافقان ، عناصری دروغگو و بیگانه با صدق و راستی

ألا إنهم هم الكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 115

19 - منافقون - 63 - 1 - 5، 4

4 - تلاش منافقان ، برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق آلود خود

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله

5 - شهادت صریح و اکید به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حضور آن حضرت ، از شگرد های منافقان برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق خود از آن حضرت

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله

9 - دروغ گوئی ، از ویژگی ها و خصلت های منافقان

والله يشهد إن المنافقين لكاذبون

تکیه بر وصف «کاذبون» نشانگر آن است که دروغ گوئی، برای منافقان خصلتی ثابت و جدایی ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 3، 1

1 - منافقان ، دارای ظاهری فریبنده و قیافه ای زیبا

و إذا رأيتهم تعجبك أجسامهم

3 - منافقان ، دارای زبانی شیوا و کلامی جذاب

وإن يقولوا تسمع لقولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 5 - 9، 7، 1

1 - منافقان ، عناصری نصیحت ناپذیر

وإذا قيل لهم تعالوا... لؤوا رءوسهم

7 - منافقان ، عناصری منحرف و باطل گرا

و رأيتهم يصدون

«صدّ» (مصدر «یصدّون») بر دو معنا اطلاق می شود: الف) میل و انحراف، ب) منع و بازداشتن. در آیه شریفه، ظاهراً معنای اول اراده شده است.

9- استکبار و خودبرتربینی، از خصلت های عناصر نفاق پیشه

و هم مستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 12

12 - منافقان، عناصری نادان و بی بهره از معارف بلند الهی

ولله العزّه و لرسوله و للمؤمنین و لكنّ المنفقین لا یعلمون

### 145- صفات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 116

5- تأثیر پذیری موجودات ، دلیل عدم صلاحیت آنان برای خدایی و پرستش

ان يدعون من دونه الا اثناً

### 146- صفات موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 146 - 1,4,7,8

1 - پیکار بسیاری از خداپرستان ، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

«ربیون» جمع «ربی» است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

4 - مصیبت ها و مشکلات ، آنگاه که در راه خدا باشد ، هرگز مردان الهی را به ضعف و ناتوانی و تسلیم در برابر دشمنان نخواهد کشید .

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّٰه و ما ضعفوا و ما استکانوا

7 - یادآوری پایمردی و مقاومت خداپرستان پیشین ، از روش های قرآن برای ایجاد روحیه مقاومت در مبارزه با دشمنان دین

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر . . . فی سبیل اللّٰه

8 - قدرت روحی ، استقامت و تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن ، از ویژگی های مردان الهی

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا . . . و ما استکانوا

«وهن» به معنای فتور و سستی است، و کلمه «ما استکانوا»، از ماده «سکن»، به معنی خضوع است؛ یعنی در برابر دشمن، خاضع و ذلیل

نمی شوند و تسلیم نمی گردند.

### 147- صفات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 27 - 1

1 - موسی (ع) قبل از رسالت خویش ، لکنت زبان داشت .

واحلل عقده من لسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 15 - 11

11 - موسی (ع) برخوردار از توان جسمی فوق العاده و دشمن شکن

فوکزه موسی فقضی علیه

ص: 117

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 2

2 - امید داشتن به رحمت الهی - نه خود را مستحق آن شمردن - ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران مجاهد

انّ الذين امنوا و الذين هاجروا و جاهدوا في سبيل الله اولئك يرجون رحمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 232 - 9

9 - مؤمنان به خدا و قیامت از ازدواج زن مُطلّقه ، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . . . ذلك یوعظ به من کان منکم یؤمن بالله و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 277 - 1

1 - مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذين امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربّه

کلمه «عند ربّهم» اشاره به پاداشی ویژه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 285 - 15، 18

15 - اطاعت از خدا و انبیا و طلب مغفرت ، از ویژگی های مؤمنان

و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا

18 - احساس و اظهار عجز از جانب مؤمنان ، نسبت به انجام وظایف خود در برابر پروردگار

و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا

طلب آمرزش از سوی مؤمنان با وجود پذیرش دستورات الهی و اطاعت، حاکی از عجز ایشان نسبت به وظایف خویش در برابر خداوند

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 8،10،14،15،20

8 - مؤمنان در صورت انجام ندادن تکالیف الهی، بر اثر فراموشی یا خطا و اشتباه، خود را مستحق مؤاخذه می دانند.

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

درخواست گذشت از مؤاخذه، اعترافی ضمنی به استحقاق مؤاخذه است.

10 - التزام مؤمنان به ترک معاصی و انجام تکالیف الهی

وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا .. رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

توجه به پیشامد خطا و نسیان در تکالیف الهی و درخواست عفو در مورد آن، گویای مراقبت مؤمنان از اعمال و رفتار خویش است.

14 - توجه مؤمنان به تاریخ گذشتگان و درس آموزی از آن

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا

ص: 118

15 - درخواست مؤمنان از خداوند مبنی بر تحمیل نکردن عقوبت های طاقت فرسا بر آنان

و لا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به

چون در بخشهای قبلی تکالیف مشقّتبار مطرح شده و نفی گردیده است (لا يكلف الله نفساً الاّ وسعها)، الزاماً این بخش از آیه می تواند مشقّت و دشواری در غیر تکالیف باشد که همان عقوبت و عذاب است.

20 - عفو، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان، از شوون ولایت الهی

و اعف عتّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا

جمله «انت مولینا» به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 15

15 - یاری کردن دین خدا، مشخصه ایمان آوردگان به خدا و تسلیم شدگان در برابر اوست .

نحن انصار الله امنا بالله و اشهد بانّا مسلمون

جمله «امنا بالله ..» به منزله برهانی است از جانب حواریون برای دعوی یاری خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 160 - 10

10 - توکل بر خداوند، از ویژگی های مؤمنان

و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 173 - 15، 17، 6، 7

6 - مؤمنان واقعی، از زیادی دشمن و آمادگی آنها برای جنگ، هراسی به خود راه نمی دهند .

الذّین قال لهم النّاس انّ النّاس .. فزادهم ایماناً

7 - اجتماع دشمنان دین برای نبرد با مؤمنان پیرو خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، موجب افزایش ایمان و اعتقاد آنان به حقانیت



راهشان می گردد .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ . . . فزادهم إيماناً

مراد از ضمیر فاعلی در «زادهم»، اجتماع دشمنان است که از «انّ النَّاس قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ» استفاده می شود. یعنی اجتماع مشرکان برای نبرد، باعث افزونی ایمان پیروان خدا و رسول شد.

15 - امیدواری مؤمنان به نصرت الهی و پیروزی در غزوه حمراءالاسد

و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل

اکثر مفسران این آیه و آیات پیشین را درباره غزوه حمراءالاسد می دانند. مشرکان فاتح نبرد احد در راه بازگشت به مکه از اینکه کار مسلمانان را یکسره نکردند، پشیمان شدند و آهنگ هجوم به مدینه را داشتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از اطلاع، مسلمانان را برای دفاع تا حمراءالاسد حرکت داد. این غزوه به غزوه حمراءالاسد معروف شد.

17 - نهراسیدن از کثرت دشمن و توکل بر خدا در رویارویی با آنان ، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ . . . و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 119

8 - کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ .. فَاتَّقِلُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضِل

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکت در نبرد حرکت کردند.

9 - مؤمنان واقعی ، در پی جلب رضایت کامل الهی

وَ اتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ

«رضوان»، یعنی رضایت بسیار (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 175 - 17

17 - شجاعت و شهامت در برابر دشمنان دین ، از نشانه های ایمان و ویژگی مؤمنان

فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُوا ان كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 1

1 - نبرد در راه خدا ، از ویژگی های بارز مؤمنان واقعی

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 146 - 2

2 - منافقان در صورت توبه ، اصلاح گذشته ، تمسک به خدا و اطاعت خالصانه از او ، در زمره مؤمنان واقعی قرار می گیرند .

الا الذين تابوا .. فأولئك مع المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 9

9- عشق به خدا و محبوب وی شدن، فروتنی در برابر اهل ایمان و سرفرازی در مقابل کافران، از صفات مؤمنان واقعی

فسوف يأتي الله بقوم... اعزه على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 71 - 15

15- عملکرد، مواضع اجتماعی و خصلت های مؤمنان و منافقان، کاملاً متفاوت و متضاد است.

المنفقون و المنفقت... يأمرن بالمنكر... و المؤمنون و المؤمنات... يأمرن بالمع

با توجه به تقابل این آیه با آیه 67- که در مورد خصلتهای منافقان بود - برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 79 - 2,4

2- انفاق از روی میل و رغبت، خصلت مؤمنان راستین

ص: 120

يلمزون المطوعين من المؤمنين

«تطوع» (مصدر مطّوعين) به معنای دادن چیزی همراه با میل و رغبت است. «المطوعين في الصدقات»؛ یعنی، کسانی که صدقات را با طیب نفس و با میل و رغبت می پردازند.

4 - تلاش عملی و قرار دادن تمامی توان جسمی خود برای رفع نیاز حاجتمندان جامعه - در صورت نبود امکانات مالی - از اوصاف مؤمنان راستین است .

والذين لا يجدون إلا جهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 13

13 - مؤمنان راستین ، پذیرای هر سختی و دشواری در راه خدا

وقالوا لاتنفروا في الحر

از اینکه خداوند منافقان را به خاطر گریز از جهاد در هوای گرم، به بهانه سختی و دشواری آن، مذمت کرده است، استفاده می شود که مؤمنان راستین از چنین خصلتی به دور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 6

6 - خشنودی قلبی از خدا و پذیرش قوانین و مقررات الهی از روی میل و رغبت - و نه از روی اکراه و بی میلی - از اوصاف مؤمنان راستین است .

والسابقون الأولون .. و الذين اتبعوهم يا حسن رضی الله عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 6، 20، 1، 5

1 - مؤمنان راستین ، دارای روحیه توبه ، عبادت و ستایش خدا

التّابون العبدون الحمدون

5 - مؤمنان راستین ، دارای حرکت و جنب و جوش در راستای بندگی خدا و نه مردمی راکد و زمین گیر

گاهی واژه «السائح» درباره آبی به کار می رود که همواره در گذرگاهی جاری باشد، توصیف اهل ایمان به این صفت می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

6 - مؤمنان راستین ، سیرکنندگان در زمین برای شناخت نشانه های خدا و تعقل در آنها

«سیح و سیاحت» (مصدر السائحون) به معنای سیر و سفر کردن است و توصیف مؤمنان به سائحون می تواند ناظر به مطلب فوق باشد.

20 - « عن جعفر بن محمد (ع) انه سئل عن قول الله تعالى : « ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و أموالهم بانّ لهم الجنة . . . » هذا لكل من جاهد في سبيل الله أم لقوم دون قوم ؟ فقال ابو عبد الله (ع) : . . . أنزل الله عز وجل عليه بعقب ذلك : « التائبون العابدون الحامدون . . . » فابان الله عز وجل بهذا صفة المؤمنين الذين اشترى منهم انفسهم و أموالهم . . . »

روایت شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: اینکه خدای تعالی می فرماید: «به تحقیق خدا از مؤمنان نفسها و مالهایشان را خریده است که در مقابل به آنان بهشت بدهد» آیا شامل همه کسانی است که در راه خدا جهاد می کنند یا برای گروه خاصی

است و نه همه گروهها؟ امام فرمود: .. خدای عز و جل به دنبال آیه مزبور، این آیه را بر رسول خود نازل فرمود: «التائبون العابدون الحامدون ...» و بدین وسیله صفات مؤمنانی را که نفسها و مالهایشان را خریده است بیان نمود ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 119 - 5

5- صدق و راستی ، از ارزش های والای انسانی و مهمترین صفت مؤمنان راستین

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و كونوا مع الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 7

7- اهل ایمان ، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرا هستند .

و ما كان لنفس أن تؤمن .. و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 77 - 3

3- هوشیاری ، فراست و ژرف اندیشی ، از اوصاف مؤمنان راستین

إن في ذلك لآيت للمتوسمين .. إن في ذلك لآيه للمؤمنين

از اینکه خداوند در آیه قبل داستان قوم لوط را آیه برای ژرف اندیشان هوشیار قرار داد و در این آیه همین داستان را آیه برای مؤمنان دانسته است، می توان استفاده کرد که ژرف اندیشان همان مؤمنان راستینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 38 - 3

3- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شک و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ .. و ما أظنّ ... لکنّا هو الله ربّي

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی ، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه «ظنّ» و یک بار نیز «لئن» به کار گرفته شده، ولی مرد سمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

5 - مداومت در اقامه نماز و مواظبت بر انجام درست و کامل آن ، یکی دیگر از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

و المقيمي الصلوه

«إقامه» (مصدر «مقيمین») به معنای انجام دادن درست و کامل است. به کارگیری وصف (مقيمین) بیانگر این نکته است که خواندن نماز، خصلتی است که از مؤمنان جدا نمی شود. بنابراین معنای «المقيمي الصلوه» چنین می شود: آنان که همواره نماز را درست و کامل به جا می آورند؛ نه آن را ترک می کنند و نه در انجام درست و کامل آن، کوتاهی میورزند.

6 - انفاق مال و دستگیری از نیازمندان ، از برنامه های زندگی مؤمنان راستین

و بشر المحبتين . . . و مما رزقنهم ينفقون

به کارگیری فعل مضارع (ینفقون) بیانگر این حقیقت است که انفاق و رسیدگی به کار نیازمندان، کار یک روز و یا چند روز مؤمنان راستین نیست؛ بلکه برنامه ای است که آنان در طول زندگی، خود را موظف به انجام آن می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 2

2 - مؤمنان راستین ، انسان هایی سنجیده کار و درست گفتاراند 0

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 4 - 2

2 - مؤمنان راستین ، آنانی اند که زکات مال را همواره می پردازند .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم للزکوة فعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 2

2 - مؤمنان راستین ، انسان هایی عفیف و پاک دامن اند .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم لفروجهم حفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 51 - 4

1 - « حرف شنوا و مطیع هستیم » ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

فَعَلْ مُضَارِعٌ «يقولوا» همراه با فعل «كان» بر استمرار و کلمه «إِنَّمَا» - که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند - بر حصر دلالت می کند.

4 - لبيك گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی ، از نشانه های



ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 52 - 4

4 - اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقوایبشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا . . . أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا . . . وَ مَنْ يَطْعِ اللَّهَ

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین - که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است - به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 11

ص: 123

11 - پرهیز از ظلم و دوری از ستم در روابط اقتصادی ، ویژگی مؤمنان راستین است .

وإن كثيراً من الخلقاء ليغى . . . إلا الذين آمنوا وعملوا الصلح و قليل ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 2

2 - عبادت شبانه با سجده و قیام ، دغدغه خاطر داشتن از روز قیامت و امید به رحمت الهی ، از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

أمن هو قنت ء اناء الیل ساجداً و قائماً يحذر الأخره و يرجوا رحمه ربّه

آیه شریفه به قرینه مقابله با آیه قبل - که درباره انسان های کافر بود - درصدد بیان اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 4، 1

1 - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

«طاغوت» در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن يعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

4 - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلى الله

«إنابه» (مصدر «أنابوا») به معنای رجوع است و «أنابوا إلى الله»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 14

14 - « عن موسى بن جعفر (ع) . . . ما من مؤمن يرتكب ذنباً إلا ساء ذلك و ندم عليه . . . فإن لم يندم على ذنب يرتكبه فليس بمؤمن و لم تجب له الشفاعة و كان ظالمأ و الله تعالى يقول : « ما للظالمين من حميم و لا شفيع يطاع » ؛

از امام کاظم (ع) روایت شده است: . . . هیچ مؤمنی نیست که پس از ارتکاب گناه ناراحت و پشیمان نشود. . . و اگر بر گناه خود پشیمان

نشود، مؤمن نیست و شفاعت برای او نخواهد بود و او ظالم است. خداوند تعالی می فرماید: مَالِ الظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَاشْفِيعُ يَطَاعُ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 2

2- بغض و دشمنی (تبراً) نسبت به کافران حق ستیز ، از اوصاف مؤمنان راستین

الذین یجدلون فی آیت اللہ .. کبر مقتاً... عند الذین ءامنوا

تذکر خداوند به این که مؤمنان نیز نسبت به مجادله گران بغض و دشمنی دارند; در واقع در صدد مدح آنان و نیز بیان اوصاف پسندیده ایشان است.

ص: 124

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 9

9- چشم پوشی از خطای دیگران ، به هنگام خشم ، از صفات مهم اهل ایمان

للذین ءامنوا .. الذین ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

اهمیت این صفت، از تخصیص به ذکر یافتن آن، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 39 - 4

4- اهل ایمان ، نه متجاوزانند و نه تجاوز را از سوی دیگران می پذیرند .

و الذین إذا أصابهم البغی هم ینتصرون

«إنتصار» به معنای یاری طلبیدن است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 10

10- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ؛ نه غوطهور در لذت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الآن

خداوند، مؤمنان را متصف به «عملوا الصالحات» کرده و کافران را مشمول «یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعام» دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 26

26- آثار روح عبودیت و اعمال ارزشی ، آشکار در سیمای اهل ایمان

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

سجده، مظهر روحیه بندگی و نیایش انسان به درگاه الهی است و این روحیه در پرتو مظاهر آن، در اندام ظاهری انسان (چهره) تأثیر می

گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 10 - 2

2- اخوت و برادری، بارزترین صفت در زندگی اجتماعی مؤمنان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ

با توجه به این که حصر «إِنَّمَا» ناظر به خبر است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 41 - 3

3- مؤمن، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع يوم يناد المناد من مكان قريب

ص: 125

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 60 - 3

3 - مؤمنان راستین ، دور از سرمستی ، و گریان و اندوهناک در برابر انذار های الهی

و تضحکون و لاتبکون

از توبیخ کافران به خاطر سرمستی و سرخوشی، استفاده می شود که مؤمنان - بر خلاف ایشان - از خوف انذارهای الهی، گریان و از سرمستی ها به دوراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 3

3 - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند؛ دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 24 - 1

1 - تعیین کردن مقدار معینی از اموال خود برای انفاق ، از اوصاف مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین فی أموالهم حق معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 25 - 1

1 - اختصاص دادن مقدار معینی از اموال خود به سائلان و محرومان جامعه ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین فی أموالهم .. للسائل و المحروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه «دین»، جزا و حساب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ترس و نگرانی از عذاب پروردگار ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم من عذاب ربهم مشفقون

ص: 126

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 29 - 1

1 - پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین هم لفروجهم حفظون

«فروج» (جمع «فَرَج») کنایه از شرمگاه و «حفظ» (مصدر «حافظون») به معنای صیانت و نگه داری است؛ یعنی، آنان که دامن های خود را [پاک] نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 32 - 1

1 - رعایت امانت و پایبندی به عهد و پیمان خویش ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم لآمن-تهم وعهدهم رعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 33 - 1

1 - ادای شهادت و گواهی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم بشهدتهم قائمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 34 - 1

1 - اهمیت دادن به نماز ، مواظبت بر انجام دادن به موقع آن و پرهیز از سهل انگاری در ادای آن ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 26 - 5



5 - « عن الحارث بن الدلهات مولى الرضا (ع) قال : سمعت أبا الحسن (ع) يقول : لا يكون المؤمنُ مؤمناً حتى يكونَ فيه ثلاثُ خصال سنَّه من ربِّه و سنَّه من نبيِّه و سنَّه من وليِّه ، فالسنَّه من ربِّه : كتمان سرِّه ، قال الله عزَّوجلَّ : « عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحداً إلا من ارتضى من رسول » . . . » ؛

حارث بن دلهات گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که می فرمود: مؤمن، مؤمن نیست مگر این که سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از ولیّ و امامش. اما سنت پروردگارش، نهان داشتن سرّ خویش، خدای عزّوجلّ فرمود: «عالم الغیب فلا يظهر علی غیبه أحداً إلا من ارتضى من رسول»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 48 - 4

4 - نماز ، نشانه ایمان و از اوصاف مؤمنان است .

وإذا قيل لهم اركعوا لايركعون

ص: 127

## 149- صفات مؤمنان به نظارت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 6

6 - کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند .

أرءیت إن كان علی الهدی . أو أمر بالتقوی ... ألم یعلم بأنّ اللّٰه یری

## 150- صفات مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 5، 2، 1

1 - ایمان به خدا و رسول او، دو رکن ایمان و از اوصاف مؤمنان راستین است .

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا باللّٰه ورسوله

حصر در «إنّما المؤمنون...» اضافی و از باب قصر موصوف بر صفت است و براساس آنچه که در شأن نزول آن آمده آیه شریفه، در ارتباط با منافقان نازل شده است. بر این اساس پیام آیه چنین خواهد بود: «ایمان حقیقی، دارای دو رکن اساسی است: ایمان به خدا و ایمان به رسول او، و مؤمنان راستین دارای چنین اوصافی اند».

2 - حضور در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری جامعه اسلامی برای امور مهم اجتماعی و مشاوره و کنکاش پیرامون یک مسأله عمومی، از اوصاف مؤمنان راستین

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا باللّٰه ورسوله و إذا كانوا معه علی أمر جامع لم یذهبوا

«أمر جامع» به مسأله ای گفته می شود که در خور این باشد که مردم به خاطر آن اجتماع کنند و به مشاوره و فراگیری و حل و فصل آن بپردازند. کلمه «مع» نیز افاده کننده معنای مشارکت است.

5 - اجازه خواستن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبر امت اسلامی برای ترک حضور در امور اجتماعی و حل و فصل مسائل عمومی، از اوصاف مؤمنان راستین است .

إنّ الذین یستذنونک أولئک الذین یؤمنون باللّٰه ورسوله

## 151- صفات مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - امید داشتن به رحمت الهی - نه خود را مستحق آن شمردن - ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران مجاهد

انّ الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل اللّٰه اولئک یرجون رحمت اللّٰه

ص: 128

## 152- صفات مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 5 - 4

4- برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، هدایت یافتگانند .

یقیمون الصلوه .. أولئک علی هدی من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 18

18 - هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

وإن كانت لكبیره إلا علی الذین هدی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 55 - 7

7- ایمان و استغفار ، از نشانه های هدایت یافتگان است .

أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربهم

## 153- صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 17

17 - گردنفرازی و فخرفرشی از خصلت های نکوهیده

إنّ الله لا یحبّ من كان مختالاً فخوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 19

19- جهل و نادانی ، صفتی ناپسند و نکوهیده در پیشگاه خداوند

إني أعظك أن تكون من الجاهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 4 - 7

7- جدال و مخاصمه ، صفتی بس مذموم و ناپسند برای انسان

فإذا هو خصیم مبین

آوردن «إذا» ی فجائیه می تواند نشان دهنده ناپسند بودن جدال و مخاصمه باشد، خصوصاً با توجه به اینکه انتظار از مخلوق، تسلیم بودن در مقابل خالق است و جدال و مخاصمه خلاف انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 129

3- لهُو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 1

1 - خود بزرگ بینی و تحقیر دیگران ، صفتی نکوهیده در نزد خداوند

و من الناس من یجدل فی الله بغیر علم . . . ثانی عطفه

«ثنی» (مصدر «ثانی») به معنای پیچاندن و برگرداندن و «عطف» به معنای پهلو است. پیچاندن پهلو، کنایه از تکبر و تحقیر دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 10 - 6

6 - ستم به دیگران ، کاری است بسیار زشت و ناروا .

وَأَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِیدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 7

7 - بدگمانی نسبت به مؤمنان ، امری ناپسند و مورد سرزنش خداوند

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 8 - 3

3 - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعود خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صَدَّقَ بِالْحَسَنَى . . . فَأَمَّا مِنْ . . . اسْتغْنَى

مراد از «استغنی» - به قرینه جمله «صدّق بالحسنی» در آیات پیشین - ممکن است استغنائی از «حسنی» (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

#### 154- صفات نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 83 - 2

2- ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

وإنّ من شیعتہ لإبرهیم

ص: 130

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لازمه پیرو بودن ابراهیم(ع) در سیر و سلوک زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوک نوح پیامبر(ع) است.

### 155- صفات نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 6

6 - بهشت دارای نهرهایی متعدد، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اسناد جریان به خود نهرها، همانند «جری المیزاب»، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

### 156- صفات نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 26، 27، 20، 17

17 - ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

ولكن البر من آمن بالله . . . و النبیین

20 - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان، یتیمان، مساکین، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

ولكن البر من . . . و آتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

26 - برپایی نماز، پرداخت زکات، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

ولكن البر من . . . أقام الصلوه . . . والصبرین فی البأساء و الضراء

27 - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین، از مشخصه های ابرار

ولكن البر من . . . الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

### 157- صفات هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2 - هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که «باء» در «بالحق» برای مصاحبت باشد ؛ یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

ص: 131

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 1, 2, 3, 6, 8

1 - حرمت ازدواج مؤمنان با زنان مشرک؛ مگر در صورتی که ایمان بیاورند.

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمننَّ

2 - باید ایمان معیار اصلی در انتخاب همسر باشد؛ نه زیبایی و یا حریت (برده نبودن)

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمننَّ و لآمه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتمکم . . . و لعب

مصدق بارز «اعجاب» در انتخاب همسر، زیبایی و دلربایی است.

3 - کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک؛ هر چند زیبا و دلربا باشد.

و لآمه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتمکم

6 - حرمت ازدواج زنان مؤمن با مشرکان؛ مگر در صورتی که ایمان بیاورند.

و لا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا

8 - برده مؤمن برای همسری زن مسلمان شایسته تر است از آزاد مرد مشرک؛ هر چند ظاهری فریبنده داشته باشد.

و لعبد مؤمن خیر من مشرک و لو اعجبتمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 223

2 - عقیم نبودن، از ویژگی های زن شایسته و کامل

نساؤکم حرث لکم

از خصوصیات مهم زن، قابلیت بارور شدن او برای بقای نسل است؛ بنابراین چنانچه زن نازا باشد، از این ویژگی مهم عاری است و طبعاً چنین زنی از جهت طبیعی کامل نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 4, 5, 2

2 - بندگان مخلص خدا، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از «قاصرات الطرف» کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

4 - زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

5 - زنان بهشتی، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

«عیناء» (مفرد «عین») به معنای چشم درشت است.

ص: 132

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 49 - 3, 2, 1

1 - زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کأنهنَّ بیض

«بیض» اسم جنس و مفرد آن «بیضه» و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به «بیض» تشبیه می کنند.

2 - رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است .

کأنهنَّ بیض

3 - تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنهنَّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان - که مفاد عبارت «مکنون» می باشد - کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 4

4 - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

وعندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایشگان ( حوریان ) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

وزو جنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

## 160- صفات یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 80 - 4

4- یهود، مردمی خودخواه، مغرور و خودبترترین

وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 86 - 6

6- یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ص: 133

ثم أنتم هؤلاء تقتلون... أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالأخره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 91 - 13

13 - يهوديان ، مردمی نژادگرا

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 92 - 9

9 - يهود ، مردمی ستم پیشه و ظالمند .

و أنتم ظلمون

جمله «و أنتم ظالمون» (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 94 - 3

3 - قوم يهود ، مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخرة... خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 95 - 3،7

3 - يهود ، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيديهم

مراد از «ما» در «ما قدمت أيديهم» (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

7 - يهود ، مردمی ستم پیشه اند .

از مصداقهای «الظالمين» - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 1,2,6

1 - یهود، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

2 - یهود، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

نکره آوردن «حياه» اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

6 - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 73 - 7، 2، 1

1 - علمای یهود، به پیروانشان هشدار دادند؛ که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند.

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه «لا تؤمنوا»، به معنای عدم اعتماد باشد؛ نه به معنی عدم تصدیق و باور.

2 - علمای یهود، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند.

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

7 - خودبرتربینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 20

20 - یهودیان، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءكم رسل من قبلى بالبينات والذى قلم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 53 - 5

5 - بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

ظاهراً منظور از کلمه «الناس»، غیر یهودیان هستند؛ به قرینه آیه بعد: «ام يحسدون الناس»، بنابر این معنای جمله «فاذا...» چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 18

18 - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب . . . فقسست قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 14 - 16

16 - یهود، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی \*

ذلک بأنهم قوم لایعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر «هم» به یهودیان، اسناد عدم تعقل به «قوم»؛ می تواند اشاره به خصوصیت این «قوم» داشته باشد.

ص: 135

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 5

5- یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند ( یهودیان )

قومًا غضب الله عليهم قد يسوا من الآخره

شاید منظور از «یأس از آخرت» ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق «مغضوب علیهم» اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 6 - 3

3- یهود ، قومی نژاد پرست و خودبرترین

إن زعمتم أنكم أولياء لله من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 7 - 1,2

1- یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا يتمنونہ أبدًا

2- یهودیان ، مردمی ظالم و ستمگراند .

و لا يتمنونہ . . . و الله عليم بالظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 8 - 2

2- قوم یهود ، مردمی هراسان از مرگ

قل إن الموت الذي تفرون منه

**161- صفات یهود دوران مریم(ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 5

5- مردم بیت المقدس در زمان مریم (س)، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند.

لقد جئت شیئاً فریئاً

### 162- عینیت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 82 - 6

6 - اتحاد و یکی بودن اراده، قول و فعل خداوند

ص: 136

إنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون

### 163- مراتب صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 53 - 10

10 - سبقت رحمت و نعمت خدا بر نعمت او

لم یک مغیرا نعمه أنعمها

### 164- مسیحیان و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 30

30- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

### 165- مسیحیان و صفات محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 30

30- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

### 166- ملاک صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 13

13 - ملاک شایستگی اسامی و اوصاف برای خداوند ، دلالت آنها بر بی عیب بودن خداوند و سازگاری شان با مقام والای او است .

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى



## 167- منشأ صفات پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 101 - 2

2- داشتن ایمان راستین و منزلت نیکو و متصف بودن به خصال پسندیده ، بسته به تقدیر الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مَتَا الْحَسَنَى

جمله «سبقت لهم متا» بیانگر مقدر شدن «الحسنی» (نیکو بودن) از پیش به وسیله خداوند است؛ یعنی، کسانی که ما از قبل برای آنان مقدر کردیم. ...

## 168- نامگذاری با اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 65 - 14

14- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، «سمی» به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است؛ ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند - هر چند اعتباری بیش نیست - ولی کاری ناروا است.

## 169- نقش صفات اخلاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 22،24

22- حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك . . . إن ربك علیم حکیم

24- حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و یتیم نعمته علیک و علی ءال یعقوب . . . إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 30 - 6

6- روحیات و خصلت های درونی انسان ، دارای ظهوری آشکار در سبک گفتار وی

و لتعرفنهم فی لحن القول

خداوند با تأکید بیان کرده است که: می توان منافقان را از شکل و محتوای سخنشان شناخت، از این سخن معلوم می شود که منافق، با تمام تلاش برای پنهان داشتن اسرار خود، ناخود آگاه سرّ درونش بر شیوه گفتارش تأثیر می گذارد.

ص: 138

## 170- ویژگیهای صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 74 - 6

6- تشبیه خدا به سایر موجودات ، ناشی از ناآگاهی انسان به تمایز ذات و صفات خدا از غیر اوست .

فلا تضربوا لله الأمثال .. أنتم لاتعلمون

با توجه به اینکه منظور از «أنتم لاتعلمون» نفی علم مطلق نیست؛ زیرا بدیهی است که انسانها در زمینه های مادی زندگی خود دانشهایی دارند؛ بلکه نفی علم مربوط می شود به همان زمینه ای که در آیه مطرح است؛ یعنی، قابل مقایسه نبودن ذات و صفات خدا با سایر مخلوقات، برداشت فوق به دست می آید.

## 171- هماهنگی با صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 13

13- انگیزه اهل دعا و استعاذه در عصر بعثت ، جلب رضایت خداوند و قرار گرفتن در حالتی مناسب با صفات او بود .

یدعون .. یریدون وجهه

مراد از «وجه» در «یریدون وجهه» نه معنای حقیقی «وجه» است - زیرا، خداوند، دارای صورت نیست - و نه کنایه از ذات خداوند است - زیرا، نمی توان آن را اراده کرد - بنابراین، یا کنایه از رضایت خداوند است، به این مناسبت که انسان ها، در هنگام رضایت، صورت خود را به سوی مخاطب خود برمی گردانند و یا کنایه از صفات خدا است که اهل دعا، یا خود را مشمول آن قرار می دهند و یا در برابر هر صفتی نظیر عزّت و علم خداوند، وضعیتی مناسب، نظیر ذلّت و ناآگاهی به خود می گیرند.

## 172- یهود و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 30

30- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

## 173- یهود و صفات محمد (صلی الله علیه و آله)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 30

30- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل کزرع

ص: 139

### 174- {صفات ارزشمند}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 7

7 - هم دردی با انسان ها و اشتیاق به سعادت‌مند شدن آنان و داشتن رأفت و محبت ، از خصلت های والا و ارزشمند

عزیز علیه ما عتتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

صفات جلال

### 175- {صفات جلال}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 112 - 4

4 - خداوند در مؤاخذه بندگان ، هرگز از حق تجاوز نمی کند .

فلا یخاف ظلماً و لاهضماً

در باره فرق «ظلم» و «هضم» احتمالاتی داده شده است؛ از جمله این که ظلم؛ یعنی، بیش از حق مطالبه کردن و هضم؛ یعنی، از حق کم گذاشتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 3

3 - خداوند ، حق محض است و هیچ باطلی در او راه ندارد .

فتعلی الله الملك الحقّ

«حقّ» نقطه مقابل باطل است (لسان العرب).

### 176- دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سرتاسر هستی ، دلیل منزه بودن او از نسیان

و ما کان ربّک نسیّاً . ربّ السموت والأرض و ما بینهما

### 177- ذکر صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 140

10- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما كان ربك نسيّاً . ربّ السموت ... فاعبده واصطبر لعبدته

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

### 178- صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 3

2 - خداوند، منزّه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنک

3 - خداوند، منزّه از آن است که به اسرار و نهان موجودات آگاه نباشد.

أنبئونی بأسماء هؤلاء .. قالوا سبحنک

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه «سبحانک» و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنشان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن «سبحانک» ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 13, 9, 7, 4

1 - خداوند، منزّه از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

4 - گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند، نقص است.

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

«سبحان» به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ یعنی: «سبحت الله تسبیحاً». کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

7 - خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم «له» بر «ما فی السماوات . . .» به دست می آید - استفاده می شود.

9 - مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فی السموت و الأرض

جمله «له ما فی السماوات . . .» برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

13 - عبادت و اطاعت هستی برای خدا ، دلیل منزه بودن او از داشتن فرزند است .

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل . . . کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 5

ص: 141

5- آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که «بدیع السماوات ..» همانند جمله «له ما فی السماوات...»، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 139 - 7

7- مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 140 - 13

13 - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 21

21 - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 6

6 - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نیست .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

«حمید» در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 19

19 - قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بِإِذْنِ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ص: 142

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 108 - 7

7 - خداوند ، مُنَّزَّه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما الله يريد ظلماً للعالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 109 - 4،10

4- مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين. و لله ما في السموات و ما في الارض

10 - بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين . . . و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 14

14 - ارتداد و کفر افراد ، زیانی به خداوند نمی رساند .

و من ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 1،9،15

1 - پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از «الَّذِينَ قَالُوا»، یهودیان هستند.

9 - خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

انّ الذين . . . انّ الله فقير و نحن اغنياء سنكتب ما قالوا



15 - همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنکتب ما قالوا وقتلهم الانبیاء بغیر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 182 - 6

6 - نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

و ان الله لیس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 17،24،25،27

17 - پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقصی ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب. الذین ... ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

24 - خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ص: 143

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ

25 - خردمندان ، خداوند را از هر کاستی میرا و منزّه می دانند .

لایات لاولی الالباب. الذین ... سبحانک

27 - منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن بیهودگی در آفرینش او

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 36,39

36 - مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن او

سبحنه ان یکون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله «له ما فی السموت . . .» دلیل و برهانی است برای جمله «سبحنه ان یکون له ولد» یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

39 - کفایت خداوند برای تدبیر هستی ، دلیل وحدانیت او و منزّه بودنش از داشتن شریک و فرزند

انما الله اله وحد سبحنه ان یکون له ولد . . . کفی بالله وکیلا

جمله «کفی . . .» دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 116 - 7

7 - خداوند منزّه از هرگونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 6

6 - راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير

از صفات «قاهر»، «حکیم» و «خبیر»، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 100 - 10، 9، 6

6 - شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

9 - خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزّه است.

و خرقوا له بنین و بنت . . . سبحنه و تعلی عما یصفون

10 - خداوند منزّه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 144

5 - انعام - 6 - 101 - 6، 4، 3

3 - خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أني يكون له ولد و لم تكن له صحبه

4 - وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أني يكون له ولد و لم تكن له صحبه

6 - ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزّه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلى عما يصفون. بدیع السموت و الأرض

11 - انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أني يكون له ولد . . . و خلق كل شيء و هو بكل شيء عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 103 - 5

5 - خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدركه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه مبرا بودن او از خصوصیات جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 131 - 1

1 - خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 51 - 2، 5

2 - کیفر الهی در مورد گنهکاران، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّٰه لیس بظلم للعبيد

5 - خداوند منزه از اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن اللّٰه لیس بظلم للعبيد

با توجه به اینکه «أن الله . . .» در مقام استدلال بر این حقیقت است که گرفتاری کافران به عذاب حریق ستمی به آنها نیست، باید مراد از ظلام نبودن خدا، نفی کمترین ظلم از ساحت قدس وی باشد، و گر نه استدلال تمامی نیست. و بسیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 60 - 17

17 - خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 145

4 - خدا، کمال مطلق و منزه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللّٰهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 15،16،17

15 - خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

16 - خداوند، منزه و فراتر از داشتن شریک است.

سبحنه و تعلی عما یشرکون

17 - از علی (ع) روایت شده که فرمود: «اما ما لا یعلمه اللّٰه، فلا یعلم اللّٰه أن له شریکاً و لا وزیراً و لا صاحبه و لا ولداً و شرحه فی القرآن: «قل اتبئون اللّٰه بما لا یعلم»...»؛

... اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی) خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 44 - 6،1

1 - خداوند، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد.

إن اللّٰه لا یظلم الناس شیئاً

6 - از امام هادی (ع) روایت شده است: «... من زعم ان اللّٰه عزوجل أجبر العباد علی المعاصی و عاقبهم علیها... فقد ظلّم اللّٰه فی حکمه و کذبّه و ردّ علیه قوله: «... إن اللّٰه لا یظلم الناس شیئاً»...»؛

... هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: «خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند» رد نموده و خدا را تکذیب کرده است...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 54 - 13

13 - در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت . . . قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 3

3 - برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ، مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 5 - 2

ص: 146

2- ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 1,2

1- خداوند ، بر بندگانش ستم نمی کند .

و ما ظلمنهم

2- خداوند ، مردمان را به طرف گناهان ( شرکوزی ، انکار پیامبران و . . . ) سوق نمی دهد .

و ما ظلمنهم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شرکو . . .) و انمی دارد. بنابراین عذابهای نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 117 - 1,5

1- خداوند ، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

و ما کان ربک لیهلک القرى بظلم

حرف «باء» در «بظلم» برای ملابست است. براین اساس جمله «ما کان...» چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

5- ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما کان ربک لیهلک القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 123 - 10



10- خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربك بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 108 - 12

12- خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک میراست .

و سبحن الله و ما انا من المشركين

«سبحان» به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبیح و یا نسبح) می باشد ; یعنی: اسبیح و یا نسبح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله «سبحان الله» عطف بر «هذه سبیلی» است ; یعنی: «قل سبحان الله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 147

6- خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبّح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته

«تسبیح» (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 57 - 3,4,5

3- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و یجعلون لله البنت سبحنه

4- فرزند ( دختر ) داشتن برای خداوند نقص است .

و یجعلون لله البنت سبحنه

ذکر تنزیه «سبحانه» برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

5- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و یجعلون لله البنت سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 118 - 7

7- خداوند در تکالیف دینی ، از بی عدالتی و ظلم به بندگان مبرا است .

و علی الذین هادوا حرّمنّا .. و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 4

4- خداوند ، برخلاف پندار واهی مشرکان ، هیچ گاه برای آنان ، پسر برنگزیده و برای خود دختر به فرزندی نگرفته است .

أَفْصَحَكُمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توییح و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 43 - 3، 1

1- خداوند، بسیار برتر و منزّه تر از شریک داشتن است .

سبحنه و تعلی عمّا یقولون علوّاً کبیراً

3- خداوند، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود .

أَفْصَحَكُمْ رَبِّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا . . سبحنه و تعلی عمّا یقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 12

12- خداوند، منزّه از تحیز، جسمیت و قابل رؤیت بودن و دیگر اوصاف ماده است .

ص: 148

أوتأتی بالله .. قل سبحان ربی

چون درخواست مشرکان از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (أوتأتی بالله) مستلزم جسمانیت، جا به جایی و قابل رؤیت بودن خداوند بود، جمله «سبحان ربی» می تواند پاسخ چنین درخواست غیر منطقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 108 - 1

1- پروردگار، منزّه از هر کاستی و نقص در بیش آگاهان به معارف آسمانی

إن الذین أوتوا العلم من قبله .. یقولون سبحن ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 5,8

5- خداوند، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شریک و حمایتگر، مبرا و بی نیاز است.

لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک .. و لم یکن له ولیّ

8- خداوند، تنها فرمانروای هستی و مبرا از داشتن هرگونه شریک در جهاننداری

و لم یکن له شریک فی الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 49 - 16,17,18

16- خداوند، در قیامت، به هیچ کس، ظلمی روا نخواهد داشت.

و لایظلم ربک أحداً

17- حضور نفس اعمال انسان در قیامت، پشتوانه اجرای عدالت و نفی کمترین ظلم از ساحت خداوند است.

و وجدوا ما عملوا حاضراً و لایظلم ربک أحداً

بیان حضور اعمال و تجسم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن احکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

18- مبرّا بودن خداوند از هرگونه ظلم و بی عدالتی ، مقتضای ربوبیت او است .

و لا یظلم ربّك أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 16

16- خداوند ، پاک و منزّه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أن سبّحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 3،5،6

3- خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است .

ذلک عیسی ابن مریم .. ما کان لله أن یتخذ من ولد

«ولد» نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. «من» زائده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با

ص: 149

تأکید است.

5- خداوند، منزّه از هرگونه نقص و نیاز است.

ما کان لله أن يتخذ من ولد سبحانه

6- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 40 - 6

6- خداوند، بدون فرزند و بی نیاز از آن است.

ما کان لله أن يتخذ من ولد... إنا نحن نرث الأرض و من علیها

در آیات قبل، سخن از پندار فرزند عیسی (ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید می‌ورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 60 - 11

11- خداوند، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی‌دارد.

و لا یظلمون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 10، 8

8- خداوند، از هرگونه فراموشی منزّه است.

و ما کان ربک نسیاً

«نسیاً» صیغه مبالغه است و مبالغه در کلام منفی، به اصل نفی مربوط می‌شود. بنابراین در جمله «و ما کان...» مراد این است که: خداوند هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش کار نیست.

10- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزل إلا بأمر ربك . . و ما كان ربك نسياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 91 - 2,4

2- مبرابودن خداوند از داشتن فرزند ، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تكاد السموت يتفطرن . . أن دعوا للرحمن ولداً

4- فرزند داشتن خداوند ، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات ، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولداً

گزینش وصف «الرحمان» (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت «أن دعوا. .» دلیل در آن کنجانده است؛ زیرا همه موجودات - از جمله فرزندهای پنداری - مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او تلقی شوند.

ص: 150

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 92 - 1,4

1- فرزندگزینی خداوند، کاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ینبغی للرحمن .. . ولدًا

زمانی از کلمه «إِنْبَغَى» استفاده می شود می شود که کاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و «ما ینبغی» امکان آن را نفی می کند.

4- فرزندگزینی، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن مبرّا است.

و ما ینبغی للرحمن أن یتّخذ ولدًا

گزینش فرزند با فراگیری رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 4

4 - خداوند، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است.

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق «أسماء حسنی» نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 52 - 7,8

7 - خداوند، منزّه از هرگونه فراموشی است.

و لاینسی

8 - ربوبیت خداوند بر هستی، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است.

لا یضلل ربّی و لاینسی



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 5

5- بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیوم

«قیوم» به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 4,6

4- منزّه بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و برگزیدن فرزند

قالوا اتخذ الرحمن ولداً سبحانه

«سبحانه» مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون «سبحوه») است.

6- رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

ص: 151

قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ

«رحمان» صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و گستردگی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 47 - 5

5- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . . . فلا تظلم نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 3

3- وجود شریک برای خداوند ، امری ممتنع و محال است .

لو كان هؤلاء ءالهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد «لو» امتناعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 10 - 5، 3

3 - کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندهگان

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ-م للعبید

5 - خدا ، پروردگاری عادل و مبرا از ستم کردن به بندگان خود

و أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ-م للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 17 - 6

6 - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقش

و ما کُنَّا عن الخلق غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 62 - 6

6 - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب . . . و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 8، 2، 1

1 - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ الله من ولد

2 - خدا ، مبرا از شریک و همتا

ص: 152

و ما كان معه من إله

8 - ساحت خدای یگانه هستی ، میرا از نسبت های ناروای مشرکان

سبحن الله عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 92 - 4

4 - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 3

3 - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثاً .. فتعلی الله الملك الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 16 - 6

6 - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه است .

سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 50 - 9

9 - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند .

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله بل أولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 5,8

5- خداوند ، هیچ کسی را به فرزندی برنگزیده است .

لم يتخذ ولداً

«ولداً» نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

8- پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم يتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 4

4- خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

ص: 153

الحیّ الذی لایموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 209 - 4،7

4 - ساحت خداوندی ، مبرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنا ظلمین

7 - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما اهلکنا من قریه .. ذکرى و ما کنا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان «قیح عقاب بلا بیان» است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 10،11

10 - خدا ، منزه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن الله رب العلمین

11 - خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

آن بورک من فی التّار .. و سبحن الله رب العلمین

مطرح شدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسی این نشانه را با پدیدآورنده نشانه، اشتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 1

1 - ستایش ها ، همه از آن خداوند است .

و قل الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین «الحمد لله»؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 68 - 9،10

9 - خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

10 - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزّه و برتر است .

و ربّک یخلق . . . سبحن الله و تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 23

23 - ساحت قدس الهی ، به دور از هرگونه ظلم و ستم است .

فما کان الله لیظلمهم

ص: 154

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 10

10 - تنها خداوند ، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

ضمیر فصل «هو» و «ال» جنس در «العلی» و «الکبیر» - که هر دو خبر «أَنَّ» هستند - دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 1,5

1 - ساحت خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

سبحن الذی

5 - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 83 - 1,4

1 - ساحت مقدس خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

فسبحن الذی

4 - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به «در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان»، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - خداوند ، منزّه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بينه وبين الجنّة نسبًا .. سبحن الله عمّا يصفون

2 - ساحت خداوند ، منزّه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه ( شریک بودن ) با جن

أصطفى البنات .. و جعلوا بينه وبين الجنّة نسبًا .. سبحن الله عمّا يصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 4 - 6

6 - منزّه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد الله أن يتّخذ ولدًا .. سبحنه

ص: 155

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 10، 11

10 - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

11 - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 3

3 - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه و مبرا است .

یسّبحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 3

3 - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزّه و مبرا است .

یسّبحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 31 - 10

10 - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواسته و در حق آنان روا نداشته است .

و ما اللّٰه یرید ظلماً للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 14، 7

7 - خداوند ، مبرا از هر شریک و همانند

قل أنتم لتكفرون .. تجعلون له أندادًا

از استفهام در «أنتم» مطلب بالا استفاده می شود.

14 - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلک ربّ العلمین

تعبیر «ذلک» که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 46 - 4

4 - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

و ما ربک بظلمٍ - م للعبيد

ص: 156

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 9

9 - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ .. و لئن أذقته رحمه ... و إذا أنعمنا علی الإنسان ... و إذا مس

از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده؛ ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 7

7 - لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخّر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 5

5 - بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات ، امری شگفت و متناقض

و الذی خلق الأزوج کلّها .. و جعلوا له من عباده جزءاً

عبد و مخلوق خداوند، نمی تواند جزء وجود او به حساب آید؛ زیرا هیچ موجودی نمی تواند خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود باشد. بنابراین دو تعبیر «عباده» و «جزءاً»، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 3

3 - فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند ؛ و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله «لم یعی بخلقهنّ» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 9 - 12

12 - ذات الهی، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقّروه و تسبّحوه

«توقیر» به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. «تسبیح» به معنای منزه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

ص: 157

1- راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

از استفهام انکاری (أفَعِينَا بِالْخَلْقِ)، مطلب بالا استفاده می شود.

4- خداوند ، منزه از کم ترین ظلم و اعمال کیفر های ناروا ، بر بندگان

و ما أنا بظلمٍ - م للعبید

5- کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ . . . و ما أنا بظلمٍ - م للعبید

6- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند \*

و قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ . . . و ما أنا بظلمٍ - م للعبید

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر «قد قَدِّمْتُ . . .» باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

7- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا \*

ما يبدّل القول لدیّ و ما أنا بظلمٍ - م للعبید

برداشت بالا- بدان احتمال است که «و ما أنا بظلامٍ . . .» تعلیل «ما يبدّل . . .» باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی - چون ظلمی نیست - تبدیل قول هم نخواهد بود.

5- آفرینش جهان، با همه گستردگی و عظمت آن، فاقد کم‌ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

«لغوب» به معنای تعب و خستگی می‌باشد.

6- خلقت آسمان‌ها و زمین بدون کم‌ترین زحمت و دشواری، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می‌تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 9

9- خداوند، آراسته به صفات جلال و جمال \*

ص: 158

و یبقی وجه ربک ذو الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذوالجلال»، ناظر به صفات جلال و «الإکرام»، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 78 - 9

9 - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال \*

تبرک اسم ربک ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ذی الجلال» اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و «الإکرام» بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 60 - 3,4

3 - ساحت خداوند ، مبرّا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسبوقین

4 - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص

فسبّح باسم ربک العظیم

«تسبیح» به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 96 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است .



فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

«تسبیح»، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 1 - 1

1 - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 4

4 - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

ص: 159

وصف «القدوس»، در پی «الملك»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرّا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 10

10 - هر یک از مظاهر هستی، گواهی بر مبرّا بودن آفریدگار آن، از هر عیب و کاستی

یسَّبِحُ له ما فی السموت والأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از «تسبیح»، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 1

1 - ساحت خداوند، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است.

سَبِّحُ لِلَّهِ ما فی السموت و ما فی الأرض

«تسبیح» (مصدر «سَبِّحُ») به معنای تنزیه و مبرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 5

5 - ساحت خداوند، مبرّا از هر نقص و عیب

یسَّبِحُ لِلَّهِ ما فی السموت و ما فی الأرض

«تسبیح» (مصدر «یسَّبِحُ») به معنای تنزیه و مبرّا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 3 - 2,4

2 - خدا، نه دارای همسر است و نه فرزند.

ما اتَّخَذَ صَحْبَهُ وَلاَ وَلَدًا

4- همسرگزینی و فرزندداری، دون شأن و منزلت والای خداوند است.

وَ أَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَحْبَهُ وَلاَ وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 26 - 5

5- ساحت خداوند، منزّه از هر عیب و نقص

و سَبَّحَهُ

«تسبیح» (مصدر «سَبَّحَهُ») به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 22 - 9

ص: 160

9 - « علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عزوجل « و جاء ربك و الملك صففاً » فقال : إن الله تعالى لا يوصف بالمجىء و الذهاب تعالى عن الإنتقال إنما يعنى بذلك و جاء أمر ربك و الملك صففاً صففاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند «و جاء ربك و الملك صففاً صففاً» پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والاتر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 3

3 - خداوند ، مبراً و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 6,9,11,15,16

6 - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

الله الصمد

«صمد»؛ یعنی، «مُصَدِّمَت» و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

9 - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

الله الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه «صمد» باشد.

11 - « قال الباقر (ع) حدّثنی ابي زین العابدین عن ابيه الحسين بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهى سُودُهُ و الصمد الذی لا یأکل و لا یشرب و الصمد الذی لا ینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لا یزال ;

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود».

15 - « سأل رجل علياً (ع) عن تفسير هذه السوره فقال : . . . الصمد بلا تبعيض بدد ;

مردی از امام علی (ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . . . صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است».

16 - « قال وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ الْقُرَشِيُّ وَحَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةِ كَتَبُوا إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ . . . ان الله سبحانه قد فسّر الصمد فقال : « الله أحد . الله الصمد » ثم فسّره فقال « لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد » . . . هو الله الصمد الذي لا من شيء و لا في شيء و لا على شيء ;

وهب 152 بن وهب قرشی گوید: که امام صادق (ع) از طریق پدرش امام باقر (ع) از امام سجاد (ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین (ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند؛ امام به آنان نوشت: . . . به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده «الله أحد . الله صمد»، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: «لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد» . . . او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است».

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 3 - 1,2

1 - خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

2 - خداوند ، فرزند کسی نیست .

ولم یولد

### 179- صفات جلال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 7,11,12,26

7 - هیچگاه خواب سبک ( چُرت ) و سنگین ، خداوند را فرامی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

11 - ناسازگاری غفلت از تدبیر عالم با قیومیت خداوند .

الحيّ القيوم لا تأخذه سنه و لا نوم

جمله «لا تأخذه ..» به منزله بیانی است برای صفت «قیوم».

12 - هیچ دگرگونی و تغییری در ساحت قدس خداوندی راه ندارد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

26 - عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیومیت خداوند

الحيّ القيوم .. وسع كرسيه السموات والارض

تمام مطالبی که پس از صفت «القیوم» آمده است، می تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

## 2- صلاح

### 1- آثار صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 7,8

7 - نیکوکار و صالح بودن، از معیارهای فضیلت یافتن پیامبران بر همه جهانیان است.

نجزی المحسنین ... کل من الصالحین ... فضلنا علی العلمین

8 - پیشه ساختن احسان و صلاح، زمینه ساز ارتقای درجه در پیشگاه خداوند است.

نجزی المحسنین ... کل من الصالحین ... فضلنا علی العلمین

چون دو صفت احسان و صلاح به عنوان ممیزات پیامبران در آیات پیشین مطرح شده بود، چنین برمی آید که این دو صفت دارای نقش اساسی در بالا بردن درجه و مقامات معنوی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 7

7 - نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به صراط مستقیم، از ملاکهای گزینش انبیا

کذلک نجزی المحسنین ... کل من الصالحین ... هدینه إلی صراط مستقیم ... آتینهم الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 9

9- صلاح پیشگی، از شرایط لازم برخوردار بودن از عفو و آمرزش خداوند

إن تكونوا صالحین فإنه کان للأوبین غفورًا

### 2- آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 24

24- گرایش به صلاح و جلب رضای الهی، نمودی از کمال عقلی انسان

حتی إذا بلغ أشده و بلغ أربعين سنة قال رب أوزعنی . . . و أن أعمل صلحاً ترضیه

توجه به قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که تعبیر «أربعین سنه» ناظر به بلوغ عقلی است، چه این که

ص: 163



«بلغ اشدّه» می تواند اشاره به بلوغ جسمی داشته باشد. بنابراین آنچه بر سن چهل سالگی انسان در آیه مترتب شده، از کمال عقلی نشأت یافته است.

### 3- آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 7، 1

1- احسان به والدین، روحیه شکر، توبه، صلاح جویی و تسلیم، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به درگاه خدا

أولئك الذين نتقبل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از «أحسن..» می تواند اعمال واجب و مستحب - در قبال اعمال مباح - باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحيات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

7- احسان به والدین، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصینا الإنسن . . . أوزعنی أن أشکر . . . و أن أعمل صلحاً ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه «أولئك» این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

### 4- اهمیت صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 14

14 - صداقت، علم و صلاح، از معیار های انتخاب رفیق

و حسن اولئک رفیقاً

در برداشت فوق، «الشهداء» به معنای عالمان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 27

27 - گرایش طبیعت مردم به صلاح و رعایت عدالت در امور اقتصادی است .

و لا تفسدوا فى الأرض بعد إصلاحها

آنچه در برداشت فوق آمده احتمالی است که درباره «بعد إصلاحها» گفته شده است.

## 5- حقیقت صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 6

6- صلاح ، امری درونی و قلبی و نه صرفاً ظاهری و ادعایی

ص: 164

رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صٰلِحِينَ

«صلاح» نوعی شرط برای پذیرش توبه تلقی شده است. قبل از طرح صلاح و توبه، هشدار داده شده که خداوند به درون شما آگاهی دارد. چنین هشدار می تواند بیانگر این نکته باشد که صلاح امری درونی است.

### 6- زمینه صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 83 - 4

4- دستیابی به اوج صلاح، در پرتو معرفت استوار و حکمت الهی

هَبْ لِي حِكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

مقدم آوردن «حکماً» می تواند اشاره به تقدم رتبی و واقعی آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 18

18- توفیق در ره یابی به صلاح و خودسازی، نیازمند امداد و الهام الهی

قَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ .. وَأَنْ أَعْمَلَ صٰلِحًا

«أوزعني» (از مصدر «ایزاع») به معنای الهام کردن و توفیق و بازداشتن از انحراف است. این خود می رساند که توفیق شکرگزاری و خودسازی را نیز، باید از خداوند طلب کرد و از او الهام گرفت.

### 7- زمینه صلاح اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 123 - 10

10- پیروی از مرام حنیف ( معتدل و بی انحراف ) ابراهیمی، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

وَأَتَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّٰلِحِينَ .. اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرٰهِيمَ حَنِيفٍ

### 8- زمینه صلاح جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

وَأَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ

ص: 165

## 9- عوامل صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 3 - 7

7- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذين كفروا اتبعوا البطل وأنّ الذين آمنوا اتبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن «الحقّ» به «من ربّهم» و مقابله «الحقّ من ربّهم» با «الباطل»، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

## 10- منافقان و صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 8

8 - منافقان ، دارای روحیه اعراض از صلاح و انجام وظیفه

لنكوننّ من الصّالحين . . . و تولوا و هم معرضون

ص: 166

### 3- صلاحیت

#### 1- آثار صلاحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 73 - 5

5- صالح بودن ، شرط دستیابی به مقام امامت است .

كَلَّا جَعَلْنَا صٰلِحِيْنَ . وَ جَعَلْنٰهُم اٰئِمَّة

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند پیش از آن که مقام امامت را برای ابراهیم(ع) و . . . قرار دهد، آنان را صالح گردانید و آن گاه این منصب را به آنان سپرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 10 - 4

4- تأثیر انذارها و اخطارهای به حق ، در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش آن در نهاد آدمی است .

و سواء علیهم ءانذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 3

3- تأثیر انذارها و اخطارهای به حق ، در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش آن در نهاد آدمی است .

إِنَّمَا تَنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ

#### 2- آثار صلاحیت ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 5

5- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادريس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و اِسمعیل . . . و ادخلنهم فی رحمتنا إِنَّمٰنِ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ» تعلیل برای جمله پیشین است؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

ص: 167

### 3- آثار صلاحیت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 5

5- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . . . و أدخلنهم فی رحمتنا إیّهم من الصالحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إیّهم من الصالحین» تعلیل برای جمله پیشین است؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

### 4- آثار صلاحیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 82 - 9

9- صلاح و شایستگی پدر ، دارای نقش مؤثر در سعادت و نیک بختی فرزندان است .

كان أبوهما صلحاً فأراد ربك أن یبلغا أشدهما ویستخرجا كنزهما

### 5- آثار صلاحیت ذوالکفل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 86 - 5

5- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . . . و أدخلنهم فی رحمتنا إیّهم من الصالحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إیّهم من الصالحین» تعلیل برای جمله پیشین است؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

### 6- آثار صلاحیت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 75 - 3



3- صالح و شایسته بودن حضرت لوط (ع)، موجب بهره مندی او از رحمت ویژه خداوند

و أدخلنه فی رحمتنا إته من الصالحین

برداشت یاد شده به خاطر این است که جمله «إته من الصالحین» تعلیل برای جمله «و أدخلناه فی رحمتنا» است.

ص: 168

## 7- آثار صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 10

10 - تأثیر انذارها و اخطارها - هرچند به حق و از جانب حق مداران باشد - در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

## 8- صلاحیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 6،7

6 - انتخاب رسول از سوی خداوند بر اساس علم کامل او به شایستگی رسولان انجام می گیرد.

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

7 - صلاحیت و شایستگی، اساس دستیابی انبیا به مقام رسالت است.

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

## 9- صلاحیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 53 - 4

4 - انسان ها ذاتا شایسته دریافت نعمت های خداوند هستند .

لَمْ يَكْ مَغِيرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضیح آن به دست می آید.

## 10- صلاحیت برای نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - انسان ها ذاتا شایسته دریافت نعمت های خداوند هستند .

لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضیح آن به دست می آید.

6 - فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای تشکلشان امتهایی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فأخذهم الله بذنوبهم . . . ذلك بأن الله لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

از نکاتی که می توان از ارتباط این آیه و آیه قبل به دست آورد این است که فرعونیان و امتهای پیش از آنها در ابتدای تشکلشان امتهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

ص: 169

## 11- صلاحیت پدران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 6

6- صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ... و من صلح من آبائهم و أزوجهم و ذریّتهم

## 12- صلاحیت فرزندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 6

6- صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ... و من صلح من آبائهم و أزوجهم و ذریّتهم

## 13- صلاحیت همسران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 6

6- صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ... و من صلح من آبائهم و أزوجهم و ذریّتهم

## 14- منشأ صلاحیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 72 - 7

7- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاً جعلنا صلحین

## 15- منشأ صلاحیت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 72 - 7

ص: 170

7- دستیابی ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود.

و کلاً جعلنا صلحین

### 16- منشأ صلاحیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 72 - 7

7- دستیابی ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود.

و کلاً جعلنا صلحین

### 17- نقش صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 41

41 - ضرورت آگاهی دقیق به صلاحیت و شایستگی افراد و برآوردن آن در اعطای امتیاز به آنان

ذلک فضل اللّٰه یؤتیہ من یشاء و اللّٰه واسع علیم

مطرح ساختن علم گسترده الهی پس از بیان احسان و تفضل خداوند به زیدگان، می رساند که شناخت و آگاهی، شرطی لازم برای امتیاز دهندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 7

7- رسیدن به مقام نبوت، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیت است.

و لما بلغ أشدّه ءاتینہ حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 4

4- لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

9- هدايت نشدن برخی از مردمان به وسيله پيامبر (صلى الله عليه و آله)، ناشی از فقدان بصيرت، شايستگي ها و زمينه هاى لازم در وجود خود آنان بود؛ نه برخاسته از ضعف تبليغى حضرت رسول (صلى الله عليه و آله)

و ما يستوى الأعمى و البصير . . . الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فى القى

برداشت ياد شده با توجه به اين نکته است كه خداوند در آيات گذشته، كافران را همچون كوردلان و مردگان، فاقد روح حق پذيرى و دل بيدار معرفى کرده بود. آن گاه مسأله ناتوانى پيامبر (صلى الله عليه و آله) در هدايت كردن آنان را مطرح فرمود.

10 - تأثیر تبلیغ و هدایت گری ها - هرچند از سوی پیامبران باشد - در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

و ما یتوی الأعمی و البصیر .. الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 6,7

6 - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّات .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

7 - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنّات .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

صلاحیت ها

### 18- آثار صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 10

10 - تأثیر انذار ها و اخطار ها - هرچند به حق و از جانب حق مداران باشد - در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

### 19- نقش صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 41

41 - ضرورت آگاهی دقیق به صلاحیت و شایستگی افراد و برآوردن آن در اعطای امتیاز به آنان

ذلک فضل اللّٰه یؤتیه من یشاء و اللّٰه واسع علیم

مطرح ساختن علم گسترده الهی پس از بیان احسان و تفضل خداوند به زبندگان، می رساند که شناخت و آگاهی، شرطی لازم برای امتیاز



دهندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 7

7- رسیدن به مقام نبوت ، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیت است .

و لما بلغ أشدهً آتینه حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 75 - 4

ص: 172

4- لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسؤولیت های اجتماعی به آنان

اللّٰه یصطفیٰ من الملائکه رسولاً و من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 22 - 10، 9

9- هدایت نشدن برخی از مردمان به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناشی از فقدان بصیرت، شایستگی ها و زمینه های لازم در وجود خود آنان بود؛ نه برخاسته از ضعف تبلیغی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)

و ما یتوی الأعمی و البصیر . . . الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیات گذشته، کافران را همچون کوردلان و مردگان، فاقد روح حق پذیری و دل بیدار معرفی کرده بود. آن گاه مسأله ناتوانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در هدایت کردن آنان را مطرح فرمود.

10- تأثیر تبلیغ و هدایت گری ها - هرچند از سوی پیامبران باشد - در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

و ما یتوی الأعمی و البصیر . . . الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 7، 6

6- صلاحیت و شایستگی، شرط ورود پدران، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ . . . و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

7- صلاحیت و شایستگی، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ . . . و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

ص: 173

#### 4- صلح

##### 1- صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 8

8 - اسلام، آیین صلح طلب

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

اسلام، حرمت ماههای حرام را - که پیش از آن مرسوم بود - تأیید کرده است.

##### 2- آثار صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 1 - 2،3،7

2- صلح حدیبیه، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

بنابراین که مراد از «فتحاً» صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

3- نقش مهم صلح حدیبیه، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق «فتح مبین» بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

7 - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

مراد از «فتح»، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی «فتحننا» در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروختن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لیغفر لک الله ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

ص: 174

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از «غفران» و «ذنب» معنای رایج آن نیست؛ زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و باز شناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

2- صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ

منظور از «ما تقدّم» و «ما تأخّر»، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

6- صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . . . وَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق «فتح مبین» بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

7- نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . . . وَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ

«یتّم نعمته» بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) داد؛ یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود؛ اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 3 - 1

1 - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . . . وَ يَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا

«ینصر. . .» بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر «فتح مبین» مترتب گشته است؛ یعنی، «فتح مبین» همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مؤمنان، قبل از صلح حدیبیه، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی \*

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

4 - صلح حدیبیه، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا . . . هو الذی أنزل السکینه

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد؛ از ارتباط «أنزل السکینه» با «إِنَّا فَتَحْنَا . . .» احتمال مطلب بالا می رود.

5 - مؤمنان، پس از صلح حدیبیه، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . . . هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به

راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب‌ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را «فتح مبین» نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 6.9

6 - صلح حدیبیه، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان، در تنگنا و رنج \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا . لِيَغْفِرَ ... لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ

در صورتی که «یعدّب...» با صدر سوره (إِنَّا فَتَحْنَا...) در ارتباط باشد؛ احتمال می‌رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد؛ بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

9 - رخداد صلح حدیبیه، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت‌های اسلام \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا . لِيَغْفِرَ لَكَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه «و یعدّب...» عطف بر «لیغفر لک...» باشد؛ آیه شریفه می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می‌پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 18

18 - سفر حدیبیه، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ ... فَاَسْتَغْفِرُ لَنَا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی‌های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می‌شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده‌ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 3

3 - وعده الهی به مسلمانان، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن، پس از صلح حدیبیه

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 18، 12، 11، 4

4 - غنایم خیبر، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان، پس از حدیبیه

وعدکم الله... فعجل لكم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و «هذه» اشاره به غنایم خیبر دارد.

11 - صلح حدیبیه، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

ص: 176



وعدکم اللّٰه .. فعجل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هذه» اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛ اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

12 - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجل لکم هذه و کفّ ایدی الناس عنکم

ممکن است «هذه» اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و «کفّ..» مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

18 - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام\*

ولتکون اایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

مراد از «صراط مستقیم» شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 10،12

10- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنات لم تعلموهن

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

12- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن ؛ اما مخفی در قلب محیط شرک ( مکه )

و لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهن

تعبیر «لم تعلموهن»، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 15

15 - تثبیت روح تقوا در پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، در جریان حدیبیه به اراده الهی

وألزمهم کلمه التقوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 17، 16، 5

5- منتهی شدن سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام ، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت \*

لقد صدق الله

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

16- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

ص: 177

«ذلک» اشاره به «لتدخُلنَّ» و «فتحاً قریباً» نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

17- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلک فتحاً قریباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 4

4 - اقدام برخی از زنان مؤمن، به هجرت از مکه به سوی مدینه، پس از پیمان حدیبیه

یا ایها الذین ءامنوا

آیه شریفه - بر اساس شأن نزول - پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

### 3- احکام صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 5, 4, 2

2- لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است.

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف «الی» متعدی می شود. بنابراین آوردن «لام» پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای «قصده» تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمة فاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

4 - جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد.

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

ب---رداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه «إن جنحوا ...» استفاده می شود.

5 - پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطة قدرت و مسؤولیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری است.

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد خطاب «فاجنح» قرار گرفته است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 6

6- جواز صلح با دشمن، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

در صورتی که «و أنتم الأعلون» بیانگر مورد نهی باشد؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب بالا استفاده می شود؛ یعنی، در صورت برتری قوای سپاه اسلام، صلح با دشمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صلح بی مانع است.

ص: 178

#### 4- اسلام و صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 8

8 - اسلام ، آیین صلح طلب

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

اسلام، حرمت ماههای حرام را - که پیش از آن مرسوم بود - تأیید کرده است.

#### 5- اهداف صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 3

3 - مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند . \*

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

#### 6- اهمیت صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 14

14 - جایگاه مهم حفظ روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

ألا الذين يصلون الى قوم بينكم وبينهم ميثاق .. والقوا اليكم السلم فما جعل ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 9

9 - جایگاه مهم روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

فان لم يعتزلوكم و يلقوا اليكم السلم . . . فخذوهم و اقتلوهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 2 - 35

35 - اسلام ، فراخوان مردم به برقراری صلح و امنیت اجتماعی در میان خویش \*

يأبها الذين ءامنوا . . ان تعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 16 - 2

ص: 179

2 - خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه های سلامت ، امنیت و صلح ، به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

مقصود از ضمیر «به»، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می تواند باشد. زیرا پیامبر (نور) و قرآن (کتاب مبین) پیگیر هدفی واحد هستند و به منزله یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 7

7 - توجه به خدا و اتکا به او امری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا... و توکل علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 18

18 - ایجاد صلح و امنیت از اهداف پیامبران الهی است .

والسلم علی من اتبع الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 9 - 8، 4، 1

1 - مسلمانان ، موظف به برقراری صلح و از میان بردن جنگ ها و درگیری های داخلی گروه های مسلمان

و إن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بینهما

4 - در جریان درگیری و جنگ دو گروه از مسلمانان ، نخست باید آنان را به مسالمت واداشت و در مرحله بعد با متجاوز برخورد کرد .

و إن طائفتان... فأصلحوا... فإن بغت

8 - گردن نهادن گروه های مؤمن متخاصم به صلح ، تکلیفی الهی است .

فقتلوا الّتی تبغی حتّی تقیء إلی أمر الله

تعبیر «إلی أمر الله» - به جای تعبیر «إلی السلم» - بیانگر این معنا است که دستور صلح و مسالمت، صرفاً رهنمود اخلاقی نیست؛ بلکه

تکلیفی شرعی است.

## 7- اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 12

12 - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

و من أوفى . . . فسیؤتیه أجراً عظیماً

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید «فسیؤتیه. . .» بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

ص: 180



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 13

13 - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک . . . و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از «فتحاً قریباً» - به قرینه سیاق آیات - صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

### 8- بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجهلیة

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

### 9- تقدم صلح بر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 2، 1

1 - جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

2- لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف «الی» متعدی می شود. بنابراین آوردن «لام» پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای «قصد» تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمة قاصدين لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

### 10- توکل بر خدا در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 7,8

7 - توجه به خدا و اتکا به او امری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

وإن جنحوا... و توکل علی اللّٰه

8 - توکل بر خدا در پذیرش صلح ، موجب عقیم ماندن اهداف پنهانی کافران از پیشنهاد صلح

فاجنح لها و توکل علی اللّٰه

ص: 181

## 11- دشمنان صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 208 - 13

13 - هشدار الهی بر اینکه شیطان، عامل ایجاد تفرقه و مخالف صلح و وحدت جامعه ایمانی است.

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین

## 12- ذکر خدا در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 7

7 - توجه به خدا و اتکا به او امری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

وإن جنحوا... و توکل علی الله

## 13- رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجهلیّه

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

## 14- زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 10

10 - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلفون

با توجه به «سین» در «سیقول» و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

ص: 182

## 15- زمینه صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 16، 3

3 - صلح و صفای اجتماعی ، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزا ، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ . . . لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْ

16 - صلح ، برادری و صفای اجتماعی ، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزاگری ، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ . . . لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْ

## 16- زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 7

7 - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا . و مغانم کثیره ... و كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

از ارتباط «كان الله..» با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

## 17- سرزمین های صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 27 - 5

5 - امکان تعلق گرفتن سرزمین هایی ، بدون درگیری نظامی ، به مسلمانان ، به عنوان غنایم

وَأُورِثْكُمْ . . . وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّهَا

## 18- شرایط صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 16

16 - جنگ اهل ایمان و نیز صلح آنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

فان اعتزلوكم .. فما جعل الله لكم عليهم سييلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 91 - 14

14 - جنگ و صلح مؤمنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

و اولئكم جعلنا لكم عليهم سلطاناً مبيناً

ص: 183

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 2

2- لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است.

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف «الی» متعدی می شود. بنابراین آوردن «لام» پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای «قصد» تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمة قاصدين لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 62 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند.

وإن یزیدوا أن یخدعوك فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «و ان یزیدوا ..» فرض دیگری در مقابل «إن جنحوا» باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و ان یزیدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 6

6- جواز صلح با دشمن، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلا تهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

در صورتی که «و أنتم الأعلون» بیانگر مورد نهی باشد؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب بالا استفاده می شود؛ یعنی، در صورت برتری قوای سپاه اسلام، صلح با دشمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صلح بی مانع است.

## 19- شرایط صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توجه به خدا و اتکا به او امری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

وإن جنحوا... و توکل علی اللّٰه

ص: 184



## 20- صلح با غیر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 4

4 - بستن پیمان صلح با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

وإن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم

## 21- صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 62 - 1

1 - احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

وإن یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس که «إن یریدوا . . .» توضیحی باشد برای «فاجنح لها». یعنی ای پیامبر(صلی الله علیه و آله) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبدا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه 58 معلوم می شود اگر قرآن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 6، 5، 4، 2، 1

1 - جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

2- لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف «الی» متعدی می شود. بنابراین آوردن «لام» پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای «قصد» تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة فاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

4 - جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

وإن جنحوا للسلام فاجنح لها

ب---رداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه «إن جنحوا ..» استفاده می شود.

5 - پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطة قدرت و مسؤولیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری است .

وإن جنحوا للسلام فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد خطاب «فاجنح» قرار گرفته است، استفاده شده است.

6 - احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

وإن جنحوا للسلام فاجنح لها و توکل علی الله

حرف لام در «للسلم» گویای این است که باید احراز شود که کافران در پیشنهاد صلح در صدد حيله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حيله گری باز دارد.

ص: 185

مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

## 22- صلح با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 9

9- صلح با مشرکان، در شرایط سخت و دشوار مکه، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

فتحنا لك فتحًا .. و يتمّ نعمته عليك و يهديك صراطًا مستقيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 17

17- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

## 23- صلح با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 2

2- تن دادن مکیان به صلح، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

## 24- صلح بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

ص: 186

## 25- صلح در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 9

9- بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیازها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ جُجُوعًا... اهبطا... بعضكم لبعض عدوٌ

چون موضوع دشمنی به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده. چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم(ع) (بهشت) چنین عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

## 26- صلح طلبی ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 2

2- پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت ، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا

## 27- صلح طلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 10، 11

10 - ادعای نیکوکاری ، مُدارا و صلح جویی ، توجیه ناروای منافقان در مورد مراجعه به حکم طاغوتی

یریدون ان یتحاكموا الی الطّاغوت . . ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

11 - ادعای نیکوکاری و صلح جویی از شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 4

4- دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما فى قلوبهم

## 28- صلح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 187

8 - مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير

جواب شرط «انتهوا» به قرینه «قتلوهم» جمله ای همانند «فلا تقاتلوهم» است ; یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوند به اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

### 29- عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 18

18 - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام \*

و لتكون آية للمؤمنين و يهديكم صراطاً مستقيماً

مراد از «صراط مستقیم» شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

### 30- عوامل صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 16 - 19، 7، 1

1 - خداوند کسانی را که در پی جلب رضایت اویند در راه های سلامت ، امنیت و صلح قرار می دهد .

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

مراد از هدایت، رساندن به راههای سلامت است، نه فقط راهنمایی به آن. چون صرف راهنمایی برای همه انسانها موجود است، چه در پی رضایت الهی باشند و یا نباشند.

7 - صلح و امنیت ، در سایه هدایت های انبیای الهی

یهدی به الله من اتبع رضونه سبل السلم

19 - دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

يا هاهل الكتاب قد جاءكم رسولنا .. يهديهم إلى صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 19

19 - ادیان الهی ، هدایتگر مردم و وسیله رسیدن آنان به صلح و امنیت است .

والسلم علی من اتبع الهدی

ص: 188



### 31- فسخ معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 4,5

4 - اعلام الغای اعتبار پیمان صلح به طرف معاهده لازم است .

براهه . . . إلى الذین عهدتم

5 - لغو اعتبار پیمان های صلح و عدم تعرض ، از اختیارات رهبر جامعه اسلامی است .

براهه من اللّٰه ورسوله إلى الذین عهدتم

### 32- فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 22, 20, 15

15- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جان مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون . . . أن تطوهم

20- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لیدخل اللّٰه فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله «لیدخل . . .» با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا «لیدخل . . .» غایت برای جواب محذوف است؛ یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

22- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیروهای فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال . . . لیدخل اللّٰه فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد؛ زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را می یابند.

### 33- قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام\*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

ص: 189

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 3

3 - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر «فمن نكث..» بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 13، 14، 9، 2، 1

1 - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره «فتح مبین» (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

2 - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) تخلف کرده بودند .

سيقول لك المخلفون من الأعراب

9 - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

13 - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیت درونی آنان

سيقول .. فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر «يقولون..» در رابطه با «شغلتنا أموالنا و أهلونا» باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

14 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. يقولون بألسنتهم

عذرآوری «مخلفون» و رد عذر آنان از سوی خداوند، می‌رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 3

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان \*

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم

تعبیر «إلى أهليهم»، این احتمال را تقویت می‌کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

3 - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 3

ص: 190

3 - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر \*

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

تویخ شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول تویخ خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 9، 3، 2، 1

1 - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

2 - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

3 - «بیعت رضوان» ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

4 - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند \*

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر «رضی الله عن المؤمنین» - به جای تعبیر «رضی عن بیعتکم» - این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان - علاوه بر عملشان - مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

9 - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر «فأنزل السکینه» وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

3 - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبیه، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سَنَّهُ اللَّهُ .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکه

6 - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان، قبل از انعقاد صلح حدیبیه \*

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از «بطن مکه» سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر «من بعد أن أظفر» بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

10 - امداد های الهی در حق مؤمنان، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه \*

و کان الله بما تعملون بصیراً

ارتباط «کان الله..» با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 3,5

3- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدوکم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً أن يبلغ محله

5- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در « عمره القضا » ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه \*

هم الذین کفروا و صدوکم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته را به یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 7,9,10

7 - نزول آرامش بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب و رزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

9 - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول «آرامش» استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجهلیه

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 3,14

3- نقش مهم رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

14- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است؛ به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

ص: 192



## 34- معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 5

5 - انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجدالحرام

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 12 - 10، 8، 4، 2، 1

1 - انعقاد پیمان صلح ، میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان عصر بعثت

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

2 - شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

4 - بستن پیمان صلح با جوامع غیر مسلمان ، جایز است .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

8 - خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

وإن نكثوا أيمانهم ... فقتلوا أئمة الكفر

10 - طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقتلوا

## 35- معاهده صلح در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 6

6 - وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 13 - 3

3 - وجود پيمان صلح ميان مسلمانان صدر اسلام و مشركان

قوماً نكثوا أيمانهم

### 36- مغضوبيت صلح ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - حجرات - 49 - 9 - 15

ص: 193

15 - صلح ناعادلانه - مبتنی بر مماشات با متجاوز - مورد تأیید و رضایت الهی نیست .

فإن بغت... فأصلحوا بينهما بالعدل... إن الله يحبّ المقسطين

از مفهوم آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

### 37- مکر در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 61 - 2

2- لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

وإن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف «الی» متعدی می شود. بنابراین آوردن «لام» پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای «فصد» تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمة قاصدين لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 62 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

وإن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «و ان یریدوا...» فرض دیگری در مقابل «إن جنحوا» باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و ان یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

### 38- منشأ صلح اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 2

2- تن دادن مکیان به صلح، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ . . . هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

ص: 194

### 39- منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 14

14 - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذ يباعدونك تحت الشجرة... فأنزل السكينة عليهم وأثبهم فتحاً قريباً

عبارت «فتحاً قريباً» ممکن است اشاره به «فتحاً مبيناً» (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 1

1 - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذى كفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 16

16- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً

«ذلك» اشاره به «لتدخلن» و «فتحاً قريباً» نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

### 40- نعمت صلح با اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 4

4- درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در «عمره القضا» ، نعمتی مهم برای اهل ایمان\*

و هو الذى كفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر «ببطن مکه» اشاره به «عمره القضا» داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

#### 41- نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 5,6,9

5- صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لیغفر لک الله . . . و یتّم نعمته علیک

«یتّم نعمته» بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

ص: 195

6- صلح حدیبیه، پایانی بر خصومت‌ورزی بی‌امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا... وَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق «فتح مبین» بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

9- صلح با مشرکان، در شرایط سخت و دشوار مکه، نعمتی بزرگ و راه‌گشای حرکت‌های سرنوشت‌ساز بعدی پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا... وَ يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می‌رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت‌های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

#### 42- نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 22 - 2

2- مسلمانان، قادر به دفع هجوم کافران، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ \*

و لو قتلکم الذین کفروا لو لّوا الأذبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «لوقاتکم» نظر به گذشته داشته باشد؛ یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد؛ اما اگر این صلح هم صورت نمی‌گرفت و کافران به نبرد با شما بر می‌خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را منهزم می‌ساختید.

#### 43- نقض معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 1 - 1

1 - ابطال اعتبار پیمان‌های صلح مسلمانان صدر اسلام از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پی نقض آن توسط مشرکان معاهد

براه من اللّٰه ورسوله إلی الذین عهدتم من المشرکین

«برائت» به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. متعلق «برائت» - به قرینه «الذین عهدتم» - پیمانهای منعقد شده میان مسلمانان صدر

اسلام و مشركان است. اعلام جدا شدن و فاصله گرفتن از عهد و پيمان كنايه از الغا و بى اعتبار نمودن آن است.

صلح حديبيه

#### 44- {صلح حديبيه}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 1 - 9

ص: 196



9 - « فی روایه طویلہ عن الصادق (ع) انہا نزلت بعد الصلح فی الحدیبیہ ;

در یک روایت طولانی از امام صادق (ع) روایت شده که آیه فتح بعد از صلح حدیبیہ، نازل شده است».

#### 45- آثار صلح حدیبیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 1 - 2,3,7

2- صلح حدیبیہ ، فتحی بزرگ و موهبتی الہی برای پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

بنابراین که مراد از «فتحاً» صلح حدیبیہ باشد، برداشت بالا به دست می آید.

3- نقش مهم صلح حدیبیہ ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) و مسلمانان \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیہ در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق «فتح مبین» بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

7 - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیہ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از «فتح»، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی «فتحننا» در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 1,2,6,7

1 - صلح حدیبیہ ، مایه شوکت اسلام و فروختن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ)

ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از «غفران» و «ذنب» معنای رایج آن نیست؛ زیرا ربطی میان صلح حدیبیہ و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیہ، زمینه نشر دعوت پیامبر (صلی اللہ

علیه و آله) و بازشناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

2 - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا . لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ

منظور از «ما تقدّم» و «ما تأخّر»، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

6 - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا . . . وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق «فتح مبین» بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

7 - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

ص: 197

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . . . وَبِتَمِّ نِعْمَتِهِ عَلَيْكَ

«یتّم نعمته» بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) داد؛ یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود؛ اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 3 - 1

1 - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا . . . وَيَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا

«ینصر. . .» بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر «فتح مبین» مترتب گشته است؛ یعنی، «فتح مبین» همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 3,4,5

3 - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی \*

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

4 - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا . . . هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد؛ از ارتباط «أنزل السکینه» با «إِنَّا فَتَحْنَا. . .» احتمال مطلب بالا می رود.

5 - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . . . هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را «فتح مبین» نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - صلح حدیبیه، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان، در تنگنا و رنج \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ

در صورتی که «یعدّب. ..» با صدر سوره (إِنَّا فَتَحْنَا...) در ارتباط باشد؛ احتمال می رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد؛ بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

9 - رخداد صلح حدیبیه، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام \*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه «و یعدّب. ..» عطف بر «لیغفر لک...» باشد؛ آیه شریفه می تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه،

نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 18

18 - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لك المخلفون .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 3

3 - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا تتبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 18، 12، 11، 4

4 - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدكم الله .. فعجل لكم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و «هذه» اشاره به غنایم خیبر دارد.

11 - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدكم الله .. فعجل لكم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هذه» اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛

اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

12 - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

ممکن است «هذه» اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و «كفّ..» مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

18 - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام\*

و لتكون آية للمؤمنين ويهديكم صراطاً مستقيماً

مراد از «صراط مستقیم» شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 199

10- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

12- پی بردن مسلمانان، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن؛ اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون... لم تعلموهم

تعبیر «لم تعلموهم»، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - تثبیت روح تقوا در پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- منتهی شدن سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت \*

لقد صدق الله

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

16- صلح حدیبیه، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام، با امنیت و آرامش

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَعَجَلْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا قَرِيبًا

«ذلک» اشاره به «لتدخلن» و «فتحاً قریباً» نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

17- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلک فتحاً قریباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 4

4 - اقدام برخی از زنان مؤمن، به هجرت از مکه به سوی مدینه، پس از پیمان حدیبیه

یأیها الذین ءامنوا

آیه شریفه - بر اساس شأن نزول - پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

ص: 200



## 46- اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 12

12 - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

و من أوفى . . . فسیؤتیه أجراً عظیماً

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید «فسیؤتیه. . .» بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 13

13 - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّٰه عن المؤمنین إذ یبایعونک . . . و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از «فتحاً قریباً» - به قرینه سیاق آیات - صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

## 47- زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 10

10 - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلفون

با توجه به «سین» در «سیقول» و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

## 48- زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 7

7- صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان الله عزیزًا حکیمًا

از ارتباط «کان الله ..» با آیه قبل ، مطلب بالا استفاده می شود.

#### 49- عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 18

ص: 201

18 - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام \*

و لتكون آية للمؤمنين و يهدیکم صراطاً مستقیماً

مراد از «صراط مستقیم» شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

## 50- فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 22، 20، 15

15- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جان مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون . . . آن تطوهم

20- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لیدخل الله فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله «لیدخل . . .» با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا «لیدخل . . .» غایت برای جواب محذوف است؛ یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

22- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیروهای فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال . . . لیدخل الله فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد؛ زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را می یابند.

## 51- قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 1 - 4

4- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام \*

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتوحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 10 - 3

3 - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر «فمن نكث..»

ص: 202

بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 13، 14، 9، 2، 1

1 - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سیقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره «فتح مبین» (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

2 - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) تخلف کرده بودند .

سیقول لك المخلفون من الأعراب

9 - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سیقول لك المخلفون من الأعراب . . . فاستغفر لنا

13 - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیت درونی آنان

سیقول . . . فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر «یقولون. . .» در رابطه با «شغلتننا أموالنا و أهلونا» باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

14 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه ) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لك المخلفون من الأعراب . . . یقولون بألسنتهم

عذرآوری «مخلفون» و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 3، 2

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان \*

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أھلھم

تعبیر «إلى أھلھم»، این احتمال را تقویت می کند کہ خانواده سپاہ اسلام در مدینہ باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

3 - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) ، در سفر حدیبیہ

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أھلھم أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 3

3 - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیہ ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر \*

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

تویخ شدید متخلفان از سفر حدیبیہ در آیات گذشتہ و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است کہ مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند کہ مشمول تویخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، بہ رفع این نگرانی آنان پرداختہ است.

ص: 203

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 1,2,3,4,9

1 - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

2 - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

3 - «بیعت رضوان» ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

4 - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند \*

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر «رضی الله عن المؤمنین» - به جای تعبیر «رضی عن بیعتکم» - این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان - علاوه بر عملشان - مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

9 - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر «فأنزل السکینه» وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 3,6,10

3 - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سَنَّهُ اللَّهُ .. و هو الذی کَفَّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

6- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه \*

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از «بطن مکّه» سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر «من بعد أن أظفر» بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

10 - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه \*

و کان الله بما تعملون بصیراً

ارتباط «کان الله..» با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 3,5

3- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً أن یبلغ محله

ص: 204



5- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در « عمره القضا » ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه \*

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجد الحرام و الهدى معكوفاً

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته را به یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10، 9، 7

7 - نزول آرامش بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين

9 - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

فأنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين

از نزول «آرامش» استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجهليّة

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 14، 3

3- نقش مهم رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءيا بالحقّ لتدخلن المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

14- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است؛ به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

## 52- منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 14

14 - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذ يباعدونك تحت الشجرة ... فأنزل السكينة عليهم وأثبهم فتحًا قريبًا

ص: 205

عبارت «فتحاً قریباً» ممکن است اشاره به «فتحاً مبیناً» (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 1

1 - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مگّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 16

16- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحاً قریباً

«ذلک» اشاره به «لتدخلن» و «فتحاً قریباً» نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

### 53- نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 5,6,9

5 - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لیغفر لک الله . . و یتّم نعمته علیک

«یتّم نعمته» بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

6 - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان

إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً . . و یتّم نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق «فتح مبین» بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

9 - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

فتحننا لک فتحًا . . . و یتّم نعمته علیک و یهدیک صرطًا مستقیمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیمًا).

#### 54- نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 22 - 2

ص: 206

2- مسلمانان، قادر به دفع هجوم کافران، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ \*

و لو قتلکم الذین کفروا لولوا الأذیر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «لوقاتلکم» نظر به گذشته داشته باشد؛ یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد؛ اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما بر می خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را منهزم می ساختید.

صلح نامه

### 55- بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن «بسمله» و عنوان «رسول الله» در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجهلیة

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

### 56- رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن «بسمله» و عنوان «رسول الله» در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجهلیة

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

صلح نامه حدیبیه

### 57- {صلح نامه حدیبیه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 2,3

2 - عدم شمول « عهدنامه حدیبیه » نسبت به بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به اهل مکه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ

از شأن نزول استفاده می شود که آیه شریفه، به مضمون پیمان حدیبیه نظر دارد. طبق این پیمان مؤمنان مدینه ملزم بودند تا کسانی که پس از آن تاریخ، از مکه به مدینه هجرت می کنند، به مکیان عودت دهند.

3 - عهدنامه حدیبیه ، شامل پیمان مسلمانان با اهل مکه در استرداد مهاجران آتی به آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ

با استفاده از شأن نزول، از مفهوم آیه دانسته می شود که آنچه در مضمون عهدنامه آمده است، تنها شامل مردان می باشد.

ص: 207

بنابراین مسأله استرداد مهاجرین، امری مسلّم بوده است.

### 58- بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

### 59- رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 10

10 - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن « بسمله » و عنوان « رسول الله » در متن صلحنامه حدیبیه \*

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

1- آثار قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 11

11- رعایت نکردن عدالت در جامعه، خودداری از احسان و قطع رابطه با خویشاوندان، زمینه ساز رواج فحشا، بزهکاری، ستم و سرکشی در جامعه است.\*

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر و

برداشت فوق، از مقابله عدل و... با فحشا و... استفاده گردید؛ یعنی، اگر عدل و... در جامعه باشد، زمینه رواج فحشا و... از بین می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 2

2- فسادگری در زمین و گسستن از خویشاوندان، موجب خشم و نفرین الهی

تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم . أولئک الذین لعنهم الله

2- اهمیت صلہ رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 12

12 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «قال لی أبی علی بن الحسین . . . إیاک و مصاحبه القاطع لرحمه . . . قال الله عز و جل » الذین . . . یقطعون ما امر الله به أن یوصل . . . أولئک هم الخاسرون » ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: . . . از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز . . . خدای عز و جل فرمود: «آنان که . . . قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده . . . اینانند زیانکاران».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 16,20



16 - لزوم اهتمام و توجه به خویشاوندان (صله رحم)

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ

ص: 209

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هی ارحام الناس، ان الله عز و جل امر بصلتها و عظمتها الا ترى انه جعلها معه.

کافی، ج 2، ص 150، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 437، ح 25.

20 - هشدار خداوند به مردمان بی تقوا و قاطع رحم

و اتقوا الله... و الارحام ان الله کان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 2,5

2- عدل، احسان و صله رحم، از مهم ترین دستورات هدایتی قرآن است.

و نزلنا علیک الکتب... ان الله یأمر بالعدل و الاحسن و ایتای ذی القربی

خداوند، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

5- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است.

ان الله یأمر... و ایتای ذی القربی

### 3- زیان قطع صله رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 27 - 12

12 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «قال لی ابي علی بن الحسین... ایاک و مصاحبه القاطع لرحمه... قال الله عز و جل «الذین... یقطعون ما امر الله به ان یوصل... اولئک هم الخاسرون»؛

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: ... از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز... خدای عز و جل فرمود: «آنان که... قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده... اینانند زیانکاران».

### 4- سرزنش قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

24- ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

### 5- عوامل قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 11

ص: 210

11- سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، بر اثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه ليس من أهلک إنه عمل غیر صلح

### 6- قطع رحم در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 11

11- سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، بر اثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه ليس من أهلک إنه عمل غیر صلح

### 7- گناه قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 25 - 13

13- « دخل عمرو بن عبید علی ابی عبدالله (ع) فلما سلّم و جلس . . . قال : أحبّ أن أعرف الكبائر من کتاب الله عزوجل ، فقال : . . . منها : . . . نقض العهد و قطیعه الرحم لأن الله عزوجل يقول : « أولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار » . . . »

عمرو بن عبید بر امام صادق (ع) وارد شد و بعد از سلام نشست . . . و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود: . . . یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ؛ چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 10

10- « قطع رحم » ، گناهی بزرگ و در ردیف فسادانگیزی در زمین

تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

از این که «تقطّعوا أرحامکم» در کنار «تفسدوا فی الأرض» قرار گرفته و از میان همه گناهان اختصاص به ذکر یافته است؛ بزرگی گناه آن استفاده می شود.

### 1- اهمیت صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 11 - 4

4 - توصیه به انجام کار صنعتی و متناسب و به اندازه عمل کردن در آن ، از جمله تعالیم دینی و در قلمرو آن

أن اعمل سبغت و قدر فی السرد

### 2- اهمیت صنعت کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 41 - 4

4 - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءایه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

### 3- تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 3

3- صنعت زره سازی ، از دستاورد های داوود (ع) است .

داود . . . و علّمه صنعہ لبوس

با توجه به این که آیات در مقام بر شمردن ویژگی های پیامبران و نیز لطف خاص خداوند به داوود(ع) است، چنین استفاده می شود که این صنعت سابقه نداشته است و در غیر این صورت، ذکر این مورد چندان مناسبی نداشت.

#### 4- تاریخ صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 37 - 5

5- کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 6

6- مردم عصر بعثت آشنا با گداختن و ذوب فلزات در کوره های آتش ، برای تهیه زیورآلات و اسباب زندگی

و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه أو متع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 96 - 10

10- صنعت ذوب فلز ، در تمدن زمان ذوالقرنین ، وجود داشته است .

قال انفتحوا حتّی إذا جعله نارا قال ءاتونی أفرغ علیه قطرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 12

12 - صنعت شیشه و استفاده از آن برای روشنایی ، در عصر بعثت وجود داشت .

فی زجاجه الزجاجه کأنّها کوکب دری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 7

7- وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجه . . . قال إنه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب پندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 11 - 6

6 - وجود صنعت آهنگری و ساخت و ساز ابزار آهنی در عصر داوود (ع)

أن اعمل سبغت و قدر فی السرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 8

8 - وجود صنعت مسگری در دوران سلیمان (ع)

و أسلنا له عین القطر

ص: 213

«قطر» به معنای نوعی مس مذاب است (مفردات راغب و المنجد). گفتنی است که «اساله» (مصدر «أسلنا») به معنای سیلان و جریان است و کاربرد آن در اشیای جامد، معنای ذوب را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 140 - 3

3 - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 6

6 - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطن کلّ بناء و غواص

### 5- صنعت در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 7

7 - وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجه . . . قال إنه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب پندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

### 6- صنعت ذوب فلز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 96 - 10

10- صنعت ذوب فلز ، در تمدن زمان ذوالقرنین ، وجود داشته است .

قال انفخوا حتى إذا جعله نارا قال ءاتونی أفرغ علیه قطراً



## 7- صنعت سد سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 16 - 4

4 - مردم سبا ، از صنعت سدسازی برخوردار بودند و با آن ، آب ذخیره می کردند .

فأرسلنا عليهم سيل العرم

ص: 214

## 8- عوامل موثر در انتقال صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 11

11- نقش پیامبران در انتقال صنعت و علوم تجربی به انسان

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

## 9- منشأ رشد صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 32 - 7

7- پیشرفت صنعت و تمدن بشری ، در عین انتساب به بشر ، ناشی از اراده و قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

ص: 215

## 7- صورت

### 1- بریانی صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 29 - 18

18- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

### 2- پیدایش صورت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 8 - 3

3 - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل اعضای او است .

فی أیّ صوره ما شاء ربّک

جمله «فی أیّ صوره ..» مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله «فعدلک» در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

### 3- چرخش صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 66 - 1

1 - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لا یجدون ولیّاً .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که «یوم» ظرف برای «لا یجدون» باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

### 4- حساسیت صورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



3- صورت انسان دارای حساسیت و موقعیتی خاص در میان سایر اعضای وی است .

یوم تقلب وجوههم

اختصاص به ذکر «وجه» از میان سایر اعضای بدن، با این که با به این سو و آن سو گرداندن صورت، اعضای دیگر هم گردانده می شود، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

### 5- درخشندگی صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامت - 75 - 23 - 5

5 - « قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول اللّٰه عزّوجلّ : « وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره » یعنی مشرقه تنتظر ثواب ربّها ;

امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: «وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره» فرمود: یعنی (صورت هایی در آن روز) درخشیده است و در انتظار ثواب پروردگارشان اند.».

### 6- درخشندگی صورت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامت - 75 - 23 - 1

1 - چهره تابناک مؤمنان در روز قیامت ، تنها متوجه خدا بوده و آنان مجذوب جمال اویند .

وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره

تقدیم «إلی ربّها» می تواند برای افاده حصر باشد.

### 7- رنگ صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 102 - 6

6 - مجرمان در قیامت ، با چهره هایی کبود و رنگ باخته محشور خواهند شد . \*

و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

ممکن است مراد از «أزرق» یا «زرقاء» (مفرد «زرقا») رنگ لاجوردی باشد که به آن، کبود آسمانی و یا نیلگون نیز اطلاق می شود. این وصف گرچه غالباً برای توصیف چشم به کار می رود، ولی در غیر چشم نیز کاربرد دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر این اساس است که «زرقاً» بیانگر حالت جسمی مجرمان باشد.

ص: 217

## 8- زشتی صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 1

1 - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه «سوء» مرادف «قبیح» و «سیئه» مقابل «حسنه» است.

## 9- زشتی صورت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 27 - 1

1 - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه «سوء» مرادف «قبیح» و «سیئه» مقابل «حسنه» است.

## 10- زیبایی صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 24 - 2

2 - تالؤ نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نصره النعیم

«تعرف»، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

## 11- سوزاندن صورت بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 4

4 - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فكَبَّتْ وجوههم فی النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از تعبیر «هل تجزون..» تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

ص: 218



## 12- شستن صورت در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 1

1 - وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو)، برای نماز  
إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وایدیکم ... و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

## 13- صورت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 3

3 - چهره انسان در قیامت، نمایانگر فرجام او است .

و جوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 40 - 4

4 - چهره انسان در قیامت، نمایشگر فرجام او است .

و جوه یومئذ علیها غبره

## 14- صورت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2 - انسان های پاک، تذکر پذیر، هدایت جو و خداترس، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزگی . او یدگر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... و جوه یومئذ مسفره

## 15- صورت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزگی . او یدّگر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

ص: 219

## 16- صورت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 61 - 6

6 - کافران و منکران معاد، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد. \*

علی أن نبذل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که «أمثال» در آیه شریفه جمع «مَثَل» و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم؛ برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم». گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 40 - 6

6 - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از «وجوه» در این آیه - به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) - چهره کافران است. در نتیجه مراد از «وجوه» در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

## 17- صورت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 61 - 6

6 - کافران و منکران معاد، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد. \*

علی أن نبذل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که «أمثال» در آیه شریفه جمع «مَثَل» و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم؛ برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم». گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

## 18- صورت اخروی موعظه پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2- انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزگی . اویذگر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

ص: 220

## 19- صورت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 40 - 6

6 - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از «وجوه» در این آیه - به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) - چهره کافران است. در نتیجه مراد از «وجوه» در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

## 20- صورت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2 - انسان های پاک ، تذکرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکی . اویذّکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

## 21- صورت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 8 - 1,5

1 - خداوند ، شکل هر انسان را مطابق خواست خویش ، ترسیم کرده است .

فی آیّ صوره ما شاء رگّبک

5 - هیئت و سیمای هر انسان ، جلوه گاه کرم و ربوبیت الهی است .

بربّک الکریم . . . فی آیّ صوره ما شاء رگّبک

## 22- صورت انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- حیات مجدد انسان ها در قیامت ، با دمیده شدن در صورت های آنان \*

ونفخ فی الصور

«صور» در احتمالی ضعیف به معنای صورت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 24 - 3

3 - چهره های انسان ها در قیامت ، بیانگر فرجام آنها است .

ص: 221

### 23- صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 104 - 1,2

1 - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

«لَفَّحَ» (مصدر «تلفح») به معنای سوزاندن است؛ یعنی، «آتش، چهره های آنها را می سوزاند». گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

2 - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

«کالح» (مفرد «کالحون») به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 108 - 7

7 - «عن حذیفه ان النبی قال : إنَّ الله إذا قال لأهل النار «اخشنوا فیها و لا تکلمون» عادت وجوههم قطعه لحم لیس فیها أفواه و لا مناخیر تردّد النفس فی أجوافهم ;

حذیفه از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده [که آن حضرت فرمود:] آن گاه که خداوند به اهل آتش می گوید: «اخشنوا فیها و لا تکلمون». صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می کند».

### 24- صورت دهی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 8

8 - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

«ثم» حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی «إذا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

## 25- صورت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 222



1- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

وإذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً

## 26- صورت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 22 - 1

1 - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

و جوه یومئذ ناضره

«ناضره» در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحيط). «ناضره» (مؤنث «ناضر») به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن - به قرینه مقام - شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

## 27- ضربه بر صورت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 10، 12، 13

10- صورت و پشت منافقان همدل با کافران ، آماج ضربات ملائکه به هنگام مرگ

فکیف إذا توفّتهم الملائکه یضربون وجوههم و أدبرهم

12- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، به هنگام مرگ ، نتیجه دورویی آنان با دین و مؤمنان \*

إذا توفّتهم الملائکه یضربون وجوههم و أدبرهم

برداشت بالا بدان احتمال است که تصریح به «وجوههم» و «أدبارهم»، اشاره به این باشد که، چون منافق دو چهره دارد و در هر دو چهره نیز خائن است؛ لذا از دو سو عذاب می شود.

13- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، بازتاب روی آوری به کافران و اعراض از اهل ایمان \*

قالوا .. سنطیعکم ... یضربون وجوههم و أدبرهم

ضمیر «هم» احتمالاً به منافقانی بازمی گردد که در آیه قبل، روی آوری پنهانی آنان به کافران مطرح شده است. با توجه به این نکته، احتمال

می رود که وجود شکنجه برای آنان از دو سو، از آن جهت باشد که اولاً رو به کفر کرده و ثانیاً پشت به ایمان و مؤمنان کرده اند.

## 28- ضربه به صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 2

2- فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان، جانشان را خواهند گرفت .

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

ص: 223

## 29- نشانه های صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 41 - 6، 1

1 - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسيمهم

«سیمما» به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

6 - ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان ، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

يعرف المجرمون .. فيؤخذ بالنوصی و الأقدام

## 30- نقش صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 3

3 - چهره انسان در قیامت ، نمایانگر فرجام او است .

وجوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 40 - 4

4 - چهره انسان در قیامت ، نمایشگر فرجام او است .

و وجوه یومئذ علیها غبره

## 31- نورانیت صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 24 - 1، 2

1 - وفور ، خرمی و طراوت نعمت های آخرت ، نیکوکاران را شاداب و دارای رخساری درخشان خواهد ساخت .

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

«نعیم» به معنای نعمت فراوان، «نضره» به معنای زیبایی و «نضره النعیم» به معنای درخشندگی آن است (مفردات راغب). مراد از آن به قرینه «تعرف فی وجوههم»، تابناکی چهره بر اثر نعمت وافر است.

2 - تالؤ نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است.

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

«تعرف»، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

ص: 224

## 32- ورود با صورت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 48 - 1

1 - قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

«سحب» (مصدر مجهول «یسحبون») به معنای کشانده شدن است.

ص: 225

1- احترام صومعه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 17

17 - لزوم حفظ احترام صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد و جلوگیری از تخریب و انهدام آنها

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع و بیع و صلوت و مسجد

2- محافظت از صومعه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 10

10 - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی ( صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد ) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع و بیع ... و مسجد

«صومع» جمع «صومعه» و «بیع» جمع «بیعه» و «صلوات» جمع «صلاه یا صَلَوَه» است. «صومعه» - مرداف «دیر» - جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. «بیعه» به کلیسای نصارا گفته می شود. «صلاه یا صلوه» کنیسه یهودیان است؛ یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

## 1- اجتناب از صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 11

11 - داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . \*

إذ قالت أمه منهم لم تعظون .. قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذ قالت ..» متعلق به فعل محذوف «اذکر» باشد.

## 2- احکام صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 8،9

8 - حرمت صید و شکار در حال احرام

غیر محلی الصید و انتم حرم

«صید» مصدر و به معنای شکار کردن است کلمه «حُرْم» (جمع حرام) می تواند از احرام گرفته شده باشد یعنی کسانی که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند و می توانند از «حَرَم» گرفته شده باشد یعنی کسانی که داخل حرم می شوند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

9 - خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه «صید» به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 24

24 - حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

وإذا حللتهم فاصطادوا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 227



13 - خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد، حلال است.

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل «فکلوا مما امسکن علیکم ...».

کافی، ج 6، ص 202، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 43.

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

17 - صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده، عمل کنند.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

«مکلبین» جمع «مکلب» (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل «علمتم» است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

19 - لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیر، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم الله

مراد از «علمکم الله» به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیر حیوانات است، و «من» در «مما علمکم» برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیر را به درندگان شکاری یاد دهید.

22 - حلیت شکار درندگان شکاری، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند.\*

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از «مما امسکن علیکم»، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا

رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

24 - وجوب تسمیه ( بردن نام خدا ) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فكروا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «علیه» به «ما علمتم من الجوارح» برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

25 - نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذكروا اسم الله عليه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلّیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد وقد سمی فلیأكل و ان صاد و لم یسم فلا یأكل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44؛ تهذیب، ج 9، ص 25، ح 100.

31 - رعایت مقررات الهی در خوردنی ها و شکار حیوانات ، نشانه تقوا و پرهیزگاری است .

احل لكم الطيب . . . و اذكروا اسم الله عليه و اتقوا الله

ص: 228

32 - آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم ... .

---

کافی، ج 6، ص 205، ح 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 590، ح 36.

33 - حرمت صید کشته شده به وسیله حیوانی غیر از سگ تعلیم دیده

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از صید به وسیله پرندگان شکاری، سگ و یوزپلنگ فرمود: لا تأکل صید شیء من هذه الا ما ذکیتموه الا  
الکلب المکلب .. .

---

کافی، ج 6، ص 204، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 47.

34 - حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال الله «مکلبین».

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 295، ح 34؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 448، ح 16.

35 - حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

---

کافی، ج 6، ص 205، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

36 - خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودند : ... وان ادركته وقد قناه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره 36 و 37 با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

---

کافی، ج 6، ص 202، ح 2؛ استبصار، ج 4، ص 67، ح 1 تا 10.

37 - نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاكلوا مما امسك الكلب مما لم يأكل الكلب منه فاذا اكل الكلب منه قبل ان تدرکه فلا تأکل منه.

---

تهذیب الاحکام، ج 9، ص 27، ح 110؛ نورالثقلین، ج 1، ص 591، ح 39.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 7

ص: 229

7- حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که «صید» به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از «صید البر»، «صید حیوان البر» خواهد بود.

### 3- استفاده از صید حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 3 - 36

36- استفاده از حیوانی که بر اثر خفگی، زده شدن، پرت شدن و ضربه دیدن از شاخ حیوانی دیگر بمیرد و یا درنده ای آن را بکشد، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم... فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

### 4- امتحان با صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 94 - 4

4- انواع شکارها - چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و...) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود.

لیلونکم الله بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 163 - 9

9- وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان)، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

### 5- انگیزه صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 4 - 27

27 - ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم . . . و اتقوا الله

فرمان به تقوای پیشگی (اتقوا الله) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا . . .)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرّج خلاف تقواست.

ص: 230

## 6- اهمیت ترک صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 27

27 - ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم . . . و اتقوا الله

فرمان به تقواییبستگی (اتقوا الله) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا . . .)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفریح خلاف تقواست.

## 7- بسمله در صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 24,25,38

24 - وجوب تسمیه ( بردن نام خدا ) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «علیه» به «ما علمتم من الجوارح» برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

25 - نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم الله علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد وقد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44؛ تهذیب، ج 9، ص 25، ح 100.

38 - بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: .. اذا صاد وقد سمى فليأكل وان صاد ولم يسم فلا يأكل وهذا «مما علمتم من الجوارح مكليين».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

### 8- پرنده صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 15

15 - پرندهگان صحرايي که در دريا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند، صید خشکی محسوب می شوند و

ص: 231



شکارشان بر محرم، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و ما كان من طير يكون في البر و يبيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صيد البر ...

---

بحار الانوار، ج 99، ص 159، ح 57.

### 9- تقسیم صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 21

21 - ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها \*

فكلوا مما امسكن عليكم

«من» در «مما امسكن» برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

### 10- تقوا در صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 26

26 - لزوم رعایت تقوا در صید و خوراکیها

احل لكم الطيبات .. فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه و اتقوا الله

### 11- شرایط حلیت صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 17,23

17 - صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

«مکلبین» جمع «مکلب» (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل «علمتم» است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگان که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

23 - صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این

ص: 232

در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

## 12- شرایط صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 24,25,32,37,38

24 - وجوب تسمیه ( بردن نام خدا ) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللہ علیہ

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «علیه» به «ما علمتم من الجوارح» برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

25 - نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم اللہ علیہ

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44؛ تهذیب، ج 9، ص 25، ح 100.

32 - آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللہ

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: ... و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم ... .

---

کافی، ج 6، ص 205، ح 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 590، ح 36.

37 - نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاكلوا مما امسك الكلب مما لم يأكل الكلب منه فاذا اكل الكلب منه قبل ان تدركه فلا تأكل منه.

---

تهذيب الاحكام، ج 9، ص 27، ح 110؛ نورالثقلين، ج 1، ص 591، ح 39.

38 - بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری، شرط حلیت شکار وی

فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . اذا صاد و قد سمى فليأكل و ان صاد و لم يسم فلا يأكل و هذا «مما علمتم من الجوارح مكليين».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلين، ج 1، ص 592، ح 44.

ص: 233

### 13- صید باز شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 15

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین... فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

### 14- صید تفریحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 20

20 - «عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، عن ابی جعفر (ع) محمد بن علی الرضا (ع) قال: سألته... یابن رسول الله! ما معنی قوله عز وجل «فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه» قال: العادی السارق و الباغی بیغی الصيد بطراً أو لهواً لالیعود به علی عیاله;

عبدالعظیم حسنی گوید: از امام جواد(ع) از معنای «باغی» و «عادی» در آیه فوق پرسیدم، امام فرمودند: عادی: یعنی، دزد و باغی کسی است که به خاطر خوش گذرانی یا سرگرمی به شکار می رود نه برای انتفاع خانواده خود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 5

5 - شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لكم صید البحر و طعامه متعاً لكم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

### 15- صید جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 2 - 24

24 - حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتهم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 12,30

ص: 234

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده «مکلبین» که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

---

کافی، ج 6، ص 204، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 591، ح 41.

30 - توجه به حسابرسی سریع خداوند، زمینه حصول تقوا در انسان

و اتقوا الله إن الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 1,2,3

1 - جواز صید حیوان های دریائی (آبزی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

2 - جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در «طعامه» به «صید البحر» برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از «طعام» معنای مصدری است.

3 - مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه «السیاره» به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 10

10 - حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن «لاتعدوا» به «فی السبت» حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 12، 14، 11، 10، 9، 8

8 - حرمت صید و شکار در حال احرام

غیر محلی الصید و انتم حرم

«صید» مصدر و به معنای شکار کردن است کلمه «حُرْم» (جمع حرام) می تواند از احرام گرفته شده باشد یعنی کسانی که

ص: 235



برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند و می توانند از «حَرَم» گرفته شده باشد یعنی کسانی که داخل حرم می شوند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

9 - خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه «صید» به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

10 - حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «حُرْم» «داخلون فی الحرم» باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

11 - حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

12 - حلیت بهره برداری از چهارپایان ، مشروط به پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است . \*

أحلت .. غیر محلی الصید

بنابر اینکه «غیر محلی»، حال برای ضمیر در «لکم» باشد و با توجه به اینکه حال، عامل خود را مقید می کند ؛ بنابراین، حلیت چهارپایان حلال گوشت، در فرض پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است.

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر ، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا ما يتلى عليكم غير محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 2 - 24، 4

4 - حرام ها و حلال های الهی ( همانند حلیت چهارپایان و حرمت صید در حال احرام ) ، از شعائر الهی است . \*

أحلت لكم بهيمة الأنعام .. لاتحلوا شعر الله

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

24 - حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتهم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 3 - 4

4 - حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد .

حرمت . . . و ما اکل السبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 35، 33، 25

25 - بردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذكروا اسم الله عليه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلّیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام

ص: 236

صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد وقد سمی فلیأکل وان صاد ولم یسم فلا یأکل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44؛ تهذیب، ج 9، ص 25، ح 100.

33 - حرمت صید کشته شده به وسیله حیوانی غیر از سگ تعلیم دیده

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از صید به وسیله پرندگان شکاری، سگ و یوزپلنگ فرمود: لا تأکل صید شیء من هذه الا ما ذکیتموه الا الکلب المکلب ...

---

کافی، ج 6، ص 204، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 47.

35 - حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

---

کافی، ج 6، ص 205، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 16، 1

1 - حرمت کشتن شکار در حال احرام

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

"حرم" جمع حرام، به کسانی گفته می شود که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند.

2 - حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

16 - گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفاره جمله «عفا الله عما سلف» می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 96 - 16، 15، 7

7 - حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که «صید» به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از «صید البر»، «صید حیوان البر» خواهد بود.

15 - پرندگان صحرايي که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

ص: 237

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و ما كان من طير يكون في البر و يبيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صيد البر ...

---

بحارالانوار، ج 99، ص 159، ح 57.

16 - شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

امام صادق(ع): كل شیء يكون اصله في البحر و يكون في البر و البحر فلاينبغي للمحرم ان يقتله فان قتله فعليه الجزاء كما قال الله عزوجل.

---

کافی، ج 4، ص 393، ح 2; نورالثقلین، ج 1، ص 679، ح 392.

### 17- صید حرام بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 163 - 14، 9

9- وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

14 - فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد ( تسهیل ماهیگیری در شنبه و نایاب شدن ماهی در غیر آن روز ) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

کذلک نبلوهم بما كانوا یفسقون

«کذلک» اشاره است به معنایی که از «إذ تأتیهم حیتانهم .. » به دست می آید.

### 18- صید حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 34، 22

22 - حلیت شکار درندگان شکاری، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند.\*

فكلوا مما امسكن عليكم

بنابراین احتمال که مراد از «مما امسکن علیکم»، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

34 - حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . . . و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال الله «مکلبین».

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 295، ح 34؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 448، ح 16.

ص: 238

## 19- صید حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 21, 15,

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین... فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

21 - ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها \*

فکلوا مما امسکن علیکم

«من» در «مما امسکن» برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

23 - صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

## 20- صید خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 7, 8, 10, 15,

7 - حرمت صید شکارهای خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که «صید» به معنای مصدوری باشد در این فرض مراد از «صید البر»، «صید حیوان البر» خواهد بود.

8 - حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . . . و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه «صید» به معنای اسم مفعول - حیوان شکار شده - گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

10 - صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای «تقوا» به قرینه «حرم علیکم . . .» پرهیز از صید در حال احرام است.

15 - پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و

ص: 239



شکارشان بر محرم، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و ما كان من طير يكون في البر و بيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صيد البر ...

---

بحار الانوار، ج 99، ص 159، ح 57.

### 21- صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 1 - 14

14 - حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان ( شتر، گاو و گوسفند ) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 94 - 15

15 - شکار در حال احرام، علیرغم هشدار الهی به پرهیز از آن، موجب عذاب دردناک

بشيء من الصيد .. فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم

به قرینه آیه بعد، مراد از شکار ممنوع شکار در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 95 - 1,3,19,20

1 - حرمت کشتن شکار در حال احرام

لا تقتلوا الصيد وانتم حرم

"حرم" جمع حرام، به کسانی گفته می شود که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند.

3 - کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره

19 - تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفاره نخواهد شد .

و من عاد فینتقم الله منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

20 - تکرار صید در حال احرام ، موجب عذاب و انتقام الهی

و من عاد فینتقم الله منه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: . . . اذا اصاب آخر فلیس علیه کفاره و هو ممن قال الله عزوجل «و من عاد فینتقم الله منه».

کافی، ج 4، ص 394، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 678، ح 388.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 15، 16، 7، 8

7 - حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که «صید» به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از «صید البر»، «صید حیوان البر» خواهد بود.

8 - حرمت خوردن شکار صحرایی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لكم صید البحر و طعامه . . . و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه «صید» به معنای اسم مفعول - حیوان شکار شده - گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

15 - پرنندگان صحرایی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و ما کان من طیر یکون فی البر و بیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر . . .

---

بحار الانوار، ج 99، ص 159، ح 57.

16 - شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

امام صادق(ع): کل شیء یکون اصله فی البحر و یکون فی البر و البحر فلا ینبغی للمحرم ان یقتله فان قتله فعليه الجزاء كما قال الله عزوجل .

---

## 22- صید در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 94 - 4،18

4 - انواع شکارها - چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و...) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند - ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

لیبلونکم الله بشیء من الصيد تناله ایدیکم و رماحکم

18 - دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکارهای وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

یأیها الذین ءامنوا لیبلونکم الله بشیء من الصيد تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

ص: 241

---

کافی، ج 4، ص 397، ح 4؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 502، ح 3.

### 23- صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 17، 3، 2

2 - حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

3 - کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره

17 - صید های انجام شده پیش از تشریح کفار شکار ، جریمه ای ندارد .

فجزاء مثل ما قتل . . . عفا الله عما سلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 3

3 - مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه «السیاره» به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 99 - 5

5 - بی اعتنایی به احکام صید و کفار آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون

از مصادیق مورد نظر برای «ماتکتمون» - با توجه به آیات قبل - افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

## 24- صید در حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 1 - 10,11

10 - حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «حُرْم» «داخلون فی الحرم» باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

ص: 242

11 - حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

## 25- صید دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 4,5

4 - جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در «طعامه» به «البحر» برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای «مایوکل» - خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

5 - شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

## 26- صید دریایی در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 1,2

1 - جواز صید حیوان های دریائی (آبزی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

2 - جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در «طعامه» به «صید البحر» برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از «طعام» معنای مصدری است.

## 27- صید دوزیستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 16

16 - شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

ص: 243



امام صادق(ع): كل شيء يكون اصله في البحر و يكون في البر و البحر فلا ينبغي للمحرم ان يقتله فان قتله فعليه الجزاء كما قال الله عزوجل.

---

کافی، ج 4، ص 393، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 679، ح 392.

## 28- صید سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 -

12,13,15,17,18,23,24,25,35,36,37,38

12 - جواز شکار با سگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده «مکلبین» که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین(ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

---

کافی، ج 6، ص 204، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 591، ح 41.

13 - خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیه ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل «فکلوا مما امسکن علیکم ...».

---

کافی، ج 6، ص 202، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 43.

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده ( از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و ... ) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

17 - صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده، عمل کنند.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

«مکلبین» جمع «مکلب» (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل «علمتم» است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

18 - صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است.

احل لكم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف «ما علمتم»، عطف خاص بر عام است.

23 - صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

24 - وجوب تسمیه ( بردن نام خدا ) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلو ما امسکن علیکم و اذکرو اسم الله علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «علیه» به «ما علمتم من الجوارح» برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

25 - نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکرو اسم الله علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44؛ تهذیب، ج 9، ص 25، ح 100.

35 - حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلو ما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

---

کافی، ج 6، ص 205، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

36 - خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلو ما امسکن علیکم

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودند : ... وان ادرکته وقد قناه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره 36 و 37 با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

---

کافی، ج 6، ص 202، ح 2؛ استبصار، ج 4، ص 67، ح 1 تا 10.

37 - نخوردن سگ تعلیم دیده، از شکار خویش، شرط حلّیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاكلوا مما امسك الكلب مما لم يأكل الكلب منه فاذا اكل الكلب منه قبل ان تدركه فلا تأكل منه.

---

تهذیب الاحکام، ج 9، ص 27، ح 110؛ نورالثقلین، ج 1، ص 591، ح 39.

38 - بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری، شرط حلّیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّٰه علیہ

از امام صادق(ع) روایت شده: ... اذا صاد وقد سمی فلیأکل و ان صاد ولم یسم فلا یأکل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

---

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

ص: 245

## 29- صید شیر شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 15

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین... فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

## 30- صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 10

10 - حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن «لاتعدوا» به «فی السبت» حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

## 31- صید ماهی در ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 5

5 - پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله (چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

## 32- صید ماهی در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - از امام سجّاد (ع) روایت شده است : « . . . أما القرده فكانوا قوماً من بني اسرائيل . . . اعتدوا في السبت فصادوا الحيتان فمسخهم الله قرده . . . » ;

ص: 246

... اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند ... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 2

2 - اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه «قوما» می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 2,6

2 - خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به ... أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس

«بئس» به معنای شدید است.

6 - یهودیان متخلف از حکم روز شنبه ( حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی ) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس بما كانوا يفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 166 - 1,3

1 - خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خسئين

«عتو» (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از «ما نهوا عنه» صید ماهی در روز شنبه است.

3 - خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس . . فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واق--ع شدن جمله «فلما عتوا» پس از «أخذنا الذين ظلموا . .»، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شبه ادامه می دادند.

### 33- صید ماهی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 11

11 - داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . \*

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . . قالوا معذرة إلی ربکم

ص: 247



برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذ قالت ..» متعلق به فعل محذوف «اذکر» باشد.

### 34- صید ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 27

27 - ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم .. و اتقوا الله

فرمان به تقواییبشگی (اتقوا الله) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا ..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفریح خلاف تقواست.

### 35- صید وحوش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 94 - 18

18 - دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

يأیها الذین ءامنوا لیبلونکم الله بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

---

کافی، ج 4، ص 397، ح 4؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 502، ح 3.

### 36- صید یوزپلنگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 4 - 34

34 - حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال الله «مکلبین».

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 295، ح 34؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 448، ح 16.

### 37- کفاره صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 248

5 - بی اعتنائی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

والله يعلم ما تبون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای «ما تکتمون» - با توجه به آیات قبل - افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

### 38- کفاره صید آهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

26 - شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

### 39- کفاره صید الاغ وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

26 - شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

## 40- کفاره صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 95 - 27,26,25,24,10,8

8 - جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه ( شتر ، گاو و یا گوسفند ) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . . هدیاً بلغ الکعبه

10 - قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخیری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

ص: 249

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . . . و کل شیء من القرآن «او» فصاحبه بالخیار ما یشاء . . . دو روایت مدرک برداشت شماره 10 و 27 با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

---

کافی، ج 4، ص 358، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 504، ح 14.

24 - ارزش حیوانی که در کفّاره شکار در حال احرام باید ادا شود، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . . .

---

کافی، ج 4، ص 386، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 677، ح 381.

25 - روزه کفاره شکار در حال احرام، بیش از شصت روز نیست، اگر چه معادل خوراکی آن، از شصت تجاوز کند.

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . «ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه.

---

کافی، ج 4، ص 386، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 677، ح 381.

26 - شتر، کفّاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

27 - کفاره صید در حال احرام، قربانی و در صورت ناتوانی از آن، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت، روزه می باشد.

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صياماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم يجد هدیا كان عليه ان يتصدق بثلثه و اما قوله « او عدل ذلك صياماً » یعنی عدل الكفاره اذا لم يجد الفديه ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره 10 و 27 با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

---

دعائم الاسلام، ج 1، ص 307؛ بحار الانوار، ج 99، ص 161، ح 65.

#### 41- کفاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 32 - 10

10 - « عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزاء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلا تضاعف لأنه

ص: 250

أعظم ما يكون ، قال الله عزوجل : و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در باره کفاره صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: «و من يعظم شعائر الله...».

#### 42- کفاره صید شتر مرغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 26

26 - شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

#### 43- کفاره صید گاو وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 26

26 - شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

---

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 673، ح 367.

#### 44- کیفر صید در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

«عتوّ» (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از «ما نهوا عنه» صید ماهی در روز شنبه است.

ص: 251



## 45- گناه صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 16

16 - گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفاره جمله «عفا الله عما سلف» می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

ص: 252

## 10- صیحه آسمانی

### 1- آثار صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 49 - 2، 1

1 - زندگی نسل انسان ها در دنیا ، با یک صیحه و فریاد سهمگین به پایان خواهد رسید .

و يقولون متى هذا الوعد .. ما ينظرون إلا صیحه وحده تأخذهم

«صیحه» به معنای صدای بلند و سهمگین است و مقصود از آیه شریفه، با توجه به آیه قبل - که در آن کافران از زمان برپایی قیامت سؤال می کردند - بیان نشانه های برپایی قیامت و شرایطی است که در آن، رستاخیز برپا می شود.

2 - برپایی قیامت ، پس از یک صیحه و فریاد مرگ بار آغاز می شود .

و يقولون متى هذا الوعد .. ما ينظرون إلا صیحه وحده تأخذهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 50 - 2، 1

1 - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از هرگونه توصیه و اندک سفارشی ، ناتوان خواهند شد .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصیه

نکره آمدن «توصیه» می تواند برای تقلیل باشد.

2 - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصیه ولا إلى أهلهم يرجعون

### 2- ترسناکی صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 50 - 3، 4

3 - میان وقوع صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا ، هیچ فاصله ای نخواهد بود .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصيه و لا إلى أهلهم يرجعون

ناتوانی بشر از هرگونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود - با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین - حاکی از حقیقت یاد شده است.

ص: 253

4- انسان ها به وقت شنیدن صیحه و فریاد سهمگین در آستانه برپایی قیامت ، از هرگونه تحرک و عملی ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده . . . فلا یستطیعون توصیه و لا إلی أھلھم یرجعون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که ناتوانی انسان ها از توصیه و مراجعه به کسان خود، به عنوان مثال و مصداق آمده و مقصود اصلی بیان ناتوانی کامل بشر در برابر مشیت خداوند به برپایی قیامت باشد.

### 3- حتمیت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 42 - 2

2- فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ

بنابراین که «بالحقّ»، نشانگر حتمیت و تخلف ناپذیری باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

### 4- حقانیت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 42 - 3

3- فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گراف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که «بالحقّ» اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

### 5- صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 42 - 3، 1

1- رستاخیز و لحظه خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بهوسیله همگان

یوم یسمعون الصیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج

3 - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گزاف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که «بالحقّ» اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 6 - 3

ص: 254

یوم ترجف الراجفه

«رَجَفَ الرَّعْدُ»؛ یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق «رجف» - که «مفردات» آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است - بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اولین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

## 6- عذاب با صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 16

16 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «.. عذابا من فوقكم» هو الدخان والصيحه «او من تحت ارجلكم» و هو الخسف «او يلبسكم شيئا» و هو اختلاف في الدين و طعن بعضكم على بعض «و يذيق بعضكم بأس بعض» و هو ان يقتل بعضكم بعضا و كل هذا في أهل القبلة ...

از امام باقر (ع) روایت شده است: مراد از «عذابا من فوقکم»، دود و صیحه آسمانی و مراد از «أو من تحت أرجلكم»، فرو رفتن در زمین و مراد از «يلبسكم شيئا»، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعض دیگر می باشد، و مراد از «و يذيق بعضكم بأس بعض» این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشد و تمام اینها مربوط به اهل قبله است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 67 - 1,10

1- کفرپیشگان قوم ثمود، با غرشی مهیب به هلاکت رسیدند .

و أخذ الذين ظلموا الصيحه

10- « عن أبي عبدالله (ع) (في إهلاك قوم صالح) :... لما كان نصف الليل أتاهم جبرئيل (ع) فصرخ بهم صرخه خرقه تلک الصرخه أسمعهم و فلقت قلوبهم و صدعت أكبادهم... فأصبحوا في ديارهم و مضاجعهم موتی أجمعين ثم أرسل الله عليهم مع الصيحه النار من السماء فأحرقتهم أجمعين...»

از امام صادق (ع) [درباره هلاکت قوم صالح] روایت شده است: چون نیمه شب فرارسید، جبرئیل نزد آنان آمد. پس فریادی بلند بر سرشان زد که گوشهای آنان را پاره کرد و قلبهایشان را شکافت و جگرهایشان را درید؛ در نتیجه صبحگاه آن شب، همه آنان در خانه ها و بسترهایشان مرده بودند. سپس خداوند همراه با آن فریاد آتشی از آسمان فرستاد که همه را سوزاند (...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- کفرپیشگان قوم شعیب، با غرشی مهیب به هلاکت رسیدند .

وأخذت الذین ظلموا الصیحه

12- صیحه و غرشی که مردم مدین را فرا گرفت، توان حرکت و بیرون آمدن از خانه ها را از آنان سلب کرد .

وأخذت الذین ظلموا الصیحه فأصبحوا فی دیرهم جثمین

«فی دیارهم» متعلق به «جاثمین» است و دلالت بر این دارد که: قوم شعیب در خانه هایشان به هلاکت رسیدند. بیان این

ص: 255

معنا حکایت از آن دارد که صیحه و غرش مهیب، آن چنان بود که مردم مدین نتوانستند از خانه ها - که طبعاً آدمی در این موارد آن را ترک می کند - بیرون آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 102 - 1

1- جوشش آب های سیل آسا، بارش باران های طوفان زا، زیر و زبر شدن آبادیها، فرو ریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر، نمونه هایی است از عقوبت های الهی و عذاب های استیصال.

و کذلک أخذ ربک

«ذلک» اشاره به عذابهایی است که در این سوره بیان شده است؛ از قبیل طوفان نوح، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 73 - 3، 1

1- قوم لوط، در پی اصرار بر تداوم انحراف جنسی خود، صبحگاهان گرفتار صدایی وحشتناک و غرش سهمگین شدند.

قال هؤلاء بناتی .. فأخذتهم الصیحه مشرقین

«صیحه» به معنای صدا بلند کردن و فریاد است و چون این صدا همراه با فزع و ترس است، از این رو به صدای وحشتناک و غرش سهمگین تعبیر شده است. «شرق» (مصدر مشرقین) به معنای طلوع خورشید است. وزن فاعلی آن به معنای آنان داخل صبح شدند است.

3- صدای وحشتناک و غرش سهمگین، از اسباب و عوامل عذاب الهی

فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 74 - 1

1- خداوند، شهر قوم لوط را در پی صدایی وحشتناک، زیر و رو و واژگون کرد.

فأخذتهم الصیحه .. فجعلنا علیها سافلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



2- صدای وحشتناک و غرش سهمگین ، از اسباب و عوامل عذاب های الهی

فأخذتهم الصيحة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- عذاب الهی ( صیحه ) اصحاب حجر را در داخل خانه های سنگی و دژ های مستحکمشان درهم کوبید .

ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين . فأخذتهم الصيحة ... فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

اصحاب حجر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، خانه های سنگی بنا کرده بودند؛ ولی این خانه ها آنان را از عذاب مصون نداشت و در دفع آن کارساز نبود (فما أغنى عنهم ..). حقیقت فوق بیانگر این نکته است که در وقت عذاب، آنان در همین

خانه ها سُکنی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 41 - 2

2- نابودی جامعه پس از نوح ، تنها با یک فریاد مرگ بار ( صیحه )

فأخذتهم الصيحة بالحقّ

«صیحه» مصدر عددی و به معنای یک فریاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 40 - 10، 11، 7

7- برخی از اقوام مکذّب انبیا ( قوم ثمود ) با صیحه و صدایی مهیب و وحشت ناک ، عذاب و نابود شدند .

و عادًا و ثمودًا .. فكلًا أخذنا بذنبه ... و منهم من أخذته الصيحة

10 - رخداد های ناگوار طبیعی ، مانند طوفان شن و صدا های مهیب و فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، ممکن است عذاب الهی باشند .

فكلًا أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا عليه حاصبًا و منهم من أخذته الصيحة و منهم من

11 - نابود کردن قوم عاد و ثمود با طوفان و صدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

وقرون و فرعون و هم-ن... و ما كانوا سبقين . فكلًا أخذنا بذنبه فمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 29 - 1، 2

1 - عذاب و هلاکت مردم انطاکیه ، تنها با یک صیحه و بانگ سهمناک بود .

إن كانت إلا صيحة وحده

اسم «کانت» به قرینه مقام - که درصدد بیان مجازات و عذاب مردم انطاکیه است - عقوبت و نابودی می باشد.

2 - مردم انطاکیه ، با صیحه و بانگ سهمناک به حال خموشی و سکون مرگ بار درآمدند .

فإذا هم خمدون

«خمود» در اصل به معنای خاموش شدن زبانه آتش است و جمله «إذا هم خامدون» کنایه از مردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 15 - 3

1 - تهدید سران کفر و شرک عصر بعثت ، به عذاب ناگهانی (بانگ سهمگین) از سوی خداوند

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

«ینظر» (از مصدر «نظر») به معنای «انتظار» است و مقصود از «صیحه» عذاب استیصال می باشد که ممکن است به صورت صاعقه و بانگ سهمگین باشد. آمدن کلمه «واحد» نیز برای اشاره به ناگهانی و یکباره بودن نزول عذاب است.

3 - صیحه (بانگ سهمگین) ، از عذاب های الهی در دنیا

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة

ص: 257

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 31 - 2،4

2 - صیحه (صدای سهمگین) آسمانی، وسیله نابودی قوم ثمود

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً

4 - خشک شدن قوم ثمود، همانند علف های خشک دامداران، با یک صدای مهیب آسمانی

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

«هشیم» به گیاه خشک و «محتظر» به کسی گفته می شود که برای دام آغل درست کند. بنابراین «هشیم المحتظر»؛ یعنی، علف خشکی که دامدار برای دامش تهیه می کند.

### 7- عظمت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 53 - 1

1 - نفخ صور در قیامت، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است.

و نفخ فی الصور .. . إن كانت إلا صیحه وحده

اسم «کانت» به قرینه مقام - که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود - «نفخه» می باشد.

### 8- عظمت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 53 - 2

2 - همه انسان ها در قیامت، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد.

إن كانت إلا صیحه وحده فإذا هم جميع لدینا محضرون

### 9- نقش صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، دارای نقش در خروج آدمیان از خاک \*

یسمعون الصیحه . . . ذلک یوم الخروج

بنابراین که تقدم لفظی «صیحه» بر «خروج»، بیانگر تأثیر صیحه در سر بر آوردن آدمیان از خاک باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ص: 258

## 10- ویژگیهای صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 50 - 3

3 - میان وقوع صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا، هیچ فاصله ای نخواهد بود.

صیحه وحده تأخذهم... فلا يستطيعون توصیه و لا إلى ألهم يرجعون

ناتوانی بشر از هرگونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود - با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین - حاکی از حقیقت یاد شده است.

ص: 259

## 11- ضرر

### 1- آثار ضرر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 18، 19

18 - وظیفه مریضی که آب برای او ضرر داشته باشد، تیمم است.

و ان کنتم مرضی... فتیمموا

19 - ضرر، از عوامل رفع تکلیف و یا تخفیف آن

و ان کنتم مرضی... فتیمموا

### 2- تشخیص ضرر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 4، 5

4 - انسان ها، حتی پیامبران، ناتوان از شناسایی سود و زیان خویش هستند.

قل لاأملک لنفسی نفعاً و لا ضراً

با توجه به آیه قبل - که آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از زمان قیامت نفی می کرد - و نیز جمله بعد - که درباره آگاهی نداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از غیب است - می توان گفت جمله «لاأملک...» ناظر به تمکن علمی به نفع و ضرر نیز می باشد. بنابراین «لاأملک» اشاره به این معنا نیز دارد که انسان ناتوان از شناسایی منافع و مضار خویش است.

5 - آدمی تنها به خواست خداوند به سود و زیان خویش آگاه می شود.

قل لاأملک لنفسی نفعاً و لا ضراً إلا ما شاء الله

### 3- دفع ضرر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 1، 2

1 - انسان ها، حتی پیامبران، بجز در سایه مشیت خدا، نه بر جلب منفعت توانایی دارند و نه بر دفع ضرر

قل لأملك لنفسي نفعاً ولا ضراً إلا ما شاء الله

ص: 260



«ملک» به معنای توانایی و تمکن داشتن است. کلمه «لنفسی» می تواند قرینه بر این باشد که مراد از توانایی بر منفعت، توان جلب منفعت، و مقصود از تمکن بر ضرر، توانایی بر دفع ضرر است.

2- انسان ها در صورت مشیت الهی، توانا بر جلب منفعت و یا دفع ضرر از خویش خواهند شد.

قل لاأملک لنفسی نفعاً ولا ضراً إلا ما شاء الله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «ما» موصوله در «إلا ما شاء الله» تمکن بر نفع و ضرر باشد. بر این مبنا استثنا، استثنای متصل است و معنای آیه چنین می شود: من توانایی بر نفع و ضرر خویش ندارم، مگر خداوند به من توانایی بخشد.

#### 4- دفع ضرر در ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 11

11- تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد.

لايملكون لأنفسهم نفعاً ولا ضراً

#### 5- ضرر خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 5

5- شراب و قمار، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فيهما اثم كبير و منافع للناس

کلمه «اِثْم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

#### 6- ضرر قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 5

5- شراب و قمار، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فيهما اثم كبير و منافع للناس

کلمه «اثم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

## 7- ضرر و رفع تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 14

ص: 261

14 - دیون میت در صورتی که به ضرر وارث باشد، پرداخت آن لازم نیست.

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

مراد از دیون معنایی است عام که شامل معاملات نسیه ای نیز می شود؛ بنابراین اگر میت معامله ای نسیه انجام داده، ولی این معامله ضرری بوده است، وارثان می توانند دیون را نپردازند. یعنی معامله را فسخ کنند.

### 8- عوامل دفع ضرر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 11

11 - علم، زمینه ساز رفاه و آسایش و دور ماندن از ضرر ها و سختیها

لو كنت أعلم الغیب لاستكثرت من الخیر و ما مسنی السوء

### 9- عوامل ضرر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 104 - 8

8 - نفع و ضرر انسان در گرو پذیرش و یا عدم پذیرش بینشهای ارائه شده از جانب خداوند است.

فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

### 10- منشأ ضرر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 3

3 - تنها سود و زیانی که مشیت الهی بر انجام آن باشد، تحقق می یابد.

قل لا أملك لنفسی نفعاً و لا ضرراً إلا ما شاء الله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «ما» در «إلا ما شاء الله» نفع و ضرر باشد، نه تمکن بر آن. بر این مبنا آیه چنین معنا می شود من تمکنی بر نفع و ضرر خویش ندارم، ولی نفع و ضرری که خداوند بخواهد به من خواهد رسید.

1- آثار ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 34

34 - ناتوانی ، عذر برای مکلف است ، نه رافع تکلیف

و ان کنتم مرضی . . . فلم تجدوا ... انّ الله کان عفوّاً غفوراً

توصیف خداوند به «عفو» و «غفور» پس از مسأله تیمم به جای غسل و وضو، بیانگر این است که اصل تکلیف باقی است و خداوند به خاطر عذر مکلف، وی را خواهد بخشید.

2- آثار ضعف ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 3,4,5

3 - بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لا تتخذوا اليهود والنصرى أولياء . . . فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

4 - سستی ایمان زمینه گرایش به یهود و نصارا و طرح دوستی با آنان

فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

مراد از بیمار دلان، کسانی هستند که نسبت به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا برخی از معارف دین در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند.

5 - بیماری دل و سستی ایمان ، زمینه محرومیت از هدایت الهی

إنّ الله لا يهدى القوم الظالمين. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 5

5 - ضعف ایمان در مسلمانان صدر اسلام موجب ضعف قدرت ایشان در میدان های نبرد

علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابره

از علل توان بسیار برتر مسلمانان در برابر کافران مفهومی است که از «بأنهم قوم لا يفقهون» به دست می آید؛ یعنی ایمان راسخ به معارف دین. بنابراین می توان گفت منشأ بروز ضعف نسبی مسلمانان پس از گذشت برهه ای از صدر اسلام، افت

ص: 263

درجه ایمانی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 4

4- دست یازیدن به آلودگی های جنسی ، برخاسته از ضعف ایمان و مایه محروم شدن از سعادت اخروی است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم لفروجهم حفظون

### 3- آثار ضعف روحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 13

13 - داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهود و

نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

### 4- آثار ضعف علمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 9 - 8

8- آگاهی اندک و غیر جامع نسبت به مفاهیم دینی ، زمینه مواجهه منفی با آنها \*

و إذا علم من ءایتنا شیءا اتَّخذها هزواً

### 5- آثار ضعف مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 6

6- جواز صلح با دشمن ، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلىون

در صورتی که «وَأنتم الأعلون» بیانگر مورد نهی باشد؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب بالا استفاده می شود؛ یعنی، در صورت برتری قوای سپاه اسلام، صلح با دشمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صلح بی مانع است.

ص: 264

## 6- آرزوی ضعف مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 39

39 کافران، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

كزراع أخرج... ليغيظ بهم الكفار

## 7- آغاز ضعف جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 68 - 4

4 - آغاز جوانی، شروع تکامل و رشد قوای جسمی و عقلی، و آغاز پیری، اول سستی و سیر نزولی آن قوا است.

و من نعمره ننكسه في الخلق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، دوران پیری را از نظر قوای جسمی و عقلی، مانند دوران طفولیت دانسته است. بنابراین لازمه این سخن، مطلبی است که در برداشت بالا آمده است.

## 8- اظهار ضعف در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 4 - 6

6- برشمردن ضعف ها و کاستی ها و بیان ناتوانی خود از انجام خواسته ها و رفع نیازمندی ها، از آداب دعا و نیایش است.

قال ربّ إني وهن العظم منّي واشتعل الرأس شيبًا

## 9- اظهار ضعف یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 8

8 - مایوس کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، انگیزه یهودیان در اظهار ناتوانی خویش از درک معارف اسلام



انسانها معمولاً به قصور خویش در فهم و درک باور ندارند. بنابراین اعتراف یهودیان به درک نکردن و نفهمیدن، می تواند به منظور مأیوس کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد تا از اصرار بر دعوت ایشان به اسلام منصرف شود.

## 10- اعتراف به ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 265

23 - اعتراف خردمندان مؤمن ، به ناتوانی خویش از دستیابی به مقام رفیع ابرار

رَبَّنَا فاغفرلنا .. و توفنا مع الابرار

از اینکه خردمندان خواستار مقام ابرار نشده اند، بلکه خواهان همراهی با آنان هستند؛ معلوم می شود که آنان خود را ناتوان از دستیابی به چنین مقام رفیعی می دانند.

### 11- تبیین ضعف دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 12

12 - بیان ضعف های دشمن ، از شیوه های قرآن برای تقویت روحیه مؤمنان

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله .. فقاتلوا اولياء الشيطان ان كيد الشيطان

یادآوری سستی مکرهای شیطان پس از فرمان به جهاد، به جهت رفع نگرانی و تقویت روحیه مسلمانان در نبرد با کافران است.

### 12- خدا و ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 133 - 3

3 - مهلت دهی خداوند به کافران ، ناشی از مشیت وی و نه ناتوانی و عجز او

ان يشأ يذهبكم .. و كان الله على ذلك قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 6

6 - راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير

از صفات «قاهر»، «حکیم» و «خبیر»، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

5- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله «لم یعی بخلقهنّ» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

ص: 266

### 13- دقت در ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 21

21- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

### 14- سوء استفاده از ضعف مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 16

16 - سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

### 15- شدت ضعف جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 7 - 1

1 - دوزخیان ، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لايسمن ولا يغني من جوع

کلمه «جوع»، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

### 16- ضعف آوری بارداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 4

4 - دوران بارداری مادر ، دورانی سخت و مایه ضعف و ناتوانی برای وی است .

«وهنّاً» مفعول برای فعل محذوف و در موضع حال است. لازم به ذکر است که «وَهْنٌ» به معنای ضعف جسمانی است (مفردات راغب).

## 17- ضعف ابداعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 11

11 - ابداعات و صناعت های غیر الهی ، همراه با ضعف ها و کاستی ها و غیر قابل مقایسه با صنع برتر خداوند

فتبارک الله أحسن الخلقین

## 18- ضعف ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 4

4 - ابلیس ناتوان از مسدود کردن تمامی راههای نجات و سعادت آدمیان \*

ثم لأتینهم . . . و لاتجد أكثرهم شکرین

نام نبرد از تمامی جهات، همانند فوق و تحت، می تواند اشاره به این باشد که ابلیس نمی تواند بر تمامی راههای سعادت مسلط باشد و آنها را بر آدمیان سد کند.

## 19- ضعف اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 6

6 - ستمکاران در قیامت ، تاب مشاهده مستقیم آتش دوزخ را ندارند .

ینظرون من طرف خفیّ

## 20- ضعف اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 16 - 1

1- اصحاب کهف ، از سوی جامعه کفر ، مورد تهدید بودند و نیروی کافی برای مقابله با آنان را نداشتند .

و إذ اعتزلتموهم و ما يعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

کنارگیری (اعتزال) اصحاب کهف از جامعه خویش، نشانگر در تنگنا قرار گرفتن آنان از سوی جامعه و فشار مشرکان بر ایشان است.

## 21- ضعف امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 268

8 - نجاتبخش نبودن قدرت و تمکن مادی از هلاکت و قهر الهی

الم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

## 22- ضعف انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 1,4

1 - انسان ها ، حتی پیامبران ، بجز در سایه مشیت خدا ، نه بر جلب منفعت توانایی دارند و نه بر دفع ضرر

قل لاأملک لنفسی نفعاً ولا ضراً إلا ما شاء الله

«ملک» به معنای توانایی و تمکن داشتن است. کلمه «لنفسی» می تواند قرینه بر این باشد که مراد از توانایی بر منفعت، توان جلب منفعت، و مقصود از تمکن بر ضرر، توانایی بر دفع ضرر است.

4 - انسان ها ، حتی پیامبران ، ناتوان از شناسایی سود و زیان خویش هستند .

قل لاأملک لنفسی نفعاً ولا ضراً

با توجه به آیه قبل - که آگاهی پیامبر(صلی الله علیه و آله) را از زمان قیامت نفی می کرد - و نیز جمله بعد - که درباره آگاهی نداشتن پیامبر(صلی الله علیه و آله) از غیب است - می توان گفت جمله «لاأملک . . .» ناظر به تمکن علمی به نفع و ضرر نیز می باشد. بنابراین «لاأملک» اشاره به این معنا نیز دارد که انسان ناتوان از شناسایی منافع و مضار خویش است.

## 23- ضعف انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 239 - 8

8 - عجز انسان از فراگیری احکام الهی بدون تعلیم خداوند

كما علمکم ما لم تکنوا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 255 - 23



23 - ناتوانی و عجز انسان از دستیابی به علم مطلق الهی

و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 13

13 - محدودیت توانایی انسان ، در شناخت حقیقت و مصالح و مفاسد امور

خیر لکم ان کنتم تعلمون

جمله شرطیه «ان کنتم تعلمون»، می تواند کنایه از جهل و ناآگاهی انسان به صلاح و فساد خویش باشد.

ص: 269

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 15

15 - انسان ، ناتوان از جلوگیری و دفع مرگ مقدر خویش

فادرؤا عن انفسکم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 28 - 7،8،9،10،11،14

7 - انسان ، ضعیف و ناتوان خلق شده است .

خلق الانسان ضعيفاً

8 - انسان ، موجودی ضعیف در برابر غریزه جنسی

خلق الانسان ضعيفاً

به قرینه آیات گذشته، مراد از «ضعیفاً» می تواند کم طاقتی انسان در برابر غریزه جنسی باشد.

9 - ضعف و ناتوانی انسان در برابر غریزه جنسی ، ریشه تسهیل قوانین و مقررات ازدواج و روابط جنسی

یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعيفاً

10 - ضعف و ناتوانی انسان ، منشأ تسهیل احکام دین از جانب خداوند

یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعيفاً

بر این مبنا که مراد از تخفیف، سهولت در نفس احکام الهی باشد.

11 - انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً .. خلق الانسان ضعيفاً

جمله «خلق الانسان ضعيفاً» می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

14 - ناتوانی انسان در شناخت قوانین صحیح ، دلیل جعل قوانین از سوی خداوند است . \*

حَرَمَتْ . . . يريد الله ان يخفف عنكم و خلق الانسان ضعيفاً

چون در آیات پیشین سخن از جعل احکام بود، می توان گفت مراد از «ضعیفاً»، ناتوانی انسان برای جعل قوانین صحیح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 72 - 6

6 - برخی از مردمان دارای ارزیابی نادرست از مشکلات و مصیبت های رسیده و ناتوان از تشخیص نعمت های الهی از غیر آن

فان اصابکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 82 - 16

16 - بشر ، ناتوان از ارائه مفاهیم و تعالیمی همچون قرآن است که همگون و بدون اختلاف باشد .

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 270

16 - ناتوانی همه انسان ها و تمامی عوامل در برابر اراده خدا

اتريدون ان تهدوا من اضلّ الله و من يضلل الله فلن تجد له سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 6 - 8

8 - نجاتبخش نبودن قدرت و تمکن مادی از هلاکت و قهر الهی

الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من قرن مكنهم في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 9 - 4،7

4 - کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

7 - مردم عادی از تحمل مشاهده چهره واقعی فرشتگان در دنیا ناتوان هستند.

و لو أنزلنا ملکا لقضى الأمر... و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

در آیه قبل نزول فرشتگان را به صورت اصلی مشروط به قضای امر و هلاکت کافران دانست و در این آیه نزول فرضی فرشته را برای مردم به شکل مردان اعلام می کند. از این دو نکته می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 18 - 1

1 - آدمیان، مقهور در برابر اقتدار یگانه خداوند هستند.

و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 24

24 - انسان بدون توکل بر خدا، ناتوان از پایداری بر ایمان خویش است .

إلا أن يشاء الله .. على الله توكلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 188 - 4،1

1 - انسان ها، حتی پیامبران، بجز در سایه مشیت خدا، نه بر جلب منفعت توانایی دارند و نه بر دفع ضرر

قل لأملك لنفسي نفعاً ولا ضراً إلا ما شاء الله

«ملک» به معنای توانایی و تمکن داشتن است. کلمه «لنفسی» می تواند قرینه بر این باشد که مراد از توانایی بر منفعت، توان جلب منفعت، و مقصود از تمکن بر ضرر، توانایی بر دفع ضرر است.

4 - انسان ها، حتی پیامبران، ناتوان از شناسایی سود و زیان خویش هستند .

قل لأملك لنفسي نفعاً ولا ضراً

با توجه به آیه قبل - که آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از زمان قیامت نفی می کرد - و نیز جمله بعد - که درباره آگاهی نداشتن

ص: 271

پیامبر(صلی الله علیه و آله) از غیب است - می توان گفت جمله «لأملک . . .» ناظر به تمکن علمی به نفع و ضرر نیز می باشد. بنابراین «لأملک» اشاره به این معنا نیز دارد که انسان ناتوان از شناسایی منافع و مضار خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 4

4 - همگان در برابر خدا ، ناتوان و نیازمند و ناچیزند .

إن الذین تدعون من دون الله عباد أمثالکم

«مثل»، جمع أمثال، به معنای همانند و همسان است. کلمه «عباد»، که حاکی از ناتوانی و نیازمندی است؛ وجه شبهه بین معبودان و عبادت کنندگان ایشان است. یعنی معبودان شما نیز همانند خود شما نیازمند و ناتوان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 9 - 6

6- انسان از نظر روحی و روانی ، موجودی ضعیف و ناتوان است .

ولئن أذقنا الإنسن منا رحمة ثم نزعناها منه إنه لیئوس کفور

ذوق (ریشه لغوی أذقنا) به معنای چشیدن غذا برای درک مزه آن است. قرآن، اعطای نعمت را به چشانیدن غذا تشبیه کرده است تا به این نکته اشاره کند که: انسان از نظر روحی و روانی، ضعیف است به گونه ای که حتی با دستیابی به اندکی از موهبتهای دنیوی و از دست دادن آن، نمی تواند خویشتن داری کند و سرانجام به کفر و ناامیدی کشیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 6

6- برخی از انسان ها ، از حفظ دستاورد های علمی خویش در همه مراحل زندگی ناتوانند .

و منکم من یردّ الی . . . لکی لایعلم بعد علم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 1,5,10,12

1 - انسان ، در مرحله آغازین آفرینش ، آکنده از ضعف و ناتوانی است .

«من» در «من ضعف» ابتداییه است و ضَعْف در مقابل «قوّه» معنای شناخته شده ای دارد. آورده شدن «من ضعف» (از ضعف آفریده است) به جای عبارت ها و یا واژه گانی مانند «ضعیفاً» برای توجه دادن به این نکته است که انسان ها، در آغاز خلقت، آکنده از ضعف اند.

5 - بیرون آورنده انسان ها از ناتوانی دوران جنینی و نوزادی و رساننده آنها به کمال جسمانی، خداوند است.

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً

10 - دوران پیری انسان ها، دوران ناتوانی و وضعی ادامه دار است.

ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً

«شیبه» به معنای پیری است و آورده شدن آن پس از «ضعفاً» به عنوان عطف بیان، با این که «ضعفاً» مقصود را می رساند، به خاطر یادآوری این نکته است که در این دوران، ضعف، قابل جبران نیست و تا مرگ ادامه دارد.

12 - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان، نشانه

توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . \*

اللّٰه الذی خلقکم .. یخلق ما یشاء

عبارت «یخلق ما یشاء» به قرینه آیه پنجاه - که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود - و نیز آیه پنجاه و پنج - که درباره برپایی قیامت است - می تواند درباره معاد و بازآفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 15

15 - انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوتاه بین و ناسپاس است .

وإنّا إذا أذقنا .. و إن تصبهم ... الإنسن کفور

این که انسان در برخورد با اندک نعمت و یا سختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کوتاه نظری او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 1

1- تذکر خداوند ، به ضعف شدید انسان در آزمون های مالی و دست کشیدن از اموال

إن یسئلکموها فیحفکم تبخلوا و یخرج أضغنکم

## 24- ضعف انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 49 - 5

5 - ضعف و ناتوانی آدمی در برخورد با مشکلات

وإن مسّه الشّرّ فیؤس قنوط

از کاربرد واژه «مسّ» و آمدن صیغه مبالغه «یؤس» و «قنوط» استفاده می شود که انسان با اندک گرفتاری، احساس ضعف و ناتوانی کرده و دچار یأس و ناامیدی می شود.

## 25- ضعف ایمان



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 32

32 - انکار جواز ازدواج با زنان اهل کتاب ، کفر و موجب حبط عمل است .

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب . . . و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 18

18 - تخطئه پندار بیمار دلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

ص: 273

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

## 26- ضعف ایمان در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 6

6 - جامعه اسلامی صدر اسلام پس از نایل شدن به مراحل عالی ایمان ، به تنزل در درجات ایمانی گرایید .

علم أن فيكم ضعفا

## 27- ضعف بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 98 - 9

9 - منافقان بادیه نشین و از انفاق گریز ، دارای موضع ضعیف در قبال مؤمنان صدر اسلام

و من الأعراب . . . و یتربص بکم الدوائر

آرزوی بلا و بدبختی کردن برای مؤمنان (یتربص بکم الدوائر) بیانگر ضعف آنان است زیرا اگر دارای قدرت بودند با شمشیر و زور، علیه قوانین اسلامی می شوریدند.

## 28- ضعف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 - 32، 17

17 - اظهار عجز برخی همراهان طالوت از پیکار با دشمن ، پس از عبور از نهر و دیدن سپاه عظیم جالوت

فلما جاوزه هو و الذین امنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده

32 - ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الّا من اغترف غرفة بيده . . . قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: . . . قال الذین اغترفوا: «لا طاقه لنا الیوم بجالوت» . . .

---

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 6

6 - ضعف و ذلت بنی اسرائیل در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) تا درجه ای بود که حتی از داشتن خیمه یا کومه ای، که آنان را از سرما و گرما حفظ کند، محروم بودند.

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا القومکما بمصر بیوتاً

ص: 274

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 4

4 - سامری ، فردی ماهر در فن مجسمه سازی و آشنا به نقاط ضعف فکری بنی اسرائیل بود .

فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار

تعبیر «گوساله ای در آورد» حاکی از شدت شباهت مجسمه گوساله، به شکل حقیقی آن است.

### 29- ضعف تارکان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 98 - 9

9 - منافقان بادیه نشین و از انفاق گریز ، دارای موضع ضعیف در قبال مؤمنان صدر اسلام

و من الأعراب . . . و یتربص بکم الدوائر

آرزوی بلا و بدبختی کردن برای مؤمنان (یتربص بکم الدوائر) بیانگر ضعف آنان است زیرا اگر دارای قدرت بودند با شمشیر و زور، علیه قوانین اسلامی می شوریدند.

### 30- ضعف تدبیر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 2,3

2 - انسان ها ، ناتوان از سلطه همه جانبه بر زمین و به کنترل در آوردن همه عوامل طبیعت

و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

به عجز در آوردن، ملازم با سلطه یافتن و کنترل داشتن بر شیء است.

3 - تدبیر های بشری برای جلوگیری از بازتاب های گناهان خود ، فاقد تأثیر و کارایی است .

و ما أصبکم . . . و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

برداشت یاد شده بر پایه ارتباط این قسمت از آیه، با آیه قبل است.

### 31- ضعف جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 45 - 6

6 - ظهور ناتوانی سحر هر چند بزرگ ، در برابر معجزه

فإذا هي تلقف ما يأفكون

به کارگیری «ما» - که واژه ابهام است - نشانگر عظمت سحر ساحران می باشد.

ص: 275

### 32- ضعف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 4

4- بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف الله عنکم و علم أن فیکم ضعفا

### 33- ضعف جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 19

19- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

لتبلغوا أشدکم .. منکم من یردّ إلى أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 7، 15، 9

7- از ضعف به کمال جسمانی رسیدن انسان ها و سپس فرتوت و ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

الله الذی خلقکم من ضعف .. و شیبه

9- رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

الله الذی خلقکم من ضعف .. و هو العلیم القدیر

15 - رساننده انسان از دوران قوت و توان مندی به دوران ضعف و ناتوانی ، خداوند است .

الله الذی .. جعل من بعد قوه ضعفاً و شیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 9

9- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ثُمَّ لَتَبْلَغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِيوْحًا

### 34- ضعف جهان بینی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 20

20 - ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، نشانه ضعف شناخت مسیحیان از خدا و قدرت مطلق اوست .

الذین قالوا .. ولله ملك السموت

ص: 276

### 35- ضعف حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 3

3 - نارسایی حس از دریافت همه واقیعت های نظام طبیعت

تحسبها جامده و هی تمرّ

آیه بالا بیانگر این نکته است که حقایقی در جهان طبیعت وجود دارد که حس معمولی بشر از دریافت آن عاجز است؛ همانند حرکت کوه ها همراه حرکت زمین.

### 36- ضعف در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 5

5- ضعف قوای جسمی و فکری انسان در کهنسالی ، نمودار مقهور بودن او در برابر تدبیر الهی است .

و منکم من یردّ الی أرذل العمر

تذکر خداوند به ناتوانی انسان پس از دوران توانایی، می تواند اشاره به مقهوریت انسان در برابر تدبیر الهی داشته باشد؛ زیرا واژه «یردّ» که به صورت مجهول آمده، اختیار را از انسان نفی می کند و تعبیر «الله خلقکم» در صدر آیه می تواند اشاره به این داشته باشد که آن بازگشت در اختیار کسی است که حیات و مرگ به دست اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 21

21- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ الی أرذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 2



2 - آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت ( مرحله ضعف جسمی و عقلی ) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی ( جوانی ) به حسیض ناتوانی ( کهولت و پیری ) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فَاتَا خَلْقِنَاكُم مِّن تَرَابٍ . . . لَكِيْلَا يَعْلَم مِّن بَعْد عِلْم شَيْئًا . . . ذَلِك بَأَنَّ اللّٰه هُوَ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 10،12

10 - دوران پیری انسان ها ، دوران ناتوانی و ضعفی ادامه دار است .

ثُمَّ جَعَلَ مِّن بَعْد قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً

ص: 277

«شبیبه» به معنای پیری است و آورده شدن آن پس از «ضعفاً» به عنوان عطف بیان، با این که «ضعفاً» مقصود را می‌رساند، به خاطر یادآوری این نکته است که در این دوران، ضعف، قابل جبران نیست و تا مرگ ادامه دارد.

12 - رساندن انسان‌ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان‌ها در قیامت است. \*

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ .. يَخْلُقْ مَا يَشَاءُ

عبارت «يَخْلُقْ مَا يَشَاءُ» به قرینه آیه پنجاه - که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان‌ها، برهان اقامه شده بود - و نیز آیه پنجاه و پنج - که درباره برپایی قیامت است - می‌تواند درباره معاد و بازآفرینی انسان‌ها، در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 68 - 1

1 - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و من نعمره ننكسه في الخلق

«تعمیر» (مصدر «نعمّر» و از ماده «عمر») به معنای طولانی کردن عمر و «تنکیس» (مصدر «ننکسه») به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله «و من نعمره ننكسه في الخلق» واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 8,9

8 - پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشد) نقطه آغاز منحنی نزول و سرانجام مرحله پیری، نقطه پایان این منحنی در زندگی انسان است.

ثمّ لتبلغوا أشدكم ثمّ لتكونوا شیوخاً .. لتبلغوا أجلاً مسمّیً

9 - منحنی صعود، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است.

ثمّ لتبلغوا أشدكم ثمّ لتكونوا شیوخاً

**37- ضعف در مسلمانان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 26 - 1

1 - مسلمانان تا قبل از هجرت به مدینه مواجه با کمی نیرو و نفرات ، ناتوان و در سلطه دشمنان بودند .

و اذکروا إذ أنتم قليل مستضعفون فی الأرض

مفرد آوردن کلمه «قلیل»، به جای قلیلون، تأکیدی است بر کمی افراد و نیروهای اهل ایمان. قابل ذکر است که مفسران، آیه مورد بحث را درباره مقایسه موقعیت و وضعیت مسلمانان در مکه و مهاجرت آنان به مدینه دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 10

10 - توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان ، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف ، بیش از دو چندان هر کافر

ص: 278

است .

و علم أن فيكم ضعفا فإن يكن منكم مائة صابره يغلبوا مائتين

### 38- ضعف در نوزادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 12، 5

5- بیرون آورنده انسان ها از ناتوانی دوران جنینی و نوزادی و رساننده آنها به کمال جسمانی ، خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه

12 - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . \*

اللّٰه الذی خلقکم . . . یخلق ما یشاء

عبارت «یخلق ما یشاء» به قرینه آیه پنجاه - که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود - و نیز آیه پنجاه و پنج - که درباره برپایی قیامت است - می تواند درباره معاد و باز آفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

### 39- ضعف دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 11، 7

7 - ضعف روحیه دشمنان و ناتوانی آنان از رویارویی با مسلمانان ، از عنایات خداوند

و لو شاء اللّٰه لسّٰطهم علیکم فلقاتلوکم

تقدیم «سلطهم» بر «قاتلوکم» می رساند که مراد از سلطه، جرأت و بیباکی است ؛ یعنی اگر خدا می خواست ترس را از آنان زایل می کرد و در نتیجه با شما می جنگیدند.

11 - هشدار خداوند به مؤمنان از غرور و خودبینی ، با مشاهده ضعف و ناتوانی دشمنان

و لو شاء اللّٰه لسّٰطهم علیکم فلقاتلوکم

هدف از بیان این حقیقت که تنها مشیت الهی کارساز است، می تواند این باشد که مسلمانان نباید ضعف دشمن را برخاسته از توانمندی

خویش بدانند و این، مایه غرور و خودبینی آنان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 60 - 10

10 - دشمنان ناشناخته مسلمانان در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای نیروی ضعیفتر نسبت به دشمنان شناخته شده

و آخرین من دونهم

برداشت فوق با توجه به کلمه «دون» که به معنای پایین و پست است، استفاده شده. گفتنی است «من» در «من دونهم» بیانیه است. بنابراین «آخرین من دونهم» یعنی دشمنان دیگری که از نیرو و توان کمتری برخوردارند.

ص: 279

#### 40- ضعف دشمنان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) رؤیای خویش (کمی نفرات دشمن در جنگ بدر) را برای مسلمانان بیان کرد .

إذ یریکهم الله فی منامک قليلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم

#### 41- ضعف دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 1

1 - دنیامداران و خودمهوران ، لیاقت و توانایی نبرد در راه خدا را ندارند .

و انّ منکم لمن لیبطنّ .. فلیقاتل فی سبیل الله الذین

اینکه خداوند تنها از مسلمانان آخرت طلب خواسته در راه او جهاد کنند، با وجود اینکه جهاد بر تمامی مسلمانان واجب است، اشاره به این است که دنیاطلبان نه لیاقت جهاد در راه خدا را دارند و نه توان آن را. کلمه «فاء» در «فلیقاتل»، دلالت روشن بر این معنا دارد.

#### 42- ضعف شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 4

4- شعیب (ع) در نظر مردم مدین ، به خاطر نداشتن پشتیبان و یاور ، ضعیف و ناتوان بود .

و انا لنریک فینا ضعیفاً

کلمه «فینا» (در میان ما) گویای این است که مردم مدین حضرت شعیب(ع) را در قیاس با مخالفانش ناتوان می شمردند؛ نه اینکه او را شخصی ضعیف و ناتوان بدانند و لذا در برداشت «به خاطر نداشتن یاور» آورده شد.

#### 43- ضعف شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 175 - 12

12 - شیطان ناتوان از گمراه کردن کسانی که معارف و آیات الهی را بخوبی بشناسند و به آنها پایبند باشند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن

از اینکه شیطان پس از فاصله گرفتن بلعم باعورا به تعقیب او می پردازد، معلوم می شود پیش از آن به وی دسترسی نداشته و از گمراه کردن او ناتوان بوده است.

ص: 280

#### 44- ضعف علمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 67 - 2

2 - کافران ، ناتوان از رد علمی و یقینی معاد و تنها بعید شمارنده آن

بل ادرك علمهم في الآخرة. .. وقال الذين كفروا... أئنا لمخرجون

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بسنده کردن کافران به اظهار شگفتی و ناباوری (به جای اقامه دلیل و برهان) مطلب یاد شده به دست می آید.

#### 45- ضعف علمی مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 83 - 9

9 - ناتوانی فکری و علمی مخالفان تعالیم پیامبران در برابر منطق ایشان

فلما جاءتهم رسلهم بالبينت فرحوا. . . و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

برداشت یاد شده به این خاطر است که کافران، به جای برخورد منطقی با پیامبران، همیشه به تمسخر تعالیم روشن و بی ابهام آنان (بینات) می پرداختند.

#### 46- ضعف علمی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 66 - 3

3 - منکران معاد ، ناتوان از رد علمی و یقینی آن

بل ادرك علمهم في الآخرة

ضمیر «علیهم» به منکران معاد باز می گردد. بنابراین خداوند در رد آنان می فرماید: انکار آنها، انکار علمی و مبتنی بر پایه برهان نیست و با همه دلایلی که به خیال خود می آورند، باز هم یقین به عدم قیامت پیدا نخواهند کرد.

#### 47- ضعف عیسی (ع)



11 - ناتوانی مسیح (ع) و مادرش و تمامی اهل زمین در برابر اراده الهی ، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

لقد كفر الذين . . . ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم وامه و من فى الأرض جميعاً

ص: 281

## 48- ضعف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 68 - 5

5 - خداوند ، به موسی (ع) اطمینان بخشید که توان او برتر از همه ساحران حاضر در صحنه مبارزه و مقام او رفیع تر از فرعون و فرعونیان است .

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى

## 49- ضعف فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 68 - 5

5 - خداوند ، به موسی (ع) اطمینان بخشید که توان او برتر از همه ساحران حاضر در صحنه مبارزه و مقام او رفیع تر از فرعون و فرعونیان است .

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى

## 50- ضعف فکری مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 83 - 9

9 - ناتوانی فکری و علمی مخالفان تعالیم پیامبران در برابر منطق ایشان

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا... و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

برداشت یاد شده به این خاطر است که کافران، به جای برخورد منطقی با پیامبران، همیشه به تمسخر تعالیم روشن و بی ابهام آنان (بیّنات) می پرداختند.

## 51- ضعف فهم مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 25 - 1

1 - برخی مشرکان، علی رغم گوش فرادادن به کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از فهم آن عاجزند.

و منهم من یستمع الیک و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فیء اذانهم وقرا

مرجع ضمیر «منهم»، به قرینه آیات گذشته، مشرکان است.

ص: 282

## 52- ضعف فهم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 88 - 1، 2

1 - دل و قلب یهودیان عصر بعثت ، ناتوان از درک معارف اسلام بود .

وقالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

«غلف» جمع اغلف است و «اغلف» به چیزی گفته می شود که دارای پوشش باشد. بنابراین «قلوبنا غلف»؛ یعنی، قلبهای ما دارای پوشش و حجاب است. منظور یهودیان را به دو گونه می توان تفسیر کرد: 1- قلب ما حجاب دارد و لذا توان درک معارف اسلام را ندارد پس ای پیامبر! چه انتظار داری که پیامهای تو را پذیرا باشیم پیش از آنکه آنها را دریابیم. 2- قلب ما حجاب دارد و به گونه ای نیست که هر سخنی را بپذیرد؛ بلکه فقط آنچه که حقیقت دارد در می یابد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

2 - یهودیان عصر بعثت ، بر ناتوانی خویش از درک معارف اسلام معترف بودند .

وقالوا قلوبنا غلف

کلمه «قالوا» دلالت بر اعتراف دارد.

## 53- ضعف قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 25، 21، 20

20 - تأسف قایل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

21 - قایل ، ملامتگر خویش ، به سبب ناتوانی از کیفیت پنهان ساختن جسد هاییل

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

25 - قایل ، پس از آگاهی به شیوه خاکسپاری ، ناتوان از دسترسی به جسد برادرش هاییل \*

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب . . .

تفریح ندامت قایل بر ناتوانیش بر دفن برادر، می رساند که وی پس از آگاهی بر کیفیت دفن، دیگر نمی توانسته است جثه او را به خاک

بسپارد. بنابراین جثه برادر را پس از کشتن سر به نیست کرده بود. ماضی آوردن فعل «اعجزت» این معنا را تأیید می کند.

#### 54- ضعف قدرت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 10

10 - ناتوانی همه قدرت ها ، در برابر قدرت و اراده خداوند

و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 283

7 - توبه - 9 - 118 - 8

8 - ناتوانی همه قدرت ها و نیروها در ایمن ساختن انسان از کیفر الهی

لا ملجأ من الله إلا إليه

### 55- ضعف قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 9

9 - منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ثمّ لتبلغوا أشدكم ثمّ لتكونوا شیوخاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 19

19 - منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

لتبلغوا أشدكم. .. منكم من یردّ إلى أرذل العمر

### 56- ضعف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 15

15 - کافران پیکارگر در جبهه طاغوت ، ضعیف و ناتوان

والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت . .. انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 8,9

8 - بازماندن منافقان و کافران از رویارویی و نبرد با مسلمانان ، برخاسته از مشیت خداوند

و لو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم

9- توجه به نقش اساسی مشیت الهی در تضعیف روحیه دشمنان ( منافقان و کافران ) ، زمینه پرهیز از غرور و خودبینی

و لو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 98 - 3

3- کافران ، ناتوان از مقابله با کیفر های الهی

أو أمن أهل القرى أن یأتیهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 284

15- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

همزه در «أفهم» برای استفهام انکاری است.

### 57- ضعف کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 4

4- ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر ، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ یریکهم الله فی منامک قلیلاً

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بدر و نیز اینکه هر فرماندهی پیش از اقدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

### 58- ضعف کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 7

7- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسّه الشرّ کان یوسّاً

### 59- ضعف لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 7

7- موقعیت حضرت لوط (ع) در میان قومش ضعیف بود و آنان نسبت به او گستاخ بودند .

قالوا أو لم ننهک عن العلمین



از اینکه قوم لوط آن حضرت را از تماس با دیگران نهی کردند و در موردی که او از این نهی تخلف ورزید، مورد عتاب و اعتراض قرار گرفت، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

## **60- ضعف مادر در بارداری**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 285

8 - تحمل ضعف متزاید دوران بارداری از سوی مادر ، برای سالم رساندن کودک به دوره زایمان ، عامل لزوم رعایت حق مادر از سوی فرزند است .

وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بُولَدِيهِ . . . حَمَلْتَهُ أُمَّهُ وَهَنًا عَلِيَّ وَهْنٍ ... أَنْ أَشْكُرَ لِي وَوَلَدِيكَ

### 61- ضعف مالی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر در صورت خودداری از کمک به آنها به خاطر ناتوانی مالی

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ . . . وَإِمَّا تَعْرِضْ عَنْهُمْ ابْتَغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا

عبارت «ابتغاء رحمة من ربك» (جویای رحمت پروردگارت هستی) و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که: خودداری پیامبر(صلی الله علیه و آله) از کمک به افراد یاد شده، به دلیل ضعف مالی بوده است.

### 62- ضعف مالی مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 7

7 - ضعف مالی و امکانات اجتماعی مؤمنان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مقایسه با منافقان

و لا تعجبک أموالهم و أولدهم

تعجب از امکانات رفاهی و مفاخر اجتماعی منافقان، نشان از ضعف مالی و امکانات مؤمنان در مقایسه با آنان دارد.

### 63- ضعف مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 13

13 - پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

وإذ يقول المنفقون . . . و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای «اذكروا» باشد.

#### **64- ضعف مخالفان نوح(ع)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 286

3 - مخالفان نوح، بهانه جویانی فاقد خرد و توان کافی، برای فهم رسالت تبلیغی او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون... إن حسابهم إلا على ربّي لو تشعرون

### 65- ضعف مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 129 - 1, 2

1 - مردان، ناتوان از رعایت عدالت کامل میان همسران متعدد خویش

ولن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء

2 - مراعات عدالت در محبت قلبی به همسران متعدد، خارج از توان و اختیار مردان

ولن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء و لو حرصتم

جمله «و لو حرصتم» (هر چند تمایل شدید به رعایت عدالت داشته باشید)، می رساند که مراد از عدالت در جمله «ولن تستطيعوا ان تعدلوا» عدالتی است که از اختیار و توان آدمی خارج است، بنابراین می توان گفت عدالت در مورد محبت و مودت و نظایر آن می باشد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در توضیح آیه فوق فرمود: یعنی فی الموده ...

---

کافی، ج 5، ص 362، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 558، ح 601.

### 66- ضعف مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 7

7- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسن أعرض و نأ بجانبه و إذا مسّه الشرّ كان یوساً

### 67- ضعف مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - ناتوانی مسیح (ع) و مادرش و تمامی اهل زمین در برابر اراده الهی ، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

لقد كفر الذين . . . ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم و امه و من في الأرض جميعاً

22 - مالکیت خداوند بر هستی ، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع) ، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در برابر قدرت اوست .

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك . . . ولله ملك السموت و الارض

ص: 287

## 68- ضعف مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 3

3 - سپاه مشرکان مکه مجهز به سلاح های جنگی و دارای برتری نظامی نسبت به مسلمانان

و تودون آن غیر ذات الشوکه تکون لکم

عدم تمایل مسلمانان به رویارویی با سپاه شرک و نیز جمله «کانما یساقون إلى الموت» در آیه قبل دلالت بر این دارد که مشرکان در جنگ بدر از نیروی نظامی برتری برخوردار بودند.

## 69- ضعف مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 42 - 4

4 - موقعیت ضعیف مسلمانان در جنگ بدر نسبت به موقعیت کفار

إذ أنتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوى

می توان گفت هدف از بیان موقعیت مسلمانان و کفرپیشگان مکه در منطقه بدر یادآوری موقعیت بسیار ضعیف مسلمانان است. جمله «لیهلك من هلك ...» مؤید این معنا می باشد. زیرا پیروزی آنگاه دلیل حقانیت مسلمانان می شد که شرایط ظاهری، تضمین کننده پیروزی کافران و شکست مسلمانان بود.

## 70- ضعف مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 53 - 2

2 - ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا بالله جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله «اهولاء ...» حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، رسوا شده و به ذلت افتادند ; بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 13

13 - آیین تحریف شده یهودیت و نصرانیت ، آیینی جاهلانه و ناتوان از هدایت انسانهاست .

ص: 288

ان هدى الله هو الهدى ولئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم

حصری که از «ان هدی الله . . .» به دست می آید، ناظر به آیین یهود و نصاراست؛ یعنی، آیین تحریف شده آنان، هدایت آفرین نیست. تعبیر کردن از آیین اسلام به «علم» اشاره به این معنا دارد که: آیین یهود و نصارا بر پایه علم نیست.

## 72- ضعف مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 3

3 - مشرکان ، تنها تسلیم و متواضع در برابر قدرت سیاسی و نظامی و نه منطق و برهان \*

إِنَّا فَتَحْنَا .. لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ

مراد از «غفران ذنب»، می تواند زدایش بدگمانی ها و بدخواهی ها از سینه دشمنان باشد. با توجه به این نکته، از مجموع دو آیه استفاده می شود که دل های سخت مشرکان با منطق وحی، رام نگشته ولی با پیروزی سیاسی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صلح حدیبیه، به تسلیم و تواضع واداشته شده است.

## 73- ضعف مشرکان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 13

13 - خداوند به دلیل آگاهی بر عوامل اطمینان بخش قلب ها و علمش به زمینه های سستی آفرین ، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) اندک نمایان ساخت .

و لكن الله سلم إنه علم بذات الصدور

## 74- ضعف مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 2

2 - کاروان تجاری قریش ، فاقد نیروی دفاعی مقاوم

غير ذات الشوكه



«شوكه» به معنای خار درخت و بوته است و در آیه کنایه از سلاحهای جنگی است. بنابراین «غیر ذات الشوكه» یعنی گروهی نامسلح. و مقصود از آن کاروان تجاری قریش است که به سرکردگی ابوسفیان و همراه با چهل نفر از شام به سوی مکه در حرکت بودند.

ص: 289

## 75- ضعف معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 1

1 - هر معبودی - جز خداوند - موجودی ضعیف و مقهور حوادث

ان يدعون من دونه الا اثناً

«انات» جمع «اثنی»، به معنای موجود ضعیف و تأثیر پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 - پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت والأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توبیخ و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 9

9 - توانایی بتها و معبودهای خیالی در دفع شر و رساندن خیر، پندار ناروای مشرکان

وإن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو وإن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

7 - قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین أشركوا این شركاؤکم الذین كنتم ترعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شرکاؤکم . . . ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّٰه ربنا ما کنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: «این شرکاؤکم»؟ و در این آیه در ماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

### 76- ضعف منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 18

18 - ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران

ص: 290

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسكم الموت ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 90 - 8,9

8 - بازماندن منافقان و کافران از رویارویی و نبرد با مسلمانان ، برخاسته از مشیت خداوند

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوکم

9 - توجه به نقش اساسی مشیت الهی در تضعیف روحیه دشمنان ( منافقان و کافران ) ، زمینه پرهیز از غرور و خودبینی

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوکم

### 77- ضعف منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 65 - 3

3 - موقعیت ضعیف منافقان توطئه گر صدر اسلام ، در مقایسه با قدرت مسلمانان

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض ونلعب

توجیه گری منافقان - که نوعی عقب نشینی است - بیانگر ضعف توان آنان در مقایسه با قدرت مسلمانان است.

### 78- ضعف منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 105 - 6

6 - منحرفان ، ناتوان از گمراه سازی مسلمانانی که به تعالیم قرآن پایبند بوده و از دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیروی کنند .

لا يضرکم من ضل إذا هتدیتم

برداشت فوق بر این اساس است که حرف «لا» در «لا یضرکم» نافیه باشد.

### 79- ضعف موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 19

19 - نفی هرگونه قدرت در مقابل قدرت خدا

فلاتخشوهم و اخشون

ص: 291

## 80- ضعف نظامی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 5

5- نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر ، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

يقول المنفقون . . . غر هؤلاء دينهم و من يتوكل على الله

بیان حمایت خداوند از مؤمنان در کارزار بدر با جمله «و من يتوكل . . .» پس از بیان نظریه منافقان و بیمار دلان (ضعف قوای نظامی مسلمانان) اندیشه آنان را تأیید می کند. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دید ظاهری صحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

## 81- ضعف هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 150 - 20

20- هارون با بیان مبارزه خویش با گوساله پرستان و ناتوانیش از بازداری آنان ، در تلاش جهت اثبات بی گناهی خویش برای موسی (ع)

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 151 - 1

1 - موسی (ع) پس از مشاجره خویش با هارون و پی بردن به ناتوانی او در برابر منحرفان ، رو به درگاه خدا آورد و به مناجات با او پرداخت .

قال رب اغفر لی و لأخی

## 82- ضعف یاوران گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 18

18- گمراهان ، هنگام نزول عذاب دنیوی و یا لحظه فرارسیدن مرگ ، ضعف و ناتوانی یاران خود را خواهند دید .

فسيعلمون من هو... أضعف جنداً

### 83- ضعف يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 53 - 2

ص: 292

2- ناتوانی یهود و نصارا بر یاری مسلمانانی که با آنان روابط دوستی داشتند .

اهولاء الذین اقساموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

لحن ملامت بار جمله «اهولاء . . .» حکایت از آن دارد که یهود و نصارا در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، رسوا شده و به ذلت افتادند ; بگونه ای که نتوانستند به تعهد خویش با مسلمانان سست ایمان پایبند بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 64 - 4,6

4- در ماندگی و ناتوانی همیشگی یهود، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیهم

6- یهود، مردمی ناتوان، درمانده و بخیل

غلت ایدیهم

جمله «غلت ایدیهم» چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

#### 84- ضعف یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 13

13 - آیین تحریف شده یهودیت و نصرانیت، آیینی جاهلانه و ناتوان از هدایت انسانهاست .

ان هدی الله هو الهدی و لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم

حصری که از «ان هدی الله . . .» به دست می آید، ناظر به آیین یهود و نصارا است؛ یعنی، آیین تحریف شده آنان، هدایت آفرین نیست. تعبیر کردن از آیین اسلام به «علم» اشاره به این معنا دارد که: آیین یهود و نصارا بر پایه علم نیست.

#### 85- عوامل ضعف انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 15

15- فرو بردن غم ها و اندوه ها و خودداری کردن از اظهار و ابراز آنها، دارای تأثیری منفی بر جسم و توان آدمی است .



وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم

برداشت فوق، از تقریر «هو كظیم» به وسیله حرف «فاء» بر «ابيضت عيناه من الحزن» استفاده می شود؛ یعنی، اینکه چشمان یعقوب (ع) از حزن و اندوه بی فروغ شد. این نشانه آن است که او غمها و اندوه ها را در درون خویش محبوس می داشت و از اظهار آن خودداری می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 7

7- رنج ها و غصه های شدید، فرساینده توان جسمی آدمی و هلاک سازنده وی

قالوا تالله تقتوا تذكر يوسف حتى تكون حرصاً أو تكون من الهلكين

ص: 293

## 86- عوامل ضعف جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 46 - 5

5 - سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

## 87- عوامل ضعف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 22 - 4

4 - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . \*

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر ثم لا یجدون ولیّاً و لانصیراً

بنابراین که تعبیر «کفروا» و وصف کفر، مشعر به علیت باشد؛ برداشت بالا استفاده می شود.

## 88- عوامل ضعف مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 4

4 - دوران بارداری مادر ، دورانی سخت و مایه ضعف و ناتوانی برای وی است .

حملته أمّه وهنّاً علی وهن

«وهناً» مفعول برای فعل محذوف و در موضع حال است. لازم به ذکر است که «وَهْنٌ» به معنای ضعف جسمانی است (مفردات راغب).

## 89- عوامل ضعف مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 7

7 - گسترش جامعه ایمانی در صدر اسلام و فزونی افراد آن ، باعث ضعف نسبی آنان شد . \*

از مقایسه میان مثالهای مرحله نخست (بیست و صد) با مثالهای بعد (صد و هزار) این نکته معلوم می شود که در زمان حکم اول (لزوم مقاومت یک بر ده) جمعیت مسلمانان فراوان نبوده است. ولی در مرحله بعد و زمان تخفیف حکم جمعیت مسلمانان، افزایش فراوانی داشته است. اشاره به افزایش مسلمانان پس از بیان ضعف نسبی آنان حکایت از آن دارد که افزایش

جمعیت از علل بروز ضعف نسبی در جامعه ایمانی شده است.

### 90- موانع احساس ضعف رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 56 - 5

5- توجه رهبران الهی به نداشتن مسئولیتی در برابر کفر مردم پس از انجام وظیفه انذار و تبشیر ، مایه عدم احساس ناتوانی و شکست در ایفای وظیفه خویش است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. و ما نرسل المرسلین إلا مبشّرين و منذرین

### 91- موانع ضعف در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 56 - 5

5- توجه رهبران الهی به نداشتن مسئولیتی در برابر کفر مردم پس از انجام وظیفه انذار و تبشیر ، مایه عدم احساس ناتوانی و شکست در ایفای وظیفه خویش است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. و ما نرسل المرسلین إلا مبشّرين و منذرین

### 92- موجبات ضعف قدرت نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 66 - 5

5- ضعف ایمان در مسلمانان صدر اسلام موجب ضعف قدرت ایشان در میدان های نبرد

علم أن فیکم ضعفا فإن یکن منکم مائه صابره

از علل توان بسیار برتر مسلمانان در برابر کافران مفهومی است که از «بأنهم قوم لایفقهون» به دست می آید ؛ یعنی ایمان راسخ به معارف دین. بنابراین می توان گفت منشأ بروز ضعف نسبی مسلمانان پس از گذشت برهه ای از صدر اسلام، افت درجه ایمانی آنان بوده است.

### 93- نشانه های ضعف ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتري الذين في قلوبهم مرض . . . يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة

ص: 295

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 16.25

16 - تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیمار دلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ؛ است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیمار دلی آنان است.

25 - گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض .. یجهدون فی سبیل اللّٰه و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 11

11 - ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیمار دلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض .. فإن اللّٰه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 16 - 10

10 - سر باز زدن از شرکت در میدان های نبرد ، برقراری روابط پنهانی با دشمنان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان ، از نشانه های ضعف ایمان

أم حسبتم أن تتركوا و لما یعلم اللّٰه الذین جهدوا منکم و لم یتخذوا من دون اللّٰه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 3 - 4

4- آمیختن زندگی به لغو و بیهودگی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از رستگاری است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 4 - 4

4- امتناع از پرداخت زکات ، نشانه ضعف ایمان و مایه حرمان از رستگاری اخروی است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم للزکوة فعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 8 - 4

4- خیانت کاری و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از سعادت اخروی

ص: 296

قد أفلح المؤمنون . . . و الذين هم لأمن-تهم و عهدهم رعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 9 - 5

5 - اهميت ندادن به نماز و عدم مراقبت بر انجام به موقع آن ، نشانه ضعف ايمان

قد أفلح المؤمنون . . . و الذين هم على صلواتهم يحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - نور - 24 - 62 - 7

7 - ترك حضور در محضر رهبري جامعه اسلامي براي حل و فصل امور مهم اجتماعي و مشاوره در مسائل عمومي بدون اذن خواستن ، نشانه نفاق و ضعف ايمان است .

و إذا كانوا معه على أمر جامع لم يذهبوا حتى يستأذنه إن الذين يستأذنونك أولئك

برداشت ياد شده، با توجه به شأن نزول آيه شريفه است که درباره منافقان مي باشد و اين آيه، در حقيقت تعريضي است به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - معارج - 70 - 29 - 4

4 - بي عفتي و آلودگي جنسي ، نشانه ضعف ايمان

و الذين هم لفروجهم حفظون

برداشت ياد شده، با توجه به اين نکته است که اين آيه آلوده نبودن به فحشا را نشانه ايمان راستين دانسته است. بنا بر اين آلودگي به چنين گناهاني، نشانه ضعف ايمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - معارج - 70 - 32 - 3

3 - خيانت در امانت و پيمان شکني ، نشانه ضعف ايمان

و الذين هم لأمن-تهم و عهدهم رعون



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 33 - 3

3 - خودداری از ادای شهادت و گواهی ، نشانه ضعف ایمان

و الذین هم بشهدتهم قائمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 34 - 4

4 - سهل انگاری در نماز ، نشانه ضعف ایمان

الذین هم علی صلاتهم دائمون . . . و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

ص: 297

## 94- نشانه های ضعف روحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 3

3 - تخلف و فرار از جهاد ، نشانه ضعف روحی و به دور از روحیه مردانگی است .

رضوا بأن یکونوا مع الخوالم

آیه در بردارنده توبیخ است و خداوند، منافقان را به خاطر تن دادن به همنشینی زنان و خانه نشینان، مذمت کرده است.

ضعف جسمانی

## 95- آغاز ضعف جسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 68 - 4

4 - آغاز جوانی ، شروع تکامل و رشد قوای جسمی و عقلی ، و آغاز پیری ، اول سستی و سیر نزولی آن قوا است .

و من نعمّره ننگسه فی الخلق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، دوران پیری را از نظر قوای جسمی و عقلی، مانند دوران طفولیت دانسته است. بنابراین لازمه این سخن، مطلبی است که در برداشت بالا آمده است.

## 96- ضعف جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 19

19- منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

لتبلغوا أشدکم. .. منکم من یردّ إلى أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 7, 15

7- از ضَعْف به کمال جسمانی رسیدنِ انسان ها و سپس فرتوت و ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ . . . وَشَبِيه

9- رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ . . . وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

15- رساننده انسان از دوران قوّت و توان مندی به دوران ضعف و ناتوانی ، خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي . . . جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَبِيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 298

9- منحنی صعود، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است.

ثم لتبلغوا أشدكم ثم لتكونوا شیوخاً

ضعف روحیه

### 97- آثار ضعف روحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 52 - 13

13 - داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهود و

نصارا و پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

### 98- نشانه های ضعف روحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 3

3 - تخلف و فرار از جهاد، نشانه ضعف روحی و به دور از روحیه مردانگی است.

رضوا بأن يكونوا مع الخوالم

آیه دربردارنده توبیخ است و خداوند، منافقان را به خاطر تن دادن به همنشینی زنان و خانه نشینان، مذمت کرده است.

ضعفا

### 99- احسان به ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 19، 14

14 - لزوم احسان به در راه ماندگان، غلامان، کنیزان و زبردستان

احساناً .. وابن السبیل و ما ملکت ایمانکم

ابن سبیل (پسر راه)، در اصطلاح به مسافری گفته می شود که زاد و توشه خویش را از دست داده و درمانده شده است.

19 - احسان به پدر، مادر، خویشان، همسایگان و زیردستان، زمینه جلب محبت الهی

و بالوالدین احساناً .. انّ الله لا یحبّ من کان مختالاً فخوراً

از مصادیق مورد نظر برای «مختالاً- فخوراً»، ترک احسان به پدر، مادر و .. می باشد. در نتیجه ترک احسان مانع محبت الهی و احسان عامل جلب آن خواهد شد.

ص: 299

## 100- امداد به ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 24 - 2

2 - موسی (ع)، شخصیتی ضعیف نواز و یاور محرومان

قالا لانسقى . . . و ابونا شيخ كبير . فسقى لهما

## 101- اهمیت حفظ مال ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 4

4- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

## 102- اهمیت رعایت مصالح ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 4

4- اهتمام اسلام به حمایت از مال و منافع یتیمان و عناصر ضعیف و بی پشتیبان جامعه

و لا تقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

## 103- حقوق ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 17

17 - تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان كان الذی علیه الحق . . . فلیملل ولیّه بالعدل

## 104- کفالت بر ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 18

18 - سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولیّ و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعيفاً .. فليملل ولیّه بالعدل

ص: 300

## 105- كفيل ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 16

16 - وجوب املاى اسناد دين و مبادلات نسيه اى با رعایت عدالت ، از سوى وليّ مديونِ سفیه یا ضعيف و یا ناتوان از املاى اسناد

فان كان الذى عليه الحقّ سفياً او ضعيفاً او لا يستطيع ان يملّ هو فليملل وليّه ب

ضعيفان

## 106- معذوريت ضعيفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 1

1 - افراد ضعيف و مريض و فاقد هزينه و امکانات جنگى ، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نيست .

ليس على الضعفاء ... حرج

ص: 301



### 1- احکام ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 14, 15, 16, 17, 18

14- ضمان و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن» ; بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «کفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در «أنا به زعیم» به «حمل بعیر» باز گردد، مراد از «زعیم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعیم» کفیل خواهد بود.

15- ضمانت برای جُعل ( اجرت در جعاله ) حتی پیش از انجام کار مورد جعاله ، جایز است و اعتبار قانونی دارد .

و أنا به زعیم

گوینده جمله «و أنا به زعیم» - که برای پرداخت اجرت (حمل بعیر) ضامن شده است - پیش از آن که عامل ، پیمانانه را بیابد اجرت را ضمانت کرده است.

16- ضمانت مال هر چند بر عهده بدهکار استقرار نیافته و لزوم پیدا نکرده باشد ، جایز است و اعتبار قانونی دارد .

و أنا به زعیم

17- شناخت طلبکار در صحت ضمان و معتبر بودن آن ، شرط نیست .

و أنا به زعیم

چنان چه گذشت جمله «أنا به زعیم» حاکی از قرارداد و ضمانت است و «مضمون له» در آن قرارداد (یعنی کسی که جام شاهی را خواهد یافت) معلوم نیست که چه کسی باشد. بنابراین لازم نیست ضامن بداند برای چه کسی (مضمون له) ضمان می سپارد.

18- رضایت طلبکار ، در صحت ضمانت شرط نیست .

و أنا به زعیم

هنگام تعهدسپاری ضامن (أنا به زعیم) هنوز کسی جام شاهی را نیافته بود. بنابراین رضایت یابنده جام در صحت ضمانت دخیل نیست.



## 2- تاریخ ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 19

19- جعاله، ضمان و كفالت، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

## 3- تعیین طلبکار در ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 17

17- شناخت طلبکار در صحت ضمان و معتبر بودن آن، شرط نیست.

و أنا به زعيم

چنان چه گذشت جمله «أنا به زعيم» حاکی از قرارداد و ضمانت است و «مضمون له» در آن قرارداد (یعنی کسی که جام شاهی را خواهد یافت) معلوم نیست که چه کسی باشد. بنابراین لازم نیست ضامن بداند برای چه کسی (مضمون له) ضمان می سپارد.

## 4- رضایت طلبکار در ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 18

18- رضایت طلبکار، در صحت ضمانت شرط نیست.

و أنا به زعيم

هنگام تعهدسپاری ضامن (أنا به زعيم) هنوز کسی جام شاهی را نیافته بود. بنابراین رضایت یابنده جام در صحت ضمانت دخیل نیست.

## 5- شرایط صحت ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 16,17,18

16- ضمانت مال هر چند بر عهده بدهکار استقرار نیافته و لزوم پیدا نکرده باشد، جایز است و اعتبار قانونی دارد.

و أنا به زعیم

17- شناخت طلبکار در صحت ضمان و معتبر بودن آن، شرط نیست.

و أنا به زعیم

چنان چه گذشت جمله «أنا به زعیم» حاکی از قرارداد و ضمانت است و «مضمون له» در آن قرارداد (یعنی کسی که جام شاهی را خواهد یافت) معلوم نیست که چه کسی باشد. بنابراین لازم نیست ضامن بداند برای چه کسی (مضمون له) ضمان

ص: 303

می سپارد.

18- رضایت طلبکار، در صحت ضمانت شرط نیست.

و أنا به زعیم

هنگام تعهدسپاری ضامن (أنا به زعیم) هنوز کسی جام شاهی را نیافته بود. بنابراین رضایت یابنده جام در صحت ضمانت دخیل نیست.

### 6- ضمان در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 19

19- جعاله، ضمان و كفالت، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

### 7- عقد ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 14

14- ضمان و كفالت، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است.

و أنا به زعیم

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن»؛ بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «كفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را كفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در «أنا به زعیم» به «حمل بعیر» باز گردد، مراد از «زعیم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعیم» كفیل خواهد بود.

### 8- مشروعیت ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 14

14- ضمان و كفالت، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است.

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن»؛ بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «کفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیمه غائب در «أنا به زعيم» به «حمل بعير» باز گردد، مراد از «زعيم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیمه در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعيم» کفیل خواهد بود.

## 14- ضيق صدر

### 1- آثار ضيق صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 11، 12، 6

6 - ضيق صدر و قرار گرفتن صدر در تنگنای شدید (روحیه حق ناپذیری) زمینه گمراهی انسان است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضيقاً حرجاً

حرج به معنای تنگنای شدید است. در مجمع البیان آمده است: «الحرج أضيق الضيق».

11 - ضيق صدر، زمینه و قرین گمراهی انسان است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضيقاً حرجاً

12 - ضيق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله .. کذلک یجعل الله الرجس

### 2- ضيق صدر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 7

7 - ضيق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 126 - 2

2 - گمراه کردن حقگریزان با ضيق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صراط ربك مستقیماً

ظاهراً مشارالیه «هذا» مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین «هذا» اشاره به شرح صدر و ضيق صدر و ...

است.

ص: 305



### 3- ضیق صدر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 13

13 - گرفتار شدن اباکنندگان از ایمان به ضیق صدر، سنت خداوندی است.

و من یرد آن یضله ... کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

### 4- ضیق صدر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

### 5- ضیق صدر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 11

11- کافران و مشرکان مکه مردمی تنگ نظر، متعصب و ناتوان در تحمل افکار مخالفان بودند.

أهدا الذی یدکرء الهتکم و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که کافران مکه، حتی تحمّل شنیدن نام خدای رحمان را نداشتند، و با پیامبر اسلام، همواره با تمسخر و استهزا برخورد می کردند.

### 6- ضیق صدر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 13 - 1

1 - تردید موسی (ع) در توانایی خویش برای رسالت، از ناحیه کمی سعه صدر و گویا نبودن زبانش

و یضیق صدری و لاینطلق لسانی

«ضیق صدر» مقابل «سعه صدر» و «انطلاق لسان» (رها بودن زبان) کنایه از فصاحت بیان است.

## 7- عوامل ضیق صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 306

9 - در تنگنا قرار گرفتن سینه و قلب آدمی به هنگام صعود به آسمان

يجعل صدره ضيقا حرجا كأنما يصعد في السماء

13 - گرفتار شدن اباکنندگان از ایمان به ضیق صدر، سنت خداوندی است.

و من یرد أن یضله .. کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

14 - ضیق صدر و تهی بودن قلب از ایمان، نشانه غلبه پلیدی بر آن است.

کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

20 - عن أبي عبد الله (ع) فی قول الله عز و جل: «و من یرد ان یضله یجعل صدره ضيقا حرجا» فقال: قد یكون ضيقا و له منفذ یسمع منها و یبصر و «الحرج» الملتئم الذی لا منفذ له یسمع به و لا یبصر به.

از امام صادق (ع) درباره آیه «و من یرد أن یضله ..» روایت شده است: گاهی سینه انسان تنگ می شود اما هنوز راه نفوذی برای آن باقی مانده که از طریق آن می شنود و می بیند و «حرج»، آن سینه ای است که فشرده شده و هیچ راه نفوذی به آن وجود ندارد که از آن راه بشنود و یا ببیند.

### 1- ابزار شناخت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 2

2 - ابزار شناخت حقیقت ستاره « طارق » و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما ادریک ما الطارق

خطاب در «ما ادراک» در این موارد، مخصوص شخص پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

### 2- سوگند به ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 1 - 2

2 - سوگند خداوند به ستاره پدیدار شده در شب ( زهره یا زحل یا ثریا و یا . . . )

و الطارق

«طارق»؛ یعنی، کسی که شب هنگام وارد شود. برخی ریشه اصلی آن را «طَرَق» (کوبیدن در) دانسته و گفته اند: کسی که شب وارد می شود، چون به کوبیدن در نیاز پیدا می کند، «طارق» نامیده می شود (نهایه ابن اثیر). آیات بعد صراحت دارد که مراد از آن ستاره است. صاحب «قاموس» آن را بر «ستاره صبح» (زهره) تطبیق داده است؛ گرچه به نقل «لسان العرب»، برخی از اهل لغت این نام را نامعروف خوانده و برخی دیگر آن را بر زحل (کیوان) و ثریا (پروین) منطبق دانسته اند.

### 3- عظمت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 1

1 - عظمت ستاره « طارق » ، فراتر از حد بیان است .

و ما ادریک ما الطارق



#### 4- فلسفه نامگذاری طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 4

4 - « عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال : هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمی الطارق لانه یطرق نوره سماء سماء إلی سبع سماوات ثم یطرق راجعاً حتی یرجع إلی مکانه ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای «طارق» سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا «طارق» نامیده شده؛ چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد».

#### 5- مراد از طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 4

4 - « عن ضحاک بن مزاحم قال سئل علی (ع) عن الطارق قال : هو أحسن نجم فی السماء و لیس تعرفه الناس و انما سمی الطارق لانه یطرق نوره سماء سماء إلی سبع سماوات ثم یطرق راجعاً حتی یرجع إلی مکانه ;

از ضحاک بن مزاحم روایت شده است: از امام علی(ع) از معنای «طارق» سؤال شد، حضرت فرمود: نیکوترین ستاره ای است که در آسمان است و مردم آن را نمی شناسند و همانا «طارق» نامیده شده؛ چون نور آن در آسمان ها، یکی پس از دیگری تا هفت آسمان نفوذ می کند. سپس در بازگشت نیز هم چنان نفوذ می کند تا به محل اول برسد».

#### 6- نورانیت ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 1

1 - « طارق » ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

«ثَقَب»؛ یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را «ثاقب» گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت «طارق» - در آیه قبل - و توصیف آن به «نجم ثاقب» - در این آیه - بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

#### 7- ویژگیهای ستاره طارق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 2 - 2

ص: 309

2- ابزار شناخت حقیقتِ ستاره « طارق » و ویژگی های آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريک ما الطارق

خطاب در «ما أدراک» در این موارد، مخصوص شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیست؛ بلکه روی سخن با هر مخاطبی است که این سخن را دریافت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 3 - 1

1- « طارق » ، ستاره ای است دارای پرتوی نافذ و شکافنده تاریکی ها در صحنه آسمان .

النجم الثاقب

«ثَقَبٌ»؛ یعنی، دریدگی کم عمق (مصباح) و چون نور ستاره نفوذ می کند، آن را «ثاقب» گویند. (مقایس اللغه) استفهام از شناخت «طارق» - در آیه قبل - و توصیف آن به «نجم ثاقب» - در این آیه - بیانگر آن است ستاره ای خاص مورد نظر است.

ص: 310



### 1- آثار اجتناب از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 6

6 - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است.

و الذین اجتنبوا الطغوت .. لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

### 2- آثار اجتناب از عبادت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 5

5 - کسانی که از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت، پرهیز کرده و به خدا روی آورند و توبه کنند، شایسته بشارت الهی اند.

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلى الله لهم البشری

### 3- آثار پیروی از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 4

4- پیروی از طاغوت ها و سرکشان، موجب دوری از رحمت خدا در دنیا و آخرت است.

و اتبعوا أمر کل جبار عنید. و أتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیمه

### 4- آثار حاکمیت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حاکمیت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اولیائوهم الطّاغوت یخرجونهم من التّور الی الظّلمات

### 5- آثار عبادت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 3،8

3 - عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران گمراهی ، شرک است .

والذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه در توصیف مؤمنانی است که در برابر مشرکان قرار داشته و در عقیده مخالف آنان می باشند.

8 - عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت ، مانع توبه و باریافتن به درگاه الهی است .

والذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها و أنابوا إلی اللّٰه

### 6- آثار قبول طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 3

3 - مراجعه به طاغوت ، در پی دارنده عذاب در قیامت \*

فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت ایدیهم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر و امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمودند: المصیبه هی الخسف و اللّٰه بالمنافقین عند الحوض.

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 142؛ نورالثقلین، ج 1، ص 509، ح 367؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 254، ح 181.

### 7- آثار فضاوت طاغوت

1 - ارجاع داوری به طاغوت ، موجب ابتلای مراجعه کنندگان به مصائب و مشکلات

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت . . فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدّمت

با توجه به آیه پیش، از مصادیق مورد نظر برای «ما قدمت ایدیههم» مراجعه به طاغوت برای داوری است.

ص: 312

## 8- آثار گرایش به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 7

7 - زیر پا گذاشتن مقررات شرعی و گرایش به طاغوت ، از عوامل ابتلای جوامع به مشکلات و گرفتاریها

و اذا قيل لهم .. فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ايديهم

## 9- اجتناب از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 7، 2، 1

1 - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

«طاغوت» در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (أن يعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه در صدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

2 - لزوم اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سردمداران ضلالت

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

7 - اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت ، شرط توبه و رویکرد به خداوند است .

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله

تقدم طرح مسأله اجتناب از طاغوت، بر موضوع توبه و رویکرد به خداوند، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 1

1 - عبادت خالصانه خدا ، اجتناب از عبادت طاغوت ، توبه ، پیروی از بهترین سخن و خردورزی ، از اوصاف تقوایندگان

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله .. الذين يستمعون القول .

«الذین اتَّقوا ربَّهم» بیان تفصیلی برای آن دسته از افراد مؤمنی است که در آیات قبل توصیف شده اند؛ یعنی، «الذین اجتنبوا الطاغوت.. الذین یستمعون القول...».

## 10- استهزای طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 13

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

ص: 313

## 11- اطاعت از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 15

15 - فرمانبری از طغیانگران ، ناسازگار با ایمان به خدا و کتب آسمانی

هل تتقون منا الا ان ءامنا بالله . . . و عبد الطغوت

توصیف پیشینیان یهود و نصارا به بندگی و اطاعت طاغوت در پاسخ استهزای اهل کتاب نسبت به مؤمنان، حاکی از ناسازگاری ایمان به خدا با اطاعت طاغوت است.

## 12- اهل کتاب و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 51 - 2

2 - گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت (معبودی غیر از خدا) و طاغوت

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الکتب يؤمنون بالجبت و الطاغوت

«جبت» در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

## 13- اهمیت اجتناب از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 2

2- عبادت خدا و اجتناب از طاغوت ، دو رکن اساسی تعالیم انبیا

و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطغوت

## 14- ایمان به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 51 - 13، 2

2- گرایش و ایمان برخی اهل کتاب و علمای یهود به جبت ( معبودی غیر از خدا ) و طاغوت

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت و الطّاغوت

«جبت» در لغت به معنای هر چیزی است که در آن خیری نباشد و نیز به معبودی غیر از خدا گفته می شود.

13- ایمان حُیّی بن اخطب و کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت و الطّاغوت و يقولون

ص: 314

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حییی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 2

2 - ایمان به جبت و طاغوت ( کفر و شرک ) موجب لعن خداوند

الم تر . . . اولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 17

17 - مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت وقد امروا ان يكفروا به

### 15- تقویت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 5

5 - تقویت طاغوت ، از ویژگی های کافران

و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطّاغوت

### 16- توطئه طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 11

11 - سست بنیادی نقشه ها و ترفند های طاغوت ها و شیاطین

و الذين كفروا يقاتلون في سبيل الطّاغوت . . . انّ كيد الشّيطان كان ضعيفاً

### 17- جایگاه طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

ص: 315

من لعنه الله و غضب عليه و جعل منهم . . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

### 18- جنگ با طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 10

10 - جنگ با دوستان شیطان ( کافران و طاغوت ها ) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله . . . فقاتلوا اولياء الشيطان

### 19- جنگ در راه طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 3، 4، 15

3 - جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطاغوت

4 - نبرد در رکاب طاغوت ها ، نشانه کفر

و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطاغوت

15 - کافران پیکارگر در جبهه طاغوت ، ضعیف و ناتوان

و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطاغوت . . . ان كيد الشيطان كان ضعيفاً

### 20- حاکمیت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 9، 11، 14، 16

9 - کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الَّذِينَ كَفَرُوا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات

11 - حاکمیت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اولیائهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

14 - اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الذّین امنوا .. و الذّین کفروا اولیائهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک «ولی» برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

16 - توجّه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیت طاغوت

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

ص: 316

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 3

3 - حاکمیت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءاتیه الله الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 20

20 - ارجاع داوری به حاکمان خودکامه و سلطه گر ، پذیرش حاکمیت طاغوت است .

الم تر الى الذين يزعمون انهم امنوا ... يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت

امام صادق (ع) فرمود: ... انه لو كان لك على رجل حق فدعوته الى حكام اهل العدل فأبى عليك إلا ان يرافعك الى حكام اهل الجور ليقضوا له لكان ممن حاكم الى الطاغوت وهو قول الله عزّ وجل: الم تر الى الذين يزعمون ...

---

کافی، ج 7، ص 411، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 508، ح 361؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 387، ح 2، 3 و 5؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 254، ح 180.

## 21- دوستان طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 7

7 - طاغوت ها و هموارکنندگان راه آنان ، دوستان و یاوران شیطانند .

والَّذِينَ كَفَرُوا يُقاتلون في سبيل الطّاغوت فقاتلوا اولياء الشّيطان

مراد از اولیای شیطان به قرینه فای تفریع در «فقاتلوا»، کافران و طاغوتها هستند. گفتنی است که در برداشت فوق، شیطان، غیر طاغوت گرفته شده است.

## 22- سبیل الله و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - تضاد راه خدا با راه طاغوت و شیطان

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله و الَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلون في سبيل الطَّاغُوتِ فقاتل

### 23- شیطنت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 317

9- طاغوت ها ، شیطانند و کافران ، یاوران آنها

و الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ

بدان احتمال که مراد از شیطان همان طاغوت باشد ؛ در این صورت مقصود از اولیاء شیطان - به دلیل فای تفریح - کافران خواهد بود.

### 24- طاغوت پرستان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 60 - 17

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب عليه و جعل منهم .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

### 25- طاغوت پرستی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 60 - 13، 9

9- گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می رساند که غضب و .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

### 26- ظلم طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است .

یریدون ان یتحاكموا الی الطّاغوت وقد امروا ان یکفروا به

ص: 318

## 27- فضایل معرضان از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 5

5- کسانی که از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت، پرهیز کرده و به خدا روی آورند و توبه کنند، شایسته بشارت الهی اند.

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله لهم البشري

## 28- قبول قضاوت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 21، 17

17 - مراجعه به طاغوت ها برای داوری، ایمان به آنان و تأیید ظلم و تجاوزگری آنان است.

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت و قد امروا ان يكفروا به

21 - ارجاع داوری به طاغوت، نشانه دروغگویی در ادعای ایمان

الم تر الى الذين يزعمون أنهم امنوا

امام صادق (ع) فرمود: .. اما علمت ان كل زعم في القرآن كذب.

---

کافی، ج 2، ص 342، ح 20؛ نورالثقلین، ج 1، ص 508، ح 362.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 12

12 - تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت، از سر بی ایمانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است.

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

مفهوم جمله «ان اردنا» این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 18، 14، 12، 11، 8، 3، 2، 1

1 - تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الى الذين يزعمون . . . يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت

1 - جمله «یریدون . . .» دلالت می کند که حتی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست ؛ چه رسد به انجام آن. 2 - کلمه «طاغوت»، مصدر و به معنای اسم فاعل است ؛ یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبار.

2 - ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الى الذين يزعمون . . . يريدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت

ص: 319

3 - مراجعه به طاغوت ها برای داوری ، علی رغم ادعای ایمان مایه شگفتی و تعجب

الم تر الى الذين يزعمون . . ان يتحاكموا الى الطّاغوت

استفهام در جمله «الم تر»، برای تعجب ایراد شده است.

8 - دادگاه های طاغوتی ، دادگاههایی هستند که بر خلاف حکم خدا و رسول قضاوت می کنند . \*

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت و قد امروا ان يكفروا به

در صورتی ارجاع داوری به دادگاهها ناسازگار با ایمان می شود که قضاوت در آن محاکم بر خلاف دستورات الهی باشد؛ بنابراین مراد از طاغوت حاکمانی هستند که بر خلاف قرآن و سنت پیامبر حکم می کنند.

11 - خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت و قد امروا ان يكفروا به

12 - ارجاع داوری ها به طاغوت ( کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند ) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشیطان ان یضللهم

14 - رجوع کنندگان به طاغوت ، تحت سیطره و نفوذ شیطان هستند .

یریدون ان يتحاكموا الى الطّاغوت . . و یرید الشیطان ان یضللهم

18 - سقوط به ژرفنای گمراهی ، پیامد پذیرش دادگاه های طاغوتی

یریدون ان يتحاكموا . . و یرید الشیطان ان یضللهم ضلالاً بعيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 6

6 - مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشان است .

یریدون ان يتحاكموا . . و لو انهم اذ ظلموا انفسهم

**30- کافران و طاغوت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- طاغوت ها ، شیطانند و کافران ، یاوران آنها

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقاتَلُوا اَوْلِياءَ الشَّيْطَانِ

بدان احتمال که مراد از شیطان همان طاغوت باشد ؛ در این صورت مقصود از اولیاء شیطان - به دلیل فای تفریح - کافران خواهد بود.

### 31- کفر به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 -

9،10،11،13،14،17،21

9- ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، راهی استوار ، محکم و مطمئن

فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى

ص: 320

10 - کفر مستمرّ به طاغوت و ایمان مداوم به خداوند ، چنگ زدن به ریسمان محکم الهی است .

فمن يكفر بالطّٰغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروه الوثقى

11 - کفر به طاغوت ( نفی همه اغیار و تخلیه وجود از غیر حق ) ، شرط تحقّق ایمان

فمن يكفر بالطّٰغوت و يؤمن بالله

از تقدم مسأله «کفر به طاغوت» بر «ایمان» استفاده شده است.

13 - ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، رُشد است .

قد تبين الرّشد من الغيّ فمن يكفر بالطّٰغوت و يؤمن بالله

14 - لزوم اعلان کفر به طاغوت و ایمان به خداوند با زبان ، علاوه بر تصدیق قلبی

فمن يكفر بالطّٰغوت و يؤمن بالله . . . و الله سمیع علیم

ذکر «سمیع علیم» بیانگر این است که ایمان به خداوند و کفر به طاغوت، به زبان و قلب است.

17 - تشویق خداوند نسبت به مؤمنان به او و کافران به طاغوت

فمن يكفر بالطّٰغوت و يؤمن بالله . . . و الله سمیع علیم

21 - تعلق قلبی به خداوند و کفر به طاغوت ( نفی اغیار ) ، دو بُعد ایمان با صلابت

فمن يكفر بالطّٰغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروه الوثقى

امام صادق (ع) درباره آیه «فقد استمسك . . .» فرمود: هی الايمان بالله وحده لا شريك له

---

کافی، ج 2، ص 14، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 263، ح 1052 و 1053.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 2، 1

1 - شمول ولایت خاص الهی ، بر مؤمنانی که به طاغوت کفر ورزند .

فمن يكفر بالطّٰغوت . . . الله وليّ الذين امنوا

2 - ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یآوری و دوستی خداوند

فمن يكفر بالطّٰغوت . . . الله وليّ الذين امنوا

برای «ولّی»، معانی متعدّدی گفته شده است ; از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 11، 6، 7

6 - لزوم کفر به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن

و قد امروا ان يكفروا به

7 - لزوم کفر به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن ، فرمان مشترک همه ادیان الهی

يزعمون انّهم امنوا بما انزل اليك و ما انزل من قبلك يريدون ان يتحاكموا الى الطّٰغ

چون خداوند مراجعه به طاغوت را با ایمان به کتب آسمانی گذشته ناسازگار دانسته، معلوم می شود که در آن کتابها نیز چنین کرداری محکوم و ناپسند شمرده شده است.

11 - خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

يريدون ان يتحاكموا الى الطّٰغوت و قد امروا ان يكفروا به

ص: 321

### 32- گمراهی طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18,19

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

### 33- گناه اطاعت از طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 54 - 12

12 - پیروی از طاغوت ، گناه و فسق است .

فأطاعوه .. إنهم كانوا قومًا فسقين

### 34- مبارزه با طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 76 - 6

6 - وجوب نبرد با یاوران شیطان ( کافران و طاغوت ها )

و الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ

### 35- مراجعه به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 8,9

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت ، اظهار ندامت کردند .

ثم جاؤک یحلفون بالله ان اردنا الا احساناً . . فاعرض عنهم

کلمه «اعراض»، به قرینه «عظهم» (آنان را نصیحت کن)، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به موعظه منافقانی که از مراجعه به طاغوت اظهار ندامت کردند .

یریدون ان یتحاكموا الی الطاغوت . . فاعرض عنهم و عظمهم

ص: 322

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 6

6 - مراجعه به طاغوت و دادگاه های ناصالح برای داوری ، ستم به خویشان است .

یریدون ان یتحاکموا . . . و لو اثم اذ ظلموا انفسهم

### 36- مصادیق طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 20

20 - شیطان ، از مصادیق طاغوت

فمن یکفر بالطاغوت

امام صادق (ع) درباره آیه «فمن یکفر بالطاغوت» فرمود: انه الشیطان . . .

---

مجمع البیان، ج 2، ص 631؛ نورالثقلین، ج 1، ص 263، ح 1051.

### 37- منافقان و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 12

12 - تظاهر منافقان به اینکه مراجعه آنان به طاغوت برای قضاوت ، از سر بی ایمانی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است .

یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت . . . ان اردنا الا احساناً و توفیقاً

مفهوم جمله «ان اردنا» این است که قصد ما اعراض از حکم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است، بلکه می خواستیم بین طرفین دعوا صلح دهیم و به آنان نیکی کرده باشیم.

### 38- موارد طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



22 - کعب بن اشرف و ابن شیبیه یهودی ، از مصادیق حاکمان طاغوتی

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

بسیاری از مفسران برآنند که آیه در مورد منافقی نازل شد که به هنگام نزاع با فردی، خواهان مراجعه به کعب بن اشرف یهودی شد و از مراجعه به پیامبر برای داوری سر باز زد. برخی دیگر از مفسران، مصداق طاغوت را ابن شیبیه یهودی گفته اند.

ص: 323

### 39- نقش طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 60 - 13، 15

13 - طاغوت ها ، دام ها و ابزار کار شیاطین هستند .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . . . و یرید الشّیطان ان یضلّهم

15 - شیاطین و طاغوت ها ، عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی

الم تر الی الذّین یزعمون . . . و یرید الشّیطان

### 40- ولایت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 12، 13

12 - عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّه ولیّ الذّین امنوا . . . و الذّین کفروا اولیاءهم الطّاغوت

13 - هر ولایتی جز ولایت الهی ، طاغوتی است .

اللّه ولیّ الذّین امنوا . . . و الذّین کفروا اولیاءهم الطّاغوت

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 12

12 - رها شدن در ورطه ولایت و حکومت گمراهان ، پیامد مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

و من یشاقق الرسول . . . و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

طاغوت پرستان

## 41- استهزای طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 13

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً . . . منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

ص: 324

## 42- جایگاه طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 16,17

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب عليه و جعل منهم . . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

## 43- طاغوت پرستان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 17

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب عليه و جعل منهم . . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

## 44- گمراهی طاغوت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18,19

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله . . . و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین

جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

طاغوتیان

#### **45- آثار ثروت طاغوتیان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 88 - 8

8- ثروت و زینت های فراوان دنیوی در دست طاغوت و طاغوتیان ، از عوامل گمراهی مردم است .

ص: 325

ربنا إنك آتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا . . . ليضلوا عن سبيلك

#### 46- امکانات مادی طاغوتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 8

8 - ثروت و زینت های فراوان دنیوی در دست طاغوت و طاغوتیان ، از عوامل گمراهی مردم است .

ربنا إنك آتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا . . . ليضلوا عن سبيلك

ص: 326

## 17- طالوت

### 1- اطاعت از طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 - 4,5

4 - آزمایش فرمانبری از طالوت و نیروی اراده بنی اسرائیل از جانب خداوند به وسیله نهر \*

ان الله مبتليكم بنهر

در آیات سابق، تردید فرمانبری بنی اسرائیل را در رویارویی با دشمن مطرح کرد (هل عسیتم ..) بنابراین آزمایش الهی، برای مشخص شدن فرمانبران و نیز میزان فرمانبری آنان بوده است.

5 - همراهی جمعیت انبوهی از بنی اسرائیل با طالوت، در آغاز حرکت وی برای پیکار با متجاوزان

فلما فصل طالوت بالجنود

کلمه «جُند» به معنای جمعیت انبوه و متراکم است. آوردن این کلمه به صورت جمع (جنود) دلالت بر کثرت لشکریانی دارد که با طالوت بسیج شدند.

### 2- برتری طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 9

9 - طالوت، نسبت به دیگران، از توانایی جسمی و علمی (کاردانی) بیشتری برخوردار بود.

وزاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله «وزاده ...» بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و علت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است؛ بنابراین «زاده ...» بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

### 3- برگزیدگی طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 1,2,3,11,16,19,22

1 - برگزیدگی طالوت برای زمامداری بنی اسرائیل ، به نفع و سعادت آنان

ص: 327



ان الله قد بعث لكم طالوت ملكاً

«لام» در «لکم» تصریح است به اینکه فرماندهی و زمامداری طالوت در جهت نفع و سعادت آنان بوده است.

2- طالوت ، برانگیخته خداوند برای زمامداری بنی اسرائیل

ان الله قد بعث لكم طالوت ملكاً

3- شگفتی سردمداران بنی اسرائیل ، از برگزیدگی طالوت به دلیل سرشناس نبودن و نداشتن ثروت

قالوا انی یکون له الملك . . . و لم یؤت سعه من المال

ظاهراً اعتراض کنندگان، همان پیشنهاددهندگان بودند که خداوند از قول آنان می فرماید: «قال المأ . . . نحن احق». بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: یکی نبودن طالوت از طبقه ملاً و اشراف که می گفتند: «نحن احق». و دوم نداشتن مال و ثروت که با «و لم یؤت سعه من المال» به آن اشاره شده است.

11- گستردگی توانایی های علمی و جسمی طالوت ، ملاک برگزیدگی وی از جانب خداوند برای زمامداری

ان الله اصطفیه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم

16- مشیت الهی ، منشأ برگزیدگی طالوت ( زمامداران الهی )

و الله یؤتی ملکه من یشاء

19- بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش ، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انی یکون له الملك علینا . . . و الله واسع علیم

جمله «و الله واسع علیم» تعریضی به بنی اسرائیل است که بینش شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

22- نبودن طالوت از خاندان نبوت و پادشاهی ، منشأ اعتراض بزرگان ( ملاً ) بنی اسرائیل به برگزیدگی وی از جانب خداوند

قالوا انی یکون له الملك علینا

امام باقر (ع) درباره آیه «ان الله قد بعث . . .» فرمود: لم یکن من سبط النبوه و لا من سبط المملکه ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 248 - 2

2 - عدم اطمینان بنی اسرائیل به مأموریت طالوت از جانب خداوند و درخواست نشانه و دلیلی از پیامبرشان بر زمامداری وی

قد بعث لکم طالوت . . . انّ ایه ملکه ان یاتیکم

جمله «ان ایه . . .» می نمایاند که آنان برای حقیقت زمامداری طالوت، درخواست نشانه و معجزه کرده بودند؛ و نشانه خواستن، حاکی از تردید ایشان است.

#### 4- پیروزی سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 24، 5، 4

4 - هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهبزموهم باذن الله

5 - اجابت دعا و نیایش طالوتیان، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

ص: 328

قالوا ربنا .. و انصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن الله

24 - چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّل جهانشمول الهی

فهموهم باذن الله ... و لکنّ الله ذو فضل على العالمین

### 5- جهاد طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 - 15

15 - عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 250 - 3، 1

1 - صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لما برزوا .. و انصرنا على القوم الكافرين

3 - نیروهای اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لما برزوا الجالوت .. و انصرنا على القوم الكافرين

### 6- دعای سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 250 - 1

1 - صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لما برزوا .. و انصرنا على القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 5

5- اجابت دعا و نيايش طالوتيان ، با هزيمت و شكست سپاه جالوت

قالوا ربنا .. و انصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن الله

### 7- رهبری طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2- بقره - 2 - 248 - 3,14,16,17

3- بازگشت صندوق (تابوت) به سوی بنی اسرائیل ، نشانه زمامداری طالوت

ص: 329

انّ ایه ملکه ان یاتیکم التابوت

الف و لام در «التابوت» برای عهد ذهنی است و بیانگر این معنا که آن صندوق زمانی نزد بنی اسرائیل بوده است. جمله «و فیہ ... بقیه مما ترک ال موسی» مؤید این معناست؛ لذا «اتیان» به بازگشتن معنا شد.

14 - مؤمنان بنی اسرائیل (اهل پذیرش حق)، پذیرای صندوق معهود، به عنوان نشانه ای بر حقایق طالوت در زمامداری

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

«ایمان» در آیه شریفه به معنای ایمان به خداوند و رسول و در مقابل کفر نیست؛ چون مخاطبین آیه از اهل ایمانند؛ بلکه به معنای لغوی آن است؛ یعنی آنانکه اهل باور و پذیرای حق هستند، مقابل کسانی که روحی لجوج و قلبی پیوسته ناباور دارند.

16 - وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور)، در میان بنی اسرائیل، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر «ان کنتم مؤمنین» اشاره است به اینکه افرادی غیر مؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

17 - در صندوق معهود، نشانه حاکمیت طالوت و شکسته های الواح حضرت موسی بود که بر آن علوم آسمانی نگاشته شده بود.

ان یاتیکم التابوت

امام باقر (ع) درباره آیه «ان یاتیکم التابوت ..» فرمود: رضاض الالواح فیها العلم والحکمه، العلم جاء من السماء فکتب فی الالواح و جعل فی التابوت

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 133، ح 440؛ نورالثقلین، ج 1، ص 247، ح 977.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 - 3

3 - آمادگی بنی اسرائیل برای پیکار با دشمنان، پس از پذیرش زمامداری طالوت، با مشاهده آن صندوق خاص

ان ایه ملکه .. فلّمّا فصلّ طالوت بالجنود

بسیج لشکریانی از بنی اسرائیل، با وجود تردید سابق آنان نسبت به فرماندهی طالوت، دلالت بر جمله ای محذوف دارد؛ یعنی پس از آمدن تابوت، به فرماندهی طالوت گردن نهادند و آماده نبرد شدند و آنگاه طالوت آنان را بسیج کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 -

6,9,10,11,12,14,15,17,18,21,32,33,34

6 - طالوت ، لشکریان بسیج شده را تا قبل از موفقیت آنان در آزمایش ، به خود نسبت نمی داد .

فلما فصل طالوت بالجنود

آنگاه که طالوت، لشکریان را نیازموده بود، از آنان تعبیر به «الجنود» شد، نه «جنوده» یعنی نه آنان را به خود منتسب می دانست و نه از خود نفی می کرد. و آنگاه که سخن از آزمایش به میان آمد، نسبت به آنان که در آزمایش موفق می شوند، گفت: «فأنته منّی».

9 - اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او ، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فلیس منّی

10 - اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

ص: 330

و من لم يطعمه فأنه مني

11 - کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ؛ گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فليس مني و من لم يطعمه فأنه مني ألا من اغترف غرفةً بيده

کلمه «الآ» استثنای از «فمن شرب» است؛ بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُستی از آب برگرفتند. حکم گروه اول و دوم روشن است ؛ ولی گروه سوم چون آب را چشیده اند، «منی» صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، «لیس منی» نیز صدق نمی کند.

12 - طالوت با آزمایش الهی ، برخی سپاهیان خود را تصفیه نمود و از لشکر طرد کرد .

فمن شرب منه فليس مني

14 - بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی ، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند .

فشربوا منه الا قليلا

15 - عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه

17 - اظهار عجز برخی همراهان طالوت از پیکار با دشمن ، پس از عبور از نهر و دیدن سپاه عظیم جالوت

فلما جاوزه هو و الذين امنوا معه قالوا لا طاقه لنا اليوم بجالوت و جنوده

18 - تنها اقلیتی که در آزمایش تشنگی موفق شدند ، همراه طالوت از نهر گذشتند .

فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه هو و الذين امنوا معه

21 - معتقدان به لقای خداوند (روز رستاخیز) در لشکر طالوت ، امیدوارکنندگان دل های نگران

قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئه قليله غلبت فئه كثيره

32 - ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الآ من اغترف غرفه بيده .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: .. قال الذين اغترفوا: «لا طاقه لنا اليوم بجالوت» ...

---

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

33 - همراهان طالوت تا آخرین مرحله پیکار، همانهایی بودند که حتی یک کف از آب ننوکیدند.

فشربوا منه الا قليلا .. قال الذين يظنون

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: .. قال الذين لم يغترفوا: «كم من فته قليله غلبت فته كثيره باذن الله».

---

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

34 - عده ای از یاران طالوت که از آب نهر ننوکیدند، سیصد و سیزده نفر بودند.

فشربوا منه الا قليلا

امام باقر (ع): .. فشربوا منه الا ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلا ..

---

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

## 9- علم طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 331



9 - طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی ( کاردانی ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله «و زاده . . . » بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و عِلّت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است؛ بنابراین «زاده ...» بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

11 - گستردگی توانایی های علمی و جسمی طالوت ، ملاک برگزیدگی وی از جانب خداوند برای زمامداری

ان الله اصطفیه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم

### 10- فرماندهی طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 - 1، 2

1 - کُزیدن و بسیج افراد و گروه های سپاه ، از جانب طالوت و خروج آنان با فرماندهی وی ، به سوی دشمن

فلما فصل طالوت بالجنود

2 - اعلام قبلی طالوت به نیرو های بسیج شده در مورد آزمایش آنان با رودخانه ای خروشان

قال ان الله مبتلیکم بنهر

### 11- قدرت طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 9

9 - طالوت ، نسبت به دیگران ، از توانایی جسمی و علمی ( کاردانی ) بیشتری برخوردار بود .

و زاده بسطه فی العلم و الجسم

چون جمله «و زاده . . . » بیان حکمت انتخاب طالوت از میان بنی اسرائیل و عِلّت تقدّم وی بر دیگران است، پس او در این دو صفت برتر از دیگران بوده است؛ بنابراین «زاده ...» بیانگر توانایی جسمی و علمی بیشتر او در مقایسه با دیگران است.

### 12- قصه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 1، 29

1 - دعوت خداوند به رؤیت (دقت کامل) در واقعه طالوت و بنی اسرائیل

الم تر الى المأ من بنی اسرائیل

29 - نیروهای صادق و پایدار بنی اسرائیل در رکاب طالوت ، شصت هزار نفر بودند .

تولوا الا قليلا

امام باقر (ع) درباره «قلیل» در آیه فوق فرمود: كان القليل ستين الفاً

ص: 332

---

معانی الاخبار، ص 151، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 245، ح 971.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 252 - 2

2 - داستان طالوت و هلاکت جالوتیان، از آیات الهی

الم تر الى الملاء من بنی اسرائیل . . . تلک آیات اللّٰه

کلمه «تلک» اشاره به داستان طالوت و جالوت است.

ص: 333

1- اهمیت طائف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 8

8 - مکه و طائف ، دو شهر مهم جامعه عصر بعثت ، نزد عرب جاهلی

وقالوا .. علی رجل من القریتین

2- تاریخ طائف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 8

8 - مکه و طائف ، دو شهر مهم جامعه عصر بعثت ، نزد عرب جاهلی

وقالوا .. علی رجل من القریتین

3- توقع نبوت اشراف طائف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 1

1 - توقع بی جای مشرکان مکه در لزوم انتخاب پیامبر ، از میان اشراف « مکه » و « طائف »

وقالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم

عموم مفسران مراد از «قریتین» را مکه و طائف دانسته اند.

1- طبقات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 7 - 1، 2

1 - تقسیم انسان ها به ثابت قدمان بر هدایت و مغضوبین درگاه خدا و گمراهان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

مراد از «نعمت» در «انعمت علیهم» به قرینه فرازهای قبل و بعد، نعمت هدایت است، نه نعمتهای مادی. علاوه بر اینکه همه موجودات، حتی کافران، از این نعمتها برخوردار هستند.

2 - گروهی از انسان ها برخوردار از هدایت های ویژه الهی و بهره مند از مراحل والای آن هستند .

صراط الذین انعمت علیهم

چنانچه گذشت مراد از «نعمت» نعمت هدایت است، و چون درخواست کنندگان این نعمت خود از هدایت یافتگان هستند، مقصود از آن، هدایتی ویژه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 8 - 1

1 - تقسیم انسان ها به : تقواییشگان ، کافران و منافقان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

هدی للمتقین . .. إن الذین کفروا ... و من الناس من یقول ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 11

11 - تقسیم مؤمنان به صبر پیشگان و غیر صابران ، از طبقه بندی های اهل ایمان در قرآن

و بشر الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 166 - 1

1 - تقسیم مشرکان به : سردمداران شرک و پیروان آنان

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 335

12 - خداوند ، مفسدان و مصلحان را از یکدیگر بازمی شناسد .

والله يعلم المفسد من المصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 118 - 22

22 - اعتقاد انسان ها ، ملاکی برای تقسیم بندی جوامع انسانی

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنانه من دونکم . . . و ما تخفی صدورهم اکبر

خداوند، جامعه انسانی را به دو دسته اهل ایمان و بیگانه با ایمان تقسیم کرده که این تقسیم، بر اساس اعتقاد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 53 - 14

14 - تهیدستان و طبقات پایین جامعه، دارای زمینه بیشتر برای پذیرش ایمان و دعوت پیامبرند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم . . . أليس الله بأعلم بالشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 129 - 2

2 - انسانهایی ظالم در صدد گمراه کردن و منحرف ساختن انسانهای دیگرند.

یمعشر الجن قد استکثرتم . . . و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

در آیه پیشین سخن از اغواگری جنیان در مورد آدمیان بود. مقتضای تشبیه «کذلک» شباهت روابط متقابل آدمیان و جنیان با روابط میان ظالمان است. یعنی همان گونه که جنیان به اغوای مردم می پردازند، ظالمان نیز در صدد اغوای ظالمان دیگرند.

## 2- طبقات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 151 - 4

4 - خطر پیدایش طبقه مسرف و متجاوز ، در شرایط رفاه و توانمندی اقتصادی جامعه و تسلیم شدن توده های ناآگاه در برابر آنان

فی جنّات و عیون . و زروع و نخل ... و لاتطیعوا امر المسرفین

از ارتباط عبارت «فی جنّات و عیون» با «و لاتطیعوا امر المسرفین» می توان استفاده کرد که در محیط رفاه و ثروت، رهبران اسراف گر ظهور می کنند و توده های ناآگاه نیز به اطاعت از آنان، گردن می نهند.

### 3- طبقات اجتماعی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 13 - 9

ص: 336



9- وجود طبقات فقیر و مستمند در جوامع رفاه زده و ستمگر پیشین

ارجعوا .. لعلكم تسلون

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که مراد از «لعلكم تسلون» پرسش و درخواست فقیران از آنان باشد.

#### 4- طبقات اجتماعی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 3، 1

1 - برخی از زنان و مردان کافر عصر بعثت ( در مکه ) از امکانات و ثروت چشمگیری برخوردار بودند .

و لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

ضمیر «منهم» به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بودند و از آنجایی که سوره «طه» در مکه نازل شده است، مراد کفار مکه است. «ازواج» یا به معنای مردان و زنانی است که تشکیل خانواده داده اند و یا به معنای «اصناف» است. «من» در «منهم» برای تبعیض است.

3 - سطح زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان، با کافران مکه، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لا تمدنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً منهم

#### 5- طبقات اجتماعی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 15

15 - مردم مکه در واکنش به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو دسته بودند : مؤمن و کافر .

أن أُنذِر الناس و بشرّ الذین ءامنوا .. قال الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 17 - 1

1 - منافقان صدر اسلام، قشری مرفه و برخوردار از امکانات ( اموال و اولاد )

لن تغنی عنهم أموالهم و لا أولدهم من اللّهِ شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 14 - 3

3 - کافران تکذیب گر ، در صدر اسلام از قشر ثروتمند و پرفرزند و نفرات بودند .

أَن كَان ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

ص: 337

## 6- طبقات اجتماعی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 10، 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ابلاغ پیام الهی به مردم، با مؤمنانی تهیدست و دنیاگرایانی رفاه مند، مواجه بود.

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم . . . و لاتطع من اغفلنا قلبه

از تعبیر «ترید زینه الحیاه الدنیا» استفاده می شود که در آیه، دو گروه، با دو مشخصه، یاد شده اند: نخست، مؤمنان خالصی که از زینت دنیا بی بهره بودند و گروه دوم، کسانی که زینت دنیایی داشتند.

10- توجه به ربوبیت خداوند، سوق دهنده آدمی به استغاثه و دعا به درگاه او است.

یدعون ربهم

## 7- طبقات اجتماعی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 3

3 - مستضعفان و اشراف مستکبر، دو طبقه متمایز از یکدیگر در میان قوم ثمود

قال المأ الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 1

1 - جامعه نخستین پس از نوح (ع)، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

وقال المأ من قومه . . . و أترفهم فی الحیوه الدنیا

«ملا» به سران و اشراف گفته می شود «اتراف» (مصدر «اترفنا») به معنای متنعم کردن و برخوردار ساختن است.

## 8- طبقات اجتماعی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- قوم عاد، متشکل از سرانی متکبر و سرکش و توده‌هایی پیرو و مطیع

و اتباعوا أمر کل جبار عنید

8- توده‌های قوم عاد، به پیروی از فرمان سران خویش، آیات الهی را انکار و با پیامبران مخالفت می‌کردند.

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم و عصوا رسله و اتباعوا أمر کل جبار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 1

1 - جامعه نخستین پس از نوح (ع)، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

و قال الملائم من قومه . . . و اترفنهم فی الحیوه الدنیا

ص: 338

«ملا» به سران و اشراف گفته می شود «اتراف» (مصدر «اترفنا») به معنای متنعم کردن و برخوردار ساختن است.

## 9- طبقات اجتماعی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 5,6,12

5- مؤمنان قوم نوح و پیروان او، از توده های مردم و از طبقات غیر مرفه جامعه بودند.

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا

مراد از «أراذل» - از آن رو که مقابل «ملاً» قرار گرفته - توده های مردم و افراد مستضعف جامعه است.

6- توده های غیر مرفه، مردمی پست و حقیر در دیدگاه اشراف قوم نوح

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا

أراذل (مفرد أراذل) به معنای پست و حقیر - می باشد.

12- حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع)، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که «بادی الرأی» ظرف برای مضمون جمله «هم أراذلنا» باشد؛ یعنی، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 8

8- سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن .. ءاتنی رحمه من عنده فعمیت علیکم

تعمیه (مصدر عمیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمیت علیکم»؛ یعنی، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع)، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 31 - 10، 15، 9

9- تهی دستان و مستضعفان جامعه، در نظر ظاهر بین اشراف قوم نوح، مردمی پست و حقیر

و لأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

إزدراء (مصدر تزدری) به معنای حقیر شمردن و ناقص و معیوب دانستن است (لسان العرب). مفعول «تزدری» ضمیر محذوفی است که به

«الذین» برمی گردد و مراد از آن، پیروان حضرت نوح می باشد. یعنی «الذین تزدریهم أعینکم» (آنان

ص: 339

که چشمان شما ایشان را حقیر و ناقص و معیوب می بیند.) اسناد «تزدری» به «أعینکم» اشاره به ظاهربینی اشراف و سران دارد.

10- سران و اشراف قوم نوح، محرومان و مستضعفان را، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند.

لأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

جمله «لن یؤتیهم الله خیراً» بیان اندیشه سران و اشراف قوم نوح درباره محرومان و تهی دستان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه «لن» حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی، نامحتمل می دانستند.

15- ظلم و ستم سران و اشراف قوم نوح به محرومان و مستضعفان آن قوم

لأقول للذین تزدری أعینکم . . . إنی إذا لمن الظلمین

جمله «إنی إذا لمن الظالمین» تعریضی است به سران و اشراف قوم نوح که شما با این پندار - که محرومان شایسته خیر نیستند - در حق آنان ستم می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 1

1 - قوم نوح، متشکل از مردم عادی و گروه اشراف

فقال الملؤا الذین کفروا من قومه ما هذا إلا بشر مثکم

«ملاً»، به رؤسا و اشراف گفته می شود. «الذین کفروا» وصف توضیحی است نه احترازی؛ زیرا با توجه به آیه 27 سوره هود (و ما نراک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی)، معلوم می شود که هیچ یک از اشراف قوم نوح، به وی ایمان نیاورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 1

1 - امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی، به بهانه وجود گروهی محروم، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی - اقتصادی در کنار او

قالوا أنؤمن لک و اتباعک الأراذلون

«أراذلون» جمع «أرذل» است و آن تفضیل «رذل» (حقیر، پست و فرومایه) می باشد. بنابراین «أراذلون»؛ یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 7

7- وجود قشری ثروتمند و قدرت مند (صاحبان مال و فرزند بسیار)، در میان قوم نوح

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

### 10- طبقات اجتماعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 8

ص: 340



8 - وجود تفاوت در برخورداری از امکانات مالی و معیشتی در جامعه اسلامی صدر اسلام

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

### 11- طبقات اجتماعی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 4 - 2

2- تقسیم مردم مصر به طبقات و دسته های مختلف و پیرو، نمود سیاست خودکامه و سلطه جویی فرعون

إن فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعاً

جمله «جعل أهلها شیعاً» عطف تفسیری بر «علا فی الأرض» و بیانگر نوع برتری جویی فرعون نسبت به مردم سرزمین مصر است. گفتنی است که «شیع» جمع «شیعه» است و «شیعه» به فرد یا گروه پیرو اطلاق می شود. بنابراین «جعل أهلها شیعاً»؛ یعنی، مردم آن سرزمین را به چند دسته پیرو درآورده بود.

### 12- طبقات اجتماعی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 78 - 1

1 - جامعه یهود در عصر بعثت متشکل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه

وقد کان فریق منهم . . . و منهم أمیون لا یعلمون الکتب إلا امانی

چنانچه در آیه «75» گذشت، مراد از «فریق منهم» - به قرینه صفات شمرده شده بر آنان - عالمان یهود است.

### 13- منشأ طبقات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 7

7 - طبقات اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان، بسته به تدبیر الهی و تابع تقدیر و برنامه ریزی او است .

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت

1- طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 26 - 8

8 - تسلط انسان بر مظاهر هستی ، به خواست و مشیت خداست .

تؤتی الملك من تشاء

«مُلک» (یعنی تسلط) را خداوند به انسان می دهد؛ پس انسان هر تسلطی که دارد از جانب خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 190 - 5،7،10،12

5 - آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات

7 - ترغیب خداوند به اندیشیدن در آفرینش و پدیده های آن

انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لاولی الالباب

10 - صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ فی خلق السموات . . . لآیات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین «لاولی الالباب»، ناظر به بهره مندی از آن آیات است. یعنی تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

12 - اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السموات . . . لآیات لاولی الالباب

2- آثار اعتدال طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کتاب موزون طبیعت ، راهنمای انسان در صحنه عقیده و عمل \*

ووضع المیزان . ألا تطغوا فی المیزان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، برای رهنمون ساختن انسان ها به عقیده توحیدی، نظام داری و قانون

ص: 342

مندی خورشید، ماه و .. را به آنان یادآور شده است. هم چنین حاکمیت «میزان» بر هستی را، درسی برای پابندی عملی آنها به موازین قرار داده است.

### 3- آثار تفکر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 21

21- تفکر و اندیشه‌پوری در طبیعت ، از راه های خداشناسی و درک حقایق هستی است .

إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

### 4- آثار توجه به تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 7

7 - توجه به تحولات نظام طبیعت ، راهی برای شناخت و عمق بخشیدن به باور های دینی است .

یخرج الحیّ من المیتّ و یخرج المیتّ من الحیّ و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون

### 5- آثار ذکر استحکام طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 37 - 7

7- توجه به استحکام مظاهر طبیعت و ضعف خویش در برابر آنها ، مایه عبرت و پندگیری است .

لن تخرق الارض ولن تبلغ الجبال طولاً

ذکر «اینک لن تخرق الارض و ...» در واقع توجه دادن به استحکام مظاهر طبیعت و متقابلاً ضعف انسان است که می تواند برای آدمی، عبرت آموز باشد.

### 6- آثار مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 12

12 - مطالعه عوامل طبیعی در حیاتبخشی به گیاهان ، موجب پذیرش معاد و پی بردن به قدرت خداوند است .

هو الذی یرسل الریح .. فاخرجنا به من کل الثمرت کذلک نخرج الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 343

14 - روم - 30 - 50 - 13

13 - مطالعه جهان طبیعت ، زمینه پرورش روح توحیدی و درکی ژرف از صفات خداوند است .

فانظر إلی ءاثر رحمت اللّٰه . . . و هو علی کلّ شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 9

9 - مطالعه و تفکر در مظاهر هستی به منظور پی بردن به یک تایی آفریدگار جهان ، امری لازم است .

خلق السموت . . . و ألقى فی الأرض . . . بثّ فیها من کلّ دابّه . . . و أنزلنا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 29 - 7

7 - خداوند ، فراخوان انسان ها به مطالعه در اسرار طبیعت ، به منظور شناخت آفریدگار

ألم تر أنّ اللّٰه یولج الّیل . . . و سخرّ الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 33 - 8

8 - مطالعه قوانین طبیعت ، زمینه ساز ره بردن انسان به قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار . . . إنّ فی ذلک لآیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 20 - 4، 3

3 - مطالعه مظاهر طبیعت در زمین ، از راه های تحکیم مبانی توحید و خداشناسی

و فی الأرض ءایة للموقنین

برداشت یاد شده در صورتی است که «موقنین» نظر به کسانی داشته باشد که بالفعل، دارای یقین به خدا و توحیداند. در نتیجه مطالعه آیات تکوینی خداوند در زمین، وسیله ای برای تحکیم پایه های معرفت و یقین آنان خواهد بود.

4 - حقانیت معاد ، دارای نشانه هایی در زمین و پهنه طبیعت \*

و فی الأرض آیت للموقنین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در رابطه با معاد و حیات اخروی بود - احتمال می رود که کلمه «آیات»، اشاره به نشانه های امکان معاد و حقانیت آن داشته باشد.

### 7- آثار ذکر تسخیر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 4

4 - توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ص: 344

ألم تر أن الله سخر.. أن تقع على الأرض

## 8- ابداع طبيعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 56 - 7

7- طبيعت ، پديده ای است بدیع و نو که خداوند آن را بدون برگرفتن از نمونه ای آفریده است .

ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

## 9- ابزار استفاده از طبيعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 70 - 10

10- لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبيعت و بهره‌وری از آن

کرّمنا .. و حملنهم ... و رزقنهم ... فضّلنهم

تکرار افعال متکلم مع الغير و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

## 10- ارزش طبيعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 3

3- مظاهر طبيعت ، ارزشمند ، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

و الذریت ذرّوا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می‌گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می‌خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - عبس - 80 - 32 - 5



5- رتبه و مقام انسان در پیشگاه خداوند والاتر از نظام طبیعت است .

متعاً لکم

ص: 345

## 11- استفاده از طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 6

6- همه انسان ها ( مؤمن و کافر ) دارای حق بهره‌وری از طبیعت

اللّٰه الذی خلق .. رزقاً لکم ... و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 14 - 4

4- استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأکلوا منه لحمًا طریاً و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 15

15- طبیعت ( کوه و صحرا ) و زنبور عسل ، در خدمت انسان قرار دارند .

و أوحی ربّک الی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتاً .. ثمّ کلی من کلّ الثمرت ... ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 5

5 - استخدام طبیعت و بهره‌گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أنّ اللّٰه سخّر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 46 - 11

11 - باد ها وسیله ای برای برخوردار شدن انسان ها از مواهب مادی طبیعت است .

یرسل الرياح . . . ولتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 12 - 9

9 - استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من کلّ تأکلون لحمًا طریبًا و تستخرجون حلیه تلبسونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 1

1 - بهره‌وری انسان از موهبت های طبیعی ( کشتی و حیوانات ) ، زمینه ساز توجه وی به نعمت دهنده بودن خداوند

جعل لکم من الفلک و الأنعم . . . لتستوا علی ظهوره ثمّ تذکروا نعمه ربکم إذا استوی

ص: 346

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 6

6 - لزوم توجه انسان به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و پرهیز از غفلت و غرور به هنگام بهره‌وری از طبیعت و مظاهر آن

جمیعاً منه

تذکر خداوند به این که همه هستی از او است - پس از این که جهان را مستخر انسان یاد کرده است - می‌رساند که انسان با حاکمیت بر جهان، زمینه غرور و غفلت از خداوند را دارد. و تأکید «جمیعاً منه» در صدد از میان بردن این غفلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 2

2 - انسان ، دارای حق تصرف و بهره‌برداری در تمام محصولات طبیعت

متعاً لکم

## 12- انسان و طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 8

8 - تسلط انسان بر مظاهر هستی ، به خواست و مشیت خداست .

تؤتی الملك من تشاء

«مُلک» (یعنی تسلط) را خداوند به انسان می‌دهد؛ پس انسان هر تسلطی که دارد از جانب خداست.

## 13- انقیاد طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 77 - 9

9 - طبیعت ، مقهور اراده خداوند و مجری فرمان او است .

فاضرب لهم طریقاً فی البحر یبسا

«ضرب» در «اضرب لهم» به معنای ساختن و قراردادن است. فرمان ایجاد راهی خشک در دریا، فرمان به اعجاز است و از مقهور بودن دریا در برابر اراده خداوند، حکایت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 63 - 6

6 - طبیعت و مظاهر آن ، با اذن خدا مقهور اراده بندگان خاص او است .

أن اضرب بعصاك البحر فانقلب

ص: 347

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 7

7 - طبیعت ، تحت تسخیر و فرمان خداوند

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 30 - 3

3 - قوانین مادی عالم طبیعت ، مقهور اراده خداوند

و بشروه بغلم . . . و قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

تعبیر «کذلک قال ربّک»، می رساند که عوامل طبیعی مانع اراده الهی نیست؛ بلکه اراده او نافذ بر هستی است.

#### 14- اهمیت تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 20 - 5

5 - خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الیل و ما وسق . و القمر إذا اتسق . لترکبّ طبّقاً عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف «فاء»، این آیه را بر محتوای قسم و مقسمّ به (در آیات پیشین) تقریر کرده باشد.

#### 15- اهمیت تعقل در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 10

10- لزوم اندیشیدن در مظاهر طبیعت برای پی بردن به ماورای آن و شناخت خداوند

و سخّر لکم . . . الشمس . . . إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

#### 16- اهمیت تفکر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 11

11- لزوم اندیشه و تفکر برای شناخت طبیعت و راهیابی از آن به خداشناسی

إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

ص: 348

## 17- اهمیت مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 3

3 - مظاهر طبیعت ، ارزشمند ، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

والذريت ذرّوا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 1 - 3

3 - مظاهر طبیعت ، شایان تأمل و درس آموزی است .

والنجم إذا هوی

سوگند به ستارگان، در حقیقت سوگند به مظهري از مظاهر طبیعت است که در ظهور و افول خویش برای انسان درس و پیام دارد.

## 18- تأثیر پذیری موجودات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 11

11 - پدیده های طبیعی ، از هم ، تأثیر پذیری مثبت و منفی دارند .

یرسل الرياح .. فتری الودق یخرج من خلله ... فانظر إلیء اثر رحمت اللّٰه کیف یحی

## 19- تسخیر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 10

10- طبیعت ، در تسخیر مشیت و خواست خداوند است .



قد جعل ربك تحتك سرّاً

ممکن است اسناد فراهم آوردن نهر آب به خداوند، به این لحاظ باشد که اسباب طبیعی جز به اذن خداوند نمی توانند اثری ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 13

13 - رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و

ص: 349

رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أن الله سخر .. إن الله بالناس لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 4

4 - نظام طبیعت ، در گردش و حیات ، مسخر اراده و خواست خداوند است .

أنا نسوق الماء .. فنخرج به زرعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 7

7 - طبیعت ، تحت تسخیر و فرمان خداوند

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 4

4 - انسان ، توانا به تسخیر تمامی قوا و امکانات طبیعت در پرتو اراده الهی \*

و سخر لكم ما فی السموت و ما فی الأرض

تعبیر «سخر لكم» ممکن است به این معنا باشد که خداوند، موجودات را مسخر انسان قرار داده است؛ یعنی، انسان بالقوه قادر است که در همه مظاهر طبیعت به نفع خویش تصرف کند.

## 20- تشبیه به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 9

9 - جان آدمی چونان جهان طبیعت ، سرشار از آیات الهی و شایسته تأمل و اندیشه است .

سنرهم ءايتنا فی الأفاق و فی أنفسهم

## 21- تشویق به طبیعت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 10

10- تشویق آدمی به شناخت طبیعت و آثار قدرت الهی ، از راه تعقل و خردورزی

و من ثمرت النخيل . . . إن فی ذلک لآیه لقوم یعقلون

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که آیه شریفه دارای لحن و آهنگی تشویق و تحریص کننده است.

ص: 350

## 22- تعقل در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 11

11- تعقل در پدیده های طبیعی ، آدمی را به شناخت خدا و یکتایی او در تدبیر امور هستی هدایت می کند .

إن فی ذلك لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 7

7 - ترغیب خداوند به اندیشیدن در آفرینش و پدیده های آن

إن فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لا ولی الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 2

2- تفکر در طبیعت و افول و تغییر پذیری آن، مایه درک ناتوانی پدیده های آن برای ربوبیت است.

کوکبا .. القمر ... الشمس بازغه ... و جهت و جهی للذی فطر السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 8

8 - مطالعه در طبیعت و نظام آن، راهی برای رسیدن به توحید است.

إن الله فالحق الحب و النوی . . . ذلكم الله فأنی توفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 17

17 - تحصیل ایمان از راه مطالعه در طبیعت نشانه علم و فهم است. \*

الآیت لقوم یعلمون . . . لقوم یفقهون ... لقوم یؤمنون

در دو آیه گذشته علم و فهم به عنوان شرط بهره مندی از آیات طبیعت ذکر گردیده و در این آیه ایمان ذکر شده است. شاید ذکر ایمان در پایان این سه آیه برای اشاره به این نکته باشد که دانایان به ایمان می رسند. لذا ایمان نیز نشانه وجود آن دوزمینه در صاحبان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 71 - 2

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

أولم یروا أننا خلقنا لهم مما عملت أیدینا أنعمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 10

10 - شناخت بهتر و ژرف تر طبیعت، موجب شناخت بیشتر و عمیق تر خداوند است.

ص: 351

الذی خلق سبع سموت . . . هل تری من فطور

### 23- تغییر پذیری طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 2

2- تفکر در طبیعت و افول و تغییر پذیری آن، مایه درک ناتوانی پدیده های آن برای ربوبیت است.

کوکبا . . . القمر . . . الشمس بازغه . . . وجهت وجهی للذی فطر السموت

### 24- تفکر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 9

9- تفکر در تحولات طبیعت ، راهی برای خداشناسی است .

إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 20

20- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 18

18 - اندیشه در آفریدگاری خداوند و ایجاد مواهب طبیعی ، عقیده توحیدی را در پی دارد .

الذی خلقکم . . . الذی جعل لکم الأرض . . . فلا تجعلوا لله أنداداً

تفریع جمله «لا تجعلوا . . .» به وسیله «فاء» بر حقایق بیان شده در این آیه و آیه قبل، بیانگر این است که: توجه به آنها، گرایش دهنده آدمی به توحید ربوبی است؛ یعنی، حال که معلوم شد خداوند خالق شماسست و همو آفریننده زمین و . . . است معقول نیست مثل و ماندی برای او فرض کنید.

## 25- خالق طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 1

1- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

ص: 352

## 26- خدا شناسی در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 3,8

3 - مظاهر گوناگون طبیعت جلوه قدرت خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت

8 - همگونی میوه ها در شکل و گوناگونی آنها در طعم و کیفیت، نشانی از قدرت خداوند است.

و هو الذی ... الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

محتمل است مراد از زیتون و انار در آیه، میوه های آن باشد. در این صورت «متشابه» یعنی تشابه میوه های زیتون با یکدیگر و همچنین انار، (و غیر متشابه) یعنی تفاوت آنها از نظر رنگ و طعم و ... در عین تشابه با یکدیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 12 - 10

10- لزوم اندیشیدن در مظاهر طبیعت برای پی بردن به ماورای آن و شناخت خداوند

و سخّر لکم ... الشمس ... إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 13 - 6,8

6- لزوم توجه به طبیعت و دقت در رنگ آمیزی های گوناگون آن، به منظور شناخت خداوند

إن فی ذلک لآیه لقوم یدّکرون

8- برای هر مرتبه از اندیشه و بینش، ابزار مناسب جهت خداشناسی در طبیعت وجود دارد.

ینبت لکم به الزرع ... لقوم یتفکرون . و سخّر لکم الّیل ... لقوم یعقلون . و ما

با توجه به اینکه به دنبال عبارت «الزرع و الزيتون و ...» - که اموری ساده بوده و برای نتیجه گیری فکر به تنهایی کافی است - «لقوم یتفکرون» و به دنبال تسخیر شب، روز و ... - که دقت لازم دارد - «لقوم یعقلون» و به دنبال تفاوت رنگها - که مقدمات کلی دارد و با اندک توجهی به دست می آید - «لقوم یدّکرون» به کار برده شده است، مطلب فوق به دست می آید.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 10

10 - شناخت بهتر و ژرف تر طبیعت ، موجب شناخت بیشتر و عمیق تر خداوند است .

الذی خلق سبع سموت . . . هل تری من فطور

## **27- خدانشناسی در طبیعت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 5،10،12

ص: 353

5- آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات

10- صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ فی خلق السموات . . . لآیات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین «لاولی الالباب»، ناظر به بهره مندی از آن آیات است. یعنی تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

12- اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السموات . . . لآیات لاولی الالباب

## 28- خدانشناسی طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 9

9- طبیعت و جهان مادی ، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است .

وإن منها لما یهبط من خشیه الله

## 29- خشیت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 10

10 - هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

وإن منها لما یهبط من خشیه الله

## 30- خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 39 - 5

5- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت ، متکی به مشیت و نیروی الهی است .

ولولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوة إلا بالله

### 31- دعوت به مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 4

ص: 354

4- فراخوانی به مطالعه طبیعت ، برای پی بردن به قدرت خداوند ، و در نتیجه ، رفع تردید در امکان معاد ، روش هدایتی قرآن است .

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

### 32- زمینه تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 11 - 4

4- تأثیر استغفار و ایمان ، در تحولات طبیعت و واکنش جهان مادی در برابر عقاید و رفتار انسان ها

استغفروا ربکم . . . یرسل السماء علیکم مدرارًا

### 33- زیبایی طبیعت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 14

14- « عن أبي جعفر (ع) قال : الأثاث المتاع و أمّا رثياً فالجمال والمنظر الحسن ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: «أثاث» به معنای متاع و «رثياً» به معنای نیکویی و منظره زیبا است».

### 34- زیباییهای طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 2، 1

1- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنا جعلنا ما على الأرض زينة لها

2- جلوه و زیبایی مظاهر طبیعت ، زمینه آزمایش آدمیان است .

زينة لها لنبلوهم أيهم أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 32 - 2

2- سمبل اشراف ، در بیان الهی ، مردی مرفّه و برخوردار از دو تاکستان و نخل هایی در اطراف و کشت زاری در میان ، اما گرفتار غرور است .

جعلنا لأحدهما جنّتين من أعنب و حففنهما بنخل و جعلنا بينهما زرعاً

«غرور» از آیات بعد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 355

2- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كلتا الجبّتين ءاتت أكلها ولم تظلم منه شيئاً وفجرنا خللهما نهرًا

### 35- شعور طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 8,9

8 - طبیعت و جهان مادی دارای شعور است .

وإن منها لما يهبط من خشية الله

9 - طبیعت و جهان مادی، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است .

وإن منها لما يهبط من خشية الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 7

7- طبیعت ( کوه ها، پرندگان و . . . ) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبّال یسبّحن والطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

### 36- عبرت از طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 44 - 4

4 - طبیعت ( گردش و جابه جایی شب و روز و تحولات ناشی از آن و . . . ) بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

یقلّب الله الیل والنهار إنّ فی ذلک لعبره لأولی الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - طبیعت ( پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و . . . ) ، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ . وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

جمله «و الله خلق..» عطف بر جمله «يقلب الله الليل...» است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز مایه عبرت صاحبان بصیرت است آفرینش انواع جانداران نیز می تواند چنین تأثیری داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 1 - 3

ص: 356

3- مظاهر طبیعت، ارزشمند، درس آموز و شایان مطالعه و تأمل

و الذریت ذرّوا

قسم، معمولاً به شیء ارزشمند تعلق می گیرد و از آن جا که همه اشیا در برابر ذات حق یکسان اند، این ارجمندی در مقایسه با نیازها و زندگی آدمی خواهد بود. گفتنی است که سوگند، انسان را به تأمل درباره متعلقات قسم فرا می خواند.

### 37- علاقه به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 4

4- دوستی مظاهر طبیعت و متاع های دنیوی، در صورتی که در طول دوستی خدا و در جهت او باشد، امری مشروع و پسندیده است.

إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي

برداشت یاد شده به این دلیل است که سلیمان(ع) در عین محبت به خدا، به اسب ها و سان دیدن از آنها نیز، به خاطر خدا علاقه میورزید.

### 38- عوامل مؤثر در تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 41 - 6

6- عمل انسان ها، در تحولات عالم طبیعت، مؤثر است.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

### 39- عوامل مؤثر در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 16 - 7

7- تأثیر عقاید و رفتار انسان ها، در تحولات طبیعت

وَأَلْوَسْتُمْ مَا عَلَى الطَّرِيقِ لِأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا

### 40- فرجام زیباییهای طبیعت



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 8 - 2

2- تمامی موجودات زمین و جلوه های ظاهری آن ، محکوم به فنا و اضمحلال نهایی اند .

ص: 357

و إنا لجعلون ما عليها صعيداً جرّاً

#### 41- فلسفه تبیین تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 50 - 3

3 - هدف از بیان پدیده های طبیعی و تحولات موجود در طبیعت در قرآن، پندگیری و درس آموزی است .

و لقد صرفنه بینهم لیذکروا

در آیه شریفه، هدف از نزول باران و تحولات مربوط به آن، پندگیری و درس آموزی شناسانده شده است. این می رساند که اصولاً ذکر پدیده ها و تحولات مربوط به طبیعت در قرآن، به همین منظور است؛ نه این که بیان این نکته های طبیعی، خود هدف باشد.

#### 42- فلسفه تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 4

4 - پیدایش مراحل گوناگون در طبیعت (شفق، تاریکی شب و نور ماه)، نشانی از امکان تغییر و تحول در نظام حیات بشر در دنیا و آخرت

فلا أقسم .. لتركبنّ طبّقاً عن طبق

در قسم های قرآن، تناسب بین محتوای قسم و غرض از آن رعایت شده است و در این مجموعه آیات نیز برای تأکید بر تغییر حالات انسان، به تغییرات تکوینی سوگند یاد شده است.

#### 43- فلسفه تسخیر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 13 - 7

7 - مستخر بودن طبیعت در جهت منافع انسان، در بردارنده درس های توحیدی برای اهل تفکر

اللّه الذی سخّر لکم البحر .. و سخّر لکم ما فی السموت و ... إنّ فی ذلک لآیت ل

#### 44- فلسفه خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 5

5 - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

ص: 358

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

#### 45- قانونمندی طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 4

4 - پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي

جمله «يخرج الحي»، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج الميت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 8 - 3

3 - زندگی انسان ها، چونان نظام طبیعت، وابسته به رعایت موازین و معیارها

و وضع المیزان . ألا تطغوا فی المیزان

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی به رعایت معیارها است.

#### 46- گرایش به طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 4

4 - تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان، آب، خانه های دلپذیر و جاودانگی، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

6 - بهره گیری قرآن از تمایلات طبیعی و غریزی انسان به آب ، بوستان و خانه های دلپذیر ، در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی است .

تؤمنون بالله ورسوله . . . ویدخلکم جنّات... و مسکن طیّبه

از این که خداوند، گرایش های طبیعی انسان ها را وسیله هدایت آنان و سوق دادن آنها به کسب ارزش ها قرار داده است، براداشت بالا استفاده می شود.

ص: 359

## 47- متفکران و طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 10

10- اندیشمندان و متفکران ، دارای زمینه لازم برای درک آیت بودن مظاهر طبیعت

إن فی ذلک لآیه لقوم یتفکرون

## 48- مطالعه تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 10

10 - نگرش از سر تعقل و اندیشه به تحولات طبیعت و پدیده های آن ، شرط ره یافت به ربوبیت خداوند

ألم تر إلی ربک کیف مدّ الظلّ .. جعل لکم الیل ... أرسل الریح ... أنزلنا من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 10

10 - دعوت خداوند به بصیرت و دقت نظر در تحولات طبیعی ، به منظور پی بردن به گرداننده و ایجادکننده آنها است .

أولم یروا أنا نسوق الماء .. فنخرج به زرعاً... أفلا یبصرون

## 49- مطالعه طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 16

16 - مطالعه و نگاه عمیق به طبیعت ( جریان نزول باران ، چشمه سار ها و پیدایش کشت ها ) ، مایه بیداری و پندگیری صاحبان عقل و خرد است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. إن فی ذلک لذکری لأولی الألب

«ذکری» اسم برای «تذکیر» و «تنبیه» (بیداری و پندگیری) است و «لُبّ» (مفرد «ألباب») به معنای عقل و خرد می باشد.

## 50- مقهوریت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 41 - 2

2- مظاهر طبیعت ، مقهور اراده خداوند است .

ص: 360

فتصبح صعيداً زلغاً . أو يصبح ماؤها غوراً

تبدیل شدن باغ و کشت زار به زمینی بی حاصل و یا فرورفتن آب آن به واسطه نزول عذاب الهی، نشان دهنده این حقیقت است که اسباب و علل طبیعی، جملگی مقهور اراده حق اند و از خود، استقلالی ندارند.

### 51- منشأ تحولات در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 10

10 - هراس جهان طبیعت از خداوند، منشأی برای فعل و انفعالات آن

و إن منها لما يهبط من خشية الله

### 52- منشأ تحولات طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 130 - 6

6 - اراده خداوند حاکم بر طبیعت و عوامل آن

و لقد أخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرت

### 53- منشأ تسخیر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 12، 11

11 - دستاورد های بشری در زمینه تسخیر طبیعت و موجودات، مرهون توفیق و امداد الهی است؛ نه توانایی انسان.

و ما کنا له مقرنین

«إقران» (مصدر «مقرنین»)، به معنای قدرت داشتن و توانا بودن بر چیزی است.

12 - رام بودن طبیعت برای انسان، لازمه قطعی آفرینش آنها نبوده و به تدبیر خداوند صورت گرفته است.

لستوا علی ظهوره . . . سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین



## 54- منشأ حاکمیت بر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 10

10- لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبیعت و بهره‌وری از آن

کَرَمْنَا ... و حَمَلْنَهُمْ ... و رَزَقْنَهُمْ ... فَصَلَّنَهُمْ

ص: 361

تکرار افعال متکلم مع الغیر و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

### 55- موجودات مخرب در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 2

2- عالم طبیعت، برخوردار از عوامل طبیعی خنثی کننده و از بین برنده یکدیگر

فانظر... کیف یحی الأرض بعد موتها... ولئن أرسلنا ریحا فأوه مصفراً

### 56- ناپایداری زیباییهای طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 8 - 3، 2

2- تمامی موجودات زمین و جلوه های ظاهری آن، محکوم به فنا و اضمحلال نهایی اند.

وإنا لجعلون ما علیها صعیداً جرراً

3- زیبایی ها و جلوه های مادی زمینی، اموری عَرَضی، ناپایدار و غیرقابل اتکا است.

زینہ لها... وإنا لجعلون ما علیها صعیداً جرراً

### 57- نظم طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 8 - 3

3- زندگی انسان ها، چونان نظام طبیعت، وابسته به رعایت موازین و معیارها

ووضع المیزان. ألا تطغوا فی المیزان

از ارتباط این آیه با آیات پیشین استفاده می شود: چنانچه وجود موازین در نظام جهان، عامل ثبات و پایداری آن است و بی حسابی و بی قانونی به انهدام آن منتهی می شود، زندگی انسان نیز متکی به رعایت معیارها است.

### 58- نعمت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 2

2- بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فکھون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

ص: 362

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخوردار شدن از این نعمت ها است.

### 59- نقش زیباییهای طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 5

5- زینت ها و جلوه های زمین ، زمینه ساز حرکت انسان و بروز عمل او است .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

### 60- نقش طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 10

10- عقل ابزاری برای شناخت ربوبیت خدا و پدیده های طبیعی ، منبعی برای شناخت اوست .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 78 - 7

7- طبیعت ، مقهور اراده خداوند و مجری فرمان های او است .

طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا... فغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 5

5- عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده ها است .

كَيْفَ يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد پدیده ها است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 8

8 - مظاهر طبیعت و متاع های دنیایی ، از زمینه های غفلت انسان از یاد خدا

إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي

ص: 363

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 14، 13

13 - طبیعت ( جریان نزول باران ، پیدایش چشمه سار ها ، رویش کشت های رنگارنگ و خشک و خرد شدن آنها ) ، از جلوه های قدرت و ربوبیت خداوند است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ يجعله حطماً إنّ في ذلك لذكرى

14 - طبیعت و پدیده های موجود در زمین چون باران ، چشمه سار ها و کشت ها ، بستر مناسب برای خداشناسی

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. ثمّ يخرج به زرّاً .. ثمّ يجعله حطماً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد نشان دادن جلوه های قدرت خداوند است. بنابراین توصیه و تشویق خداوند به مطالعه و ژرف نگری در طبیعت و پدیده های موجود در زمین، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 26 - 2

2 - زندگی و مرگ انسان به اراده خداوند است ; نه معلول طبیعت و روزگار .

و ما يهلكنا إلاّ الدهر .. قلّ الله يحييكم ثمّ يميتكم

آیه شریفه در حقیقت پاسخی به دعوی دهریین است که منکر مبدأ و معاد بودند و در آیات پیشین به گفته آنان اشارت رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 13

13 - طبیعت ، بستر شناخت ماوراء طبیعت ( خدا و صفات او ... )

الله الذی خلق سبع سموت و من الأرض .. لتعلموا... أنّ الله قد أحاط بكلّ شیء ع

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با طرح مسأله آفرینش آسمان های هفتگانه و زمین و تدبیر امور آنها، درصدد نشان دادن قدرت مطلق و علم همه جانبه الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 11

11 - طبیعت و جهان آفرینش ، بستر خداشناسی

الذی خلق سبع سموت . . . هل تری من فطور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 4 - 4

4 - طبیعت ، بستر خداشناسی

خلق سبع سموت . . . ثم ارجع البصر کرتین . . . و هو حسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 19 - 9

9 - طبیعت ، بستر خداشناسی است .

ص: 364

أولم يروا إلى الطير . . . ما يمسكهنّ إلاّ الرحمن إنّه بكلّ شيء بصير

## 61- ویژگیهای خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 11 - 6

6- طبیعت به گونه ای آفریده شده است که نیازهای انسان را به خوبی تأمین می کند .

هو الذی أنزل من السماء ماء لکم . . . ینبت لکم

تکرار «لکم» در دو آیه، هم چنین فعل «تسیمون» جملگی دلالت بر آن دارند که: این مجموعه برای منافع آدمی ایجاد گشته و در نتیجه با نیازهای او تناسب و هماهنگی دارد.

## 62- هماهنگی طبیعت و نیازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 9

9 - هماهنگی نظام طبیعت با نیاز بشر ، گواه وجود مدبری حکیم برای آفرینش

جعلنا الیل لیسکنوا فیه . . . إنّ فی ذلک لأیت

از این که خداوند برای شب و روز حکمت هایی را برشمرده که در خدمت منافع انسان است و پس از آن، از این امور به عنوان آیه و نشانه یاد کرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 48 - 2

2 - هماهنگی نظام طبیعت با نیازهای بشر ، برنامه ریزی شده از سوی خدای توانمند و نه پدیده ای اتفاقی

و الأرض فرشنها فنعیم المهدون

گسترده‌گی صفحه زمین و «مهد» بودن آن برای بشر، بیانگر هماهنگی نظام طبیعت با نیاز بشر به آسایش است. از این که خداوند، «فرشناها» را با ضمیر متکلم آورده، برای جلب توجه انسان به دخالت تدبیر الهی در پیدایش این هماهنگی است.

طبیعت شناسی



### 63- تشویق به طبیعت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 10

10- تشویق آدمی به شناخت طبیعت و آثار قدرت الهی ، از راه تعقل و خردورزی

و من ثمرت النخيل . . . إن فی ذلک لآیه لقوم یعقلون

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که آیه شریفه دارای لحن و آهنگی تشویق و تحریص کننده است.

ص: 365

1- آداب طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 10، 8

8- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فيها بكرة وعشيًا

10- « شهاب بن عبد ربّه قال : شكوت إلى أبي عبدالله (ع) ما ألقى من الأوجاع والتخم فقال : تغدّ و تعشّ و لا تأكل بينهما شيئاً فإنّ فيه فساد البدن أما سمعت الله عزّوجلّ يقول : « لهم رزقهم فيها بكرة وعشيًا » ;

شهاب بن عبد ربّه گفت: خدمت امام صادق(ع) از دردها و ترش کردن غذا در معده شکایت کردم، پس حضرت فرمود: صبح و پسین غذا بخور و بین آنها چیزی نخور؛ زیرا خوردن غذا بین این دو وعده، موجب فساد بدن است. نشنیدی که خداوند عزّوجلّ می فرماید: لهم رزقهم فيها بكرة وعشيًا».

2- استفاده از طعام اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 38

38 - جواز استفاده از غذا های اهل کتاب مگر ذبایح آنان

و طعام الذین اتوا الکتب حل لکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در رد کسی که برای حلیت ذبیحه اهل کتاب به آیه فوق تمسک کرد فرمود: کان ابی یقول: انما هو الحبوب و اشباهها.

---

کافی، ج 6، ص 240، ح 10؛ نورالثقلین، ج 1، ص 593، ح 48.

3- اهمیت پاکیزگی طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

29- پای بندی به ارتزاق از پاکیزه ترین غذاها، اصلی پسندیده و مرغوب در زندگی یکتاپرستان است .

ص: 366

#### 4- تأمین طعام مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی و اشربی و قرّی عینًا

«عینًا» تمیز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قُرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عینًا»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرّی عینًا» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

#### 5- تنوع طعام های لذیذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 7

7- وجود غذا های متنوع و لذیذ در طبیعت برای انسان ها

کلوا من الطّیّب

به کارگیری «طّیّبات» به صورت جمع، بیانگر برداشت فوق است.

#### 6- حق طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 2

2- مسکین، دارای سهم غذا در اموال مردم\*

طعام المسکین

اضافه «طعام» به «مسکین»، بیانگر استحقاق است.

## 7- حلیت طعام اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 3،15،19

ص: 367

3 - جواز استفاده مسلمانان از غذا های اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

15 - حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

الیوم احل لکم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از «لام انتفاع» در «لکم»، امتنان استفاده می شود.

19 - اعتقاد به خدا و رسالت انبیا ، ملاک حلیت غذای اهل کتاب و حلیت ازدواج با زنان آنان

احل لکم الطیبیت و طعام الذین اوتوا الکتب . . . و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

مراد از «الذین اوتوا الکتب»، یهود و نصارا هستند، ولی از آنان به «اوتوا الکتب» تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

### 8- خدا و طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 11

11 - « قال الباقر (ع) حدّثنی اُبی زین العابدین عن اُبیهِ الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهى سُودُهُ و الصمد الذی لا یأکل و لا یشرب و الصمد الذی لا ینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لا یزال ؛

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود».

### 9- درخواست طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 3

3 - انگیزه های چهارگانه حواریون ( تغذیه ، اطمینان و . . . ) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی \*

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

## 10- درخواست طعام موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 24 - 10

10 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزّوجلّ حكاية عن موسى (ع) « ربّ إني لما أنزلت إليّ من خير فقير » فقال : سأل الطعام ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند - عزّوجلّ - که از قول موسی(ع) حکایت کرده «ربّ إني لما أنزلت إليّ من خير فقير» روایت شده که موسی(ع) [با این سخن] درخواست طعام کرد».

ص: 368

## 11- ذخیره طعام در قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 19

19- جواز اندوخته ساختن آذوقه برای مصارف شخصی حتی در دوران قحطی و کمبود مواد غذایی

نمیر اهلنا .. ذلک کیل یسیر

## 12- طعام آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2

2- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تنبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

## 13- طعام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 113 - 1

1 - تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

## 14- طعام اخروی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 36 - 1

1 - « غسلین » ( خونابه و چرک ) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور ( اصحاب الشمال ) در قیامت



و لا طعام إلا من غسلين

«غسلین» - به گفته اهل لغت و مفسران - به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

ص: 369

## 15- طعام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 36 - 1

1- «غسلین» (خونابه و چرک)، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلا من غسلین

«غسلین» - به گفته اهل لغت و مفسران - به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

## 16- طعام انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 8 - 4، 1

1- بدن پیامبران همانند دیگر انسان ها، نیازمند به تغذیه است.

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام

4- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

## 17- طعام اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 31، 7

7 - حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان \*

و طعامکم حل لهم

بنابر اینکه جمله «طعامکم حل لهم» اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

31 - انکار جواز مبادله با اهل کتاب و انکار حلیت طعام آنان، کفر و موجب حبط عمل است.

و طعام الذين اوتوا الكتب حل لكم . . . و من يكفر بالايمان فقد حبط عمله

از مصادیق مورد نظر برای ایمان، معارف و احکامی است که در آیه مورد بحث، مطرح شده است، همانند حلّیت طعام اهل کتاب و . . .

### **18- طعام بنی اسرائیل**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 10

10 - دسترسی قوم موسی به غذا های طیب و غیر طیب ( حلال و حرام ) در پی عبورشان از دریا و دوران صحراگردی

ص: 370

كلوا من طيبات ما رزقناكم

آوردن کلمه «طبیات» و اضافه کردن آن به «ما رزقناکم» بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 21

21 - دسترسی قوم موسی به غذا های حلال و حرام در پی عبور از دریا

كلوا من طيبات ما رزقناكم

### 19- طعام حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 7

7 - حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان \*

و طعامکم حل لهم

بنابر اینکه جمله «طعامکم حل لهم» اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

### 20- طعام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2

2 - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تنبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

### 21- طعام حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نرید ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف «نطمئن» بدون «ان» بر «نأكل» می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

ص: 371

## 22- طعام خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 37 - 1

1- « غسلین » ( خونابه و چرک ) ، غذای مخصوص خطایندگان در قیامت

غسلین . لا یأکله إلا الخطون

## 23- طعام خوردن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 20 - 1

1 - همه پیامبران الهی در طول تاریخ ، همچون سایر مردمان ، نیازمند به تناول غذا و داد و ستد با مردم

و ما أرسلنا قبلك من المرسلین إلا انهم لیأکلون الطعام و یمشون فی الأسواق

## 24- طعام در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 1

1- آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إن لك ألتجوع فیها و لاتعری

تعبیر «إن لك..» وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد؛ زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده «لاتعری» در حق او عملی نگردد.

## 25- طعام عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 14,16

14 - تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع) و مادرش مریم (ع)

## کانا یا کلان الطعام

فعل مضارع «یا کلان» دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

16 - نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

## کانا یا کلان الطعام

جمله «کانا یا کلان الطعام» برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است ؛ یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

ص: 372

## 26- طعام مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 16، 12

12 - توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

16 - نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

کانا یا کلان الطعام

جمله «کانا یا کلان الطعام» برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح (ع) و مادرش مریم است ؛ یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

## 27- طعام مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 6

6 - حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب

و طعامکم حل لهم

## 28- طعام موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 3، 2

2- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

«حوت» یعنی «ماهی» و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه «غداءنا» - در آیه بعد - آن ماهی ، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

3- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محل تلاقی دو دریا ، از ماهی همراه خویش ، غفلت کردند .



فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 7

7- موسی (ع) و جوان خدمت کار همراه او، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصباً

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی

ص: 373

ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت «آتی غدائی».

### 29- طعام یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 2,3

2- موسی و همسفر او ، به هنگام رسیدن به مجمع البحرین ، یک ماهی ، به عنوان غذا ، همراه داشتند .

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

«حوت» یعنی «ماهی» و برخی آن را ماهی بزرگ معنا کرده اند. (ر.ک. لسان العرب) به قرینه «غداءنا» - در آیه بعد - آن ماهی، به منظور تغذیه فراهم شده بود.

3- موسی (ع) و همسفرش هنگام رسیدن به محلّ تلاقی دو دریا ، از ماهی همراه خویش ، غفلت کردند .

فلما بلغا مجمع بینهما نسیا حوتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 7

7- موسی (ع) و جوان خدمت کار همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت «آتی غدائی».

### 30- مسؤول طعام موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 6

6- همسفر موسی (ع) عهده دار حمل و تدارک غذا بود .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا

### 31- ملائکه و طعام ابراهیم (ع)

1- فرشتگان وارد بر ابراهیم (ع)، دست به غذا نبردند و از آن تناول نکردند.

فلما رءآ ایدیهم لاتصل إلیه

«لاتصل إلیه» (دستشان به سوی گوساله بریان شده نمی رسید) کنایه از آن است که از غذا تناول نمی کردند.

### 32- نیاز به طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 14

14 - تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع) و مادرش مریم (ع)

کانا یا کلان الطعام

فعل مضارع «یاکلان» دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2,3

2 - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

3 - غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 7 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون دیگر انسان ها ، نیازمند به غذا و مناسبات اقتصادی با مردم

مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ

### 33- وقت طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 8

8- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً

ص: 375

### 1- آثار طعن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 18

18 - تأثیر گزندگی زبان ، به حدی است که ممکن است حریف را ، کاملاً مغلوب کند .

سَلِقُوكُمْ بِالْسِّنَةِ حِدَاد

### 2- طعن بر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 23،22،14،13

13 - تشبیه وحی و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

رَاعِنَا لِيَّا بِالْسِّنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

14 - به کارگیری کلمات دو پهلو و چند معنی ، شیوه برخی از یهودیان برای استهزای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و طعن بر اسلام

وَاسْمِعْ غَيْرِ مَسْمُوعٍ .. رَاعِنَا لِيَّا بِالْسِّنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ

کلمه «مسمع»، از مصدر اسماع، دارای دو معنای متضاد است: یکی شنیدن و فهمیدن و دیگری دشنام دادن و ناسزا گفتن. و جمله راعنا با اندکی انحراف زبان می تواند معنای «چوپان ما» را به ذهن شنونده القا کند.

22 - تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نمودی از کفر آنان

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرَفُونَ .. سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا ... لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ

23 - تحریفگری ، استهزا و طعن به اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، نمودی از کفر

يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ .. لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ

### 3- طعن بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 110 - 7

ص: 376

7- بندگان مؤمن خدا، همواره در معرض طعن و ریشخند کافران

و کنتم منهم تضحکون

#### 4- طعن به انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 79 - 7

7- طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان، از خصلت منافقان است.

الذین یلمزون المطوعین

#### 5- طعن به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 30 - 7

7- گفتار مرموز و نیشدار درباره دین، نشانه نفاق و بیماردلی

ولتعرفتهم فی لحن القول

«لحن القول»، به معنای آهنگ گفتار و نیز استعارات و کنایه‌هایی است که در بد جلوه دادن و مخدوش کردن موضوع، تأثیر دارد. خداوند، این گونه سخن گفتن را وسیله‌ای برای رسوایی منافقان، معرفی کرده است.

#### 6- طعن به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 3

3- برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همسر و فرزند (داشتن زندگانی عادی و بشری) مورد طعن و ایراد مخالفان آن حضرت بود.

ولقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذریه

لحن آیه شریفه گویای این است که حقایق مطرح شده در آن، پاسخ به اشکالها و ایرادهای مطرح شده از ناحیه مردم عصر بعثت است. جمله «ولقد أرسلنا...» اشاره به این معنا دارد که مردم آن عصر، بعثت بشر را از ناحیه خدا پذیرا نبودند و جمله «جعلنا...» گویای آن



است که آنان زندگانی عادی و داشتن زن و فرزند را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی پسندیدند و جمله «ما کان...» بیانگر پندار آنان درباره لزوم توانایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر ارائه هر نوع معجزه است.

## 7- طعن به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 12

ص: 377

12 - منافقان مدینه ، با برطرف شدن ترس از جنگ ، با زبانی تند و گزنده ، به مسلمانان طعنه می زدند .

فإذا ذهب الخوف سلقوكم بألسنة حداد

«سلق» (مصدر «سلقوا») به معنای «مغلوب کردن و به زمین زدن چیزی با قهر و غلبه» است (مفردات راغب). «حداد» (جمع «حدید») به معنای «تیز» است.

### 8- طعن به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 79 - 8، 7

7 - طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الذین یلمزون المطّوعین

8 - استهزای الهی نسبت به منافقانی که مؤمنان انفاقگر و ایثار کننده را طعن زده و استهزا می کردند .

سخر الله منهم

### 9- طعن به مؤمنان فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء منّ الله علیهم من بیننا . . . و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف «الذین یؤمنون . . .» یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

### 10- طعن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء من الله عليهم من بيننا . . . وإذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف «الذین يؤمنون . . .» یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

ص: 378

## 11- طعن مخالفان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 3,8

3- برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همسر و فرزند (داشتن زندگانی عادی و بشری) مورد طعن و ایراد مخالفان آن حضرت بود

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك وجعلنا لهم أزواجاً وذریه

لحن آیه شریفه گویای این است که حقایق مطرح شده در آن، پاسخ به اشکالها و ایرادهای مطرح شده از ناحیه مردم عصر بعثت است. جمله «و لقد أرسلنا...» اشاره به این معنا دارد که مردم آن عصر، بعثت بشر را از ناحیه خدا پذیرا نبودند و جمله «جعلنا...» گویای آن است که آنان زندگانی عادی و داشتن زن و فرزند را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی پسندیدند و جمله «ما كان...» بیانگر پندار آنان درباره لزوم توانایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر ارائه هر نوع معجزه است.

8- قرآن با توجه دادن مردم به زندگانی بشری و عادی پیامبران پیشین، طعن و ایراد مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را امری نابخواب و ناموجه دانست.

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك وجعلنا لهم أزواجاً وذریه

## 12- طعن مشرکان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 2 - 8

8- «عن جابر بن عبدالله قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): إن ناساً من أمتی یعذبون بذنوبهم فیکونون فی النار ما شاء الله أن یكونوا، ثم یعیرهم أهل الشرک فیکولون: ما نری ما کنتم فیہ من تصدیقکم نفعکم. فلا یبقی موحّداً إلاّ أخرجہ الله تعالی من النار ثم قرأ رسول الله (صلی الله علیه و آله): «ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین»؛

جابر بن عبدالله روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا گروهی از امت من به سبب گناهانشان عذاب می شوند. پس مدتی که خدا می خواهد در آتش هستند؛ سپس اهل شرک آنان را سرزنش می کنند و می گویند: نمی بینیم که ایمان شما برایتان سودی داشته است. پس هیچ موحدی نمی ماند مگر اینکه خدا او را از آتش بیرون می آورد؛ سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه را قرائت فرمود: «ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین».

## 13- طعن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 79 - 8

8 - استهزای الهی نسبت به منافقانی که مؤمنان انفاقگر و ایثار کننده را طعن زده و استهزا می کردند .

سخر الله منهم

#### 14- طعن منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 379

12 - منافقان مدینه ، با برطرف شدن ترس از جنگ ، با زبانی تند و گزنده ، به مسلمانان طعنه می زدند .

فإذا ذهب الخوف سلقوكم بألسنة حداد

«سَلِقُوا» (مصدر «سَلِقُوا») به معنای «مغلوب کردن و به زمین زدن چیزی با قهر و غلبه» است (مفردات راغب). «حداد» (جمع «حدید») به معنای «تیز» است.

ص: 380

## 23- طغیان

### 1- آثار اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 115 - 7

7- پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری ، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و در پی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم .. و لاترکونوا ... أقم الصلوه ... فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 19 - 5

5- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

إنه طعی .. أن تزگی . و أهدیک إلى ربک فتحشی

- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

### 2- آثار اخروی طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 4

4- آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا .. حدائق و أعنبًا ... و كأسًا دهاقًا

### 3- آثار طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 64 - 36

36 - مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان \*





طغیناً و کفراً .. و یسعون فی الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 68 - 19، 12

12 - تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

19 - طغیانگری، زمینه کفرورزی و انکار حق

طغیناً و کفراً

تقدیم طغیان بر کفر می تواند بیانگر نقش طغیان در پیدایش کفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 17

17 - کسی که در راه سرکشی و تجاوز به خوردن غذاهای حرام نیازمند شود، اضطراب وی رفع حرمت نمی کند.

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 11

11 - طغیان و سرکشی، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فندر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 80 - 12

12 - سرکشی و تجاوز از حدود الهی، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است.\*

یرهقهما طغیناً و کفراً

محتمل است تقدیم طغیان بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 17

17 - طغیان گری در استفاده از نعمت ها ( ناسپاسی ، اسراف و . . . ) ، زمینه ساز فرارسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است

كلوا . . . و لاتطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي

«یحلّ»؛ یعنی، «ینزل» و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 82 - 10

10 - طغیان گری ، تباه کننده ایمان است .

و لاتطغوا فيه . . . و ائى لغفار لمن تاب وءامن

ص: 382

سخن از ایمان مجدد پس از طغیان گری، ممکن است برای بیان این نکته باشد که طغیان، ایمان را از بین می برد و یا به آن آسیب جدی وارد می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 10

10 - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إِنَّ قُرُونَ... فَبَغَى... لَا تَفْرَحُ... وَلَا تَبْتَغِ الْفَسَادَ... فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 30 - 4

4 - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 31 - 2

2 - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيْنَ . فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا اِنَّآ لَذٰلِقُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 32 - 3

3 - روح طغیان گری و حق ناپذیری ، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کژی منحرف کنندگان

بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيْنَ... فَاَغْوَيْنٰكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - طغیان ، عامل بدفرجامی است .

وإنَّ للَطغین لشرّ مناب

4 - طغیان ، ناسازگار با تقوای پیشگی است و بی تقوایی نوعی طغیان می باشد .

إنَّ للمتَّین لحسن مناب .. هذا وإنَّ للَطغین لشرّ مناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 53 - 3

3 - موضع گیری علیه خط رهبران الهی ، بارزترین نمود طغیان و سرکشی است .

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

برداشت بالا از آن جا است که خداوند، تنها وصفی را که برای تکذیب کنندگان پیامبران آورده، وصف طغیان است.

ص: 383

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 52 - 3

3 - ظلم و طغیان ، از عوامل هلاکت ملت ها و اقوام

و آنه اهلک . . . و قوم نوح . . . هم اظلم و اظغی

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت «إِنَّهُمْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمُونَ وَ الظَّالِمُونَ» در مقام تعلیل برای «أهلک» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 6

6 - ظلم و طغیان و نپرداختن سهم بینوایان از اموال خویش ، سبب زوال نعمت ها و توبه و امید به خداوند ، زمینه ساز بازگشت آنها است

أَنْ لَا يَدْخُلْتَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ . . . إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ . عَسَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 28 - 4

4 - طغیان گری و گناه بی حد ، پیامد تکذیب آیات و نشانه های خداوند است .

لَلظَّالِمِينَ غَيْنٌ . . . وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَّابًا

ارتباط این آیه با آیات پیشین، گویای برداشت یاد شده است. مراد از «آیاتنا»، ممکن است آیات نازل شده از سوی خداوند باشد. هم چنین

می تواند علاوه بر آن، آیات و نشانه های وجود و یگانگی خداوند نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 37 - 2

2 - طغیان گری ، سرکشی در برابر دستورات خداوند و زیاده روی در هواپرستی ، در پی دارنده مجازات در آخرت

فَأَمَّا مَنْ ظَغِي

«طغیان»؛ یعنی، از حد گذراندن (لسان العرب). متعلق «ظغی» - به قرینه «من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی» (در آیات بعد) -

بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است. جمله «فإنّ الجحیم هی المأوی» در آیات بعد - که جزای «فأما» است - بر مجازات

اخروی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 38 - 3

3 - علاقه شدید به دنیا و ترجیح آن بر آخرت ، پیامد طغیانگری و سرپیچی از اطاعت خداوند است .

فأما من طغى . وءاثر الحيوه الدنيا

ترتیبی که آیه شریفه در ذکر طغیان و دنیا طلبی به کار برده، ممکن است برخاسته از ترتب خارجی آن دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 41 - 3

3 - بی پروایی در برابر خداوند و پیروی از هوای نفس ، مانع ورود به بهشت است .

ص: 384

و نهی النفس عن الهوى . فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 14 - 9

9 - طغیان گری و گناه ، سیاه کننده قلب و مسدودسازنده راه درک و اعتقاد است .

كَلِّمْ مَعْتَدًا تَيْمٌ . . . بل ران علی قلوبهم ما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 15 - 7

7 - گناه ، طغیان گری و تکذیب قرآن و قیامت ، مانع ملاقات و قرب خداوند در قیامت است .

ما يكذب به إلا كَلِّمْ مَعْتَدًا تَيْمٌ . . . إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئذٍ لَمَحْجُوبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 11 - 4, 2

2 - گناه پیشگی و طغیان گری ، عامل گرفتاری به عذاب الهی

ألم تر كيف فعل ربك . . . الذين طغوا في البلد

4 - طغیان ، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

ألم تر كيف فعل ربك بعاد . . . و ثمود . . . و فرعون . . . الذين طغوا في البلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 12 - 2

2 - تجاوز از حریم خویش و نقض حقوق دیگران ، زمینه ساز افزایش فساد در جوامع است .

الذين طغوا . . . فأكثرُوا فيها الفساد

حرف «فاء» در «فأكثرُوا . . .» ، افزایش فساد را بر طغیان (مذکور در آیه قبل) تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

وقد خاب من دسیها . کذبت ثمود بطغویها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - حالت طغیان گری و ثروت اندوزی و احساس بی نیازی مطلق ، مایه بی پروا شدن انسان در برابر نظارت خداوند

لیطغی . أن رءاه استغنی ... ألم یعلم بأنّ الله یری

ص: 385



#### 4- آثار طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 22

22 - کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم ... طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدو و البغضاء

#### 5- اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 115 - 3

3- پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت .. و لا تتركوا إلى الذين ظلموا ... واصبر

#### 6- ازدیاد طغیان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 4,5

4 - طغیانگری و سرگردانی اهل نفاق ، همچنان رو به افزایش و فزونی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

«مَدَّ» (مصدر «یَمَدُّ») به معنای افزودن و نیز به معنای مهلت دادن، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای اول، استفاده شده است.

5 - افزایش تحیر و طغیان اهل نفاق ، کیفری است از جانب خدا برای آنان

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

#### 7- اعراض از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 2

2- پرهیز از طغیان گری، ترس از حسابرسی اعمال و پذیرش آیات الهی، مصداق تقوایبشگی است.

لَلطَّغِيّينَ... إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا. وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفْ

از تقابل بین متقین و طغیان گران، دانسته می شود که منزه بودن از صفات طغیان گران، تقوایبشگی است.

ص: 386

## 8- افراط در طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 6 - 4

4- افراط در گناه و طغیان گری، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی، دور از انتظار و امری ناشایسته است.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا

می توان گفت: حرف «کلا» ناظر به جمله های بعد است؛ نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و آیات پس از آن، فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد «کلا»، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا «کلا لئن لم تنته ...» آمده است. در نتیجه حرف «کلا» در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

## 9- اقرار به طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 2

2- اعتراف باغداران یمنی، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إِنَّا كُنَّا طٰغِيّٰنَ

## 10- اهمیت اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 114 - 11

11- لزوم پایداری بر دین، پرهیز از طغیان و سرکشی و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران، از مواعظ و پند های مهم خداوند است

فاستقم كما أمرت... ولا تطغوا... ولا تركنوا إلى الذين ظلموا... ذلك ذكري للذكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 8 - 1

1 - خداوند، خواهان سر نهادن انسان به قوانین عادلانه و به حق زندگی و سرکشی نکردن از آن

الآتطغوا فی المیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 12 - 9

9 - لزوم تقوای پیشگی و ضرورت پرهیز از خوی طغیان گری و ثروت اندوزی

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أو أمر بالتقوی

متعلق «تقوا»، ممکن است طغیان و استغنا باشد که در آیات پیشین مطرح بود.

ص: 387

## 11- اهمیت مبارزه با طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 11

11- مبارزه با عوامل گسترش كفر و سرکشی و جلوگیری از رشد آنها لازم است .

فخشینا آن یرهقهما طغیناً و کفرًا

گرچه کار خضر(ع) عملی مستند به غیب و با اطلاع از اسرار بوده است، ولی حاکی از ضرورت جلوگیری از رشد و گسترش كفر و از بین بردن عوامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 17 - 4

4- لزوم مبارزه با طغیان گری و رویارویی با ریشه های اصلی آن

اذهب . . . إنه طغی

## 12- زمینه اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 8 - 4

4- توجه به بازگشت انسان ها به خداوند ، زمینه ترک طغیان

إنّ الإنسن لیطغی . . . إنّ إلی ربّک الرجعی

## 13- زمینه ازدیاد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 15

15 - لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد كفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا . . . ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفرًا

## 14- زمینه زوال طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 8 - 10

10 - یادآوری مکرر سرنوشت مخالفان پیامبران ، در راستای زدایش روحیه مخالفت و طغیان در میان انسان ها است .

فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً و مضی مثل الأوّلین

عبارت «مضی مثل الأوّلین»، می تواند بدین معنا باشد که داستان انبیا و مخالفان ایشان، در آیات دیگری بیان شده است. ذکر «مضی مثل الأوّلین» در پایان آیه شریفه، می تواند اشاره بدین نکته باشد که: «ما مکرراً سرنوشت آنان را یادآور شدیم

ص: 388

تا شاید شما پند گیرید».

## 15- زمینه طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 6

6 - قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . . ان اتیه الله الملك

بنابراینکه جمله «ان اتیه . . .»، بیان علتّ محاجّه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 15

15 - بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما تقموا إلا أن أغنیهم الله ورسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 10

10 - انکار روز بازپسین ، زمینه ساز طغیان و سرکشی

فندر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 80 - 9

9- فرزند ناصالح ، زمینه ساز گرایش پدر و مادر به کفر و طغیان است .

فکان أبواه مؤمنین فحشینا أن یرهقهما طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 15، 16

15 - وجود زمینه های خطرناک برای طغیان گری ، در خوردنی ها

كلوا .. و لاتطغوا فیه

ضمیر در «فیه» ممکن است به مصدر برگرفته شده از فعل «كلوا» (یعنی «أكل») بازگردد و ممکن است «ما» در «ما رزقناکم» به اعتبار ارتباط با فعل «كلوا» مرجع ضمیر باشد. در هر صورت می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

16 - طغیان گری در مورد نعمت های خداوند ، خطری در کمین جوامع رها شده از حاکمیت ستم گران

أنجینکم من عدوكم .. كلوا ... لاتطغوا فیه

نهی شدن بنی اسرائیل از طغیان گری، پس از عبور آنان از دریا و نجات از ستم و حاکمیت فرعونیان مطرح شده است. طرح این مسأله در آن موقعیت، گویای وجود زمینه هایی برای طغیان گری در آن شرایط است.

ص: 389



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 14

14 - خود برترینی ، زمینه ساز خوی طغیان و تجاوزگری \*

لقد استکبروا فی أنفسهم و عتو عتوًا کبیرًا

از تقدم ذکرى موضوع «استکبار» بر مسأله «طغیان و تجاوزگری»، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 4

4 - نعمت و رفاه فراوان ، زمینه ساز غرور و طغیان

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 8

8 - ثروت فراوان ، زمینه ساز طغیان و تجاوز در جامعه

و ءاتینہ من الکنوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 24 - 8

8 - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسى و اقتصادى ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا .. إلى فرعون و هم-ن و قرون فقالوا سحر کذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 7

7 - جامعه متکاثر و رفاه زده ، گرفتار طغیان و سرکشی

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 3

3 - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

آن لایدخلنَّها الیوم علیکم مسکین . . . إنا کنا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 18 - 3

3 - طغیان گری ، بازتاب نبود تزکیه و درست کاری در زندگی انسان

إِنَّه طغی . فقل هل لک إلی أن تزکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

3 - برخورداری از امکانات مادی و قدرت ، زمینه ساز طغیان و تعرض به حقوق دیگران

الذین طغوا فی البلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 12 - 5

5 - شقاوت افزون تر ، مایه آمادگی بیشتر برای طغیان در برابر رسولان الهی و تکذیب آنان

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 6 - 5

5 - دانستن و توانایی بر خواندن و نوشتن ، برای باز داشتن انسان از طغیان گری کافی نیست .

عَلَّمَ بِالْقَلَمِ . عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ . كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنِ طَافٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 7 - 1,2,3

1 - دل خوشی به ثروت زیاد ، مایه روی آوردن انسان به طغیان و شکستن حریم دیگران

أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى

«أَنْ رَأَاهُ ..» - به تقدیر لام تعلیل - مفعول له و بیانگر سبب طغیان است.

2 - احساس بی نیازی - حتی در صورت کاذب بودن آن - زمینه گستاخی و تجاوزگری انسان

أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى

فعل «رأه» دلالت دارد که عامل طغیان، این است که شخص خود را بی نیاز ببیند. بنابراین، درک یا توهم بی نیازی، عامل طغیان است؛ نه وجود حقیقی آن.

3 - احساس بی نیازی از خداوند ، زمینه ساز سرکشی از خواسته های او است .

رَبِّكَ الْأَكْرَم . الذی علّم ... إنّ الإنسان لیطغی . أن رءاه استغنی

آیات آغازین سوره، قرینه بر متعلق «یطغی» و «استغنی» است و نشان می دهد که طغیان در برابر خداوند و استغنا از او، از مصادیق مورد نظر آن است.

## 16- زمینه طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 28 - 3

3 - موسی (ع)، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

یفقها قولی

تأکید موسی(ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون - در جهت مبارزه با طغیان گری او - گویای این است که موسی(ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

ص: 391

## 17- زمینه طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 12

12 - معارف نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

## 18- سرزنش طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 15

15 - غرور و سرمستی، امری مذموم در بینش الهی

إذ قال له قومه لا تفرح إن الله لا يحب الفرحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 17 - 5

5 - طغیان گری، خصلتی ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند.

اذهب إلى فرعون إنه طغى

## 19- طغیان آب در طوفان نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 11 - 1,6

1 - نابودی قوم نوح، با طغیان آب و غرق شدن

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ

این آیه درصدد بیان سرگذشت اولین قوم عقوبت شده است که در آیه قبل، بدان اشاره شده و آن قوم نوح است.

6 - « عن علي بن أبي طالب (ع) قال: لم تنزل قطرة من ماء إلا بمكيال على يدي ملك إلا يوم نوح، فإنه أذن للماء دون الخزان، فطغى

الماءُ على الخزان فخرج ، فذلك قوله : « إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ » . . . ;

از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: خداوند هیچ قطره آبی را از آسمان نازل نکرده؛ مگر این که به دست فرشته ای پیمانه شده است (یعنی زیر نظر فرشته باران به اندازه معین باریده است)؛ مگر روز طوفان نوح که در آن روز خداوند به خود آب مستقیماً و بدون دخالت خزانه داران اذن داد [تا جاری گردد]. پس آب بر خزینه داران طغیان نمود و خارج گردید و این است سخن خداوند: «إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ» . . .».

ص: 392

## 20- طغیان اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 2

2 - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إِنَّا كُنَّا طَغِين

## 21- طغیان اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 6 - 2

2 - بیشتر انسان ها ، گرفتار طغیان و تجاوز از حدود خویش اند .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِّيَغِي

طغیان: یعنی، از حد گذشتن و هر چیزی را که در نافرمانی از حد و اندازه بیرون رود، «طاغی» گویند. (مصباح)

## 22- طغیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 68 - 13، 11

11 - تعالیم نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفراً

13 - اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنائی به تعالیم تورات و انجیل

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده اند که به قرینه صدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

## 23- طغیان ثروتمندان

6 - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ،  
خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأكرم . الذی علّم ... کلاً إنّ الإنسان لیطغی . أن رءاه استغنی



## 24- طغیان حق ناپذیران مگه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 19,20

19- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیناً

هر چند ضمیر «هم» به «الناس» برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و «و ما یزیدهم» می توان استفاده کرد که مرجع «هم» انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

20- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیناً کبیراً

## 25- طغیان دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 6 - 1

1 - دریا ها در آستانه قیامت ، لبریز شده و آب آن به اطراف سرازیر خواهد گشت .

و إذا البحار سجرت

«سَجَر» و «سَجَر» به معنای «ملاً» (پر گردانید) است. برخی «تسجیر» را به معنای «تفجیر» (روان ساختن) گرفته اند (لسان العرب). بنابراین «سَجَر» - که تشدید آن برای مبالغه است - یعنی کاملاً لبریز و به اطراف سرازیر گشت. فراء گفته است: «مسجر»؛ یعنی، آنچه آب آن فروکش کرده باشد (لسان العرب) و قاموس «مسجور» را شعلهور شده معنا کرده است. براساس این دو معنا، آب دریاها تبخیر شده و نابود خواهد گشت.

## 26- طغیان علیه رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 12 - 3.5

3 - قوم ثمود ، وادار سازنده شقی ترین فرد خود ، به طغیان در برابر فرستاده الهی

«انبعاث»، تأثیرپذیری از «بعث» و ارسال دیگران است و نشان می دهد که فرد «اشقی»، از سوی دیگران تحریک شده بود. ظرف بودن «إذ انبعث...» برای آیه قبل و نیز ضمیرهای جمع در «فعمقروها» و «بذنبهم» (در آیات بعد) بیانگر این است که قوم ثمود، محرک اصلی بوده اند.

5 - شفاوت افزون تر ، مایه آمادگی بیشتر برای طغیان در برابر رسولان الهی و تکذیب آنان

بطغویها . إذ انبعث أشقيها

ص: 394

## 27- طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 25 - 1

1 - موسی (ع) جهت انجام رسالت خویش و بازداشتن فرعون از طغیان گری، با دعابه درگاه خداوند، خواهان شرح صدر خویش شد.

اذهب... قال ربّ اشرح لی صدري

فراخی سینه، کنایه از خویشتن داری و کنترل خود و اختیار از کف ندادن است.

## 28- طغیان قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 28 - 2

2 - هابیل، در صدد آرام نمودن روح طغیانگر قایل

قال لاقتلنک قال... لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک

طغیانگری قایل از تأکید در «لاقتلنک» به دست می آید و سخنان نرم و آموزنده هابیل، نشانگر تلاش وی برای نرم و آرام ساختن قایل است.

## 29- طغیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 9

9 - سرگردانی در طغیان، کيفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

ونذرهم فی طغینهم یعمهون

## 30- طغیان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 7

7 - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

ولو رحمٰنهم .. للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

ص: 395

### 31- طغیان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 10

10 - خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانشان رها می سازد.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

### 32- طغیان مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 186 - 6,7

6 - خداوند منکران قرآن را در انکار و طغیانشان به حال خود رها می سازد .

و یدرهم فی طغینهم

7 - کفر پیشگان منکر قرآن، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یدرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق «فی طغیانهم» متعلق به «یعمهون» گرفته شده است، «عَمَهُ» (مصدر «یعمهون») به معنای تحیر و سرگردانی است.

### 33- طغیان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 3,8

3 - منافقان، مردمانی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

«عَمَهُ» (مصدر «یعمهون») به معنای تحیر و سرگردانی است. «یعمهون» حال برای «هم» در «یمدّهم» می باشد. «فی طغیانهم» علاوه بر تعلقش به «یمدّهم» متعلق به «یعمهون» نیز می تواند باشد. بنابراین جمله چنین معنا می شود: خداوند بر طغیانگری منافقان، در حالی که در گمراهی و طغیان سرگردانند می افزاید.

8 - مهلت دادن به منافقان در طغیانگری و سرگردانی، استهزای خداوند نسبت به ایشان است .

اللّٰه يسهزئ بهم ويمدهم في طغينهم يعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله «يمدهم ..» تفسیر و بيان جمله «اللّٰه يسهزئ بهم» باشد.

#### 34- طغیان نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 6

6 - قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

ص: 396

الم تر الى . . ان اتيه الله الملك

بنابراینکه جمله «ان اتيه . . .»، بیان علتّ محاجّه باشد؛ یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

### 35- طغیان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 2

2- یهود، مردمانی طغیانگر که جز با تهدید، در برابر حق تسلیم نمی شدند .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 2

2- یهود، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع)، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله

بر این مبنا که «رسول الله» دنباله سخن یهودیان «انا قتلنا . . .» باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 36، 14، 13

13 - یهودیان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و ليزیدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفرةً

14 - تأثیر منفی قرآن در یهودیان - افزون بر کفر و طغیان آنان -، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . . ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفرةً

واقع شدن جمله «و ليزیدن . . .» پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

36 - مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان \*

طغیناً و کفراً .. و یسعون فی الارض فساداً

### 36- عوامل اجتناب از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 6 - 6

6 - توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترک طغیان است .

خلق الإنسان من علق .. علم الإنسان ما لم يعلم . کلاً إنَّ الإنسان لیطغی

ص: 397



### 37- عوامل ازدیاد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 68 - 11

11 - تعالیم نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

### 38- عوامل طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 68 - 13

13 - اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنایی به تعالیم تورات و انجیل

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده اند که به قرینه صدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 10

10 - خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانیشان رها می سازد.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 44 - 6

6 - غافل بودن از حقیقت و بیم نداشتن از فرجام کردار ناروا، طغیان گری است.

إنّهُ طغی . . . لعلّه یتذکر أو یخشی

خداوند، برای بازداشتن فرعون از طغیان، به موسی و هارون (ع) راه ایجاد تذکر و خشیت را می آموزد. بنابراین نبود این دو خصلت، مایه طغیان گری فرعون بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 9

9 - بی اعتقادی به جهان آخرت ، مایه طغیان و سرگردانی انسان در زندگی دنیوی

وإنّ الذین لایؤمنون بالأخره . . . ولورحمنهم . . . فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 27 - 5

5 - انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

للطّـغین . . . إنهم کانوا لایرجون حساباً

ص: 398

### 39- قرآن و ازدیاد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 68 - 11

11 - تعالیم نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و کفراً

### 40- کیفر طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 16

16- طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

### 41- گناه طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 19

19 - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا... و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

### 42- مراتب طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 18

18 - کفر و طغیان، دارای مراتب

و لیزیدن کثیراً منهم... طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 68 - 18

18 - کفر و طغیان ، دارای مراتب

لِزِيدَنَّ... طَغِيَانًا وَكُفْرًا

ص: 399

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 52 - 4

4 - عاد و ثمود و قوم نوح ، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إِثْمَ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى

بنابراین که ضمیر «هم» به قوم عاد و ثمود و نوح بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

### 43- مکذبان کيفر طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 11 - 5

5 - قوم ثمود ، کيفر های طغیان را دروغ انگاشته ، تهدید های الهی را تکذیب کردند .

كذّبت ثمود بطغویها

کلمه «طغواها»، می تواند قرینه بر مراد از «کذّبت» باشد؛ یعنی، ثمودیان هشدارهای رسول الهی درباره عواقب طغیان را تکذیب می کردند.

### 44- ممانعت از طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 2

2 - حرکت موسی و هارون (ع) به سوی فرعون و بازداشتن او از طغیان گری ، فرمان مؤکد و مکرر خداوند به آن دو بود .

اذهب .. اذهب أنت وأخوک ... اذهبألی فرعون

### 45- موارد طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 8

8 - حق ناپذیری و انکار آیات الهی، طغیان و موجب حیرت و سرگردانی است.

كما لم يؤمنوا به أول مره و نذرهم في طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 186 - 5

5 - كفر به قرآن و انكار معارف آن طغيانگري است .

و يذرهم في طغينهم يعمهون

ضمير «هم» در «يذرهم» و «طغيانهم» به منكران قرآن، كه از جمله «فبأى حديث» استفاده مي شود، برمي گردد.

ص: 400

بنابراین مراد از «طغیان» انکار قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 12

12- شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، طغیان‌گری و تجاوز از حقیقت است.

و لاتطغوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 113 - 6

6- تکیه بر ستمگران برای گسترش توحید و دین، طغیان و خروج از حد و مرز تعیین شده است.

فاستقم كما أمرت... لاتطغوا... و لاتركنوا إلى الذین ظلموا

عبارت «و لاتركنوا...» می‌تواند بیانگر مصداقی از «لاتطغوا» باشد و تفسیری برای «كما أمرت» تلقی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 55 - 4

4- طغیان، ناسازگار با تقواییست و بی‌تقوایی نوعی طغیان می‌باشد.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّثَابٍ... هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيَانِ لَشَرَّ مَثَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 5

5- ایجاد مزاحمت برای هدایت‌یافتگان، شگفت‌آور و نمونه‌ای از طغیان است.

ليطغى... ينهى... أرءيت إن كان على الهدى

تکرار «أرءیت» تأکید بر شگفتی است. «إن» حرف شرط است و جزای شرط یا آیه «ألم يعلم بأنّ الله يرى» است و یا جمله‌ای محذوف نظیر «کیف یکون حال من ینهاه عن الصلاة» و یا «فما أعجب هذا» می‌باشد. اظهار شگفتی در صورت دوم بارزتر است. ارتباط این آیه با آیات پیشین، مصداق‌های طغیان را نمودارتر ساخته است.

## 46- موانع طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 7

7 - آیین های الهی ، ناسازگار با طغیان گری و تحمل سرکشی دیگران

اذهبا إلی فرعون إته طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 7

7 - کمی بارش در فصل نیاز انسان ها به آب ، تدبیری الهی در جهت بازداشتن آنان از سرکشی و خودبینی است .

ص: 401



و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا .. ينزل الغيث من بعد ما قنطوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 31 - 11

11 - بازتاب گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی ، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است .

و ما أصبكم من مصيبه فيما كسبت أيديكم .. و ما أنتم بمعجزين في الأرض و ما لكم م

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است؛ چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 34 - 5

5 - تقوایشگی ، مانع از ظلم و طغیان و متقین میرا از آن

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ... طغين ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ

مطلب یاد شده، از مقابله متقین با «اصحاب الجنّه» - که به ظلم و طغیان آلوده شده بودند - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 27 - 3

3 - احتمال تحقق قیامت ، کافی در ایجاد زمینه پرهیز از طغیان گری در برابر خداوند

للطّـغین .. إثمهم كانوا لا يرجون حساباً

جمله «كانوا لا يرجون ..»، دلالت دارد که طغیان گران به جهت این که حتی احتمال محاسبه اعمال را نیز منتفی می دانستند، به طغیان گری روی آورده و به عذاب آن گرفتار شدند. مفهوم این جمله آن است که برای پرهیز از طغیان و گناه، حتی احتمال قیامت نیز کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 18 - 9

9 - تزکیه و خودسازی ، از راه های پیشگیری از طغیان و کفر

إِنَّهُ طَغَى . فَقَلَّ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكَىٰ

این آیه از طرفی ناظر به آیه قبل است و راه دفع طغیان را ارائه می دهد و از سوئی دیگر، ناظر به آیه بعد است و زمینه هدایت به خداوند و دوری از کفر را بیان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 6

6 - ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

ص: 402

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 40 - 18، 11

11 - ترس از خداوند ، بازدارنده انسان از سرکشی در برابر او است .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

تقابل طغیان گران و خداترسان در فرجام خویش، گویای ناسازگاری خداترسی با طغیان گری است.

18 - رهایی از هوای نفس ، از میان برنده روحیه طغیان گری است .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. وَأَمَّا مَنْ ... وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 13 - 8

8 - آیات قرآن ، بازدارنده انسان از طغیان گری و گناه و راهنمای او برای ایمان به قیامت است .

و مَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا .. إِذَا تَتَلَى عَلَيْهِ ءَايَاتِنَا قَالَ أَسْطِيرَ الْأُولِينَ

#### 47- موانع طغیان دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 5

5 - عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أَوْ يُوَبِّقَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

#### 48- ناپسندی طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 6

6 - طغیان گری ، خصلتی بسیار ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

## 49- نجات معرضان از طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 22 - 3

3 - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد . \*

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّاغِيْنَ مَأْبًا

چنانچه «الطاغین» متعلق به «مآباً» باشد، «مرصاداً» مطلق خواهد بود؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان «مرصاد» است؛ ولی «مآب» و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

ص: 403

## 50- نشانه های طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 9 - 3

3 - جلوگیری از برپایی نماز، شگفت آورترین نمونه طغیان

لیطغی ... أرءیت الذی ینهی

«أرءیت» استنهام تعجبی است. ادیبان عرب، آن را با «أخبرنی» (خبر ده مرا) به یک معنا دانسته اند. درخواست بازگو کردن خبر - با آن که متکلم آن را می داند - نشانه شگفتی آن است. مخاطب در «أرءیت» می تواند عموم مخاطبان باشد؛ گرچه فرد بارز آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و بنده نمازگزاری که مورد نهی قرار گرفته، بر هر نمازگزاری قابل انطباق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 12 - 8

8 - بی توجهی به مریبان تقوا و احساس بی نیازی از آنان، نشان طغیان گری است .

لیطغی . إن رءاه استغنی ... ینهی . عبداً ... أمر بالتقوی

## 51- نگرانی از طغیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 45 - 4

4 - موسی و هارون (ع)، از احتمال افزایش طغیان فرعون، درپی ابلاغ دعوت الهی به او، نگران بودند .

أو أن یطغی

خداوند در سخن با موسی (ع)، به طغیان گری فرعون تصریح کرده بود. بنابراین مراد موسی و هارون (ع) از این سخن، احتمال افزایش طغیان او است؛ به گونه ای که زمینه پذیرش دعوت را در او به کلی از میان ببرد.

طغیانگر

## 52- اضطرار طغیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - کسی که در راه سرکشی و تجاوز به خوردن غذاهای حرام نیازمند شود، اضطرار وی رفع حرمت نمی کند.

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

ص: 404

### 53- ایمان کافران طغیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 8

8 - اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما کانوا لیؤمنوا إلا آن یشاء الله

طغیانگران

### 54- {طغیانگران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 13

13 - یهودیان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

### 55- آثار پیروی از طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 4

4 - طاغیان، به اعتقاد پیروانشان، عامل دوزخی شدن آنان هستند.

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

### 56- احساس بی نیازی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 6

6 - طغیان گران، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أراءیت إن کان علی الهدی

### 57- استهزاهای طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 63 - 1

1 - طاغیان ، مؤمنان را در دنیا به تمسخر و ریشخند می گرفتند .

ص: 405



### 58- استهزای طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 42 - 3

3 - طغیانگران دنیا طلب، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند.

یسئلونک عن الساعه ایتان مرسیها

فاعل «یسئلونک»، در برداشت یاد شده «من طغی..» دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه «إتّما أنت منذر من یخشاها» در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

### 59- اقرار پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 2

2 - اعتراف و توجه پیروان طاغیان در دوزخ، به ربوبیت پروردگار در هنگام درخواست از او

قالوا ربّنا

### 60- امکان تزکیه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 18 - 10

10 - تزکیه و خودسازی، حتی برای سرکشانی چون فرعون، امکان پذیر است.

إنّه طغی . فقل هل لک إلى أن تزکّی

- تزکیه و خودسازی، حتی برای سرکشانی چون فرعون، امکان پذیر است.

### 61- اندوه بر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

24 - طغيانگران و كفرپيشگان ، شايسه دلسوزى نيستند .

فلاتأس على القوم الكفرين

ص: 406

## 62- اهمیت مبارزه با طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 7

7 - مبارزه با طغیان و طغیان گران و رویارویی با ریشه های اصلی آن ، لازم است .

اذهب . . . إته طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 5,6

5 - مبارزه با طغیان گری از برجسته ترین برنامه های پیامبران

اذهبا . . . إته طغی

6 - لزوم مبارزه با طغیان گران و از میان بردن ریشه های اصلی طغیان

اذهبا . . . إته طغی

## 63- بینش پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 3

3 - پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 4

4 - طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

## 64- بيش طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 62 - 5

5 - طغيانگران در دنيا، مؤمنان را از اشرار به حساب مي آوردند .

رجالاً كُتِبَ نَعْدَهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ

ص: 407

## 65- بینش غلط طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 6

6 - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً کتّنا نعدّهم من الأشرار

## 66- پرسش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 42 - 3

3 - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه ایتان مرسیها

فاعل «یسئلونک»، در برداشت یاد شده «من طغی..» دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه «إتّما أنت منذر من یخشاها» در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

## 67- پیروان طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 59 - 3،4،5

3 - طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحباً بهم

«مرحباً» کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و «لا- مرحباً» ضد آن است؛ یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

4 - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ

إنّهم صالوا النار

5 - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لا مرحباً بهم إنهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «إنهم صالوا النار» - که تعلیل برای «لا مرحباً بهم» است - سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 3

3- پیروان طاغیان، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

ص: 408

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 2,3

2 - اعتراف و توجه پیروان طاغیان در دوزخ ، به ربوبیت پروردگار در هنگام درخواست از او

قالوا ربّنا

3 - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

### 68- تبری از طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 2

2 - اعلام انزجار و تنفر پیروان طاغیان از آنان

قالوا بل أنتم لامرئبًا بکم

برداشت یاد شده از لحن آیه شریفه استفاده می شود.

### 69- تبری پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 2

2 - اعلام انزجار و تنفر پیروان طاغیان از آنان

قالوا بل أنتم لامرئبًا بکم

برداشت یاد شده از لحن آیه شریفه استفاده می شود.

### 70- تبرئه پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 5

5 - طاغیان و پیروانشان ، در صدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لا مرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

### 71- تبرئه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 5

ص: 409



5- طاغیان و پیروانشان ، درصدد تیره خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لا مرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

### 72- تشنگی اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 24 - 2

2- دوزخیان طغیان گر ، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب ، محروم خواهند بود .

لا یدوقون فیها .. و لا شرابًا

### 73- تعجب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 2

2- اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

وقالوا ما لنا لانری رجالاً کتّنا نعدّهم من الأشرار

استفهام در «ما لنا ..» برای تعجب و تحسر است.

### 74- تکبر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 63 - 4

4- طاغیان ، از سر غرور و تکبر ، مؤمنان و توده های مردم دیندار را در دنیا به حساب نمی آوردند و با چشم حقارت به آنان می نگریستند .

أم زاغت عنهم الأبصر

برداشت یاد شده براساس احتمال دوم در ترکیب آیه شریفه است؛ یعنی، جمله «أم زاغت ..» عطف بر «أتخذناهم سخریًا» باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به دنیا بوده و چنین معنا می شود: «و یا به اندازه ای حقیر بودند که چشم های ما آنان را نمی دید.»

### 75- تکذیبگری طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 27 - 2

2 - طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

ص: 410

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

نقی «امید»، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 28 - 1, 2

1 - طغیان گران دوزخی، آیات الهی را دروغ شمرده و بر تکذیب آن اصرار میورزیدند.

و كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَّابًا

«كَذَّابًا» (مصدر باب «تفعیل»)، مفعول مطلق است که بر تأکید دلالت دارد.

2 - آیات معاد در دیدگاه طغیان گران، دروغ و به دور از واقعیت است.

و كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَّابًا

مراد از «آیاتنا» - به قرینه «لایرجون حساباً» در آیه قبل - آیاتی است که معاد را مطرح کرده بود.

## 76- توصیه به طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 2

2 - سیاحت در زمین برای مشاهده شهرهای ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 9

9 - دست کشیدن از منع نمازگزاران و روی آوردن به هدایت، توصیه خداوند به طغیان گران ثروت اندوز

لیطغی . أن رءاه استغنی ... الذی ینهی . عبداً إذا صلّى . أرءیت إن كان علی الهدی

جمله «کان علی الهدی» ممکن است مربوط به «الذی ینهی» باشد؛ در این صورت مفاد آیه شریفه این است که: به من خبر ده کسی که نمازگزار را نهی می کند، اگر خود بر طریق هدایت قرار گرفته بود [آیا بهتر نبود؟]

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 12 - 10

10 - نهی نکردن مردم از نماز و ترغیب کردن آنان به تقوا، توصیه خداوند به طغیان گران ثروت اندوز

لیطغی . أن رءاه استغنی ... الذی ینهی . عبداً إذا صلّى ... أو أمر بالتّقوی

جمله «أمر بالتقوی» ممکن است مربوط به «الذی ینهی» باشد. در این صورت مفاد آیه شریفه این خواهد بود که: به من خبر ده کسی که نمازگزار را - نهی می کند، اگر [به جای آن] مردم را به تقوا امر کند [آیا برایش بهتر نیست؟]

ص: 411

## 77- تهدید طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 8 - 3

3 - خداوند ، کیفر دهنده طغیان گران و تهدید کننده آنان به کیفر های اخروی است .

ليطغى . . . إنّ إلى ربك الرجعى

مراد از بیان بازگشت انسان ها به خداوند، توجه دادن طغیان گران - که در آیات پیشین مطرح بودند - به کیفرهای الهی است.

## 78- تهمت های طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 7

7 - تهمت و تحقیر ، از ترفند ها و ابزار های طاغیان و دشمنان دین ، علیه دینداران و مؤمنان

رجالاً کتّٰ نعدّهم من الأشرار

## 79- جایگاه اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 7

7 - دوزخ ، قرارگاه طغیان گران

للطغین لشّر مثاب . . . فبئس القرار

«قرار» اسم مکان به معنای قرارگاه است.

## 80- حتمیت دشمنی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 64 - 2, 1

1 - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إِنَّ ذَلِكَ لِحَقِّ تَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

«حَقِّ» - در مقابل باطل و غیر واقع - به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است؛ مثل آیه شریفه «إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ، حِسَابٌ وَ جَزَاءٌ حَتْمًا وَاقِعٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ»، (الذاریات (51) (61).

2 - تأکید خداوند، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إِنَّ ذَلِكَ لِحَقِّ تَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

ص: 412

## 81- حتمیت عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 30 - 1

1 - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

للطّـغین . . . فذوقوا

## 82- حتمیت منازعه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 64 - 2، 1

1 - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إنّ ذلك لحقّ تخاصم أهل النار

«حقّ» - در مقابل باطل و غیر واقع - به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است؛ مثل آیه شریفه «إنّ الدین لواقع، حساب و جزا حتماً واقع می شود»، (الذاریات (51) (61).

2 - تأکید خداوند ، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إنّ ذلك لحقّ تخاصم أهل النار

## 83- حسرت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 2

2 - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

وقالوا ما لنا لانرى رجلاً کنا نعدّهم من الأشرار

استفهام در «ما لنا. ..» برای تعجب و تحسر است.

## 84- خضوع اخروی طغیانگران

2- مجرمان و گردن فرازان، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

و عنت الوجوه للحیّ القیوم

از معانی «عناء» ذلیل گشتن است (مصباح). حرف «ال» در «الوجه» جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، «وجههم» و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل «عنت» می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

ص: 413



## 85- خواسته های پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 1

1 - پیروان طاغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

«ضعف» به معنای دوچندان است.

## 86- دشمنی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 6

6 - طغیان گری ، خصلتی بسیار ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلى فرعون إنه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 17 - 5

5 - طغیان گری ، خصلتی ناروا است و طغیان گران در تعارض با راه خدایند .

اذهب إلى فرعون إنه طغی

## 87- دنیا طلبی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 38 - 2

2 - طغیان گران ، دنیا طلبانی هستند که آن را بر آخرت ترجیح می دهند .

من طغی . وءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - طغیان گران دنیا طلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى . . . فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

«مأوی»: یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله «فإنَّ الجحیم هی المأوی» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 414

3 - طغیان گران دنیا طلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه ایتان مرسیها

فاعل «یسئلونک»، در برداشت یاد شده «من طغی. .» دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه «إتّما أنت منذر من یخشاها» در آیات بعد استفاده می شود؛ زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

### 88- ذلت اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 2

2 - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحمی القیوم

از معانی «عناء» ذلیل گشتن است (مصباح). حرف «ال» در «الوجوه» جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، «وجوههم» و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل «عنت» می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

### 89- روش برخورد طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 7

7 - تهمت و تحقیر ، از ترفند ها و ابزار های طاغیان و دشمنان دین ، علیه دینداران و مؤمنان

رجالاً کتّا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 63 - 1

1 - طاغیان ، مؤمنان را در دنیا به تمسخر و ریشخند می گرفتند .

اتّخذنهم سخریّاً

## 90- روش مبارزه با طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 4

4- فراهم سازی مقدمات لازم در مواجهه با طغیان گران حاکم ، امری ضروری است .

ءایه أُخرى . . اذهب إلی فرعون إنه طغی

ص: 415

## 91- زمینه عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 14 - 5

5 - طغیان کنندگان فسادگر ، در معرض افتادن به کمین خداوند و گرفتاری ناگهانی به عذاب های الهی

الذین طغوا .. الفساد ... إنّ ربّک لبالمرصاد

## 92- سرزنش پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 59 - 3,5

3 - طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحباً بهم

«مرحباً» کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و «لا- مرحباً» ضد آن است؛ یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

5 - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لامرحباً بهم إنّهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «إنّهم صالوا النار» - که تعلیل برای «لا مرحباً بهم» است - سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 1

1 - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرحباً بکم

## 93- سرزنش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران ، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند .

قالوا بل أنتم لامرئبًا بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 30 - 1

ص: 416

1 - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد.

للطّـغین . . . فذوقوا

#### 94- سرزنشهای پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 1

1 - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند.

قالوا بل أنتم لا مرحباً بكم

#### 95- سرزنشهای طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 59 - 3,5

3 - طغیان گران، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند.

هذا فوج مقتحم معكم لا مرحباً بهم

«مرحباً» کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و «لا- مرحباً» ضد آن است؛ یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

5 - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود.

لا مرحباً بهم إنهم صالوا النار

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «إنهم صالوا النار» - که تعلیل برای «لا مرحباً بهم» است - سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 1

1 - پیروان طاغیان در مقابل نکوهش و بدگویی طغیان گران، متقابلاً به بدگویی و نکوهش آنان می پردازند.

قالوا بل أنتم لا مرحباً بكم

## 96- سرگردانی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 11

11 - طغیانگران مبتلا به حیرت و سرگردانی هستند.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

ص: 417



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 12

12 - طغیان گران بی ایمان به جهان آخرت، مردمانی سرگردان و محروم از هدایت الهی اند.

فندر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

«عَمَهُ» (به معنای تحیر و سرگردانی) کنایه از محروم شدن از هدایت‌های الهی است.

### 97- سیمای اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 2

2 - مجرمان و گردن فرازان، با چهره‌هایی ذلت‌بار و خاضع در برابر خداوند، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

وعنت الوجوه للحیّ القیوم

از معانی «عناء» دلیل گشتن است (مصباح). حرف «ال» در «الوجوه» جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، «وجوههم» و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل «عنت» می‌رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته‌اند.

### 98- شدت عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 58 - 3

3 - عذاب طغیان گران در دوزخ، بسیار شدید است.

وآخر من شکله أزوج

برداشت یاد شده از تنوع نوشابه و غذاهای ناگوار در دوزخ به دست می‌آید.

### 99- شرایط مبارزه با طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 31 - 5

5- نیرومندی و صلابت ، شرطی ضروری برای رسولان الهی و رهبران مبارزه با طغیانگران است .

أشدد به أزری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 4

4- مبارزه با طغیان گران ، نیازمند مردانی خودساخته و فراهم آوردن مقدمات و ابزار مناسب

أوحینا إلی أممک . . . واصطنعتک لنفسی . . . اذهبأ إلی فرعون إنّه طغی

ص: 418

## 100- شک طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 63 - 3

3 - تردید طاغیان ، در علل و چرایی پیدا نکردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعیت آنان در قیامت

اتَّخَذْنَهُمْ سَخِرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَرُ

«أم» در جمله «أم زاغت..» عاطفه و متصله است و این جمله می تواند عطف بر «ما لنا لانرى...» باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به قیامت بوده و معنای آیه چنین می شود: آیا مسخره شان می کردیم [و اهل بهشت اند] یا [در جهنم اند و] چشمان ما به آنان نمی افتد.

## 101- طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 56 - 2,4

2 - طغیان گران ، از دوزخیان هستند .

إِنَّ لِلطَّغْيِينِ . . . جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا

«یصلون» به معنای «یدخلون» (داخل می شوند) است.

4 - آتش دوزخ ، بستر و آرامگاه طغیان گران

إِنَّ لِلطَّغْيِينِ . . . جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا فَبَسَّ الْمَهَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 57 - 1

1 - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إِنَّ لِلطَّغْيِينِ . . . هَذَا فليذوقوه حميم و غساق

«حميم» به معنای آب داغ و جوشان است و «غساق» در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لا مرحبًا بهم . . . قالوا بل أنتم لا مرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

7- دوزخ ، قرارگاه طغیان گران

للطغین لشرّ مئاب . . . فبئس القرار

«قرار» اسم مکان به معنای قرارگاه است.

ص: 419

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 3

3 - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 6

6 - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً کتبا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 22 - 3

2 - گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إنّ جهنّم کانت مرصداً . للظّـغین

«للطّـغین» ممکن است به «مآب» تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به «مرصداً» باشد. در صورت دوم مفاد آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت «مآباً» نیز متعلقی نظیر «للطّـغین» داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

3 - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد . \*

إنّ جهنّم کانت مرصداً . للظّـغین مآباً

چنانچه «للطّـغین» متعلق به «مآباً» باشد، «مرصداً» مطلق خواهد بود؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان «مرصداً» است؛ ولی «مآب» و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 24 - 3, 1, 2

1 - طغیان گران در دوزخ ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم ، محروم خواهند بود .

«ذوق»؛ یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است؛ زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از «بَرْد» - به قرینه تقابل آن با نوشیدنی - هر گونه احساس سردی است؛ هر چند با سایه و امثال آن باشد.

2 - دوزخیان طغیان گر، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب، محروم خواهند بود.

لایذوقون فیها .. و لا شرابًا

3 - محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت.

لبثین فیها أحقابًا . لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا

چنانچه جمله «لایذوقون..» حال برای ضمیر «لبثین» باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست؛ زیرا ممکن است کلمه «أحقابًا» در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد؛ گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 25 - 2

2 - طغیان گران در دوزخ، گرفتار عطش شدید و طاقت فرسا خواهند بود.

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا

«إِلَّا» برای استثنای «حمیم» و «غساق» از «شراباً» است؛ بنابراین دوزخیان این دو مایع را خواهند آشامید. تن دادن به این نوشیدنی‌ها، نشانه شدت تشنگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 30 - 1

1 - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می‌سازد.

لَلطَّغْيَانِ... فَذُوقُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 39 - 1

1 - طغیان گران دنیاطلب، در قیامت، جز آتش سوزان دوزخ، جایگاهی نخواهند داشت.

فَأَمَّا مَنْ طَغَى... فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

«مأوی»؛ یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله «فإنَّ الجحیم هی المأوی» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 12 - 4

4 - طغیان گران و گناه کاران، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

و یل یومئذ للمکذبین... و ما یکذب به إلا کلاً معتد اثم

## 102- طغیانگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تردید طاغیان ، در علل و چرایی پیدا نکردن مؤمنان و آگاه نشدن از وضعیت آنان در قیامت

اتّخذنهم سخریاً أم زاغت عنهم الأبصر

«أم» در جمله «أم زاغت..» عاطفه و متصله است و این جمله می تواند عطف بر «ما لنا لانری...» باشد. در این صورت مفاد آن مربوط به قیامت بوده و معنای آیه چنین می شود: آیا مسخره شان می کردیم [و اهل بهشت اند] یا [در جهنم اند و] چشمان ما به آنان نمی افتد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 37 - 1

ص: 421



1 - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر . . . و برزت الجحیم لمن یری . فأما من طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 40 - 1

1 - حاضران در قیامت ، به دو دسته متمایز طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فأما من طغی . . . و أما من خاف مقام ربّه

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله «فإذا جاءت الطامة الكبرى» حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته - که از جملات «فأما من طغی . . . و أما من خاف...» استفاده می شود - جزای آن است.

### 103- طغیانگران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 5

5 - طغیان گران در دنیا ، مؤمنان را از اشرار به حساب می آوردند .

رجالاً کتّٰ نعدّهم من الأشرار

### 104- طغیانگران و مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 6

6 - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی . . . أرءیت إن كان علی الهدی

### 105- طغیانگران و نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 11 - 6

6 - طغیان گران ، بی اعتنا به هدایت یافته بودن نماز گزاران و گرفتار احساس بی نیازی از رهنمود های آنان

لیطغی . أن رءاه استغنی ... أراءیت إن کان علی الهدی

### 106- عجز طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 422

1 - طاغیان و دوزخیان ، در جهنم از دیدن بهشتیان ناتوان خواهند بود .

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً کتّا نعدّهم من الأشرار

مقصود از «رجال» در آیه شریفه، مؤمنان و تقوایپیشگان اند که در بهشت جای دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - طاغیان در دوزخ ، خود را از دیدن بهشتیان و مؤمنان ناتوان خواهند دید .

أم زاغت عنهم الأبصر

### 107- عذاب اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - عذاب طغیان گران در دوزخ ، بسیار شدید است .

وئاخر من شکله أزوج

برداشت یاد شده از تنوع نوشابه و غذاهای ناگوار در دوزخ به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذّبین . . . و ما یکذّب به إلاّ کلّ معتد أثیم

### 108- عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پیروان طغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

«ضعف» به معنای دوچندان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 13 - 3

3 - عذاب طغیان گران مفسد ، جلوه ربوبیت خداوند و در راستای پیشبرد راه پیامبران است .

ربک

ص: 423

### 109- علایق اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 4

4 - طاغیان و دوزخیان ، مشتاق دیدن مؤمنان و مطلع گشتن از سرنوشت آنان هستند .

وقالوا ما لنا لانی رجلاً

### 110- عوامل ذلت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 16 - 5

5 - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی .. ناصیه کذبه خاطئه

«کذب» از مصداق های گناه زبانی می باشد و «خطا»، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

### 111- فرجام اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 39 - 1

1 - طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فأما من طغی .. فإنّ الجحیم هی المأوی

«مأوی»؛ یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله «فإنّ الجحیم هی المأوی» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، مفید حصر است.

### 112- فرجام پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 59 - 1

1 - پیروان طاغیان ، به سرنوشت خود آنان دچار گشته و به جایگاه آنان وارد می شوند .

هذا فوج مقتحم معكم لامر حبا بهم

«فوج» به معنای جماعت و «مقتحم» (از ماده «اقتحام») به معنای وارد شدن در کار شدید است. گفتنی است مقصود از «فوج» - به قرینه (معكم) و آیه بعد - پیروان طاغیان می باشد.

ص: 424

### 113- فرجام شوم طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 55 - 1

1 - طغیانگران ، دچار فرجامی بد

هذا وإن للطغين لشرّ مناب

«مناب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «لشرّ مناب» سوء عاقبت و بدفرجامی است.

### 114- فرجام طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 56 - 4

4 - آتش دوزخ ، بستر و آرامگاه طغیان گران

إنّ للطغين . . . جهنّم يصلونها فبئس المهّاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 59 - 1

1 - پیروان طاغیان ، به سرنوشت خود آنان دچار گشته و به جایگاه آنان وارد می شوند .

هذا فوج مقتحم معکم لامرحباً بهم

«فوج» به معنای جماعت و «مقتحم» (از ماده «اقتحام») به معنای وارد شدن در کار شدید است. گفتنی است مقصود از «فوج» - به قرینه (معکم) و آیه بعد - پیروان طاغیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 22 - 1

1 - جهنم ، فرجام طغیان گران فرورفته در گناه است .

إنّ جهنّم كانت . . . للطّغين ماباً

«طغیان»؛ یعنی، بی اندازه در معصیت پیش رفتن (مفردات راغب). «مآب» اسم مکان و از «أوب» به معنای رجوع گرفته شده است و فرجام هر کس را از آن جهت مآب و مرجع گویند که خود، از پیش آن را فراهم ساخته است.

### 115- فلسفه عجز طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 3

3 - طاغیان و دوزخیان، در جستجوی عِلل و چرایی ناتوانی شان از دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً

لام در «لنا» متضمن معنای علت است و «ما لنا..»؛ یعنی، به چه علت ما نمی توانیم مؤمنان را ببینیم؟ به سخن دیگر مقصود آیه شریفه، این نکته است که دوزخیان از عِلل و چرایی ناتوانی شان از دید بهشتیان پرسش می کنند؛ نه از خود

ص: 425



دیدن.

### 116- کیفر اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 37 - 1

1 - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر . . . و برزت الجحیم لمن یری . فأما من طعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 8 - 3,7

3 - خداوند ، کیفر دهنده طغیان گران و تهدید کننده آنان به کیفر های اخروی است .

لیطغی . . . إنّ إلی ربّک الرجعی

مراد از بیان بازگشت انسان ها به خداوند، توجه دادن طغیان گران - که در آیات پیشین مطرح بودند - به کیفرهای الهی است.

7 - خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گر او ، وعده داد .

لیطغی . . . ربّک

خطاب در «ربّک»؛ چه ویژه پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد - که در نتیجه پیامبر(صلی الله علیه و آله)

بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود - برداشت یاد شده استفاده می شود.

### 117- کیفر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 8 - 5

5 - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها است .

ربّک

ضمیر خطاب در «ربّک»، ممکن است خطاب به هر کس باشد که سخن را می شنود.

5 - گناهان زبانی و عملی طغیان گران ، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی . . . ناصیه کذبہ خاطنه

«کذب» از مصداق های گناه زبانی می باشد و «خطا»، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

ص: 426

## 118- گناه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 16 - 5

5 - گناهان زبانی و عملی طغیانگران، گرفتار سازنده آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی... ناصیه کذبہ خاطئه

«کذب» از مصداق های گناه زبانی می باشد و «خطا»، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

## 119- مبارزه با طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 5

5 - مبارزه با طغیانگران، از شاخص ترین برنامه های رسالت پیامبران است.

اذهب إلی فرعون إئنه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 17 - 3

3 - مبارزه با طغیانگران، از شاخص ترین برنامه های رسالت پیامبران

اذهب إلی فرعون إئنه طغی

## 120- محرومیت اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 24 - 1,2

1 - طغیانگران در دوزخ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم، محروم خواهند بود.

لا ینذوقون فیها بردًا

«ذوق»؛ یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه

شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است؛ زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از «بَرْد» - به قرینه تقابل آن با نوشیدنی - هر گونه احساس سردی است؛ هر چند با سایه و امثال آن باشد.

2- دوزخیان طغیان گر، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب، محروم خواهند بود.

لا یدوقون فیها .. و لا شراباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 27 - 4

4- محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لا یدوقون فیها برداً و لا شراباً .. إنَّهم كانوا لایرجون حساباً

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به

ص: 427

نوشیدن «حمیم» و «غسّاق» مجبور خواهند بود(اثبات). «جزاء وفاقاً» آن را کیفری مناسب با کردار آنان - که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده - بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند(نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند(اثبات). آیه «جزاء وفاقاً» دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

### 121- محرومیت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 12

12 - طغیان گران بی ایمان به جهان آخرت، مردمانی سرگردان و محروم از هدایت الهی اند.

فَظَرُّوا الَّذِینَ لَیْرَجُونَ لِقَاءَنَا فِی طَغْنِیْنِهِمْ یَعْمَهُونَ

«عَمَهُ» (به معنای تحیر و سرگردانی) کنایه از محروم شدن از هدایت‌های الهی است.

### 122- مخالفت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 55 - 3

3 - طاغیان، در صف مخالف تقوایندگان اند.

إِنَّ لِلْمُتَّقِینَ لِحَسَنٍ مَّثَابٍ .. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْنِیْنَ لَشَرِّ مَثَابٍ

«هذا» اشاره به سرنوشت خوب متقین است. بر این اساس پیام آیه شریفه می تواند چنین باشد: این سرنوشت تقوایندگان است؛ اما در مقابل آنان طاغیان هستند که دچار فرجامی بدند.

### 123- مدت تشنگی اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 24 - 3

3 - محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت.

لَبِثْنِ فِیْهَا أَحْقَابًا . لَیْذُوقُونَ فِیْهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا

چنانچه جمله «لایذوقون...» حال برای ضمیر «لابثین» باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از

سرما و آب، دائمی نیست؛ زیرا ممکن است کلمه «أحقاباً» در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد؛ گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

ص: 428

## 124- مدت توقف طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 23 - 1

1 - درنگ طغیانگران در جهنم، دارای دوره‌هایی پیاپی و زمانی طولانی است.

لبثین فیها أحقاباً

«أحقاب»، جمع «حقب» بر وزن «فعل» است. برای «حقب» چندین معنا ذکر شده است؛ از قبیل: «دهر» و «یک سال» و «دو سال» و «هشتاد سال» (لسان العرب). مراد از «أحقاب» لزوماً زمان محدود نیست؛ بلکه با آمدن هر «حُقب» در پی دیگری تا بی نهایت نیز سازگار است که در آن صورت با خلود در آتش تنافی ندارد.

## 125- مدت محرومیت اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 24 - 3

3 - محرومیت طغیانگران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت.

لبثین فیها أحقاباً . لایذوقون فیها برداً و لا شراباً

چنانچه جمله «لایذوقون..» حال برای ضمیر «لابثین» باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخیان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست؛ زیرا ممکن است کلمه «أحقاباً» در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد؛ گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

## 126- مراحل عذاب طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 23 - 2

2 - عذاب طغیانگران و فرورفتگان در گناه، دارای مراحل گوناگونی است.

لبثین فیها أحقاباً

«لابثین» حال برای «الطاغین» در آیه قبل است. تعدد حُقب (مرحله زمانی)، نشانگر تفاوت هر مرحله با مراحل دیگر است.

## 127- منازعه پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 4

4- بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لا مرحبًا بهم .. قالوا بل أنتم لا مرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

ص: 429



## 128- منازعه طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 4

4- بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لامرْحَبًا بهم .. قالوا بل أنتم لامرْحَبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

## 129- مهلت به طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7 - مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّمهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه فی غیّه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

## 130- نفرین بر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 3

3 - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

## 131- نفرین پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 3

3 - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً في النار

### 132- نقش پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 5

5 - طاغیان و پیروانشان ، در صدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

ص: 430

قالوا بل أنتم لا مرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

### 133- نقش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 60 - 3,5

3 - پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

5 - طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لا مرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 61 - 4

4 - طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

### 134- نواهی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 19 - 12

12 - طغیان گران ، از سجده برای خداوند ، پرهیز داشته و دیگران را از آن نهی می کنند .

لیطغی... ینهی . عبدًا إذا صلّى ... و اسجد

### 135- هدایت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 25 - 3

3- راهنمایی و ارشاد طغیان‌گران و تبلیغ پیام الهی، نیازمند شرح صدر و تحمل فراوان است.

اذھب... قال ربّ اشرح لی صدري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 54 - 1

1 - سلب مسؤلیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در مورد تبلیغ و هدایت کافران طغیانگر

بل هم قوم طاغون . فتولّ عنهم

ص: 431

### 136- هشدار به طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 3

3- فرجام شوم قارون ، درس عبرتی است برای همه ثروتمندان مغرور و طغیانگر .

إنَّ قَارُونَ... فَبَغَى عَلَيْهِمْ... فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارَهُ الْأَرْضَ

### 137- هلاکت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 3

3- نابود ساختن سرکشان ، جلوه ربوبیت خداوند و در راستای رشد و تعالی راه پیامبران است .

رَبِّكَ

طغیانگری

### 138- آثار طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 2

2- هلاکت قارون ، بازتاب طغیان و رفتار ظالمانه وی با مردم خویش بود .

إنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ... فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارَهُ الْأَرْضَ

برداشت یاد شده با توجه به تفریع «فخسفنا» بر «فبغى عليهم» به دست می آید.

### 139- آثار طغیانگری قوم نمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 11 - 8

8- «عن أبي جعفر (ع) في قوله «كذبت نمود بطغواها» يقول الطغيان حملها على التكذيب ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا «كذبت ثمود بطغواها» روایت شده که [خداوند] می فرماید: طغیان و سرکشی، قوم ثمود را به تکذیب [صالح] کشاند».

ص: 432

## 140- آثار طغیانگری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 53 - 3

3 - ظلم و طغیان ، عامل نابودی شهر های قوم لوط

إِثْمَ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى . و المؤتفکه أهوی

از این که در آیه قبل، قوم نوح «أظلم» و «أطعی» معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای اقوام دیگری که در این بخش آمده اند، ثابت می شود.

## 141- آثار طغیانگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 53 - 2

2 - روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 32 - 4

4 - طغیان و سرکشی ، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتربص به ریب المنون ... أم هم قوم طاغون

## 142- آثار طغیانگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 30 - 2

2 - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 31 - 1

1 - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی ( دوزخ ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 32 - 2

2 - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیر پذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین . . . فأغوینکم

ص: 433



برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «فأغویناکم» می تواند متفرع بر جمله «بل کنتم قوما طاغین» باشد؛ یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما پردازیم.

### 143- آثار طغیانگری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 11

11 - درخواست نزول ملائکه برای خویش و رؤیت خداوند از سوی منکران معاد، برخاسته از روح طغیان و سرکشی در وجود آنان

وقال الذین لایرجون لقاءنا لولاً أنزل علینا الملائکه أو نرى ربنا لقد استکبروا ف

### 144- تبری از طغیانگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 27 - 2

2- تبری شیطان در قیامت، از انحرافات و طغیان گری مشرکان

قال قرینه ربنا ما أطعیته

بنابراین که مراد از «قرین» شیطان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

### 145- طغیانگری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 6

6 - وجود زمینه های طغیان و فزون طلبی در انسان

لبغوا فی الأرض

این که رفاه و ثروت، انسان ها را به طغیان و فساد می کشد، نشانگر آن است که در انسان زمینه طغیانگری وجود دارد.

### 146- طغیانگری دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نتریبص به ریب المنون . . . أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

ص: 434

## 147- طغیانگری دشمنان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 32 - 3

3 - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نترَبِّصْ به ریب المنون .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

## 148- طغیانگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 1

1 - فرعون، مردی طغیانگر و سرکش در برابر خداوند بود.

اذهب إلی فرعون إنه طغی

مراد از «طغیان فرعون» به قرینه رسالت موسی (ع)، سرکشی او در برابر خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 1

1 - فرعون، مردی سرکش و خدانشناس بود.

اذهبا إلی فرعون إنه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 17 - 1

1 - فرعون زمان موسی (ع)، مردی طغیانگر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنه طغی

«طغیان»؛ یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از «طغیان فرعون» - به قرینه «تزگی» و «فتخشی» در آیات بعد - ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 18 - 7، 2

2 - خداوند ، راهنمای موسی (ع) در شیوه برخورد با طغیان گری فرعون

إِنَّهُ طَغَى . فِقْل

7 - فرعون ، طغیان گری محروم از هرگونه پاکی و صلاح

هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ

سؤال موسی(ع) نشان می دهد که وی در وجود فرعون، به دنبال یافتن تمایلی - هر چند اندک - به سوی خیر و صلاح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 435

3 - فرعون ، طغیان گری بس گمراه و بی پروا

طغی . . . و اهدیک . . . فتخشی . . . فکذب

تکذیب معجزه موسی (ع)، نشانه عمق محرومیت فرعون از هدایت و خشیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 11 - 4، 1

1 - فرعون و قوم عاد و ثمود ، در ممالک و سرزمین ها ، به طغیان گری پرداخته ، در گناه فرورفتند .

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقایس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف «ال» در «البلاد»، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن «بلادهم» بوده و حرف «ال»، جانشین ضمیر «هم» است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

4 - طغیان ، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

الم تر کیف فعل ربک بعاد . . . و ثمود . . . و فرعون . . . الذین طغوا فی البلد

### 149- طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 3، 2

2 - قارون ، عنصری متجاوز و طغیانگر بود .

إن قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

«بَغَى» (مصدر «بغى») به معنای ظلم و تجاوز است.

3 - رفتار ظالمانه و تجاوزکارانه قارون علیه بنی اسرائیل ، علی رغم پیوند نژادی وی با آنان

إن قرون کان من قوم موسی فبغی علیهم

### 150- طغیانگری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 51 - 3

3 - قوم ثمود، مردمی ستم کار و طغیانگر

وأنه أهلک . . . و ثموداً . . . و قوم نوح . . . هم أظلم و أظعی

از این که در آیه بعد، قوم نوح «أظلم» و «أظعی» معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای قوم ثمود ثابت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 52 - 4

ص: 436

4- عاد و ثمود و قوم نوح، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إِثْمَهُمْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ و اطغی

بنابراین که ضمیر «هم» به قوم عاد و ثمود و نوح بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 11 - 4، 1

1- فرعون و قوم عاد و ثمود، در ممالک و سرزمین ها، به طغیان گری پرداخته، در گناه فرورفتند.

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقایس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف «ال» در «البلاد»، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن «بلادهم» بوده و حرف «ال»، جانشین ضمیر «هم» است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

4- طغیان، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

ألم تر کیف فعل ربك بعاد... و ثمود... و فرعون... الذین طغوا فی البلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 11 - 3، 2

2- قوم ثمود، مردمی طغیانگر و آلوده به گناه بی حد بودند.

بطغویها

«طغوی»، اسم مصدر طغیان (گناه را از حد گذراندن) است. (مفردات)

3- طغیان گری قوم ثمود، آنان را به تکذیب پیام های الهی کشاند.

كذبت ثمود بطغویها

حرف «باء» در بطغواها» سببیه است؛ یعنی، طغیان زمینه ساز تکذیب بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 50 - 3

3 - قوم عاد ، مردمی ستم کار و طغیانگر

عادًا الأولى ... و قوم نوح ... هم أظلم و أظغى

از این که در آیات بعد، قوم نوح «أظلم» و «أظغى» معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای قوم عاد ثابت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 52 - 4

4 - عاد و ثمود و قوم نوح ، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إتهم كانوا هم أظلم و أظغى

ص: 437



بنابراین که ضمیر «هم» به قوم عاد و ثمود و نوح بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 11 - 4، 1

1 - فرعون و قوم عاد و ثمود، در ممالک و سرزمین ها، به طغیان گری پرداخته، در گناه فرورفتند.

الذین طغوا فی البلد

طغیان، از حد گذراندن گناه است (مقایس اللغه) و هر چیز که از مقدار خود فراتر رود، طغیان کرده است (العین). حرف «ال» در «البلاد»، برای استغراق عرفی است و مراد تمام سرزمین هایی است که برای اقوام یاد شده، دسترسی به آن امکان پذیر بوده است و می توان گفت: اصل آن «بلادهم» بوده و حرف «ال»، جانشین ضمیر «هم» است و مراد سرزمین هایی است که در قلمرو آنان بوده است.

4 - طغیان، عامل هلاکت قوم عاد و ثمود و زمینه ساز نابودی فرعون

الم تر کیف فعل ربک بعدا... و ثمود... و فرعون... الذین طغوا فی البلد

### 152 - طغیانگری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 52 - 4

4 - عاد و ثمود و قوم نوح، دارای ظلم و طغیانی فزون تر از دیگر اقوام نابود شده تاریخ

إِثْمَ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى

بنابراین که ضمیر «هم» به قوم عاد و ثمود و نوح بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

### 153 - طغیانگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 11

11 - مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلی علیهم آياتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا انت بقراءنا غیر هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 27 - 2

2- تبری شیطان در قیامت ، از انحرافات و طغیان گری مشرکان

قال قرینه ربنا ما أطعیته

بنابراین که مراد از «قرین» شیطان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

ص: 438

#### 154- طغیانگری مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 13 - 4

4 - تکذیب کنندگان تعالیم هدایت گر دین و دستورات تقوایشگی آن ، طغیان گر و مورد تهدید الهی اند .

لیطغی . . . أرءیت إن کذب و تولی

سیاق آیات، بر تهدید دلالت دارد.

#### 155- طغیانگری مکذبان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 13 - 4

4 - تکذیب کنندگان تعالیم هدایت گر دین و دستورات تقوایشگی آن ، طغیان گر و مورد تهدید الهی اند .

لیطغی . . . أرءیت إن کذب و تولی

سیاق آیات، بر تهدید دلالت دارد.

#### 156- طغیانگری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 21 - 12

12 - منکران معاد ، مردمانی سخت سرکش و طغیانگراند .

وقال الذین لایرجون لقاءنا . . . وعتو عتوًا کبیرًا

#### 157- عوامل طغیانگری قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 6

6 - ثروت افسانه ای قارون ، موجب طغیان وی علیه ملت خود گردید .

وءاتینه من الکنوز

بازگو کردن ثروت فراوان قارون، پس از معرفی وی به عنوان فردی متجاوز و طغیانگر، می تواند توضیح دهنده علیت این طغیان و تجاوز باشد.

ص: 439

## 158- عوامل طغیانگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 27 - 7

7- شیطان، مدعی طغیانگری مشرکان، در نتیجه گمراهی عمیق خودشان و نه اغواگری های او

قال قرینه ربنا ما أظغیته و لکن کان فی ضلل بعید

## 159- کیفر اخروی طغیانگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 26 - 2

2- نوشتن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیان طغیانگر، کیفری هم طراز با طغیانگری آنان است.

إلا حمیمًا و غساقًا . جزاء وفاقًا

چنانچه کلمه «جزاء» حال برای «حمیمًا و غساقًا» باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

## 160- ممانعت از طغیانگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 2

2- خداوند، موسی (ع) را به حرکت به سوی فرعون و بازداشتن او از طغیانگری، فرمان داد.

اذهب إلی فرعون إنّه طغی

## 161- نشانه های طغیانگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 19 - 4

4- بهره کشی ظالمانه از بندگان الهی، برتری جویی و گردنکشی در برابر خداوند است.

أن أدّوا إلیّ عباد الله . . . و أن لاتعلوا علی الله

بنابراین که عطف «أن لاتعلوا..» بر «أن أدوا» تفسیری باشد، برداشت بالا به دست می آید.

## 162- نشانه های طغیانگری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 12 - 6

6 - آمادگی شقی ترین فرد قوم ثمود، برای مقابله با رسول الهی، نمودار طغیانگری و مصداق بارز تکذیب گری آنان بود.

ص: 440

كذبت ثمود بطغويها . إذ انبعث أشقيها

«إذ»، ظرف برای «كذبت» و بیانگر زمان تكذیب قوم ثمود است؛ یعنی، زمانی تكذیب گری و طغیان گری قوم ثمود عملی شد كه شقی ترین فرد آنان تحریك شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 7

7 - كشتن ناقه صالح ، جلوه طغیان گری قوم ثمود

كذبت ثمود بطغويها . . . فكذبوه فعقروها

### 163- نگرانی از طغیانگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 46 - 2

2 - خداوند به موسی و هارون (ع) اطمینان داد كه فرعون فرصت ابلاغ پیام رسالت را از آنان نگرفته و بر طغیان خود نخواهند افزود .

نخاف أن یفرط . . . قال لاتخافا

ص: 441

### 1- آثار زینت با طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 3

3 - زینت و تجمل مردان به طلا ، ارزشی فرعونی \*

قال . . . فلولا ألقى عليه أسوره من ذهب

### 2- فواید طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 5

5 - طلا ، مروارید ، بهترین وسایل زینت در بهشت

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه در مقام بر شمردن وسایل زینت بهشتیان می باشد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این وسایل، گویای برداشت یاد شده است.

### 3- نقش طلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 35 - 1

1 - طلا و نقره ، نماد تجمل و اشرافی گری در دوره های تاریخ

سقفًا من فضّه . . . وزخرفًا

عده ای از لغویان «زخرف» را طلا دانسته اند. از ذکر طلا و نقره به عنوان نمادهای زیور و تجمل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 4





4- « طلا » نماد اشرافی گری و تجمل در جامعه فرعون

فلولا ألقى عليه أسوره من ذهب

از تکیه فرعون بر زیورآلات طلا، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 2

2 - ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

طلاندوزی

#### 4- کیفر طلاندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 10

10 - آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذين يكتزون الذهب و الفضه و لا ينفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب أليم

ص: 443

1- آثار طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 237 - 14

14 - طلاق و مشکلات خانوادگی ، نباید موجب فراموشی ارزش ها و فضیلت ها ( همانند عفو و احسان ) گردد .

و ان طلقتموهنّ . . . و ان تعفوا اقرب للتقوى و لا تسوا الفضل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 130 - 1,5,9

1 - طلاق ، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و ان یتفرقا یغن الله

پس از به نتیجه نرسیدن راه حل‌های قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده است.

5 - توجه به وعده الهی در مورد رفع نیازها ، برطرف کننده نگرانی های برخاسته از طلاق های ناگزیر

و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته

9 - اعتقاد به فضل و رحمت الهی ، زمینه ساز اقدام به طلاق ، برای رهایی از بن بست زندگی اصلاح ناپذیر

و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 131 - 5

5 - توجه زنان و مردان به مالکیت مطلق خداوند ، برطرف کننده نگرانی آنان از کمبودها و نیازها در صورت طلاق

و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته . . . و لله ما فی السموت و ما فی الارض

2- آداب طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - شایسته است که طلاق همسر، با شایستگی و خوبی و به دور از خسارت و ضرر باشد.

أَسْرَحَنَّ سَرَاْحًا جَمِيْلًا

ص: 444

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 12

12 - طلاق زنان ، باید پس از تلاش برای رفع نقص ها و ضعف های آنان و بی نتیجه ماندن آن باشد .

إن تتوبا إلى الله .. عسى ربّه إن طلقك أن يبدله أزواجاً خيراً منكّن ... ثی

برداشت یاد شده، از شیوه و مراحل برخورد خداوند با همسران رسول خدا، استفاده می شود؛ زیرا در آغاز، آنان را به توبه و اصلاح رفتار خویش ترغیب فرمود و سپس آنان را به طلاق تهدید کرد.

### 3- احکام سه طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 24

24 - « عن سعدبن ابی خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّوجلّ يقول : « لا تخرجهنّ من بيوتهنّ و لا يخرجنّ » قال : فقال إنّما عنى بذلك الّتي تطلقّ تطيقه بعد تطليقه فتلك الّتي لا تُخرَج و لا تُخرَج حتّى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأة الّتي يطلقّ ها الرجل تطليقه ثمّ يدع ها حتّى يخلوا أجل ها فهذا أيضاً يقعد فى منزل زوج ها و ل ها النفقه و السكنى حتّى تنقضى عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم .. [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: «لا تخرجهنّ و لا يخرجنّ» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود».

### 4- احکام طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 226 - 7

7 - وحبوب آمیزش یا طلاق بر ایلاءکننده ، پس از گذشت چهار ماه از ایلاء

للذین يؤلون .. فان فاءو ... و ان عزموا الطلاق

از اینکه «تربص» تا چهار ماه است، معلوم می شود که پس از آن، شخص مُلزم به یکی از دو کار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 1, 2

1 - تصمیم در طلاق ، با مرد است .

وان عزموا الطلاق

2 - اعتبار قصد و لفظ در طلاق

وان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

ص: 445

به نظر می رسد آوردن دو صفت «سمیع» (شنوا) و «علیم» (دانا) اشاره به اعتبار قصد و لفظ در طلاق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 14، 13، 12، 10، 9، 3، 2

2 - عده به مدت سه طهر و یا سه حیض ، مخصوص زنانی است که حیض می بینند .

و المطلقات یتربصن بانفسهنّ ثلاثه قروء

مفروض آیه، ظاهراً زنانی هستند که حائض می شوند؛ چون عده را سه طهر و یا سه حیض قرار داد؛ لذا این حکم شامل زنان صغیره، یائسه و نظایر آنها نخواهد بود.

3 - عده زنان مطلقه ، سه حیض است .

و المطلقات یتربصن بانفسهنّ ثلاثه قروء

بنابراینکه «قُراء»، به معنای حیض باشد.

9 - حق رجوع شوهر به زن مُطلّقه خویش در مدت عده

و بعولتهنّ احق بردهن فی ذلک

ذلک، اشاره به تربص است؛ یعنی سه طهری که زمان عده می باشد.

10 - حق رجوع شوهر به همسر مُطلّقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتهنّ احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر - مثلاً - در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عده خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

12 - بازگشت مرد و همسر مُطلّقه اش در زمان عده به زندگی قبلی احتیاج به عقد ندارد . \*

و بعولتهنّ احق بردهنّ

کلمه «بعوله» (شوهران) و اضافه آن به ضمیر «هُنّ» گویای این معناست که در زمان عده طلاق، علقه زوجیت باقی است، بنابراین برای رجوع نیاز به عقد نیست.

13 - حق رجوع مرد به همسر مُطلّقه خود ، با انقضای مدّت عده ساقط می شود .

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک

از مفهوم کلمه «فی ذلک» استفاده می شود.

14 - رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلقه اش باشد، بی اثر و فاقد اعتبار است.

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است؛ بنابراین مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقایق و اعتبار آن سلب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 -

1,3,5,7,8,9,10,12,13,15,16,19,20,21

1 - مردان، تنها در طلاق اول و دوم، حق رجوع دارند.

الطلاق مرتان فامساک بمعروف

الف و لام در «الطلاق»، عهد ذکری است؛ یعنی آن طلاق که برای شوهران حق رجوع در آن بود («و بعولتهن احق . . .»)، بیش از دو مرتبه نیست.

3 - عدم تحقق چند طلاق، با اجرای یک یا چند صیغه و بدون رجوع (امساک) در بین طلاقها

ص: 446



اولاً در لفظ واحد «طلقتک ثلاثاً»، مَرَّتین و مَرَّات صدق نمی کند و ثانیاً اگر رجوع نکند، طلاق دوم صدق نمی کند و ثالثاً باید رجوع و بازگشت به زندگی به صورت امساک به معروف باشد و در مجلس واحد بین صبیغه اول و دوم - مثلاً - گفتن «راجعتُ»، امساک به معروف نیست.

5 - حق طلاق و رجوع، با مرد است .

فامساک بمعروف

7 - رجوع مرد در ایام عده، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

الطلاق مَرَّتَان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

8 - پس از طلاق دوم و رجوع در آن، یا باید زندگی بر اساس «معروف» باشد و یا طلاق بدون حق رجوع .

فامساک بمعروف او تسریح باحسان

بنابراینکه مراد از «تسریح باحسان» طلاق سوم باشد؛ چون تنها در دو طلاق حق رجوع می باشد: «الطلاق مَرَّتَان». و طلاق سوم بدون حق رجوع خواهد بود.

9 - رها ساختن زن ( طلاق ) باید علاوه بر رعایت حقوق او، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه «احسان» گویای معنایی است فراتر از «معروف»؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

10 - بقای پیوند زوجیت، با طلاق رجعی در ایام عده

الطلاق مَرَّتَان فامساک بمعروف

از لفظ «امساک» استفاده می شود که شوهر می تواند زن را به همان عقد سابق نگه دارد؛ و این معنا بیانگر بقای زوجیت است.

12 - هنگام طلاق، حرام است مالی را که شوهر به زن داده ( مهریه و . . . ) بازپس گیرد .

و لا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیتموهنّ شیئاً

13 - در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی، مرد می تواند مالی را که به زن داده است، بازپس بگیرد و او را طلاق دهد .

و لا یحل لکم ان تأخذوا . . . الا ان یخافا الا یقیما حدود الله

چنانچه حرمت بازپس گیری مهریه مانع طلاق میان زن و شوهر شود و در عین حال زندگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مهریه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

15 - ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده، مجوز توافقی زن و شوهر بر طلاق، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیمما حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت به

16 - احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده، مجوز طلاق خلع\*

فان خفتم الا یقیمما حدود الله

با توجه به اینکه «ان خفتم»، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

19 - پرداخت مال از جانب زن به شوهر برای طلاق در غیر مورد طلاق خلع جایز نیست.

ولا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیموهنّ .. فان خفتم ... فلا جناح علیهما

گرچه در ابتدا حکم به حرمت اخذ برای مردان شده است؛ ولی در صورت ترس، با تعبیر «فلا جناح علیهما»، حرمت را از هر دو (زن و شوهر) برداشته است. بنابراین معلوم می شود که برای زن نیز قبلاً حرمتی ثابت بوده است.

20 - لزوم نظارت حاکم (قاضی) بر اجرای مقررات طلاق خلع \*

فان خفتم الا یقیما حدود الله فلا جناح علیهما

بنابراینکه «خفتم»، خطاب به حُکام باشد؛ چنانچه آلوسی نظر داده است.

21 - احکام طلاق، از حدود الهی؛ و تعدی از آن حرام است.

المطلقات یتربصن... .. الطلاق مرتان... .. تلک حدود الله فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 230 - 1,2,3,8,9

1 - زندگی مرد با همسر خویش پس از طلاق سوم، جز با فاصله شدن ازدواج با مرد دیگر (مُحَلَّل)، جایز نیست.

الطَّلَاق مَرَّتَان... .. فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَیْرَهُ

2 - ازدواج شوهر اول با زن سه طلاقه خود مشروط به نکاح دائمی با مرد دیگر و پیش آمدن طلاق است.

فان طَلَّقَهَا فَلَا جَنَاحَ عَلَیْهِمَا اِنْ يَتَرَاجَعَا

مطرح کردن طلاق از سوی شوهر دوم حاکی است که باید ازدواج با او دائمی باشد و نه موقت. چون در ازدواج موقت، طلاق نیست.

3 - اختیار طلاق با مرد است.

فان طَلَّقَهَا

8 - پس از طلاق شوهر دوم، زن و شوهر سابق، در صورت گمان به مراعات حدود الهی در خانواده، می توانند به زندگی بازگردند.

فَلَا جَنَاحَ عَلَیْهِمَا اِنْ يَتَرَاجَعَا اِنْ ظَنَّا اَنْ یُقِیْمَا حُدُودَ اللّٰهِ

9 - احکام طلاق، از حدود الهی است.

و تلک حدود الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 2,3,4,21

2 - لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فامسکوهنّ بمعروف او سرّحوهن بمعروف

3- اختیار طلاق با مرد است .

و اذا طلقتم النساء

4- حرمت رجوع مرد به زن مُطلّقه ، به قصد آزار و اذیت وی

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا

21- هشدار الهی نسبت به مُتخلفین از دستورات الهی و احکام طلاق

و اذا طلقتم . . . و اتقوا الله و اعلموا انّ الله بكلّ شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 232 - 3,6

3- از بین رفتن عُلقه زوجیت با انقضای عِدّه ، و احتیاج به عقد مجدد برای ادامه زندگی با شوهر سابق

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن

ص: 448

با توجه به اینکه در آیات قبل، از ادامه زندگی قبل از انقضای عدّه، تعبیر به «امساک» و «ردّ» شده و در این آیه تعبیر «نکاح» آمده است، معلوم می شود با انقضای عدّه، علقه زوجیت تمام می شود.

6 - اختیار طلاق به دست مرد است .

و اذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 1,2,4,6,7,8,10

1 - جواز طلاق زنان ، قبل از آمیزش جنسی

لا جناح علیکم ان طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ

کلمه «مسّ» در آیه شریفه، کنایه از عمل زناشویی است. افزون بر این، مراد از آیه، رفع توهم عدم جواز طلاق زنانی است که با آنان آمیزش نشده است.

2 - جواز طلاق زنان ، در صورت قرار ندادن مهریه

لا جناح علیکم ان طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ او تَقْرَضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً

مراد از فرض «فریضه» تعیین مهر است و جمله «او تقرضوا ..» عطف است بر جمله «ما لم تمسوهن»؛ یعنی طلاق زنانی که برای آنان مهریه تعیین نشده، بی اشکال است.

4 - پرداخت مهریه زنانی که قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر ، طلاق داده شوند ، واجب نیست . \*

لا جناح علیکم . . . و متعوهنّ

برداشت فوق بر این مبناست که «لا جناح» به معنای نفی هر گونه وظیفه باشد و «او» به معنای واو جمع.

6 - لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است .

و متّعوهنّ . . . متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در «متعوهنّ»، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

7 - لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان ، طلاق داده شوند .

ان طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . و متّعوهنّ . . . بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در «مَتَّعَهُنَّ»، علاوه بر اینکه به طایفه دَوَم ارجاع شود، شامل طایفه اَوَّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

8 - مقدار متاع و کالای مناسب و پسندیده برای پرداخت به زن مُطَلَّقه، باید متناسب با توان مالی شوهر باشد.

و مَتَّعَهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمَقْتَرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ

10 - لزوم تناسب کالای پرداختی به زنان مُطَلَّقه، با شؤونات اجتماعی زن و مرد

مَتَّعَهُنَّ . . . مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ

در آیه مزبور توصیه شده که «متاع»، پسندیده باشد؛ و متاع آنگاه پسندیده است که نه خارج از شؤونات اجتماعی شوهر و نه خارج از شؤونات اجتماعی همسر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 2، 1

1 - وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطَلَّقه از سوی شوهر، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ ان تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنُصَفِ مَا فَرَضْتُمْ

ص: 449

مفسران برآنند که جمله «آن تمسوهن»، کنایه از آمیزش جنسی است؛ نه مجرد لمس.

2- طلاقِ زنان، در اختیار همسران خویش است.\*

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ

با توجّه به ظهور خطاب «ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 241 - 1

1- لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلَّقه

و للمطلَّقات متاع بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 19 - 3

3- لزوم طلاق همسر در صورتی که وی از زندگی کردن با شوهر خویش ناخشنود است و شوهر نیز هیچ نیازی به زندگی کردن با وی ندارد.\*

لا يحلّ لكم ان ترثوا النساء كرهاً

2- «كرهاً» به معنای «کارهات»، حال برای «النساء» باشد. گفتنی است که «ان ترثوا» می‌رساند که هدف شوهر از زندگی با زن ارث بردن از اوست. یعنی نیاز دیگری به وی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 20 - 1,2

1- مرد می‌تواند همسر خویش را طلاق داده و همسر دیگری انتخاب کند.

و ان اردتم استبدال زوج مكان زوج

2- طلاق به دست مردان است.\*

و ان اردتم استبدال زوج مكان زوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 19

19 - « عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) قالوا : المملوك لا يجوز طلاقه و لا نكاحه إلا بإذن سيده . . . » « ضرب الله مثلاً عبداً مملوكاً لا يقدر على شيء » . . . ;

از امام باقر و امام صادق - عليهما السلام - روایت شده است که فرمودند: طلاق و نکاح مملوک (برده) نافذ نیست، مگر با اذن مالکش .  
.. ضرب الله مثلاً عبداً مملوكاً لا يقدر على شيء...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 28 - 11

11 - امر طلاق ، به دست مرد است .

فتعالين أمتّعنّ و أسرّحنّ سراحاً جميلاً

ص: 450



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 5، 1

1 - زنانی که به همسری مردانی درآمده اند و شوهرانشان پیش از تماس با آنان، ایشان را طلاق داده اند، عدّه ندارند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ

5 - علقه ازدواج زنانی که بدون آمیزش، طلاق داده شده اند، بلافاصله پس از طلاق، قطع می شود و آزادند تا ازدواج کنند.

إِذَا نَكَحْتُمُ... ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 13، 15، 2

2 - مشروعیت طلاق، در شریعت اسلام

إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ

13 - مردان، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و...) از خانه های خویش بیرون کنند.

و لا يخرجن إلا أن يأتين بفحشه مبينه

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، «فاحشه» اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگرفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

15 - احکام مربوط به زنان مطلقه، از حدود الهی است.

تلك حدود الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 1، 2، 3، 5، 16

1 - پس از پایان عدّه، مرد یا باید به زن مطلقه خود رجوع کند و یا کاملاً از او جدا شود.

فإذا بلغن أجلهن فأمسكوهن بمعروف أو فارقوهن

2 - مخیر بودن مرد ، در رجوع به همسر خویش برای تداوم زندگی مشترک و یا جدا شدن دائمی از او ( از زمان اجرای صیغه طلاق تا پایان عدّه )

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عدّه ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

5 - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدایی کامل مرد از زن مطلقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

16 - « محمدبن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین ؟ فقال : لاتجوز شهاده النساء فی الطلاق . . . »

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد -

ص: 451

یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 3 - 12

12 - احکام و رهنمود های الهی درباره طلاق ، مبتنی بر تقدیر حکیمانه خداوند است .

فَطَّلَقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ .. فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ فَاَرْقُوهُنَّ .. قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 1,3

1 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان ( همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته ) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

اِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَّلَقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ .. ذٰلِكَ اَمْرُ اللّٰهِ اَنْزَلَهُ اِلَيْكُمْ

3 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه ، تکلیفی مهم و مؤکد برعهده همسران

فَطَّلَقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ .. ذٰلِكَ اَمْرُ اللّٰهِ اَنْزَلَهُ اِلَيْكُمْ

مطلب یاد شده، از اطلاق تصریح «امر الله» بر احکام مربوط به طلاق و عده زنان، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 1,2,3

1 - مردان متمکن و توانگر ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند .

لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عده نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

2 - مردان متمکن و توانا ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه خود را در دوران عده بپردازند .

لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ

3 - مردان تنگ دست ، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - پردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 12

12 - طلاق زنان ، باید پس از تلاش برای رفع نقص ها و ضعف های آنان و بی نتیجه ماندن آن باشد .

إن تتوبا إلى الله .. عسى ربّه إن طلقك أن يبدله أزواجاً خيراً منكّن ... ثی

برداشت یاد شده، از شیوه و مراحل برخورد خداوند با همسران رسول خدا، استفاده می شود؛ زیرا در آغاز، آنان را به توبه و اصلاح رفتار خویش ترغیب فرمود و سپس آنان را به طلاق تهدید کرد.

ص: 452

## 5- احکام طلاق رجعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 19,24

19 - فراهم شدن فرصت های مناسب برای حل مشکل طلاق و زمینه های رجوع مردان به زنان مطلقه خویش ، فلسفه تعیین عده طلاق

فَطَّلَقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ .. لاتدری لعلّ الله يحدث بعد ذلك أمراً

طبق نظر مفسران، ذیل آیه شریفه (لاتدری لعلّ الله ..) اشاره به نگه داشتن عده برای طلاق دارد که شاید خداوند در مدت نگه داری عده، جریانی (مانند آن که طلاق دهنده پشیمان شود و بخواهد رجوع کند) پدید آورد تا مشکل طلاق حل گردد.

24 - « عن سعدبن أبي خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّ وجلّ يقول : « لاتخرجهنّ من بيوتهنّ و لایخرجنّ » قال : فقال إنّما عنی بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لاتخرج و لاتخرج حتى تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المراه التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها و لها النفقه و السكنى حتى تنقضي عدتھا ؛

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم. .. [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ فرموده: «لاتخرجهنّ و لایخرجنّ» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عده] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عده اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عده اش تمام شود.

## 6- احکام عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 -

3,4,5,10,11,12,23,24,25,26

3 - لزوم اجرای صیغه طلاق در زمان عده زن (زمانی که زن از عادت ماهانه پاک شده و با شوهرش در نیامیخته است . )

إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَّلَقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ

«لام» در «لَعَدَّتِهِنَّ» معادل «عند» است؛ یعنی، «فَطَّلَقُوهُنَّ عِنْدَ عَدَّتِهِنَّ» (نظیر «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ»؛ یعنی «عند دلوک الشمس»).

4 - لزوم نگه داری عدّه طلاق و شمارش دقیق آن

فَطْلَقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

5 - دقت در شمارش عدّه ، از امور مهم در مسأله طلاق

فَطْلَقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

مطلب یاد شده، از توصیه به شمارش دقیق عدّه - پس از فرمان به نگه داری عدّه (فَطْلَقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ) - به دست می آید.

10 - مردان ، حق ندارند زنان مطلقه خود را در ایّام عدّه ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بَيْوتِهِنَّ

انتساب خانه ها به زنان (بیوتهنّ) گویای این نکته است که زنان مطلقه، باید در همان منازل زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

ص: 453

11 - محل سکونت زنان مطلقه در ایام عدّه، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند.

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

12 - زنان مطلقه، حق ندارند در ایام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند.

ولایخرجن

23 - «عن النبی (صلی الله علیه و آله) «فطلّقوهنّ لعدّتهنّ» قال: طاهرّاً من غیر جماع؛

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره «فطلّقوهنّ لعدّتهنّ» روایت شده که فرمود: [زن باید در حالی طلاق داده شود] که از حیض پاک شده باشد؛ بدون این که در آن پاکی، آمیزشی صورت گرفته باشد.

24 - «عن سعدبن ابی خَلف قال: سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) . . . أليس الله عزّوجلّ يقول: «لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن» قال: فقال إنّما عنی بذلك الّتی تطلّق تطیقه بعد تطیقه فتلك الّتی لاتخرج و لاتخرج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه لها، و المرأه الّتی یطلقها الرجل تطیقه ثمّ یدعها حتّی یخلوا أجلها فهذا أيضاً یقعده فی منزل زوجها و لها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّتها؛

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم.. [و]گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: «لاتخرجوهنّ و لایخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

25 - «عن سماعه بن مهران، قال: سألته عن المطلقه أين تعتد؟ قال فی بیتهای لاتخرج و ان ارادت زیاره خرجت بعد نصف اللیل و لاتخرج نهاراً و لیس لها أن تحجّ حتّی تنقض عدّتها؛

سماعه بن مهران گوید: از امام [صادق (ع)] پرسیدم: زنی که طلاق داده شده در کجا عدّه نگه دارد (عدّه خود را در کجا بگذارد)؟ فرمود: در خانه اش و از آن خارج نشود، و اگر قصد زیارتی (دیداری) را داشت، بعد از نیمه شب خارج گردد و روز بیرون نرود. و برای او جایز نیست حج به جا آورد، تا این که عدّه او تمام شود.

26 - «و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزّوجلّ: «واتقوا الله ربکم لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفاحشه مبینه» قال: إلاّ أن تزنی فتخرج و یقام علیها الحدّ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: «.. لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ إلاّ أن یأتین بفاحشه مبینه» سؤال شد فرمود: [زن در عدّه طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 8

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ . . . و اقیموا الشّهده لله ذلکم یوعظ به

«ذلک» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 -

1,2,3,4,5,6,12,13,14,15

1 - عدّه طلاق زنان یائسه - چنانچه دربارہ علت قطع شدن عادتشان تردیدی باشد - سه ماه است .

ص: 454



وَالَّتِي يُسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ مَنْ نَسَانَكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ

قید «إِنْ ارْتَبْتُمْ» به این معنا است که اگر درباره یأس آنها از حیض شک دارید؛ یعنی، این یأس به خاطر این است که سن آنان به حد یأس رسیده است یا به خاطر عارض شدن (مثلاً بیماری) یأسه شده اند.

2 - عده طلاق زنانی که حیض نمی بینند [با آن که در سن حیض دیدن هستند]، سه ماه است .

فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضُنَّ

«الَّتِي»، مبتدا و خبر آن به قرینه «فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ» محذوف است و تقدیر آن چنین می شود: «الَّتِي لَمْ يَحْضُنَّ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ».

3 - زنان یأسه، اگر درباره علت قطع عادتشان تردیدی باشد، تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند و ازدواج آنان در ایام عده باطل است .

وَالَّتِي يُسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ . . . فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضُنَّ

4 - آن دسته از زنانی که حیض نمی بینند - ولی در سن حیض دیدن هستند - تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند .

وَالَّتِي يُسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ . . . فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضُنَّ

5 - عده طلاق زنان باردار، تا پایان بارداری آنان است .

وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

6 - زنان باردار طلاق داده شده، پیش از وضع حمل، حق ازدواج مجدد را ندارند و تنها پس از آن می توانند ازدواج کنند .

وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

12 - «المروى عن أئمتنا (ع) : فلا تدرن لكبر ارتفع حیضهن أم لعارض ؛

از امامان ما(ع) [در توضیح معنای «ارتبتم» در آیه «وَاللَّاتِي يُسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ مَنْ نَسَانَكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ»] روایت شده که مقصود این است: [اگر شک دارید و] نمی دانید که [قطع حیض زنانی که از حیض شدن مأیوس شده اند] به علت بالا بودن سن است یا عارضه جسمی، [عده آنان سه ماه است].».

13 - «قال ابن عباس هی فی المطلقات خاصه، و هو المروى عن أئمتنا ؛

ابن عباس گفت: این [انقضای عده با وضع حمل]، مخصوص زنان مطلقه است [نه زنانی که شوهرانشان فوت شده اند] و همین مطلب از

ائمه ما(ع) روایت شده است».

14 - « عبدالرحمن بن الحجاج عن أبي الحسن (ع) قال : سألته عن الحلیبی إذا طلقها زوجها فوضعت سقطاً تمّ أو لم يتمّ أو وضعت مضعه ، قال : كلّ شيء وضعته يستبين أنه حمل تمّ أو لم يتمّ فقد انقضت عدّتها وإن كانت مضعه ;

عبد الرحمان بن حجاج از امام کاظم(ع) روایت کرده و می گوید: از ایشان درباره زن باردار پرسیدم که اگر شوهر او را طلاق دهد و بعد از طلاق حمل خود را تمام شده یا تمام نشده سقط و یا به صورت مضعه فرود آورد [حکم عده او چیست؟] فرمود: هر چه را زن زمین بگذارد که معلوم باشد حمل بوده - خلش تمام باشد یا ناتمام - عده او منقضی شده، اگر چه حمل مضعه باشد».

15 - « عن عبدالرحمن بن أبي عبدالله البصري عن أبي عبدالله (ع) قال : سألته عن رجل طلق إمراة و هي حبلى و كان في بطنها إثنان فوضعت واحداً و بقي واحد؟ قال : قال : تبين بالاول و لاتحلّ للأزواج حتّى تضع ما في بطنها ;

عبدالرحمان بن ابی عبدالله بصری می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: مردی زن حامله خود را طلاق داده و او دو فرزند داشته است، یکی را فرود آورده و دیگری باقیمانده است [حکم عده او چیست؟] امام فرمود: با فرود آمدن فرزند اول، از شوهر منقطع می گردد، ولی برای دیگران حلال نمی شود تا آن که آنچه در شکم دارد فرود آورد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 455

1 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه و ادای حقوق آنان ( همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته ) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . ذَلِكُمْ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 -

1,2,3,4,5,6,7,8,10,11

1 - مسکن زنان مطلقه در ایام عده ، برعهده همسرانشان است .

أَسْكُنُوهُنَّ

2 - مسکن زنان مطلقه ، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد ؛ نه در منزل و محل دیگر .

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ

گفتنی است «من» در «من حیث سکنتم» برای تبعیض است؛ یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

3 - مسکن زنان مطلقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ؛ نه کمتر از آن .

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ

«وجد»، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

4 - مردان حق ندارند با گزند رساندن و سخت گیری کردن ، عرصه را بر زنان مطلقه خویش تنگ سازند و زندگی آنان را در خانه خود ، غیر قابل تحمل کنند .

وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِتَضَيَّقُوا عَلَيْهِنَّ

5 - نفقه ( هزینه زندگی ) زنان مطلقه تا وقت تولد فرزند ، برعهده همسرانشان است .

وَإِنْ كُنَّ أَوْلَىٰ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

6 - مردان باید به زنان مطلقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت پردازند .

فإن أرضعن لكم فآتوهن أجورهن

7- زنان مطلقه، در شیردادن به نوزاد خویش و یا نپذیرفتن آن، مختار و آزاداند.

فإن أرضعن لكم فآتوهن أجورهن

8- مردان و زنان مطلقه، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان، به مشاوره و هم فکری پردازند.

و أتمروا بینکم

10- در صورت به توافق نرسیدن مردان و زنان مطلقه درباره شیردادن نوزاد خویش - به خاطر دشوار بودن آن و یا سخت گیری آنان بر یکدیگر - باید نوزاد را به دایه بسپارند.

وإن تعاسرتم فسترضع له أخی

11- مسؤولیت نگهداری نوزادان زنان مطلقه و گرفتن دایه برای آنان و هزینه آن، برعهده مردان است.

وإن تعاسرتم فسترضع له أخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 4

4- مردان تنگ دست، باید به میزان توانایی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه را در ایام عدّه پردازند.

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

ص: 456

## 7- اختیار همسران محمد (صلی الله علیه و آله) در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 28 - 12، 7، 5، 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) طبق فرمان خداوند، همسران خود را مخیر کرد که یا دنیا و امکانات اش را انتخاب کنند و از پیامبر جدا شوند و یا آن حضرت را برگزینند و چنین خواسته هایی نداشته باشند.

قل لأزواجك إن كنتن تردن الحیوه الدنیا وزینتها فتعالین أمتّعنّ وأسرحکنّ سراحاً

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) طبق فرمان خداوند، موظف بود که در صورت انتخاب طلاق از سوی همسران اش، به آنها متاعی پرداخت کرده و با رویی خوش آنان را طلاق دهد.

قل لأزواجك إن كنتن تردن الحیوه الدنیا .. أمتّعنّ وأسرحکنّ سراحاً جمیلاً

«سراح» در لغت، به معنای «رها کردن» است (مفردات راغب).

7 - صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) - با مخیر بودن آنان به انتخاب یکی از دو امر دنیا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) - برای طلاق کافی نبود، بلکه آن حضرت، باید درباره آنان تصمیمی هم اتخاذ می کرد.

قل لأزواجك إن كنتن تردن الحیوه الدنیا .. فتعالین أمتّعنّ وأسرحکنّ سراحاً جمی

تصريح به «تسريح» نشان می دهد که صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر برای طلاق کافی نبوده است.

12 - «عیص بن قاسم عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل خیر إمرأته فاختارت نفسها بانت منه ؟ قال : لا ، إنّما هذا شیء کان لرسول اللّه (صلی الله علیه و آله) خاصه ، أمر بذلك ففعل و لو اخترن أنفسهنّ لطلّقهنّ و هو قول اللّه عزّوجلّ : « قل لأزواجك إن كنتن تردن الحیاه الدنیا وزینتها فتعالین أمتّعنّ وأسرحکنّ سراحاً جمیلاً » ؛

عیص بن قاسم گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: اگر مردی اختیار را به همسر خود بدهد که نزد او بماند یا از او جدا شود و زن، جدایی را انتخاب کند، آیا (بدون اجرای طلاق) زن از او جدا می شود؟ فرمود: نه. این حکم، مخصوص رسول اللّه (صلی الله علیه و آله) بود. وی مأمور شد تا همسران خود را مخیر سازد و اگر همسران ایشان خود را اختیار می کردند (و نه مانند نزد رسول خدا را) پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آنان را رها می کرد. آن، این سخن خدا است که می فرماید: قل لأزواجك...».

## 8- اخلاص در گواهی طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 7

7- گواهی شاهدان در امر طلاق زنان و یا رجوع همسران به آنان ، باید برای خدا و خالصانه و به دور از چشمداشت مادی باشد .

وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ

## 9- اهمیت طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 457

12 - اهمیت مسائل خانوادگی ( ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و . . . ) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . اتَّقُوا اللَّهَ . . . مِنْ يَتَّقِ اللَّهَ . . . يَعِظُمَ لَهُ أَجْرًا

### 10- اهمیت عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 3

3 - احکام طلاق و عده زنان مطلقه ، تکلیفی مهم و مؤکد برعهده همسران

فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

مطلب یاد شده، از اطلاق تصریح «امر الله» بر احکام مربوط به طلاق و عده زنان، به دست می آید.

### 11- تشریح طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 11

11 - تشریح طلاق از جانب خداوند ، برای زندگی های مسالمت ناپذیر ، حکمی حکیمانه است .

وإن يفرقا . . . و كان الله وسعاً حكيماً

### 12- تشویق به طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 6

6 - طلاق و جدایی زن و شوهر ناسازگار - علی رغم چشم پوشی هر یک از برخی حقوق زناشویی - ، مورد ترغیب و تشویق خداوند

وإن تصلحوا و اتقوا . . . و إن يفرقا يغن الله كلا من سعته

«یغن الله» که حاکی از وعده الهی به رفع نیازهای زن و شوهر در صورت جدایی است، دلالت بر تشویق به طلاق دارد.

### 13- تقوا در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 6

6 - توصیه خداوند به مردان و همسرانشان ، مبنی بر رعایت تقوا و خداپرستی در مسائل مربوط به طلاق

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

ص: 458



## 14- تهدید به طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 1

1 - تهدید شدن همسران خطاکار پیامبراکرم (صلی الله علیه و آله) از سوی خداوند به طلاق ، در صورت ادامه راه خطای خویش و ترک توبه

عسی ربّه إن طلقک أنّ یبدله أزوجًا خیرًا منکّن

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که این آیه در مقام تهدید و هشدار است تا بلکه موجب بیداری و تنبّه همسران رسول خدا شود؛ نه این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تصمیم بر طلاق آنان داشت. گفتنی است اقدام نکردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طلاق همسرانش، مؤید همین مطلب است.

## 15- زمینه طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 9

9 - اعتقاد به فضل و رحمت الهی ، زمینه ساز اقدام به طلاق ، برای رهایی از بن بست زندگی اصلاح ناپذیر

و إن یتفرقا یغن الله کلا من سعته

## 16- سوگند به طلاق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 18

18 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: « ان من خطوات الشیطان الحلف بالطلاق و النذور فی المعاصی و کل یمین بغير الله ؛

از گامهای شیطان است قسم خوردن به طلاق همسر و نذر در گناهان و هر سوگندی که به غیر خداوند باشد».

## 17- شرایط طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 230 - 7

7 - شرط طلاق در ازدواج زن سه طلاقه با محلل، بی اثر و فاقد اعتبار است . \*

حتی تنکح زوجاً غیره فان طلقها

استناد طلاق به مُحلّل (فان طلقها) و بیان آن با «ان» شرطیه، که توقع حصول در آن لحاظ نمی شود، دلالت بر اختیار کامل محلل در طلاق دارد و لازمه آن، بی اعتباری شرط طلاق، بر فرض وجود است.

ص: 459

3 - لزوم اجرای صیغه طلاق در زمان عدّه زن ( زمانی که زن از عادت ماهانه پاک شده و با شوهرش در نیامیخته است . )

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ

«لام» در «لَعَدَّتِهِنَّ» معادل «عند» است؛ یعنی، «فَطَلِّقُوهُنَّ عِنْدَ عَدَّتِهِنَّ» (نظیر «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ»؛ یعنی «عند دلوک الشمس»).

22 - «عن أبي جعفر (ع) فی قوله «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» و العِدَّةُ الطُّهْرُ مِنَ الْحَيْضِ . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» روایت شده که مراد از عدّه، پاکی از حیض است».

23 - «عن النبی (صلی الله علیه و آله) «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» قال : طَاهِرًا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ ;

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) درباره «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» روایت شده که فرمود: [زن باید در حالی طلاق داده شود] که از حیض پاک شده باشد؛ بدون این که در آن پاکی، آمیزشی صورت گرفته باشد».

5 - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدایی کامل مرد از زن مطلقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

16 - «محمدبن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طَلَّقَ عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَاهِدٍ وَامْرَأَتَيْنِ ؟ فَقَالَ : لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الطَّلَاقِ . . . ;

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم .. اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد - یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...».

## 18- شمارش عده طلاق

4 - لزوم نگه داری عدّه طلاق و شمارش دقیق آن

فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

5 - دقت در شمارش عدّه ، از امور مهم در مسأله طلاق

فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ

مطلب یاد شده، از توصیه به شمارش دقیق عدّه - پس از فرمان به نگه داری عدّه (فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ) - به دست می آید.

ص: 460

## 19- طلاق باین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 230 - 1, 2, 5

1 - زندگی مرد با همسر خویش پس از طلاق سوم، جز با فاصله شدن ازدواج با مرد دیگر (مُحَلَّل)، جایز نیست.

الطَّلَاق مَرَّتَانِ... فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ

2 - ازدواج شوهر اول با زن سه طلاقه خود مشروط به نکاح دائمی با مرد دیگر و پیش آمدن طلاق است.

فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا اَنْ يَتَرَاجَعَا

مطرح کردن طلاق از سوی شوهر دوم حاکی است که باید ازدواج با او دائمی باشد و نه موقت. چون در ازدواج موقت، طلاق نیست.

5 - جواز ازدواج مرد با زن سه طلاقه خود، مشروط به آمیزش محلل با آن زن است.

حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ

انتخاب کلمه «زوجاً» به جای «رجلاً»، دلالت بر عقد ازدواج دارد؛ بنابراین کلمه «تنکح»، باید بر معنایی زیادتر از عقد دلالت کند و آن معنا، همان آمیزش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 232 - 3, 5

3 - از بین رفتن علقه زوجیت با انقضای عده، و احتیاج به عقد مجدد برای ادامه زندگی با شوهر سابق

وَ اِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ اَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ اَنْ يَنْكِحْنَ

با توجه به اینکه در آیات قبل، از ادامه زندگی قبل از انقضای عده، تعبیر به «امساک» و «رد» شده و در این آیه تعبیر «نکاح» آمده است، معلوم می شود با انقضای عده، علقه زوجیت تمام می شود.

5 - شوهر، حق جلوگیری از ازدواج زن مطلقه خویش را پس از انقضای عده ندارد.

وَ اِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ اَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

بنابراینکه «فلا تعضلوهن» خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از «ازواجهن» نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

## 20- طلاق پس از آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 2

2 - لازم است که زنان مطلقه ای که شوهران شان با آنان تماس داشته اند ، عدّه نگه دارند .

إذا نكحتم المؤمنت ثم طلقتموهن من قبل أن تمسوهن فما لكم عليهن من عدّه

## 21- طلاق پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 2,6

ص: 461

2 - عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

وإن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً .. وإن يتفرقا يغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

6 - طلاق و جدایی زن و شوهر ناسازگار - علی رغم چشم پوشی هر یک از برخی حقوق زناشویی - ، مورد ترغیب و تشویق خداوند

وإن تصلحوا و تتقوا ... و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

«یغن الله» که حاکی از وعده الهی به رفع نیازهای زن و شوهر در صورت جدایی است، دلالت بر تشویق به طلاق دارد.

## 22- طلاق خلع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 14,15,16,19,20

14 - چشمپوشی زن از مال خود ( مهریه ) و گرفتن طلاق ، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است .

و لا يحل لكم ان تأخذوا مما اتيموهنّ شيئاً الاّ ان يخافا الاّ يقيما حدود الله

15 - ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الاّ يقيما حدود الله فلا جناح عليهما فيما افتدت به

16 - احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مجوّز طلاق خلع \*

فان خفتم الاّ يقيما حدود الله

با توجه به اینکه «ان خفتم»، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

19 - پرداخت مال از جانب زن به شوهر برای طلاق در غیر مورد طلاق خلع جایز نیست .

و لا يحل لكم ان تأخذوا مما اتيموهنّ ... فان خفتم ... فلا جناح عليهما

گرچه در ابتدا حکم به حرمت اخذ برای مردان شده است؛ ولی در صورت ترس، با تعبیر «فلا جناح عليهما»، حرمت را از هر دو (زن و شوهر) برداشته است. بنابراین معلوم می شود که برای زن نیز قبلاً حرمتی ثابت بوده است.

20 - لزوم نظارت حاکم (قاضی) بر اجرای مقررات طلاق خلع \*

فان خفتم الا یقیمَا حدود اللّٰه فلا جناح علیهما

بنابراینکه «خفتم»، خطاب به حُکّام باشد؛ چنانچه آلوسی نظر داده است.

### 23- طلاق در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 2

2 - نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجّه به شأن نزول: كان الرجل فی الجاهلیّہ اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضی عِدّتها .. و إن طلقها الف مرّه ... فذکرت ذلک لرسول اللّٰه (صلی اللّٰه علیہ و آله) فنزلت: «الطلاق مرّتان ...». (مجمع البیان، ذیل آیه).

ص: 462



## 24- طلاق رجعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 -

9,10,12,13,14,21,28

9 - حق رجوع شوهر به زن مُطلَّقه خویش در مدت عدّه

و بعولتھنّ احق بردّھن فی ذلک

ذلک، اشاره به تربّص است؛ یعنی سه طُهری که زمان عدّه می باشد.

10 - حق رجوع شوهر به همسر مُطلَّقه خویش، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است.

و بعولتھنّ احق بردّھن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر - مثلاً - در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

12 - بازگشت مرد و همسر مُطلَّقه اش در زمان عدّه به زندگی قبلی احتیاج به عقد ندارد.\*

و بعولتھنّ احق بردّھنّ

کلمه «بعوله» (شوهران) و اضافه آن به ضمیر «هنّ» گویای این معناست که در زمان عدّه طلاق، علقه زوجیت باقی است، بنابراین برای رجوع نیاز به عقد نیست.

13 - حق رجوع مرد به همسر مُطلَّقه خود، با انقضای مدّت عدّه ساقط می شود.

و بعولتھنّ احق بردّھن فی ذلک

از مفهوم کلمه «فی ذلک» استفاده می شود.

14 - رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مُطلَّقه اش باشد، بی اثر و فاقد اعتبار است.

و بعولتھنّ احق بردّھن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است؛ بنابر مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقایقیت و اعتبار آن سلب می شود.

21 - تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مُطلَّقه ، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقیّد کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مُطلَّقه خویش است.

28 - رجوع شوهران به زنان مُطلَّقه خویش ، امر پسندیده و مورد ترغیب خداوند

و بعولتهنّ احق بردهنّ فی ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 1,2,5,6,7,8,10

1 - مردان ، تنها در طلاق اول و دوّم ، حق رجوع دارند .

الطلاق مرتان فامساک بمعروف

الف و لام در «الطلاق»، عهد ذکری است؛ یعنی آن طلاقى که برای شوهران حق رجوع در آن بود «و بعولتهنّ احقّ . . .»، بیش از دو مرتبه نیست.

ص: 463

2 - نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

## الطَّلَاق مَرَّتَانِ

با توجّه به شأن نزول: كان الرجل في الجاهليّة اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضى عِدَّتِها . . . و إن طلقها الف مرّة ... فذكرت ذلك لرسول الله (صلى الله عليه وآله) فنزلت: «الطلاق مرّتان ...». (مجمع البيان، ذیل آیه).

5 - حق طلاق و رجوع، با مرد است .

## فامساک بمعروف

6 - رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد .

## الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

7 - رجوع مرد در ایام عدّه، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

## الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

8 - پس از طلاق دوّم و رجوع در آن، یا باید زندگی بر اساس «معروف» باشد و یا طلاق بدون حق رجوع .

## فامساک بمعروف او تسریح باحسان

بنابراینکه مراد از «تسریح باحسان» طلاق سوّم باشد؛ چون تنها در دو طلاق حق رجوع می باشد: «الطلاق مرّتان». و طلاق سوّم بدون حق رجوع خواهد بود.

10 - بقای پیوند زوجیت، با طلاق رجعی در ایام عدّه

## الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

از لفظ «امساک» استفاده می شود که شوهر می تواند زن را به همان عقد سابق نگه دارد؛ و این معنا بیانگر بقای زوجیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 1,4,5,6,10

1 - شوهر در آستانه پایان عدّه زن، می تواند به او رجوع کند و یا او را رها سازد .

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فامسکوهنّ بمعروف او سرحوهنّ بمعروف

مراد از «فبلغن اجلهنّ» در این آیه، نزدیک شدن پایان عدّه است؛ نه تمام شدن آن. چون کلمه «بلوغ» همان گونه که در پایان مهلت استعمال می شود، در آستانه پایان نیز استعمال می شود. (المیزان)

4 - حرمت رجوع مرد به زن مُطلّقه ، به قصد آزار و اذیت وی

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا

5 - رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیت ، تعدّی به حدود الهی و ظلم است .

تلك حدود الله فلا تعتدوها و من يتعد حدود الله فأولئك هم الظالمون . . . و لا تمس

6 - رجوع مرد به زن مُطلّقه با قصد آزار ، ظلم به خویشان است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا و من يفعل ذلك فقد ظلم نفسه

10 - رجوع مرد به زن مُطلّقه به قصد آزار ، مسخره گرفتن آیات الهی است .

و لا تمسکوهنّ ضراراً . . . و لا تتخذوا آیات الله هُزُواً

طلاق زینب بنت جحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 464

17 - زیدبن حارثه، پس از کام‌گیری از همسرش، او را طلاق داد و از وی جدا شد.

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها

«وطر» در لغت «نیاز مهم» را گویند (مفردات راغب). در آیه، «قضی ... وطراً» کنایه از به پایان رسیدن حاجت زید از نکاح با زینب و به اتمام رسیدن زمان مجاز زناشویی آن دو است.

31 - رخداد مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند، تحقق پیدا کرده است.

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها .. و کان أمر الله مفعولاً

## 25- طلاق قبل از آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 5، 1

1 - زنانی که به همسری مردانی درآمده اند و شوهرانشان پیش از تماس با آنان، ایشان را طلاق داده اند، عدّه ندارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ

5 - علقه ازدواج زنانی که بدون آمیزش، طلاق داده شده اند، بلافاصله پس از طلاق، قطع می شود و آزادند تا ازدواج کنند.

إِذَا نَكَحْتُمُ .. ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عَدَّةٍ

## 26- طلاق همسر زید بن حارثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 6

6 - همسر زیدبن حارثه، با وی ناسازگار بود و زید، تصمیم گرفت از او جدا شود.

و إذ تقول للذي أنعم الله عليه .. أمسك عليك زوجك

در شأن نزول آیه آورده اند که زینب، همسر زید، به خاطر این که زید، برده ای آزاد شده است، با او ناسازگاری می کرد و این، بر زید ناگوار بود و از این رو تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. امر «أمسک»، به این مطلب اشاره دارد و نیز فرمانی است به زید از عملی ساختن

## 27- طلاق همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 52 - 9، 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مجاز نبود که همسران خود را طلاق داده و دیگرانی را جایگزین آنان کند .

لا یحلّ لک . . . و لا أن تبدل بهنّ من أزواج

9- مجاز نبودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طلاق همسران خود و جایگزین کردن دیگران به جای آنان ، به خاطر جلب رضایت

همسران

ص: 465

و اطمینان بخشی به آنان است .

ذلک ادنیٰ ان تقرّٰ اعینهنّ . . . لایحلّ . . . و لا ان تبدّل بهنّ من أزواج

## 28- عدالت گواهان طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 8

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجنهنّ من بیوتهنّ . . . و اقیموا الشّهده لّله ذلکم یوعظ به

«ذلک» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

## 29- عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 49 - 3,4

3 - عده طلاق ، از آثار و توابع آمیزش مرد و زن است ، نه تابع عقد .

إذا نکحتم المؤمنت ثمّ طلقتموهنّ من قبل ان تمسّوهنّ فما لکم علیهنّ من عده تعتد

4 - عده نگه داشتن زنان مطلقه ، به نفع مردان ، و از حقوق آنان است .

فما لکم علیهنّ من عده

مخاطب «لکم» در آیه ، مردانی اند که زنانی را به ازدواج درآورده و آنها را مطلقه کرده اند. قرار دادن عده برای آنان، به مصلحت و سود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 1,2

1 - پس از پایان عده ، مرد یا باید به زن مطلقه خود رجوع کند و یا کاملاً از او جدا شود .

فإذا بلغنّ أجلهنّ فأمسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ

2- مخیر بودن مرد، در رجوع به همسر خویش برای تداوم زندگی مشترک و یا جدا شدن دائمی از او ( از زمان اجرای صیغه طلاق تا پایان عدّه )

فامسکوهن بمعروف أو فارقوهنّ

### 30- عدّه طلاق باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 5,6,13,14,15

ص: 466



5 - عده طلاق زنان باردار ، تا پایان بارداری آنان است .

وَأُولتِ الْأَحْمَالِ أَجْلَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

6 - زنان باردار طلاق داده شده ، پیش از وضع حمل ، حق ازدواج مجدد را ندارند و تنها پس از آن می توانند ازدواج کنند .

وَأُولتِ الْأَحْمَالِ أَجْلَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

13 - « قال ابن عباس هي في المطلقات خاصة ، و هو المروى عن أئمتنا ؛

ابن عباس گفت: این [انقضای عده با وضع حمل]، مخصوص زنان مطلقه است [نه زنانی که شوهرانشان فوت شده اند] و همین مطلب از ائمه ما (ع) روایت شده است».

14 - « عبد الرحمن بن الحجاج عن أبي الحسن (ع) قال : سألته عن الحلبى إذا طلقها زوجها فوضعت سقطاً تمّ أو لم يتمّ أو وضعت مضعه ، قال : كلّ شيء وضعته يستبين أنه حمل تمّ أو لم يتمّ فقد انقضت عدتها وإن كانت مضعه ؛

عبد الرحمان بن حجاج از امام کاظم (ع) روایت کرده و می گوید: از ایشان درباره زن باردار پرسیدم که اگر شوهر او را طلاق دهد و بعد از طلاق حمل خود را تمام شده یا تمام نشده سقط و یا به صورت مضعه فرود آورد [حکم عده او چیست؟] فرمود: هر چه را زن زمین بگذارد که معلوم باشد حمل بوده - خلقتش تمام باشد یا ناتمام - عده او منقضی شده، اگر چه حمل مضعه باشد».

15 - « عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله البصرى عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن رجل طلق امرأته و هي حبلى و كان في بطنها إثنان فوضعت واحداً و بقى واحد؟ قال : قال : تبين بالاول و لا تحلّ للأزواج حتى تضع ما في بطنها ؛

عبد الرحمان بن ابی عبد الله بصری می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی زن حامله خود را طلاق داده و او دو فرزند داشته است، یکی را فرود آورده و دیگری باقیمانده است [حکم عده او چیست؟] امام فرمود: با فرود آمدن فرزند اول، از شوهر منقطع می گردد، ولی برای دیگران حلال نمی شود تا آن که آنچه در شکم دارد فرود آورد».

### 31- عده طلاق غیر حائضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 12، 4، 2،

2 - عده طلاق زنانی که حیض نمی بینند [با آن که در سن حیض دیدن هستند] ، سه ماه است .

فعدّتهنّ ثلثة أشهر و الّئى لم يحضن

«الّئى»، مبتدا و خبر آن به قرینه «فعدّتهنّ ثلثة أشهر» محذوف است و تقدیر آن چنین می شود: «الّئى لم يحضن فعدّتهنّ ثلثة أشهر».

4 - آن دسته از زنانی که حیض نمی بینند - ولی در سن حیض دیدن هستند - تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند .

وَالْأَيُّ يَأْسُنُ مِنَ الْمَحِيضِ . . . فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالْأَيُّ لَمْ يَحْضُنْ

12 - « المروری عن أئمتنا (ع) : فلا تدرون لكبر ارتفع حیضهنّ أم لعارض ;

از امامان ما(ع) [در توضیح معنای «ارتبتم» در آیه «و اللّائی یئسن من المحیض من نسائکم إن ارتبتم»] روایت شده که مقصود این است: [اگر شک دارید و] نمی دانید که [قطع حیض زنانی که از حیض شدن مأیوس شده اند] به علت بالا بودن سنّ است یا عارضه جسمی، [عدّه آنان سه ماه است] .».

ص: 467

### 32- عده طلاق یائسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 3, 1

1 - عده طلاق زنان یائسه - چنانچه درباره علت قطع شدن عادتشان تردیدی باشد - سه ماه است .

وَالَّتِي يُسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ

قید «إِنْ ارْتَبْتُمْ» به این معنا است که اگر درباره یأس آنها از حیض شک دارید؛ یعنی، این یأس به خاطر این است که سن آنان به حد یأس رسیده است یا به خاطر عارض شدن (مثلاً بیماری) یائسه شده اند.

3 - زنان یائسه ، اگر درباره علت قطع عادتشان تردیدی باشد ، تنها پس از گذشت سه ماه از آغاز اجرای طلاق درباره آنها ، می توانند اقدام به ازدواج مجدد کنند و ازدواج آنان در ایام عده باطل است .

وَالَّتِي يُسِّنُ مِنَ الْمَحِيضِ . . . فَعَدَّتْهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ

### 33- عوامل طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 23

23 - عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و الْمَطْلَقَاتُ يَتْرِبْنَ بِنَفْسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ . . . وَ لِهِنَّ مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَّ

### 34- فلسفه طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 4

4 - طلاق ، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ . . . وَ إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

### 35- فلسفه عده طلاق

19 - فراهم شدن فرصت های مناسب برای حل مشکل طلاق و زمینه های رجوع مردان به زنان مطلقه خویش ، فلسفه تعیین عدّه طلاق

فَطَّلَقُوهُنَّ لَعْدَتِهِنَّ .. لا تَدْرِي لَعَلَّ اللّٰهَ يَحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

طبق نظر مفسران، ذیل آیه شریفه (لا تدری لعلّ الله.. ) اشاره به نگه داشتن عدّه برای طلاق دارد که شاید خداوند در مدت نگه داری عدّه، جریانی (مانند آن که طلاق دهنده پشیمان شود و بخواهد رجوع کند) پدید آورد تا مشکل طلاق حل گردد.

20 - بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایام عدّه

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَلَّ تَهْنَأْنَ . . . لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

28 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : المطلقة تكتحل و تختضب و تطيب و تلبس ما شاءت من الثياب لأن الله عزوجل يقول : « لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً » لعلها أن تقع في نفسه فيراجعها ;

از امام صادق(ع) روایت شده: زن مطلقه [رجعی] خوب است سر مه کشد و خضاب کند و خود را خوشبو نماید و آنچه دوست دارد، از لباس ها بپوشد؛ چون خدای عزوجل فرمود است: «لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً». شاید آن زن در دل شوهرش [محبوب] واقع شود و شوهر به او رجوع کند».

### 36- گواهی در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 16، 8، 5

5 - لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل ، بر جدایی کامل مرد از زن مطلقه خویش

و اشهدوا ذوی عدل

برداشت یاد شده، براساس نظریه بسیاری از مفسران است که گفته اند: برای رجوع مرد به زن مطلقه خود، شاهد لازم نیست و گرفتن گواهی، اختصاص به طلاق و جدایی کامل دارد.

8 - برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حق آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بَيْوتِهِنَّ . . . وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَعِّظُ بِهِ

«ذلك» اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

16 - « محمد بن ابی نصر قال : سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له : فإن طلق على طهر من غير جماع بشاهد و امرأتين ؟ فقال : لا تجوز شهادة النساء في الطلاق . . . ;

محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا(ع) سؤال نمودم. .. اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد - یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 28 - 12، 7

7 - صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) - با مخیر بودن آنان به انتخاب یکی از دو امر دنیا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) - برای طلاق کافی نبود، بلکه آن حضرت، باید درباره آنان تصمیمی هم اتخاذ می کرد.

قل لأزواجك إن كنتن تردن الحيوه الدنيا.. فتعالين أمتعنن وأسرحكن سراحاً جمي

تصریح به «تسریح» نشان می دهد که صرف انتخاب دنیا از سوی همسران پیامبر برای طلاق کافی نبوده است.

12 - «عیص بن قاسم عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن رجل خیر امرأته فاختارت نفسها بانت منه؟ قال: لا، إنما هذا

ص: 469

شیء کان لرسول الله (صلی الله علیه و آله) خاصه ، أمر بذلك ففعل و لو اخترن أنفسهن لطلقهن و هو قول الله عزوجل : « قل لأزواجك إن كنتن تردن الحياه الدنيا وزينتها فتعالين أمتعنن وأسرحن سراحاً جميلاً » ;

عیص بن قاسم گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: اگر مردی اختیار را به همسر خود بدهد که نزد او بماند یا از او جدا شود و زن، جدایی را انتخاب کند، آیا (بدون اجرای طلاق) زن از او جدا می شود؟ فرمود: نه. این حکم، مخصوص رسول الله(صلی الله علیه و آله) بود. وی مأمور شد تا همسران خود را مخیر سازد و اگر همسران ایشان خود را اختیار می کردند (و نه ماندن نزد رسول خدا را) پیغمبر(صلی الله علیه و آله) آنان را رها می کرد. آن، این سخن خدا است که می فرماید: قل لأزواجك...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 51 - 8, 2, 4

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مجاز است هر یک از زنان خود را طلاق دهد و یا به زندگی با آنان ادامه دهد .

ترجی من تشاء منهن و تتوی إلیک من تشاء

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر در «منهن» واژه «أزواج» در آیه پیش باشد. «ترجی» (به تأخیر بیندازی) و «تتوی» (مکان بدهی) کنایه از طلاق و نگهداری است.

4 - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است .

لکیلا یکون علیک حرج . . . ترجی من تشاء منهن

8 - واگذارشدن طلاق هر یک از همسران و یا عدم آن ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منظور رفع نگرانی از همسران آن حضرت است .

ترجی من تشاء منهن . . . ذلک أدنی أن تقر أعینهن و لایحزن

«تقر» از ریشه «قر» به معنای «سردی»، و «قره العین» کنایه از سرور و خوشحالی است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که برداشت بالا، بنابراین است که مشارالیه «ذلک» عبارت «ترجی من تشاء... و تتوی إلیک من تشاء» باشد.

### 38- مراد از عده طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 22

22 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « فطلقوهن لعدتهن » و العده الطهر من الحيض . . . » ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» روایت شده که مراد از عدّه، پاکی از حیض است».

### 39- ممانعت از طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 12

12 - منع از طلاق با وجود اختلافات غیر قابل تحمل ، حرکتی غیر منطقی است .

وإن يتفرقا يغن الله كلا من سعته وكان الله واسعاً حكيماً

جمله «و كان الله واسعاً» می تواند بیانگر دلیل تشریح طلاق باشد، یعنی حکمت خداوند، منشأ تشریح طلاق است، بنابراین می توان گفت منع از طلاق در شرایطی خاص، نتیجه عدم واقع بینی است.

ص: 470



## 40- موانع طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 230 - 14

14 - مُحَلَّل ، عامل بازدارنده مرد از طلاق های مکرر \*

فان طلقها فلا تحل له من بعد حتی تنكح زوجاً غیره

اشترای مُحَلَّل برای بازگشت به زندگی پس از طلاق سوم، به منزله مانع تراشی برای طلاقهای مکرر و بی مورد است؛ خصوصاً با توجه به حساسیت مردان در این مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 20

20 - جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسكنی و لاتطلقنی و ادع لك ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له كله .

---

کافی، ج 6، ص 145، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 558، ح 600.

## 41- ناپسندی طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 226 - 10

10 - بازگشت به زندگی زناشویی پس از ایلاء ، بهتر از طلاق است .

فان فاءو فان الله غفور رحيم. و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

تقدیم ذکری بازگشت به زندگی عادی (فان فاءو)، نشانه تقدم زُتی آن است و نیز وعده رحمت و مغفرت در صورت بازگشت و رعایت حق زن، حاکی از اولویت امر اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 7

7 - ناپسندی طلاق در پیشگاه خداوند \*

و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

با توجه به اینکه در بازگشت به زناشویی، وعده به غفران و رحمت خدا داده شده است؛ ولی در طلاق، تکیه بر دو صفت «سمیع» و «علیم» شده که دلالت بر نوعی تهدید دارد.

ص: 471

## 42- نیت در طلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 2

2 - اعتبار قصد و لفظ در طلاق

و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

به نظر می رسد آوردن دو صفت «سمیع» (شنوا) و «علیم» (دانا) اشاره به اعتبار قصد و لفظ در طلاق دارد.

ص: 472

1- آثار طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 12

12 - بخل و آزمندی، از عوامل مهم ناهمسازی و مانع عمده صلح و آشتی است.

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

«شح»، بخل همراه با حرص و آزمندی است. ظاهراً عنوان کردن بخل پس از صلحی که مستلزم گذشت از حقوق است، بیانگر این معناست که اگر صلح را نپذیرفتید، بدانید که بخل مانع آن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 7، 10

7 - حرص و آزمندی به دنیا، مایه تحریف احکام و حقایق دین

یحرفون الکلم من بعد مواضعه .. اکلون للسهة

10 - رشوه گیری، حرام خواری و آزمندی به دنیا، مایه خواری و رسوایی در دنیا و عذابی بزرگ در آخرت

لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الاخرة عذاب عظیم .. اکلون للسهة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 39

39 - سودجویی و طمعورزی، از عوامل نادیده گرفتن احکام الهی و حکم نکردن بر اساس آن

یحکم بها .. و لا تشتروا بایتی ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 8

8 - خیره شدن و دل بستگی به دنیا و زندگی مرفه دیگران، مانع از دسترسی به مقام رضا است.

ممکن است این آیه در ارتباط با آخرین جمله آیه قبل باشد. مقتضای این ارتباط آن است که علاوه بر تسبیح و تنزیه پروردگار در شبانه روز - که موجب کسب رضایت خاطر است - چشم ندوختن به مال و منال دنیای دیگران نیز، دارای نقش مؤثر در وصول انسان به مقام رضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 9 - 14

14 - حرص و چشمداشت به مال و حقوق دیگران ، از موانع جدی رستگاری است .

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 6 - 3

3 - منت نهادن و چشم داشت داشتن در انفاق ها و عطایا ، از مصادیق اخلاق و اوصاف پلید و آلوده

و الرجز فاهجر . و لاتمنن تستکثر

برداشت یاد شده، از مناسبت عطف جمله «لاتمنن تستکثر» به «و الرجز فاهجر» استفاده می شود.

## 2- آثار طمع آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 3

3 - تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أذلك على شجرة الخلد . . . فأكلا منها

## 3- اجتناب از طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 1

1 - لزوم خشنود بودن به عطای خدا و رسولش و طمع نداشتن به بیش از حق خود

و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله

## 4- انصار و طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- انصار ، به دور از کمترین حسد و چشمداشت نسبت به اموال عطا شده به مهاجران از « فیء »

و لایجدون فی صدورهم حاجه ممّا أُوتوا

با توجه به این که حسد مسبوق به چشمداشت است و انصار هیچ گونه چشمداشتی نسبت به اموال عطا شده به مهاجران نداشتند؛ از آیه شریفه نفی هرگونه حسادت استفاده می شود.

ص: 474

## 5- اهمیت اجتناب از طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 48 - 5

5 - خوشنودی به دستاورد و پرهیز از آز و طمع ، موهبتی الهی است . \*

و آئه هو أئنی و أئنی

بنابر معنایی که برای «أئنی» در لغت یاد شده است (رضا) مطلب بالا به دست می آید.

## 6- دفع طمع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 123 - 7

7 - نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

## 7- سرزنش طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 6، 5، 2

2 - لزوم خودداری از طمعورزی و آرزوی دستیابی به نعمت های خدادادی دیگران

و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض

5 - چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های دیگران ، زمینه ارتکاب گناه

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه ... و لا تتمنوا ما فضل الله

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از ترغیب به اجتناب گناهان، می تواند اشاره به ریشه برخی گناهان کبیره و ارشاد به راه مبارزه با آن باشد.

6 - چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های خدادادی دیگران ، زمینه حرامخواری و ناهنجاری های اقتصادی



لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . . . و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از بیان حکم تصرفات ناروا در اموال مردم، می تواند بیانگر این باشد که تملک اموال دیگران از راه باطل، ریشه در طمعورزی به نعمتهای دیگران دارد.

17 - آدمی باید کمبود های خویش را با تقاضای از خدا جبران کند ، نه با طمعورزی و دست اندازی به حقوق دیگران

و لا تتمنوا ما فضل الله . . . و سئلوا الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 88 - 6

6- چشم دوختن و غبطه خوردن به مال و منال دنیا ، امری نکوهیده و ناپسند

ص: 475

لا تَمُدَّنْ عَيْنِكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 5

5 - چشم دوختن و غبطه خوردن بر مال و منال دنیاداران ، امری نکوهیده و نارو است .

و لا تَمُدَّنْ عَيْنِكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ

### 8- طمع اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 2، 1

1 - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إِذْ أَقْسَمُوا لِيَصْرَمَنَّهَا مُصْبِحِينَ . و لا یستثنون

«استثنا» به معنای خارج کردن است و «لا یستثنون» عطف بر «لیصرمن» می باشد.

2 - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إِذْ أَقْسَمُوا لِيَصْرَمَنَّهَا مُصْبِحِينَ . و لا یستثنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

### 9- طمع انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 11

11 - جان آدمیان ، عجین با بنخل و آزمندی

و احضرت الانفس الشح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 2

2 - ملاک حلیت اشیا، پاکیزگی و سازگاری آنها با طبع است .

اليوم احل لكم الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 2

2 - انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثمّ يطمع أن أزيد

ص: 476

## 10- طمع به ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 135 - 14

14 - ترحم به فقیران و بیزاری از ثروتمندان و یا بی اعتنایی به فقیران و طمع به ثروتمندان ، نباید مؤمنان را از شهادت به حق بازدارد .

کنونا قومین بالقسط شهداء لله . . . ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

شهادت درباره فقیر و ثروتمند چهار صورت دارد: یا شهادت علیه ثروتمند است به خاطر گرایش ضد استکباری، یا به نفع اوست به خاطر طمع یا ترس، یا علیه فقیر است به خاطر بی اعتنایی به او، و یا به نفع اوست به خاطر ترحم و گرایش به مستضعفان، خداوند دخالت دادن این موارد را در ادای شهادت ممنوع دانسته است.

## 11- طمع به غنایم غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 9

9 - چشمداشت برخی از مسلمانان ، به داشتن سهمی در غنایم به دست آمده از بنی نضیر \*

و ما أفاء الله علی رسوله منهم فما أوجفتم علیه . . . و لکن الله یسلط رسله

بیان این نکته که شما مسلمانان، اسب تازی در این جنگ نداشتید و این خدا بود که این پیروزی را فراهم ساخت، می تواند پاسخی برای انتظارات مسلمین در تقسیم غنایم میانشان باشد.

## 12- طمع در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 6 - 3

3 - منت نهادن و چشم داشت داشتن در انفاق ها و عطایا ، از مصادیق اخلاق و اوصاف پلید و آلوده

و الرجز فاهجر . و لاتمنن تستکثر

برداشت یاد شده، از مناسبت عطف جمله «لاتمنن تستکثر» به «و الرجز فاهجر» استفاده می شود.

## 13- طمع علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 42 - 6

6 - حرص و آزمندی شدید عالمان یهود عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به متاع دنیا

اکلون للسحت

ص: 477

صیغه مبالغه «اکلون» نشان از رغبت و حرص فراوان عالمان یهود دارد.

#### 14- طمع مخالفان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 3

3 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در برابر مخالفت های کافران عنود، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزید . کلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) - از جمله ولیدبن مغیره - از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

#### 15- طمع منازعان قصه داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 23 - 3

3 - طمع کردن برادر دارای 99 میش به تنها میش برادر خود، ادعای نامه برادر شاکی به حضور داوود (ع)

و لی نعجه وحده فقال أكفلیها

تعبیر «أكفلیها» (کفالت آن را به من واگذار) کنایه از بخشش و هدیه کردن است؛ یعنی، این یک میش را به من هدیه کن.

#### 16- طمع منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 2

2 - فرصت طلبی، طمعکاری و برخورد های طلبکارانه، از ویژگی های اهل نفاق است.

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من الله... و نمنعکم من المؤمنین

#### 17- طمع منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 5

5 - چشمداشت منافقان صدر اسلام به دریافت صدقات ، با وجود عدم استحقاق آنان

و منهم من يلمزك في الصدقة فإن أعطوا منها رضوا .. إنما الصدقة للفقراء ... وابن

ص: 478

## 18- طمع ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 1

1 - ولیدبن مغیره، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً .. ثمّ یطمع أن أزیّد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 16 - 1,3

1 - ولیدبن مغیره، هرگز به تمامی آرزوهای مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید .

ثمّ یطمع أن أزیّد . کلاً

3 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در برابر مخالفت های کافران عنود، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثمّ یطمع أن أزیّد . کلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) - از جمله ولیدبن مغیره - از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

## 19- موانع طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 20

20 - امیدواری به فضل الهی، زمینه ساز پرهیز از طمعورزی نسبت به دارایی های دیگران

و لا تتمنّوا ما فضلّ الله .. و سنلوا الله من فضله

نهی از تمنی و طمعورزی، و آنگاه امر به تقاضا از خدا، که نتیجه آن امیدبخشی به فضل الهی است، در حقیقت ارائه راهی است برای اجتناب از حسرت و دست اندازی به نعمتهای دیگران.



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 22

22 - توجه به رزق پایدار و سرتاسر خیر پروردگار ، زمینه ساز دوری گزینی از چشم دوختن به امکانات دنیایی دیگران است .

و لا تمدنّ عینیک . . . و رزق ربّک خیر و أبقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 10

10 - اقامه نماز و مداومت بر آن ، سدّی در برابر تمایلات دنیاطلبانه و مانع چشم دوختن به دنیای دیگران است .

و لا تمدنّ عینیک . . . وأمر أهلک بالصلوة واصطبر علیها

فرمان به اقامه پی گیر نماز، پس از نهی از چشم دوختن به دارایی های دنیا داران، این نکته را گوشزد می کند که با اقامه نماز

ص: 479

و گسترش دامنه آن، می توان زمینه را برای دل بردن از ثروت های کافران فراهم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 9 - 13

13 - ایمان و امداد های معنوی خداوند ، بازدارنده انسان از بخل و آز \*

و من یوق شح نفسه

از مجهول آمدن «یوق»، استفاده می شود که عامل بازدارنده، عاملی است و رای خود انسان و احتمال می رود آن عامل، ایمان و امدادهای معنوی حق باشد.

## 20- ناپسندی طمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 15 - 3

3 - طمعورزی و افزون خواهی در به چنگ آوردن ثروت و قدرت بیشتر ، خصلتی ناپسند و محکوم است .

ثمّ یطمع أن أزید

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات - که درباره افراد کافر و دین ستیزی همچون ولیدبن مغیره است - درصدد بیان خصلت های زشت آنان و محکوم کردن آنها است.

ص: 480

## 27- طواف

### 1- آداب طواف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 2

2 - ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُم

### 2- احکام طواف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 4

4 - وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُم ... و لِيَطَّوَّفُوا

### 3- تأخیر طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 5

5 - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُم ... و لِيَطَّوَّفُوا

به کارگیری «ثُمَّ» - که برای تراخی در زمان است - بیانگر مطلب یاد شده است.

### 4- طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 8,9

8 - « عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال في قول الله عز وجل : « ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُم و لِيُوفُوا نَذْرَهُمْ و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ »



قال : التفت الرمي و الحلق و النذور من نذر أن يمشي و الطواف هو طواف الزياره . . . ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجل «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ و لِيُوحُوا نَذْرَهُمْ و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» فرمود: مراد از «تفت» رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از «نذور» کسی است که نذر کرده که پیاده برود (1) و مراد از طواف، طواف زیارت است. «...». 1- محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

9- «عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل: «و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» قال : طواف النساء ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل «و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» فرمود: [مراد] طواف نسا است».

### 5- طواف در دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 21

21 - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام شریعت ابراهیم

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 17

17 - طواف و نماز ، از تکالیف مقرر در شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و طهر بيتي للطائفين و القائمین و الركع السجود

### 6- طواف در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 15، 14

14 - طواف ، قیام ، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بيتي للطائفين و القائمین و الركع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الركع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

15 - لزوم تقدیم طواف بر نماز در زیارت مسجدالحرام

للطائفین و القائمین و الرکع السجود

### 7- طواف کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 482

14 - مهیا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف، عبادت، رکوع و سجود، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق «تطهیر» - چنانچه بعضی از مفسران گفته اند - کنایه از مهیا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

18 - خانه خدا جایگاه طواف، اعتکاف، عبادت، رکوع و سجود (نماز) است.

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و .. است - می باشد.

20 - طواف کنندگان، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

21 - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه، از احکام شریعت ابراهیم

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین

## 8- طواف نساء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 9

9 - « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل: « و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ » قال: طواف النساء; »

از امام صادق (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل « و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ » فرمود: [مراد] طواف نسا است».

## 9- مقامات طواف کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل (ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و ... بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

ص: 483



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 31، 30، 7

7 - زیارت کنندگان خانه خدا، باید در مقام ابراهیم، نماز بخوانند.

و اتخذوا من مقام ابرهیم مصلی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

30 - « عن ابی الصباح الكنانی ، قال سألت ابا عبد الله (ع) عن رجل نسی ان یصلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فی طواف الحج و العمره ، فقال : ان کان فی البلد صلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فان الله عز و جل یقول : « و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی » و ان کان قد ارتحل فلا أمره ان یرجع ؛

ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) سؤال کرد درباره کسی که دو رکعت نماز طواف حج و عمره را در مقام ابراهیم (ع) فراموش کرده است، حضرت فرمود: اگر هنوز در شهر مکه است، باید نماز را در مقام ابراهیم (ع) به جا آورد؛ زیرا خداوند عز و جل فرموده: مقام ابراهیم را برای نماز خود قرار دهید و اگر از شهر مکه کوچ کرده است من به او نمی گویم برگرد».

31 - ابن مسکان گوید : « حدثنی من سألہ عن رجل نسی رکعتی طواف الفریضه حتی ینخرج فقال : . . . ان کان جاوز میقات أهل أرضه فلیرجع و لیصلهما فإن الله یقول : « و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی . . . » ؛

به من خبر داد کسی که از او [امام (ع)] سؤال کرد درباره شخصی که دو رکعت نماز فریضه طواف را از روی فراموشی نخوانده و از محل [مکه] خارج شده بود، امام (ع) فرمودند: . . . اگر از میقات حجاج شهرش گذشته باید برگردد و دو رکعت نماز را بخواند؛ زیرا خداوند می فرماید: « و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی . . . » .

1- احکام طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 37،41

37 - تماس بدنی با زن ، بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

او لمستم النساء

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش تماس بدنی داشته است فرمود: لا والله ما بذلك بأس . . . و ما یعنی بهذا «او لمستم النساء» الا المواقعه فی الفرج.

---

تفسیر برهان، ج 1، ص 371، ح 5، 10؛ تهذیب شیخ طوسی، ج 1، ص 22، ح 55، ب 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 485، ح 271؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 243، ح 139.

41 - زمین پاکیزه جایگزین آب ، برای تحصیل طهارت ، اگر چه فقدان آب به طول انجامد .

فتیمموا صعیداً طیباً

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: الصعید الطیب وضوء المسلم ولو الی عشر سنین . . .

«وضوء»، به فتح «واو»، آبی است که با آن شستشو می نمایند.

---

الدر المنثور، ج 2، ص 552، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 5 - 5

5 - طهارت و پاکی اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

حلیت غذاهای اهل کتاب فرع بر طهارت و پاکی آنهاست. زیرا نوعاً خوراکیها دارای رطوبت سرایت کننده است و غالباً با دست ملاقات

می کند. بنابراین اگر اهل کتاب نجس بودند، استفاده از طعام آنها برای مسلمانان جایز نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 37

37 - تماس بدنی با زن بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

اولمستم النساء

ص: 485

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش، تماس بدنی داشته است فرمود: لا والله ما بذلك يأس . . و ما یعنی بهذا «او لامستم النساء» الا المواقعه فی الفرج.

تفسیر برهان، ج 1، ص 371، ح 5؛ تهذیب، ج 1، ص 22، ح 55، ب 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 79 - 9، 1

1 - حرمت دست زدن به نوشته های قرآن بدون طهارت

لا یمسه إلا المطهرون

ضمیر در «لا یمسه»، می تواند به قرآن بازگردد و نیز می تواند راجع به «کتاب مکنون» باشد. در صورت اول جمله «لا یمسه...» انشا در قالب اخبار بوده و مفاد آن نهی از لمس قرآن بدون طهارت می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

9 - «عن ابراهیم بن عبدالحمید عن ابي الحسن (ع) قال المصحف لا تمسه علی غیر طهر و لا جنباً إن الله یقول: «لا یمسه إلا المطهرون»» ;

ابراهیم بن عبدالحمید از امام کاظم(ع) روایت نموده که فرمود: قرآن را بدون طهارت و در حال جنابت مس نکن. .. زیرا خدا فرموده: لا یمسه إلا المطهرون.

## 2- ارزش طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 30

30 - اهمیت و ارزش والای نماز و طهارت

يأیها الذین ءامنوا إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا . . و لكن یرید لیطهرکم

ساقط نشدن نماز در صورت نیافتن آب، دلیل اهمیت نماز و تکرار و تأکید بر طهارت، نشانه اهمیت طهارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 11 - 11

11 - طهارت جسمی و روحی از ارزش های الهی

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

### 3- اهمیت طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 28

28 - حفظ طهارت قلب ، امری لازم و بایسته است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

ص: 486

#### 4- رعایت طهارت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 14 - 6

6 - لزوم پاک نگه داشتن قرآن از هر آلودگی و خباثت

مطهره

#### 5- طهارت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 21، 17، 15

15 - تعلق قطعی اراده خداوند، برای از بین بردن همیشگی هرگونه پلیدی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت

«رجس» در لغت، به چیز پلید گفته می شود (مفردات راغب). «ال» در «البیت» برای عهد و اشاره به بیت نبوت است.

17 - خداوند، اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از هرگونه آلودگی، کاملاً پاک کرده است.

و يطهرکم تطهیراً

21 - «قال علی بن ابی طالب (ع) إن الله فضّلنا أهل البيت و کیف لایكون كذلك و الله عزّوجلّ یقول فی کتابه «إنما یرید الله لیذهب

عنکم الرجس أهل البيت و يطهرکم تطهیراً» فقد طهرنا من الفواحش ما ظهر منها و ما بطن . . . ;

از علی بن ابی طالب (ع) روایت شده که فرمود: خداوند، ما اهل بیت را برتری بخشیده و چرا چنین نباشد در حالی که در قرآن اش می

فرماید: «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس. . .» خداوند، ما را از هرگونه آلودگی، چه آشکار و چه نهان، پاک گردانیده است. . .».

#### 6- طهارت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 5

5 - طهارت و پاکی اهل کتاب

و طعام الذین اتوا الکتب حل لکم

حلیت غذاهای اهل کتاب فرع بر طهارت و پاکی آنهاست. زیرا نوعاً خوراکیها دارای رطوبت سرایت کننده است و غالباً با دست ملاقات می کند. بنابراین اگر اهل کتاب نجس بودند، استفاده از طعام آنها برای مسلمانان جایز نبود.

ص: 487

## 7- طهارت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 55 - 4, 9, 1

1 - توفی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر الله . . . اذ قال الله يا عيسى ائني متوفيك ... فوق الذين كفروا

بنابراینکه «اذ»، متعلق به «مکر الله» باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و . . .

4 - نجات و تطهیر حضرت عیسی (ع) ، توسط خداوند

ائني متوفيك . . . و مطهرک

9 - تنزیه حضرت عیسی (ع) از تهمت های ناروای کافران ، توسط خداوند

و مطهرک من الذين كفروا

بنابراینکه متعلق تطهیر به قرینه آیات سابق، اتهاماتی باشد که به حضرتش زدند و «من»، نشویّه باشد.

## 8- طهارت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 29

29 - اجتناب از مطالبه کردن چیزی از همسران پیامبر ، به صورت رو در رو ، به خاطر حفظ طهارت قلب مؤمنان و همسران پیامبر است .

فسئلوهنّ من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم وقلوبهنّ

## 9- طهارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 2

2 - مسجدالحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام



## 10- طهارت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 29

29 - هدف از تشریح وضو، غسل و تیمم، طهارت مؤمنان و اتمام نعمت الهی به آنان است، نه ایجاد حرج و مشقت.

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا... و لكن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم

ص: 488

## 11- طهارت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 13، 17

13 - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فيها زوج مطهره

17 - « سئل الصادق (ع) عن قول الله عز و جل « لهم فيها أزواج مطهرة » قال : الأزواج المطهرة اللاتي لا يحدثن و لا يحدثن ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عز و جل که می فرماید: «برای مؤمنان در بهشت همسران پاکیزه هست» سؤال شد فرمود: یعنی همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی شوند».

## 12- عبادت و طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 24

24 - ارتباط تنگاتنگ عبادت با طهارت و نظافت

أن طهرا بيتي للطائفين و العكفين و الركع السجود

## 13- مبطلات طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 37

37 - تماس بدنی با زن بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

او لمستم النساء

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش، تماس بدنی داشته است فرمود: لا والله ما بذلك یأس . . و ما یعنی بهذا «او لا مستم النساء» الا المواقعه فی الفرج.

## 14- نواقض طهارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 37

37 - تماس بدنی با زن ، بدون آمیزش جنسی ، ناقض طهارت نیست .

ص: 489

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال درباره کسی که پس از وضو با کنیزش تماس بدنی داشته است فرمود: لا والله ما بذلك بأس . . و ما یعنی بهذا «اولمستم النساء» ألا المواقعه فی الفرج.

تفسیر برهان، ج 1، ص 371، ح 5، 10؛ تهذیب شیخ طوسی، ج 1، ص 22، ح 55، ب 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 485، ح 271؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 243، ح 139.

طهر

### 15- طهر غیر مواقع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 23

23 - «عن النبی (صلی الله علیه و آله) «فطلّقوهنّ لعدّتهنّ» قال: طاهرأ من غیر جماع؛

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره «فطلّقوهنّ لعدّتهنّ» روایت شده که فرمود: [زن باید در حالی طلاق داده شود] که از حیض پاک شده باشد؛ بدون این که در آن پاکی، آمیزشی صورت گرفته باشد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 16

16 - «محمدبن ابی نصر قال: سألت أبا الحسن (ع) . . . فقلت له: فإن طلق علی طهر من غیر جماع بشاهد و امرأتین؟ فقال: لا تجوز شهاده النساء فی الطلاق . . .»

محمدبن ابی نصر گوید: از امام رضا (ع) سؤال نمودم. . . اگر زنی را در پاکی - بدون این که در آن پاکی آمیزشی شده باشد - یک شاهد [مرد] و دو شاهد زن طلاق دهد؟ حضرت فرمود: شهادت زنان در طلاق نافذ و کارساز نیست. . .».

ص: 490

### 1- اجتناب از طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 169 - 11

11 - پرهيز از نعمت هاي حلال و طيب ، استفاده از پليدي ها و حرام خواري ، از كار هاي بد و ناپسند است .

كلو مما في الارض حلالا طيباً .. إنما يأمركم بالسوء و الفحشاء

### 2- اجتناب مسيحيان از طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 157 - 19

19 - يهود و نصارا در پيش از اسلام ، مبتلا به بهره گيري از ناپاكي ها و پرهيز از برخي پاكي ها و پاكيژه ها

يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

مراد از ضمير «هم» در «لهم» و «عليهم» به قرينه «التوريه و الانجيل»، يهود و نصارا است.

### 3- اجتناب يهود از طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 157 - 19

19 - يهود و نصارا در پيش از اسلام ، مبتلا به بهره گيري از ناپاكي ها و پرهيز از برخي پاكي ها و پاكيژه ها

يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

مراد از ضمير «هم» در «لهم» و «عليهم» به قرينه «التوريه و الانجيل»، يهود و نصارا است.

### 4- ارزش طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 100 - 1,3,5,8,9



1 - هرگز بد ها و ناپاک ها به ارزش مساوی با خوب ها و پاک ها نخواهند رسید .

قل لایستوی الخبیث و الطیب

3 - پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لایستوی الخبیث و الطیب

5 - پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های ارزشگذاری اشیاء

قل لایستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخبیث

8 - تنها خردمندان ، دانا به نابرابری پاک و ناپاک و واقف به ارزش برتر پاکیهایند گرچه اندک باشد .

لایستوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله یا ولی الالب

توجه خطاب به صاحبان خرد با اینکه همگان وظیفه دار رعایت تقوا با گرایش به پاکیها و پرهیز از ناپاکیها هستند، می تواند اشاره به این باشد که شناخت پاکی از ناپاکی و درک ارزش برتر پاکیها هر چند از نظر مقدار اندک باشد، تنها از عهده صاحبان عقل و خرد ناب ساخته است.

9 - عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله یا ولی الالب

## 5- استفاده از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 14، 8

8 - بهره گیری از « من » و « سلوی » و روزی های پاکیزه و حلال توصیه خداوند به بنی اسرائیل

کلوا من طیب ما رزقنکم

برداشت فوق با توجه به فعل امر «کلوا» استفاده شده است.

14 - بهره گیری از نعمت ها و روزی های حلال و پاکیزه ، توصیه خداوند به بندگان

کلوا من طیب ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 2

2 - مسلمانان نباید روزی ها و نعمت های پاکیزه را حرام شمرده و خویشان را از منافع آنها محروم سازند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 1

1 - استفاده از طيبات ( چيز های مطبوع و پسندیده ) حلال است .

اليوم احل لكم الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 19، 11، 5، 1

ص: 492



1 - اهل ایمان نباید خویشتن را از بهره‌وری مواهب پاکیزه و حلال الهی منع کنند .

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم

برداشت فوق بر این مبناست که تحریم در «لاتحرموا ..»، تحریم عملی باشد یعنی خودداری کردن و استفاده نبردن از حلالهای الهی بدون اعتقاد به حرمت آن

5 - مؤمنان ، شایسته ترین انسان ها برای بهره جویی از مواهب پاکیزه خداوند

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم

مخاطب قرار دادن اهل ایمان - نه همه مردم - و سپس توصیه به بهره برداری از طیبات، اشاره به این است که تنها مؤمنان شایسته ترین افراد برای بهره مندی از مواهب الهی هستند.

11 - لزوم رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب و طیبات

لاتحرموا .. و لاتعتدوا

بدان احتمال که جمله «لاتعتدوا» توضیحی درباره «لاتحرموا طیبات ما احل الله» باشد نه تأکید و تفسیر آن، یعنی از حلالها استفاده کنید ولی نه به گونه ای که از حد بگذرانید و تجاوز کنید.

19 - افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، عامل محرومیت از محبت خداوند

لاتحرموا .. و لاتعتدوا إنّ الله لایحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 88 - 4

4 - ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه ( در چارچوب احکام و قوانین الهی )

و کلوا مما رزقکم الله حللاً طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که «حللاً طیباً» صفت برای مفعول مطلق محذوف «اکلاً» باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 9

9 - جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه «خالصه» حال است برای «هی» و «یوم القیامه» متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد «الحیاه الدنیا» حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغير هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 24

24 - بهره گیری از نعمت های پاکیزه ، توصیه خداوند به بندگان

كلوا من طیبیت ما رزقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 493

9- بهره‌وری انسان از غذا های پاکیزه و دلپذیر ، از نعمت های خداوند و نشانه های اوست .

والله جعل لكم ... و رزقكم من الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 2

2 - بهره‌گیری از رزق های گوارا و پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

كلوا من طيبات ما رزقكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 2,6

2 - بهره‌وری از نعمت های الهی و تغذیه از غذا های پاکیزه ، توصیه خداوند به یکایک پیامبران

يأيتها الرسل كلوا من الطيبات

از آن جایی که پیامبران الهی به صورت متفرق و جدا جدا و در طول تاریخ فرستاده شده اند، این آیه می تواند به این معنا باشد که: «ما به یکایک پیامبران، توصیه کردیم که از طیبات بهره گیرند و...».

6 - خداوند ، خواهان بهره‌وری انسان ها ، از روزی های حلال و اجتناب از حرام خواری است .

يأيتها الرسل كلوا من الطيبات

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «طیب» در لغت به معنای حلال به کار رود.

## 6- اسلام و طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 23

23 - دین اسلام احیاگر ارزش ها و پاکی ها و به دور از تکالیف شاق و خرافه های اسارتبار است .

يحل لهم الطيبات و يحرم ... و يضع عنهم إصرهم و الأغلال التي كانت عليهم

## 7- انبیا و استفاده از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 52 - 1

1 - یکی بودن شیوه زندگی همه پیامبران ، در بهره گیری سالم و حلال از نعمت های الهی ، کردار نیک و پرستش خدای یگانه

يَأْتِيهَا الرِّسَلُ كُلُّهَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ . . . وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

«هذه» اشاره به طریقه زندگی است که از سوی خدا به یکایک پیامبران توصیه شده بود (یا آیتها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً).  
«أُمَّةً» نیز به معنای طریقه، شیوه و آیین است.

ص: 494

## 8- تحریم طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 13، 12

12 - برخی از مسلمانان صدر اسلام با حرام پنداشتن بعضی از طیبات، از خوردن آنها امتناع می کردند . \*

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ ... إِن كُنتُمْ ءِيَاهِ تَعْبُدُونَ

تأکید خداوند بر مباح بودن طیبات و استفاده از آنها گویای این است که: گروهی از مسلمانان از خوردن برخی از طیبات امتناع می کردند. آیه بعد (إنما حَرَمَ ...) می رساند که امتناع آنان به خاطر اعتقاد به حرمت آن دسته از طیبات بوده است.

13 - زهد گرایی با تحریم طیبات و مواهب الهی بر خویش، امری نابجا و ناشایست .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ ... إِن كُنتُمْ ءِيَاهِ تَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 13، 9، 1

1 - ظلم یهود، موجب حرام گشتن برخی از نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِم طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ

9 - انحراف عمیق یهود از راه خدا و بازداری مردمان از پیوستن به آن، موجب تحریم نعمت های پاکیزه و حلال بر آنان

حَرَّمْنَا عَلَيْهِم طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

ظاهراً کلمه «بصدهم» عطف بر «بظلم» است، یعنی «بظلم من الذین هادوا و بصدهم حرمننا علیهم». گفتنی است که تکرار باء در «بصدهم» اشاره به این دارد که بازداری آنان از راه خدا نیز می توانست نقش مستقلی در تحریم داشته باشد.

13 - گوشت شتر، گاو و گوسفند، طیبات حرام شده بر بنی اسرائیل از سوی خداوند بخاطر ظلم آنان

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِم طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ

امام صادق(ع) درباره «طیبت» در آیه فوق فرمود: ... یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم ....

کافی، ج 5، ص 306، ح 9؛ نورالثقلین، ج 1، ص 572، ح 665.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 4

4 - مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

یاایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم

با توجه به ارتباط این بخش از آیات و بیان احکام قسم در آیه 89 می توان گفت مراد از «لاتحرموا . . .» نهی از تحریم طیبات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 28

28 - سوگند بر تحریم طیبات و لذا ید بر خویشتن ، لغو است و شکستن آن ، مؤاخذة الهی را در پی ندارد .

لایؤاخذکم الله باللغو فی أیمانکم

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که پس از حمد و ثنای الهی، خطاب به اصحابش فرمود: «فما بال اقوام یحرمون علی انفسهم

ص: 495

الطيبات . . . فقاموا هولاء فقالوا يا رسول الله فقد حلفنا على ذلك فانزل الله تعالى «لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم...».

تفسیر قمی، ج 1، ص 180؛ نورالثقلین، ج 1، ص 665، ح 320.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 2

2 - تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم .. والطيبات من الرزق

استفهام در جمله «من حرم ..» استفهام انکار توییخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

### 9- ترک استفاده از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 14

14 - محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی، زیان رسانی به خود آدمی است.

ولا تحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا

چنانچه تحریم طیبات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله «لا تعتدوا» می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله «لا تحرموا ..» باشد یعنی مبادا طیبات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 88 - 10

10 - تحریم مواهب خدادادی بر خویش و یا دیگران و بهره نجستن از آنها خلاف تقواست.

و كلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً و اتقوا الله

امر به تقوا پس از تصریح به اباحه مواهب خدادادی و نهی از تحریم حلالها می تواند اشاره به این باشد که اگر اعتقاد و یا التزام عملی بر خلاف این احکام باشد، به دور از تقواییست.

## 10- حلیت طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 3

3 - خوردن طیبات ( چیز های پاکیزه و ملایم با طبع ) حلال است .

قل احل لكم الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 496



16 - حکم به حلیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از اهداف رسالت اوست .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

17 - هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

18 - امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یأمرهم بالمعروف ... و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

جمله های «یأمرهم و ..» حال برای ضمیر مفعولی در «یجدونه» است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

### 11- طیبات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 1

1 - « منّ و سلوی » ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزلنا علیکم المنّ والسلوی . کلوا من طیب ما رزقناکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت برد (مفردات راغب). «طاب»؛ یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی «طیب»، «حلال» است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

### 12- عوامل تشخیص طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 9

9 - عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لايستوى الخبيث والطيب . . . فاتقوا الله يا اولى الالباب

### 13- كافرين و طبيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - اعراف - 7 - 32 - 9

9 - جواز استفاده مؤمن و كافر از زيباييها و روزيهاي پاكيته خدا در دنيا

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا خالصه يوم القيمه

ص: 497

کلمه «خالصه» حال است برای «هی» و «یوم القیامه» متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد «الحیاه الدنیا» حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغيرهم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

#### 14- گرایش به طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 7,10,17

7 - لزوم رعایت تقوا با پرهیز از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یتوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله

10 - تنها خردمندان زمینه دار دوری جستن از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یتوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله یا ولی الالب

17 - پرهیز از پلید و ناپاک و گرایش به پاکی ها ، زمینه نیل به فلاح و رستگاری

لا یتوی الخبیث و الطیب . . . لعلکم تفلحون

#### 15- مبدأ طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 1

1 - خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینة الله التي أخرج لعباده

#### 16- محرومیت از طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 161 - 10,12,14

10 - رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات \*

فبظلم من الذین هادوا و حرّما علیهم الطیب . . . و أكلهم أموال الناس بالباطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

12 - تحریم طیبات بر تمامی یهود - کافر و مؤمن - و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حَرَمْنَا عَلَيْهِمُ الطَّيِّبَاتِ . . . وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

با توجه به جمله «اعتدنا للکفرین منهم» و جمله «حرمانا علیهم الطیبات» که در یکی کلمه «منهم» آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان - چه کافر و چه مؤمن - طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

14 - آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

ص: 498

فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم .. و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

## 17- مراد از طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 51 - 17، 18

17 - « أبان بن تغلب قال : سألت جعفر بن محمد ( ع ) عن قول الله - عزّ ذكره - : « يا أيّها الرسل كلوا من الطّيّبات ، قال : الرزق الحلال ؛

ابان بن تغلب گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند - عزّ ذكره - «يا أيّها الرسل كلوا من الطّيّبات» سؤال کردم، فرمود: [مراد] روزی حلال است».

18 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) في قوله « يا أيّها الرسل كلوا من الطّيّبات » ( الآية ) قال : ذاك عيسى بن مريم يأكل من غزل أمّه ؛

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) درباره سخن خداوند «يا أيّها الرسل ..» روایت شده است که فرمود: یکی از پیامبران - که از طيبات می خورد - عيسى بن مريم است. او از دستمزد نخ ریسی مادرش ارتزاق می کرد».

## 18- ملاک تشخیص طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 267 - 9

9 - عدم پذیرش و کراهت وجدان آدمی از گرفتن پاره ای اموال ، نشانه ای برای تشخیص نامرغوب از مرغوب

و لا تيمّموا الخبيث منه تنفقون و لستم باخديه

## 19- موارد طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 4 - 18

18 - صيد سگ شکاری تعليم دیده از طيبات است .

احل لكم الطيبات و ما علمتم من الجوارح

عطف «ما علمتم»، عطف خاص بر عام است.

## 20- نعمت طيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 11

11- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

ص: 499

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طيباً واشكروا نعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 6

6 - روزی های الهی ، مواهبی پاکیزه و خوشگوار برای انسان

طیبیت ما رزقنکم

اضافه «طیبات» به «ما رزقناکم» ممکن است بیانیه بوده و گویای این نکته باشد که هر آنچه به شما روزی کرده ایم، طیب و پاکیزه است.

ص: 500

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

